

## صحيفة المهدي (ع)

### جمع الشيخ جواد القیومی

[۱]

صحيفة المهدي (عج) تأليف جواد القیومی الاصفهانی تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة

[۲]

صحيفة المهدي (عج) مؤلف: جواد قیومی اصفهانی قطع: وزیری موضوع: دعا وکلمات امام زمان (عج) نوبت چاپ: دوم محل چاپ: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامي تعداد مجلدات: يك جلد تعداد صفحات: ۳۹۲ تاريخ انتشار: تابستان ۱۳۷۵ تیراژ: ۲۰۰۰ قیمت: ۸۰۰ تومان دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

[۳]

بسمه تعالی دع زیارت، مطلوب ومحبوب رب جلیل است. دعا و نیایش، نوع علی عبادت وخضوع در برابر قادر متعال است. دعا و مناجات با رب متعال - آنها از روی خوف و خشیت از مقام کبریائی حضرت احدیت - مایه آرامش دل وتسکین ضمیر است. دعا، بلا وقضا را بر گردانده ورد می کند. دعا، باعث نجات انسان از اعداء وموجب فور ارزاق است. دعا، وسیله فیض وموجب وصول به مقامات عالیه است. ونیز: زیارت وسیله توسل به پاکان وآبرومندان حضرت احدیت می باشد. وبالاخره: دعا مستجاب می شود: " ادعونی استجب لکم "، أما... حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: " دعا کننده باید دقت کند که کسب او طیب واز مظالم ناس بری باشد ". ونیز می فرماید: "... قال الله تعالی: وعزتي وجلالی لا اجیب دعوة مظلوم دعانی فی مظلمة ظلمها ولاخذ عنده مثل تلك المظلمة ". به عزت وجلال سوگند مستجاب نمی کنم دعای مظلوم را در حالی که مثل همان مظلمه در نزد او باشد مجموعه دهها زیارات وکلماتی که در پیش روی شما است، از منابع وماخذ روایی وحديثی معتبر ومعروف، پوسیله برادر تلاشگر فاضل گرانمایه جناب آقای جواد قیومی ادام الله توفیقاته گرفته وجمع آوری شده است.

[۴]

واز آنجائیکه تمامی این دعاها وکلمات در منابع یاد شده، به کعبه مقصود، هسته مرکزی وجود، صاحب رایت هدی، ومشعل پر فروغ فلاح، منتقم خون الشریف، منتسب ومستند شده، لذا این مجموعه بنام: " صحیفة المهدي (عج) " نام گرفته است. باشد که گام مبارکی باشد، تا مجموعه وصحیفه های دیگر از اختران تابناک عصمت وامامت علیهم السلام، در آیندای - نه چندان دور - به

بوسیله این دفتر، تقدیم عاشقان معارف الهی، از سرچشمه زلال خاندان وحی و رسالت صلوات الله علیهم اجمعین گردد. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

---

[۰]

اهداء کتاب: سزاوار بو که کتاب حاضر را به پیشگاه ولای این واژه ها ودعاها، کعبه مقصود و قبله موعود تقدیم دارم، اما چه کنم که هر چه اندیشیدم شایستگی این جسارت را در خود نیافتم، تابستان موری این اثر را به خاک پای سلیمان اقلیم وجود اهداء نمایم. از این رو آن به پدر و مادر بزرگوار و پر مهری تقدیم می دارم که مرا شیفته آن حضرت و نیاکان گرانقدرش تربیت کردند، و مهر و محبت آنان را با جانم آمیختند، آری پاداش این اثر را به آندو تقدیم می دارم. فرزندان جواد.

---

[۱]

عن الرضا علیه السلام قل في قنوت صلاة الجمعة اللهم اصلح عبدك و حليفك بما اصلحت به انبيائك و رسلك، وحقه بملائكتك و ائمه بروح القدس من عندك، واصلحه من بين يديه و من خلفه رصدا يحفظونه من كل سوء، وابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا، ولا تجعل لاحد من خلقك على وليك سلطانا، واذن له في جهاد عدوك و عدوه، واجعلني من انصاره، انك على كل شئ قدير. مصباح المتعبد: ۳۶۷ جمال الاسبوع: ۲۵۶ بحار الانوار: ۸۹: ۲۵۱

---

[۲]

امام رضا علیه السلام فرمودند در قنوت نماز جمعه بخوان بار خدایا ! کار [ ظهور و قیام پر شکوه ] بنده [ برگزیده ] و خلیفه شایسته ات را بدان وسیله که کار پیام آوران و فرستادگان گرانقدرت را بسامان آوردی، آنگونه که زینده است، بسامان آر، او را [ از سر مهر ] با انبوه فرشتگان بی شمارت در بر گیر، و بوسیله فرشته وحی از جانب خود نیرویش بخش، و از پیش رو و پشت سرش مراقباتی روان ساز، تا او را از هر رخداد بد و ناخوشایند محافظت کنی، و نگرانی و هراسش را به امنیت و آرامش خاطر تبدیل نما، که او تنها تو را می پرستد و نظیر و همتایی برای تو نخواهد گرفت، و به هیچ يك از پدیده ها و آفریدگانت ذره ای چیرگی و اقتدار بزیان دسوت [ و سر رشته دار امور بندگانت ] قرار مده، و اجازه پیکار برضد دشمنان و دشمنانیش را به او عنایت فرما، و مرا از یاران پاکبخته اش قرار ده، که تو [ ای آفریدگار من ] بر انجام هرکاری توانائی.

---

[۳]

ولادت آن اختر تابناک: در پگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری آفتاب عالمتابی رخ نمود که پرتوهای پرتوانش رمق درکالبد انسانیت دمید و مایه هستی کائنات گردید. سرانجام وعده های الهی علیرغم اقدامات منکران حضرتش به وقوع پیوست و حضرت مهدی (علیه السلام) متولد گردید، و کوششهای خلفای اموی و عباسی

ومخالفین آن حضرت که مذبوحانه برای خاموش کردن نور خدا قیام کرده بودند، مفتضحانه به ناکامی کشیده شد. چرا که هر گاه اراده خداوندی بر امری تعلق گیرد کسی توان گردنکشی و مبارزه با آنرا نخواهد داشت، آیا ممکن است وعده های قطعی الهی تحقق نپذیرد، وشیادان زورگو، عنان گسیخته با مقدرات و سرنوشت رقم خورده الهی به پیکار برخیزند؟ باری در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری امام حسن عسکری (علیه السلام) سیماى ملکوتی ودرخشان فرزندش را دید، سیماى فرزندى که سالیان دراز زندگانی خواهد کرد وتمام وعده ها و بشارات الهیه را تحقق خواهد بخشید. امامت آن بزرگوار: آن حضرت فرزند خود را دور از دسترس دشمنان واغیار قرار می داد، و تنها گهگاه شیعیان با فضیلت به حضورش بار می یافتند، تا آنکه در سال ۲۶۰ هجری امام حسن عسکری (علیه السلام) رحلت فرموده و امر

---

[ ۱۰ ]

ولایت الهی به آخرین گوهر تابناک خاندان پیامبر، حضرت صاحب الامر (علیه السلام) رسید. هر چند آن بزرگوار در میان خلق ظاهر نمی شدند اما افراد مورد اعتمادی مرتب خدمت ایشان رسیده و مشکلات شیعیان را عرض نموده و راهنماییها و فرامین آن پرتو فروزنده الهی را به مردم ابلاغ می کردند، این اشخاص که از نظر ایمان و پرهیزکاری و اعتماد و وثوق، سرآمد مسلمانان آن دوره بودند، واسطه بین مردم و آن حضرت بشمار می رفتند و راهنماییها و ارشادات ایشان را به مردم می رساندند. از میان نواب آن حضرت چهار نفر مشهورتر و خاصتر می باشند، که واسطه بین ایشان و عموم مردم بوده و به نواب اربعه معروفند و عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سیمری. غیبت کبرای آن حضرت: نواب اربعه سالیانی واسطه فیض بین امام و مردم بودند، تا آنکه در سال ۳۲۹ هجری این طومار بسته شد و براساس مشیت الهی غیبت کبرای آن حضرت آغاز گردید، همان غیبتی که از مدتها پیش پیامبر و امامان شیعه بدان خبر داده بوده، و مسلمانان در آن دوره آزمایش می شوند، تا هنگامیکه حضرتش بفرمان پروردگار توانا ظهور کرده و لباس تحقق بر آرمانهای الهی بپوشاند. از سال ۳۲۹ هجری که غیبت کبری آغاز می گردد باب نیابت خاصه آن حضرت مسدود می شود، و در دوران غیبت هر کسی ادعای بابیت و نیابت کند بنا به تصریح خود ایشان دروغگوست.

---

[ ۱۱ ]

در احادیث ائمه (علیهم السلام) فائده امام را در زمان غیبت به فائده خورشید، آن هنگام که در پس ابرها قرار دارد تشبیه کرده اند، همچنانکه خورشید در پس ابر نیز سبب حیات و بقای جانداران است امام در حجاب غیبت نیز مایه هستی و دوام جهان آفرینش است. در زمان غیبت بسیاری از افراد به خدمت حضرتش بار یافته و به زیارت آن بزرگوار فائز گشته اند، اما هیچک ادعای نیابت ننموده اند. آری! ایشان آفتاب را به چشمان خود دیده اند و قلبهایشان مالا مال از ایمان به امام عصر (علیه السلام) شده است. این افتخار ویژه برخی از دانشمندان و الامقام شیعه نبوده بلکه بسیاری از مردم پارسا و عامی نیز به این افتخار نائل آمده اند، حتی با کمال تعجب کسانی را می بینیم که در گناهان و اعمال ناشایست غوطه ور بوده اند اما پس از آنکه واقعا پشیمان شده و توبه کرده اند و قلبهایشان از محبت مولای خود لبریز شده به این شرافت کبری رستگار شده اند.

همچنین در دوران غیبت برای افراد و بزرگانی از علمای اسلام توقیعی از جانب آن حجت برحق صادر گردیده که در آنها حل دشواریها و مسائل جدید ذکر و راهنماییهای لازم آمده است. شیعه هم اکنون در دوران غیبت کبرای امام خود بسر برده و حساسترین لحظات خود را می گذرانند. در احادیث آنگاه که از غیبت ولی عصر (علیه السلام) صحبت می شود، به شدت و دشواری این امتحان الهی که همان عدم حضور امام است اشاره شده، چگونگی ایمان این شیعیان را با ایمان آورندگان انگشت شمار نوح پیامبر، که پس از امتحان دشوار بر آن حضرت باقی ماندند، تشبیه شده است.

---

### [ ۱۲ ]

مهدی (علیه السلام) در سائر مذاهب: البته شیعه در این عقیده تنها نیست، بلکه او در این راه پیشتاز کاروانی است که دین پاوران و دیگر مردمان را نیز با مسافتهای کم و زیاد بدنال دارد، زیرا که آرمان پیروزی صالحان در انجام جهان و پیدائی راهبری یگانه و رهنمایی الهی، فصل مشترک تمام یا بیشتر پاورداران به مذاهب راستین خدایی است، و آنچه که شیعه را به کاروان سالاری این قافله رسانده، روشنی افزونتر زوایای این عقیده و چهره درخشان آن در این مکتب می باشد، که ویژگیهای " راهبری "، " رهبری "، " هنگامه ظهور " و دیگر مسائل تشکیل آن حکومت جهانی در تمامی ابعاد آن طرح شده است، و از اینرو است که انتظاری واقعی با برخورداری از آمادگی و تحریک در شیعه بوجود آورده است. جمعی از متفکران بشر در گذشته و حال طرحهایی مشابه را برای آینده پیشنهاد می کنند، که " مدینه فاضله افلاطون " نموداری بر عقیده مندی گذشتگان، " اتوپیا "، " جورجیا " و " کشور خورشید " نمودی از تلاش جاری بشر در تدارک و طرح ریزی آن آینده بهشت گونه است. چرا که تکنولوژی پیشرفته نتوانسته است او را غنی سازد بلکه بر سرگردانی و یأس او افزوده، و می یابد که نیازمند رهبری است تا نابسامانیش را به سامان رساند، و شیعه پیشتاز کاروانیانی است که حل نهایی مسائل جامعه اسلامی را در سایه راهبری الهی می جویند. وظیفه ما در دوران غیبت: ما اکنون در زمان غیبت کبرای آن حضرت قرار گرفته ایم، وظیفه ما

---

### [ ۱۳ ]

چیبست و چه مسئولیتهائی بر دوش ما است ؟ بی گمان اولین وظیفه ما آشنائی با خود آن حضرت است، او را شناخته و به او مأنوس باشیم، شناسایی آن حضرت بقدری پر اهمیت و حساس است که در حدیثی از پیامبر خدا چنین می خوانیم: " هر کس از دنیا رود، در حالیکه نسبت به امام زمانش عرفان و شناخت نداشته باشد، همچون کسی است که در دوران جاهلیت مرده است ". مرگ در دوران جاهلیت یعنی از اسلام و ایمان بی بهره بودن، و پیداست آن کسی که امام زمانش را نشناخته باشد در زمره بی ایمانان معرفی شده است. وظیفه دیگر شیعیان در زمان غیبت مسأله انتظار فرج است که ائمه علیهم السلام مکررا بدان اشاره فرموده اند. " منتظر " کسی است که خود را برای ظهور امام خود آماده کند، ویژگیها و صفات پاوران آن حضرت را دارا باشد و از بدل جان و مال خویش در راه او دریغ نوزد، از اینرو است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: " آنکس که منتظر امر ماست همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غوطه ور باشد. " در حدیثی دیگر از آن حضرت در شأن پاوران حضرتش چنین آمده است: " هرکه شور پآوری قائم را دارد باید انتظار کشد، در حال انتظار پرهیزکارانه عمل

کند و رفتار نیکو و شایسته پیش گیرد، این چنین فردی اگر هم مرگ را در آغوش کشد، وقائم، پس از مرگش قیام نماید، پاداشی همچون یاران و یاوران حضرت را خواهد داشت، پس بکوشید و منتظر

---

[ ۱۴ ]

باشید، (و این کوشش و انتظار) گوارایتان باد ای گروه آمرزیده ! " پس از خدا بخواهیم تا از منتظران امام زمانمان باشیم، اعمال و رفتارمان نیز نشان دهنده درستی ادعایمان باشد، ابتدا خود در مسیر شناسایی حضرتش گام برداریم، و سپس دیگران را نیز دلالت کنیم، منکران و مخالفان حضرتش را ارشاد و راهنمایی نماییم، ویژگیهای یاوران حضرت مهدی (علیه السلام) را داشته و هر لحظه منتظر باشیم تا آن حضرت ظهور کرده، آنگاه جان بی ارزش خود را با فداکردن در قدمش ارزشمند و گرانقدر نماییم. آری ! شیعه در زمان غیبت باید پیوسته در سرش شور او، قلبش مالمال از عشق به او، سینه اش لبریز از محبت او، اندیشه اش جانفشانی در رکاب او، آرزویش دیدار او، دعایش صلوات بر او، نیایشش گشایش فرج او، وجودش یکپارچه سوزوگداز، وهستی اش شعله ای زبانه کشیده از عشق او باشد. و این اثر تلاشی است هر چند ناچیز در جهت شناساندن هرچه بیشتر آنحضرت با این آرزو که تحفه ای باشد درویشانه به پیشگاه سلیمان زمانه. جعلنا الله بحقه من الفائزين بلقائه في غيبته ومن انصاره واعوانه بعد ظهوره جواد قیومی اصفهانی ۱ / ۴ / ۱۳۷۳

---

[ ۱۵ ]

فصل اول نیایشها و ادعیه آن حضرت ۱ - ادعیه آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او ۲ - ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش ۳ - ادعیه آن حضرت در مورد نماز و آنچه بدان ارتباط دارد ۴ - ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهمات ۵ - ادعیه آن حضرت در زوال آندوهها و قضاء حوائج ۶ - ادعیه آن حضرت در پنهان شدن از دشمنان و دفع خطرات ۷ - ادعیه آن حضرت در ماه رجب ۸ - ادعیه آن حضرت در ماه مبارک رمضان ۹ - ادعیه آن حضرت در امور متفرقه ۱۰ - ادعیه آن حضرت در زیارات

---

[ ۱۷ ]

۱ - ادعیه آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او در تسبیح و تنزیه خداوند، در روز هجدهم ما تا آخر آن، در امور دنیا و آخرت، برای نیازمندان و بیماران و سائر مؤمنان، برای گشایش کارها، برای بخشیده شدن گناهان شیعیان.

---

[ ۱۸ ]

(۱) دعاؤه (علیه السلام) في التسبیح لله سبحانه في اليوم الثامن عشر من الشهر الی آخره سبحان الله عدد خلقه، سبحان الله رضی نفسه، سبحان الله مداد کلماته، سبحان الله زنة عرشه، والحمد لله مثل ذلك. (۲) دعاؤه (علیه السلام) في مطالب الدنيا والآخرة اللهم

ارزقنا توفيق الطاعة، وبعد المعصية، وصدق النية، وعرفان الحرمة، واکرمنا بالهدى والاستقامة، وسدد السنننا بالصواب والحكمة، وإملا قلوبنا بالعلم والمعرفة، وطهر بطوننا من الحرام والشبهة، واکفف ایدینا عن الظلم والسرقة، واکفض ابصارنا عن الفجور والخيانة، واکسد اسماعنا عن اللغو والغیبة. وتفضل علی علمائنا بالزهد والنصیحة، وعلی المتعلمین بالجهد والرغبة، وعلی المستمعین بالاتباع

---

[ ۱۹ ]

(۱) دعای آن حضرت در تسبیح وتنزیه خداوند، در روز هجدهم ماه تأخر آن پاک ومنزه است خداوند به تعداد مخلوقاتش، پاک ومنزه است خداوند تا آنگاه که خشنود گردد، پاک ومنزه است خداوند بشمارش موجوداتش، پاک ومنزه است خداوند به اندازه وزن عرش او، وحمد و سپاس مخصوص خداوند است همانند این مقادیر. (۲) دعای آن حضرت در امور دنیا و آخرت بارالها! بما توفیق فرمانبرداری، وپرهیز از گناه و نافرمانی، و نیت پاک و بی آلیش، و شناخت و معرفت به آنچه نزد تو ارزشمند است، عطا فرما، وما را به هدایت و پایداری گرامی دار، و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز، و دل ما را از علم و معرفت لبریز فرما، و شکم ما را از طعام حرام و شبهه ناک پاک بگردان، و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز بازدار، و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ بدار، و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان.

---

[ ۲۰ ]

والموعظة، وعلی مرضی المسلمین بالشفاء والراحة، وعلی موتاهم بالرأفة والرحمة، وعلی مشایخنا بالوقار والسکينة، وعلی الشباب بالانابة والتوبة، وعلی النساء بالحیاء والعفة. وعلی الاغنیاء بالتواضع والسعة، وعلی الفقراء بالصبر والقناعة، وعلی الغزاة بالنصر والغلبة، وعلی الاسراء بالخلایص والراحة، وعلی الامراء بالعدل والشفقة، وعلی الرعية بالانصاف وحسن السیرة. وبارک للحجاج والزوار فی الزاد والنفقة، واقض ما اوجبت علیهم من الحج والعمرة، بفضلک ورحمتک، یا ارحم الراحمین. (۳) دعاؤه (علیه السلام) للفقراء والمرضى والأحیاء والأموات الهی یحق من ناکک، ویحق من دعاک فی البر والبحر، تفضل علی فقراء المؤمنین والمؤمنات بالغنی والثروة، وعلی مرضی المؤمنین والمؤمنات بالشفاء

---

[ ۲۱ ]

و به دانشمندان ما زهد و بی رغبتی به دنیا و نصیحت و خیر خواهی، و به دانش آموزان ما جدیت و شوق و رغبت، و به شنوندگان پیروی و پندپذیری، و به بیماران مسلمان شفا و آسایش، و به مردگان آنان رأفت و رحمت، و به پیرمردان ما وقار و متانت، و به جوانان بازگشت بسوی تو و توبه، و به زنان حیا و عفت عنایت کن. و به ثروتمندان تواضع و سعه صدر، و به فقیران صبر و قناعت، و به رزمندگان نصرت و پایداری، و به اسیران آزادی و آسایش، و به امیران و فرماندهان دادگری و مهربانی، و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما. و به توشه و سرمایه حاج و زائران برکت عنایت کن، و حج و عمره ای که بر آنان واجب ساخته ای را ادا فرما، به فضل و رحمتت ای مهربانترین مهربانان. (۳) دعای آن حضرت برای نیازمندان و بیماران و سایر

مؤمنان پروردگارا ! تو را سوگند می دهم بحق کسی که با تو  
مناجات می کند، و بحق آنکه در خشکی و دریا تو را می خواند، بر  
مردان و زنان مؤمن فقیر بی نیازی و ثروتمندی، و به بیماران از زنان  
و مردان مؤمن شفا

---

[ ۲۲ ]

والصحة، وعلى احياء المؤمنين والمؤمنات باللفظ والكرم، وعلى  
اموات المؤمنين والمؤمنات بالمغفرة والرحمة، وعلى غرباء المؤمنين  
والمؤمنات بالرد الى اوطانهم سالمين غانمين، بحق محمد واله  
اجمعين. (۴) دعاؤه (عليه السلام) لطلب فتح الامور المتضايقة يا من  
إذا تضايقت الامور فتح لنا بابا لم تذهب إليه الاوهام، فصل على  
محمد وال محمد وافتح لاموري المتضايقة بابا لم يذهب إليه وهم، يا  
ارحم الراحمين. (۵) دعاؤه (عليه السلام) لغفران ذنوب شيعتهم  
اللهم ان شيعتنا خلقت من شعاع انوارنا، وبقية طينتنا، وقد فعلوا  
ذنوبا كثيرة، اتكالا على حبا وولايتنا. فان كانت ذنوبهم بينك وبينهم،  
فاصفح عنهم، فقد رضينا، وما كان منها فيما بينهم، وقاص بها عن  
خمسنا،

---

[ ۲۳ ]

وتندرستی، و به زندگان از آنان لطف و بخشایش، و به درگذشتان آنان  
آمرزش و رحمت، و به دورماندگان از وطن از ایشان بازگشت به  
وطنهایشان همراه با سلامتی و موفقیت، تفضل فرما، بحق محمد  
و تمام خاندان او. (۴) دعای آن حضرت برای گشایش کارها ای آنکه  
پس از بسته شدن کارها راه گشایشی از برای ما می گشاید که  
اوهام بدان راه ندارد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و برای  
اموری که مرا در تنگنا قرار داده راه گشایشی قرارده که اندیشه ای  
بدان راه ندارد، ای مهربانترین مهربانان. (۵) دعای آن حضرت برای  
بخشیده شدن گناهان شیعیان پروردگارا ! شیعیان ما از شعاع  
انوارمان و باقیمانده طینت ما آفریده شده اند، و ایشان بر اساس تکیه  
بر محبت و ولایت ما گناهان بسیاری را انجام داده اند. اگر  
گناهانشان بین تو و ایشان مانع ایجاد کرده از آنان درگذر، ما از ایشان  
خشنود شده ایم، و خطاهایی که بین خودشان مرتکب شده اند را

---

[ ۲۴ ]

و ادخلهم الجنة، و زحزحهم عن النار، و لاتجمع بينهم وبين اعدائنا في  
سخطك.

---

[ ۲۵ ]

در برابر خمس ما برایشان ببخشای، و آنان را در بهشت وارد ساز و از  
دوزخ دورگردان، و ایشان را شامل غضبی که بر دشمنانمان رومی  
داری، قرارنده.

---

۲ - ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش در صلوات بر پیامبر و خاندانش در صلوات بر پیامبر و خاندانش، به آل پس.

(۶) دعاؤه (علیه السلام) فی الصلوات علی النبی وآله (علیهم السلام) بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل علی محمد سید المرسلین وخاتم النبیین وحجة رب العالمین، المنتجب فی الميثاق، المصطفى فی الظلال، المطهر من کل آفة، البرئ من کل عیب، المؤمل للنجاة، المرتجى للشفاعة، المفوض إليه دین الله. اللهم شرف بنيانه، وعظم برهانه، وافلج حجته، وارفع درجته، واضئ نوره، وبيض وجهه، واعطه الفضل و الفضيلة، والوسيلة والدرجة الرفیعة، وابعثه مقاماً محموداً، یغبطه به الاولون والآخرین. وصل علی امیر المؤمنین ووارث المرسلین وقائد الغر المحجلین، وسید الوصیین، وحجة رب العالمین، وصل علی الحسن بن علی امام المؤمنین ووارث المرسلین وحجة رب العالمین، وصل علی الحسین بن علی امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب

(۶) دعای آن حضرت در درود بر پیامبر و خاندانش بنام خداوند بخشنده بخشایشگر، پروردگارا ! درود فرست بر محمد برترین فرستاده شده و آخرین پیامبر و حجت پروردگار جهانیان، کسی که در عالم ذرو ميثاق انتخاب گردیده، و در عالم اشباح و سایه ها برگزیده شده است، کسی که از هر آفتی دور، و از هر عیبی منزه می باشد، آنکه امید نجات و شفاعت به او بوده، و دین خداوند باو واگذار شده است. بارها ! بنیادش را بلند، و دلیلش را محکم، و حجتش را روشن، و درجه اش را بلند، و نورش را درخشنده، و رویش را سپید گردان، و به او فضل و مرتبه ای بلند، و رفعت و مقامی برتر عطا فرما، و او را در مرتبه پسندیده ای مبعوث گردان که اولین و آخرین بر او غبطه خورند. [ خداوندا ! ] و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و وارث رسولان و پیشوای سپید رویان و سید اوصیاء و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت

العالمین، وصل علی بن الحسین امام المؤمنین ووارث المرسلین وحجة رب العالمین. وصل علی محمد بن علی امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین، وصل علی جعفر بن محمد امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین، وصل علی بن جعفر امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین. وصل علی بن موسی امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین، وصل علی محمد بن علی امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین، وصل علی بن علی امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین، وصل علی الخلف الهادی المهدي امام المؤمنین، ووارث المرسلین وحجة رب العالمین. اللهم صل علی محمد واهل بيته الائمة الهادين،



والعلماء الصادقين، الابرار المتقين، دعائم دينك، واركان توحيدك،  
وحججك على خلقك، وخلفائك في ارضك،

[ ۳۱ ]

پروردگار جهانیان، ودرود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان  
ووارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. ودرود فرست بر محمد بن  
علی پیشوای مؤمنان ووارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان،  
و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان ووارث رسولان  
و حجت پروردگار جهانیان، ودرود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای  
مؤمنان ووارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. ودرود فرست بر  
علی بن موسی پیشوای مؤمنان ووارث رسولان و حجت پروردگار  
جهانیان، ودرود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان ووارث  
رسولان و حجت پروردگار جهانیان، ودرود فرست بر علی بن محمد  
پیشوای مؤمنان ووارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، ودرود  
فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان ووارث رسولان و حجت  
پروردگار جهانیان. ودرود فرست بر خلف صالح هدایتگر وهدایت  
شده، پیشوای مؤمنان ووارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.  
پروردگارا ! درود فرست بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر هدایت  
شده، دانشمندان راستگوی، نیکان تقوی پیشه، ستونها وپایه های  
توحیدت، و بازگو کنندگان وحیت، و حجت های تو بر آفریدگانت،  
و جانشینان

[ ۳۲ ]

الذین اخترتهم لنفسك، واصطفيتهم على عبادك، وارتضيتهم لدينك،  
وخصصتهم بمعرفتك، وجللتهم بكرامتك، وغشيتهم برحمتك، وربيتهم  
بنعمتك، وغذيتهم بحكمتك، واليستهم نورك، ورفعتهم في ملكوتك،  
وحففتهم بملائكتك، وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله. اللهم صل  
عليه وعليهم، صلاة كثيرة دائمة طيبة، لا يحيط بها الا انت، ولا  
يسعها الا علمك، ولا يحصيها احد غيرك. اللهم وصل على وليك،  
المحيى سنتك، القائم بامرك، الداعي اليك، الدليل عليك، حجتك  
على خلقك، وخليفتك في ارضك، وشاهدك على عبادك. اللهم اعز  
نصره، ومد في عمره، وزين الارض بطول بقائه، اللهم اكفه بغى  
الحاسدين، واعذه من شر الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين،  
وخلصه من ايدي الجبارين. اللهم اعطه في نفسه وذريته، وشيعته  
ورعيته، وخاصته وعامته، وعدوه وجميع اهل الدنيا، ما تقر به

[ ۳۳ ]

تو در زمينت، كسانى كه براى خويش اختيار کرده و بر بندگان  
برگزیدی، و برای دینت پسندیده، و به شناختت اختصاص دادی،  
و جامه کرامت را بر اندامشان پوشانده، و مشمول رحمتشان  
گردانیدی، و به نعمت پرورش داده، و ایشان را سرشار از حکمت خود  
نمودی، و نور خويش را برایشان پوشانده و در اوج ملکوتت بالا بردی،  
و بوسیله فرشتگان آنان را احاطه نموده و به پیامبرت شرافتشان  
بخشیدی. خداوندا ! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی  
جاودانه و بسیار پاکیزه که جز ذات تو آنرا احاطه نکند، و جز علم تو آنرا  
در نیابد، و شمارش آن در توان کسی جز تو نباشد. بار الها ! درود  
فرست بر ولایت که احیاگر سنتت، بپا خاسته به امرت، دعوت کننده  
بسویت، دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر خلقت، و خلیفه ات در

زمینت، وگواه وشاهد تو بر بندگانت می باشد. پروردگارا ! پیرویش را محکم، و عمرش را طولانی نما، وزمین را با طولانی شدن عمرش زینت بخش، خداوندا ! از تجاوز حسودان او را نگهدار، و از شر نیرنگ بازان در پناه خویش مصونش دار، و خواسته های [ شوم ] ستمگران را از او دور فرما، و او را از دست سرکشان رهاساز. بارالها ! در مورد خود و فرزندانش، و شیعیان و دوستدارانش، و خاص و عام او، و دشمنش و تمام اهل دنیا، به او آنچه که

---

[ ۳۴ ]

عینه، و تسر به نفسه، و بلغه افضل ما امله في الدنيا والاخرة، انك على كل شئ قدير. اللهم جدد به ما امتحى من دينك، واحيي به ما بدل من كتابك، واطهر به ما غير من حكمك، حتى يعود دينك به، وعلى يديه، غضا جديدا، خالصا مخلصا، لاشك فيه ولا شبهة معه، ولا باطل عنده ولا بدعة لديه. اللهم نور بنوره كل ظلمة، وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة، واقصم به كل جبار، واخمد بسيفه كل نار، واهلك بعدله كل جائر، واجر حكمه على كل حكم، واذل بسلطانه كل سلطان. اللهم اذل كل من ناواه، واهلك كل من عاداه، وامكر بمن كاده، واستاصل من جحده حقه، واستهان بامره، وسعى في اطفاء نوره، واراد اخماد ذكره. اللهم صل على محمد المصطفى وعلى المرتضى، وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصطفى وجميع الاوصياء، مصايح الدجى، واعلام الهدى، ومنار التقى، و العروة الوثقى، والحبل المتين، والصراط المستقيم.

---

[ ۳۰ ]

چشمش را بآن روشن ساخته و دلش را با آن خرسند گردانی، عطا فرما، و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان، که تو بر هر چیزی توانائی. پروردگارا ! به [ ظهور ] او آنچه از دینت محو شده را تجدید گردان، و هر چه از کتابت تحریف شده را احیا کن، و احکامی که تغییر یافته را آشکار ساز، تا اینکه دین تو باو و بردست او دوباره تازگی و شادابی و خلوص و بی پیرایگی یابد، که شکی در آن نبوده و شبهه ای به آن راه نیافته، و باطلی کنارش نمانده، و بدعتی در پیشگاهش یافت نشود. خداوندا ! به نور او هرتاریکی را روشن، و به استواری او هربدعتی را از جای برکن، و هر گمراهی را با قدرتش منهدم نما، هر سرکشی را با او درهم شکن، و با شمشیرش هراتشی را خاموش ساز، و هر ستمگر را بعدالت او هلاک گردان، و حکمش را بر هر فرمانی برتری ده، و هر سلطه ای را برای حکومتش خوار فرما. بارالها ! هر آنکه با او ستیزه کند را دلیل کن و هر که با او دشمنی ورزد را هلاک گردان، و نیرنگ هر که به او نیرنگ زند را بی اثر ساز، و هر که حقش را انکا ننماید، و امرش را سبک شمارد، و در پی خاموش کردن نورش تلاش کند، و قصد فرونشاندن نامش را داشته باشد را از ریشه برکن. خدایا ! درود فرست بر محمد مصطفی، و علی مرتضی، و فاطمة زهرا، و حسن راضی به قضایت، و حسین برگزیده، و تمام اوصیاء و جانشینان پیامبر، چراغهای روشنگر تاریکی، و نشانه های هدایت، و پرتوهای تقوی، و دستگیره محکم و ریسمان قوی و راه راست.

---

[ ۳۶ ]

وصل على وليك وولاية عهده، والائمة من ولده، ومد في اعمارهم، وزد في احوالهم، وبلغهم اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخره، انك على كل شئ قدير. (٧) دعاؤه (عليه السلام) في الصلوات على النبي وآله (عليهم السلام)، المسمى بدعاء آل يس عنه (عليه السلام) في حديث: إذا اردتم التوجه بنا الى الله تعالى والينا، فقولوا كما قال الله تعالى: سلام على آل يس، السلام عليك يا داعي الله ورباني آياته، السلام عليك يا باب الله وديان دينه، السلام عليك يا خليفة الله وناصر حقه، السلام عليك يا حجة الله ودليل ارادته. السلام عليك يا تالي كتاب الله وترجمانه، السلام

---

### [ ٣٧ ]

ودرود فرست برولى خودت وواليان عهد أو وامامان از فرزندانش، وعمر هایشان را طولانی کرده وبر اجلهایشان بیفزای، وآنان را به آخرین مرحله آرزوهایشان در دنیا وآخرت برسان، که براستی تو بر هر چیز توانائی. (٧) دعای آن حضرت در صلوات بر پیامبران وخاندانش، بنام آل يس سلام بر آل ياسين [ خاندان پیامبر ]، سلام بر تو أي دعوت کننده خلق بسوی خدا، ومظهر آیات الهی واثینه صفات ربانی حق متعال، سلام بر تو أي درگاه [ رحمت ] خدا، وبر پا دارنده دین او، سلام بر تو أي جانشین خدا ونصرت بخش [ دین ] او، سلام بر تو أي حجت خدا ورهنمای بندگان به مقاصد الهی وخواسته های پروردگار. سلام بر تو أي تلاوت کننده کتاب خدا ومفسران، سلام بر تو در تمام

---

### [ ٣٨ ]

عليك في اناء ليلك واطراف نهارك، السلام عليك يا بقية الله في ارضه، السلام عليك يا ميثاق الله الذي اخذه ووكده، السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه. السلام عليك ايها العلم المنسوب والعلم المصوب، والغوث والرحمة الواسعة، وعدا غير مكذوب. السلام عليك حين تقوم، السلام عليك حين تقعد، السلام عليك حين تقرأ وتبين، السلام عليك حين تصلى وتقنت، السلام عليك حين تركع وتسجد، السلام عليك حين تهلل وتكبر، السلام عليك حين تحمد وتستغفر، السلام عليك حين تصبح وتمسى، السلام عليك في الليل إذا يغشى والنهار إذا تجلى. السلام عليك ايها الامام المأمون، السلام عليك ايها المقدم المأمول، السلام عليك بجوامع السلام. اشهدك يا مولاي اني اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، وان محمدا عبده ورسوله، لاحبيب الا هو واهله. واشهدك ان عليا أمير المؤمنين حجتة،

---

### [ ٣٩ ]

ساعات شب وروزت، سلام بر تو أي باقیمانده حجتهای او در زمین، سلام بر تو أي عهد وپیمان خداوند که پروردگار آنرا [ در عالم ارواح ] از خلق گرفت وآنرا محکم وموكد گردانید، سلام بر تو أي وعده تضمین شده خداوند. سلام بر تو أي پرچم افراشته، وعلم موهوبی الهی، وپناه خلق، ورحمت واسعه خدا، که وعده او [ در ظهور وقیام تو ] هرگز تخلف پذیر نیست. سلام بر تو آنگاه که قیام می کنی، سلام بر تو آن هنگام که می نشینی، سلام بر تو آنزمان که [ قرآن را ] خوانده وتفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامیکه به نماز ایستاده وقنوت می خوانی، سلام بر تو در آن هنگام که به رکوع وسجده می

روی، سلام بر تو هنگامیکه لا اله الا الله والله اکبر می گوئی، سلام بر تو در آن هنگام که به ستایش خدا واستغفار می پردازی، سلام بر تو در صبحگاهان وشامگاهانت، سلام بر تو در شب وروز. سلام بر تو ای امام ایمنی بخش، سلام بر تو ای مقدم وای مورد آرزوی مشتاقان، سلام بر تو با تمام جوانب ومراتب سلام وتحیت. ای مولای من ! ترا گواه می گیرم بر اینکه شهادت می دهم که هیچ خدائی جز خدای یکتا نیست، وهیچ شریکی ندارد، واینکه حضرت محمد بنده خدا وفرستاده اوست، وخداوند غیر او وخاندانش حبیب و دوستی ندارد. ای مولایم ! وترا گواه می گیرم که حجتهای خداوند: امیر المؤمنین،

---

[ ۴۰ ]

والحسن حجتته، والحسین حجتته، وعلی بن الحسین حجتته، ومحمد بن علی حجتته، وجعفر بن محمد حجتته، وموسی بن جعفر حجتته، وعلی بن موسی حجتته، ومحمد بن علی حجتته، وعلی بن محمد حجتته، والحسن بن علی حجتته، واشهد انك حجة الله. انتم الاول والاخر، وان رجعتكم حق لاریب فیها، یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تكن امنة من قبل، أو کسبت فی ایمانها خیرا، وان الموت حق، وان ناکرا ونکیرا حق، واشهد ان النشر حق، والبعث حق، وان الصراط حق، والمرصاد حق، والمیزان حق، والحشر حق، والحساب حق، والجنة والنار حق، والوعد والوعید بهما حق. یا مولای شقی من خالفکم، وسعد من اطاعکم، فاشهد علی ما اشهدتک علیه، وانا ولی لک، برئ من عدوک فالحق ما رضیتموه، والباطل ما اسخطتموه، والمعروف ما امرتم به، والمنکر ما نهیتم عنه. فنفسی مؤمنة بالله، وحده لا شریک له، وبرسوله، وبامیر المؤمنین، وبکم یا مولای، اولکم واکرکم،

---

[ ۴۱ ]

وحسن، وحسین، وعلی بن حسین، ومحمد بن علی، وجعفر بن محمد، وموسی بن جعفر، وعلی بن موسی، ومحمد بن علی، وعلی بن محمد، و حسن بن علی می باشند، وشهادت می دهم که تو حجت خداوندی. شما اولین و آخرین [ موجود ] می باشید، ورجعت شما حق است و در آن هیچ شکمی نمی باشد، در آنروز که ایمان هیچکس - اگر پیش از آن روز ایمان نیاورده باشد یا ایمانش باعث کسب خیر نشده باشد - به او سودی نمی دهد، وشهادت می دهم که مرگ حق است، سنجش اعمال حق است، حشر حق است، محاسبه حق است، بهشت و جهنم حق است، وعده به بهشت وترساندن از جهنم حق است. ای مولایم ! شقی وبدبخت کسی است که با شما خاندان رسالت مخالفت کند، وکسی سعادتمند است که طاعت شما را گردن نهد، پس ای مولایم گواهی ده بر آنچه ترا بر آن گواه گرفتم، ومن دوست تو وبیزار از دشمنت می باشم، حق آنست که شما آنرا بپسندید، وباطل آنکه شما بر آن خشم آورید، کار نیکو آنست که شما بدان امر نمائید، وعمل زشت عملی است که شما از آن نهی کنید. پس من به خدای یکتای بی شریک ایمان دارم، وبه پیامبرش وبه امیر مؤمنان وبه همه شما معتقدم، ای مولای من به فرد اول و آخر شما اعتقاد

---

[ ۴۲ ]

ونصرتي معدة لكم، ومودتي خالصة لكم، امين امين. الدعاء عقيب هذا القول: اللهم انى اسألك ان تصلى على محمد، نبى رحمتك، وكلمة نورك، وان تملأ قلبى نور اليقين، وصدري نور الايمان، وفكري نور الثبات، وعزمي نور العلم، وقوتى نور العمل، ولساني نور الصدق، وديني نور البصائر من عندك، وبصرى نور الضياء، وسمعي نور الحكمة، ومودتي نور الموالاتة لمحمد وآله عليهم السلام، حتى القاك، وقد وفيت بعهدك وميثاقك، فتغشيني رحمتك يا ولى يا حميد. اللهم صل على محمد بن الحسن، حجتك في ارضك، وخليفتك في بلادك، والداعى الى سبيلك، والقائم بقسطك والسائر بامرك. ولى المؤمنين، ووار الكافرين، ومجلى الظلمة، ومنير الحق، والناطق بالحكمة والصدق، وكلمتك التامة في ارضك، المرتقب الخائف، والولى الناصح. سفينة النجاة، وعلم الهدى، ونور ابصار الورى، وخير

---

[ ٤٣ ]

داشته وياريم براى شما مهيا است، ودوستيم نسبت به شما خالصانه است، خداوندا همه اين دعاهايم را مستجاب فرما. دعای بعد از اين زيارت: خداوندا ! از تو مى خواهم که بر پیامبر رحمت و کلمه نورانيت درود فرستى، ودلم را از نور يقين، وسينه ام را از نور ايمان، وفکر وانديشه ام را از نور نيات خالصانه، وعزم واراده ام را از نور علم، وتوانم را از نور عمل، وزيانم را از نور صدق وراستى، ودینم را از نور بصيرتها از جانب خود، چشمم را از نور دیدن، گوشم را از نور شنیدن، ودوستيم را از نور دوستى و ولايت محمد وخاندانش - که بر تمامی آنان سلام باد - لبريز فرما، تا اينکه ترا ملاقات کنم، در حالیکه بعهد وپيمانت وفا کرده باشم، وتونيز مرا غرق در رحمت خود گردانى، آي مولا واى ستوده. بارالها ! بر محمد [ امام زمان ]، حجت در زمينت، جانشينت در شهرهايت، دعوت کننده خلق براهت، قيام کننده به اجراى عدالت، وبرانگيزنده مردم به امر تو، درود فرست. او دوست وسرپرست مؤمنان، نابود کننده کافران، فروغ بخش ظلمت وتاريكى، آشکار کننده حق، گویا بحکمت وراستى، کلمه تو در زمينت، مراقب ودر انتظار [ فرمانت ] وخائف وترسان مى باشد. مولای خير خواه، کشتى نجات، ونشانه وراهنماى هدايت، ونوردیدگان

---

[ ٤٤ ]

من تقمص وارتدى، ومجلى الغماء، الذى يملأ الارض عدلا وقسطا، كما ملئت ظلما وجورا، انك على كل شئ قدير. اللهم صل على وليك وابن اوليائك، الذين فرضت طاعتهم، واوجبت حقهم، واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا، اللهم انصره وانتصر به لدينك، وانصر به اولياءك واولياءه، وشيعته وانصاره، واجعلنا منهم. اللهم اعذه من شر كل باغ وطاق، ومن شر جميع خلقك، واحفظه من بين يديه ومن خلفه، وعن يمينه وعن شماله، واحرسه وامنعه من ان يوصل إليه بسوء، واحفظ فيه رسولك وآل رسولك، واطهر به العدل، وايده بالنصر، وانصر ناصريه، واخذل خاذليه. واقصم به جبايرة الكفر، واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين، حيث كانوا، من مشارق الارض ومغاربها، برها وبحرها، واملا به الارض عدلا، واطهر به دين نبيك محمد صلى الله عليه وآله. واجعلني اللهم من انصاره واعوانه، واتباعه وشيعته،

---

[ ٤٥ ]

خلائق، و بهترین فرد که رداى [ امامت ] پوشید، وینا کننده نابینایان است، و او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده باشد، و تو بر هر چیز توانائی. خداوندا ! درود فرست بر ولایت و فرزند اولیائت، آنانکه به اطاعتشان امر کرده و حق آنانرا واجب ساخته، و پلیدی و نقص را از ساحت ایشان زدودی، و پاک و منزهشان قرار دادی، بارالها ! اورا یاری کن و بسبب او دینت را یاری بخش، و بواسطه او دوستانت، و شیعیان و دوستانش و یارانش را امداد نما، و ما را نیز از آنان فراده. خدایا ! تو آن بزرگوار را از شر هر فرد سرکش و طغیانگر، و از شر همه خلق خود در پناهت حفظ نما، و آن حضرت را از پیش رو و از پشت سر، و طرف راست و چپ محفوظ دار، و از رسیدن هر امر ناگوار و آسیب نگهدار، و بسبب او پیامبر و خاندانش را محافظت کرده، و بواسطه او عدل را ظاهر کن، اورا با کمک خود تأیید کرده، یارانش را یاری فرما، و آنانکه از یاری او سرباز زند را بخودشان واگذار. و چپاران کافر را بواسطه او درهم شکن، کافران و منافقان را توسط او بقتل برسان، و تمام ملحدان را در شرق و غرب زمین، و در سرزمینها و دریاهای جهان، بوسیله حضرتش نابود ساز، و به ظهورش زمین را پر از عدل و داد کن، و دین پیامبرت - که درود خدا بر او و خاندانش باد - آشکار فرما. پروردگارا ! مرا از یاران و انصار و پیروان و شیعیان آن حضرت قرار ده،

---

[ ۴۶ ]

وارنى في آل محمد عليهم السلام ما يأملون، و فى عدوهم ما يحذرون، اله الحق أمين، يا ذاالجلال والاکرام، يا ارحم الراحمين. و فى رواية: سلام على آل يس، ذلك هو الفضل المبين، والله ذو الفضل العظيم، لمن يهديه صراطه المستقيم، قد أتاكم الله يا آل يس خلافته و علم مجارى امره، فيما قضاة و دبره، و رتبه و اراده فى ملكوته، فكتشف لكم الغطاء. و انتم خزنته و شهداؤه، و علماؤه و اماناؤه، و ساسة العباد و اركان البلاد، و قضاة الاحكام و ابواب الايمان، و سلاله النبيين و صفوة المرسلين، و عتره خيرة رب العالمين. و من تقديره منائح العطاء بكم انفاذه محتوما مقرونا، فما شئ منا الا و انتم له السبب، و اليه السبيل، خياره لوليككم نعمة، و انتقامه من عدوكم سخطة، فلا نجاة ولا مفزع الا انتم، ولا مذهب عنكم، يا عين الله الناظرة، و حملة معرفته، و مساكن توحيدہ فى ارضه و سمائه.

---

[ ۴۷ ]

و آنچه را که خاندان پیامبر آرزومندند، و آنچه که دشمنانشان از آن در هراسند را به من [ با ظهور مولایم ] بنمایان، ای خدای حق دعایم را مستجاب فرما، ای صاحب جلالت و بزرگواری و بخشش، و ای مهربانترین مهربانان. و در روایت دیگر این دعا اینگونه آمده است: سلام بر آل یاسین [ خاندان پیامبر ]، و این فضل آشکاری است، و خداوند برای کسی که او را به راه راست هدایت کند صاحب فضل عظیم و بزرگ است، ای آل یس خداوند خلافت خود و دانشش و مقدراتش در آنچه در جهان تدبیر فرموده و حکم کرده و اراده نموده، را بشما ارزانی داشت، و حجابها را برای شما بر طرف نمود. و شما خازنان علم او، و گواهان و دانایان و امینان او، و سیاستمداران بندگان، و ارباب شهرها و مجریان احکام، و درهای ایمان، و فرزندان پیامبران، و برگزیدگان رسولان و خاندان برگزیده پروردگار جهانیان می باشید. و از تقدیرات الهی عطای محتوم و لازم اوست برای شما، هیچ چیزی نمی باشد جز آنکه سبب و علت آن شما هستند و راه آن بسوی شماست، اختیار الهی برای دوستان شما نعمت، و غضب او انتقام خداوند از دشمنانتان می باشد، راه نجات و فراری جز شما نبوده

وغير از شما راه فراری نیست، آی چشمان بینای الهی، وحاملان دانش او، وجایگاههای توحید او در زمین و آسمانش.

[ ۴۸ ]

وانت یا مولای ویا حجة الله وبقینته، کمال نعمته، ووارث انبیائه و خلفائه، ما بلغناه من دهرنا، وصاحب الرجعة لوعد ربنا التي فيها دولة الحق وفرجنا، ونصر الله لنا وعزنا. السلام عليك ايها العلم المنصوب، والعلم المصوب، والغوث والرحمة الواسعة، وعدا غير مكذوب، السلام عليك يا صاحب المرأى والمسمع، الذي بعين الله موثيقه، وبيد الله عهوده، وبقدرة الله سلطانه. انت الحكيم الذي لاتعجله الغضبة، والكریم الذي لاتبخله الحفيظة، والعالم الذي لاتجمله الحمية، مجاهدتك في الله ذات مشية الله، ومقارعتك في الله ذات انتقام الله، وصبرك في الله ذو اناة الله، وشركك لله ذومزيد الله ورحمته. السلام عليك يا محفوظا بالله، الله نور امامه وورائه، ويمينه وشماله، ووفقه وتحتة، السلام عليك يا مخزونا في قدرة الله نور سمعه وبصره، السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه، ويا ميثاق الله الذي اخذه ووكده، السلام

[ ۴۹ ]

وتو أي مولای من وای حجت الهی باقیمانده کمال نعمت او، و جاننشین پیامبران و خلفای او در تمامی زمانها، و رجعت کننده، که تحقق بخش وعده الهی در حکومت حق و گشایش ما، و یاریگر ما و عزت بخش ما می باشی. سلام بر تو ای پرچم افراشته، وای دانش سرشار، و پناه و رحمت گسترده، و وعده ای که متحقق خواهد شد، سلام بر تو ای بینا و شنوا، که موثیق او در دیدگاه خدا و عهدهایش بدست او و سلطنتش بیاری اوست. تو حکیمی هستی که غضب او را در انجام کاربه تعجیل وانمی دارد، و بزرگواری هستی که نگاهداشتن چیزی او را بخیل نمی کند، و دانایی هستی که تعصب تو را به جهل دچار نمی سازد، جهاد تو در راه خدا با مشیت الهی توام، و مقاومت تو در راه او انتقام او، و صبر تو در راهش او صبر الهی، و شکر تو در بردارنده رحمت و فضل الهی برای توست. سلام بر توای که در حفاظت خدایی، خداوند نور پیشاپیش و پشت سر، و سمت راست و چپ، و بالا و پائین او می باشد، سلام بر تو ای که نور دیدن و شنیدنش در قدرت الهی نگاهداری شده است. سلام بر تو ای وعده ضمانت شده الهی، ای کسی که پیمان او گرفته شده و مؤکد گردیده است،

[ ۵۰ ]

عليك يا داعی الله وديان دينه، السلام عليك يا خليفة الله وناصر حقه. السلام عليك يا حجة الله ودليل ارادته، السلام عليك يا تالی كتاب الله وترجمانه، السلام عليك في آناء الليل والنهار، السلام عليك يا بقية الله في ارضه، السلام عليك حين تقوم، السلام عليك حين تقعد، السلام عليك حين تقرأ وتبين، السلام عليك حين تصلى وتقتن. السلام عليك حين تركع وتسجد، السلام عليك حين تعوذ وتسيح، السلام عليك حين تهلل وتكبر، السلام عليك حين تحمد وتستغفر، السلام عليك حين تمجد وتمدح، السلام عليك حين تمسى وتصيح. السلام عليك في الليل إذا يغشى وفي النهار إذا تجلى، السلام عليك في الاخرة والاولى، السلام عليكم يا حجج الله

ورعاتنا، وهداتنا ودعاتنا، وقادتنا وائمتنا، وسادتنا وموالينا. السلام  
عليكم انتم نورنا، وانتم جاهنا اوقات صلواتنا، وعصمتنا بكم لدعاتنا  
وصلاتنا، وصيامنا واستغفارنا، وسائر اعمالنا.

[ ۵۱ ]

سلام بر تو أي خواننده بسوی خدا وائینه صفات او، سلام بر تو أي  
خلیفه الهی ویاور حق. سلام بر تو أي حجت الهی ودلیل اراده او،  
سلام بر تو أي خواننده کتاب الهی ومبین آن، سلام بر تو در تمامی  
لحظات شب وروز، سلام بر تو أي باقیمانده خدا در زمینش، سلام بر  
تو آنگاه که بر می خیزی، سلام بر تو آنهنگام که می نشینی،  
سلام بر تو در زمانیکه می خوانی وتفسیر می کنی، سلام بر تو  
هنگامی که نماز خوانده وقنوت می گیری. سلام بر تو آنهنگام که به  
رکوع وسجده می روی، سلام بر تو آنزمان که به خدا پناه برده واورا  
می ستایی، سلام بر تو آنگاه که به وحدانیت او گواهی داده واورا  
تکبیر می گویی، سلام بر تو هنگامی که حمد وستایش او گفته  
واستغفار می کنی، سلام بر تو در آنزمان که به تمجید وتسبیح خدا  
می پردازی. سلام بر تو در شامگاهان وصبحگاهان، سلام بر تو آنگاه  
که تاریکی شب فرا می رسد، وآنگاه که روشنائی روز در جهان پهنه  
می گستراند، سلام بر تو در دنیا وآخرت، سلام بر شما أي حجتهای  
الهی وحافظان ما، و هدایتگران ما وخوانندگان ما بسوی او،  
ورهنمایان وپیشوایان ما. سلام بر شما، شما نور ما وآبروی ما در  
هنگام نماز، وحافظان ما می باشید، ودعاهایمان ونمازها وروزه ها  
واستغفارها، وتمامی اعمالمان از شما می باشد.

[ ۵۲ ]

السلام عليك ايها الامام المأمون، السلام عليك ايها الامام المأمول،  
السلام عليك بجوامع السلام. اشهد يا مولاي اني اشهد ان لا اله الا  
الله وحده لا شريك له، وان محمدا عبده ورسوله، لاحببب الا هو  
واهله. وان أمير المؤمنين حجته، وان الحسن حجته، وان الحسين  
حجته، وان علي بن الحسين حجته، وان محمد بن علي حجته، وان  
جعفر بن محمد حجته، وان موسى بن جعفر حجته، وان علي بن  
موسى حجته، وان محمد بن علي حجته، وان علي بن محمد  
حجته، وان الحسن بن علي حجته، وانت حجته، وان الانبياء دعاة  
وهداة رشدكم. انتم الاول والاخر وخاتمته، وان رجعتكم حق لاشك  
فيها، ولا ينفع نفسا ايمانها لم تكن آمنت من قبل او كسبت في  
ايمانها خيرا. وان الموت حق، وان منكرا ونكيرا حق، وان النشر حق،  
والبعث حق، وان الصراط حق، وان المرصاد حق وان

[ ۵۳ ]

سلام بر تو أي امام امين، سلام بر تو أي امام آرزو کرده شده،  
سلام بر تو با تمامی جوانب سلام. أي مولایم ! گواهی بده که من  
شهادت می دهم به وحدانیت خداوند وعدم شریک برای او، واینکه  
محمد بنده وفرستاده اوست، دوستی برای خدا جز او وخواندانش  
نمی باشد. واینکه امیر المؤمنین وحسن وحسین، وعلی بن حسین  
ومحمد بن علی وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر وعلی بن  
موسى، ومحمد بن علی وعلی بن محمد، وحسن بن علی وتو،  
حجتهای الهی می باشید، و پیامبران خوانندگان وهدایتگران راه  
شمایند. شما اول وآخر وپایان می باشید، رجعت شما حق بوده



وشکی در آن نیست، و [ در آنروز ] که ایمان هیچکس - اگر پیش از آنروز ایمان نیاورده باشد یا در آن خیری کسب نکرده باشد - به او سودی نمی دهد. و مرگ حق است و حسابگران در قبر منکر و نکیر حق می باشند، برانگیختن و مبعوث شدن حق بوده، و صراط و کمینگاه الهی، و میزان

---

[ ۵۴ ]

المیزان حق، و الحساب حق، و ان الجنة حق، و النار حق، و الجزء بهما للوعد والوعيد حق، و انکم للشفاعة حق، لا تردون، و لاتسبقون بمشية الله و بامرہ تعملون. و لله الرحمة و الكلمة العليا، و بيده الحسنی، و حجة الله النعمی، خلق الجن و الانس لعبادته، اراد من عباده عبادته، فشفقي و سعید، قد شقي من خالفكم، و سعد من اطاعكم. و انت يا مولای فاشهد بما اشهدتك عليه، تخزنه و تحفظه لي عندك، اموت عليه و انشر عليه، واقف به و ليا لك، برينا من عدوك، ماقتا لمن ابغضكم، و ادا لمن احببتم. فالحق ما رضيتموه، و الباطل ما سخطتموه، و المعروف ما امرتم به، و المنكر ما نهيتم عنه، و القضاء المثبت ما استأثرت به مشيتكم، و المحو مالا استأثرت به سنتكم. فلا اله الا الله و حده لا شريك له، و محمد عبده و رسوله، على أمير المؤمنين حجة، الحسن حجة، الحسين حجة، على حجة، محمد حجة، جعفر حجة، موسى حجة، على حجة، محمد حجة، على حجة.

---

[ ۵۵ ]

و حسابرسی حق است، و بهشت و جهنم حق و پاداش به ایندو بخاطر وعده و وعید الهی حق است، و شفاعت شما حق است و رد نخواهد شد، از مشیت الهی سبقت نگرفته و به فرمان او عمل می کنید. و رحمت و قدرت از آن اوست، و نیکی و نعمت بدست اوست، جن و انس را برای بندگی خلق کرده و از بندگانش همین انتظار را دارد گروهی شقی وعده ای سعادت مند می شود، شقی کسی است که با شما مخالفت نموده و پیروان شما سعادت مند می باشند. و تو ای مولای من بر آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش، نزد خود از آن نگاهبانی کن، تا بر آن مرده و بر آن برانگیخته شوم، و بر اساس آن بعنوان دوست تو و بیزار از دشمنانت، و متنفر از کسانی که بدخواه شمایند، و دوستدار دوستدارانت معرفی گردم. حق چیزی است که شما از آن خشنود باشید و باطل امری است که مبعوض شما باشد، کار نیک کاری است که بدان امر کرده، و کار زشت عملی است که از آن نهی نموده باشید، و حکم ثابت الهی حکمی است که اراده شما بدان تعلق گرفته، و حکم تغییر پذیر حکمی است که بر اساس راه شما نباشد. پس معبود حقی جز خدا نبوده و شریکی برای او نیست، و محمد بنده و رسول اوست، و علی امیر المؤمنین و حسن و حسین، و علی و محمد

---

[ ۵۶ ]

الحسن حجة، و انت حجة، و انتم حجة و براهینه. انا يا مولای مستبشر بالبيعة التي اخذ الله على، شرطه قتالا في سبيله، اشتري به انفس المؤمنين، فنفسي مؤمنة بالله و حده لا شريك له و برسوله، و بأمير المؤمنين، و بكم يا موالی، اولكم و آخركم، و نصرتي لكم معدة، و مودتي خالصة لكم، و براءتي من اعدائكم، اهل الحردة

والجدال ثابتة لثاركم، انا ولى وحيد، والله اله الحق يجعلني كذلك، أمين أمين. من لى الا انت فيما دنت، واعتصمت بك فيه، تحرسني فيما تقربت به اليك، يا وقاية الله وستره وبركته، اغنني ادنى ادركني، صلنى بك ولا تقطعنى. اللهم بهم اليك توسلي وتقربي، اللهم صل على محمد وآل محمد وصلنى بهم ولا تقطعنى، بحجتك اعصمني وسلامك على آل يس مولاي، انت الجاه عند الله ربك وربى انه حميد مجيد. اللهم انى اسألك باسمك الذى خلقته من ذلك، واستقر فيك، فلا يخرج منك الى شئ ابدأ، ايا كينون ايا

[ ٥٧ ]

وجعفر، وموسى وعلى ومحمد، وعلى وحسن وتو، حجت خدائيد، شما حجج الهى وبرهان ودليل أو هستيد. اى مولاي! از بيعتى كه خداوند از من گرفته، وأن مرگ در راه اوست، كه جان مؤمنين را بدان خريده باشد خرسند مى باشم، پس جانم به خداوند بزرگ كه شريكى ندارد ويه رسول او ويه امير المؤمنين ويه شما اى مواليان من، به اولين وآخرين شما، مؤمن مى باشد ويارى من براى شما آماده ومحبتم تنها براى شماست، وبيازيم از دشمنانتان كه اهل نبرد و جدالند ثابت وبراى انتقام آماده است، من دوستدار شما هستم، وخداوند معبود حق مرا اينگونه قرار مى دهد، خداوندا، اجابت فرما، اجابت فرما. در آنچه بدان معتقد شدم، وبدان چنگ زدم جز تو كسى را ندارم، مرا در آنچه بتو نزديك شدم نگاهبان باش، اى نگاهبان الهى وحجاب او و برکت او مرا بى نياز گردان، نزديك گردان، مرا درياب، مرا بخود متصل گردان ومنقطع نسا. پروردگارا ! توسلم ونزديكيم بسوى تو به آنان است، پروردگارا بر محمد وخاندانش درود فرست ومرا به آنان متصل ساز ومنقطع نكن، ويه حجتت مرا نگاهبان باش، وسلام تو بر آل يس، مولاي من تو نزد خدايت و خداى من ابرومند مى باشى، تو ستوده وبزرگوارى. پروردگارا ! ازتومى خواهم بنامت كه بدان خلق کرده، ودر توبوده ونزد

[ ٥٨ ]

مكون، ايا متعال ايا متقدس، ايا مترحم ايا مترثف ايا متحنن. اسألك كما خلقتة غضا، ان تصلى على محمد نبى رحمتك، وكلمة نورك، ووالد هداة رحمتك، واملا قلبى نور اليقين، وصدري نور الايمان، وفكري نور الثبات، وعزمي نور التوفيق، وذكائى نور العلم، وقوتى نور العمل، ولساني نور الصدق، وديني نور البصائر من عندك، وبصرى نور الضياء، وسمعي نور وعى الحكمة، ومودتي نور الموالة لمحمد وآله عليهم السلام، ونفسي نور قوة البراءة من اعداء محمد واعداء آل محمد. حتى القاك وقد وفيت بعهدك وميثاقك، فلتسعنني رحمتك يا ولى يا حميد، بمراك ومسمعك يا حجة الله دعائى، فوفنى منجزات اجابتي، اعتصم بك، معك معك معك سمعي ورضاي، يا كريم.

[ ٥٩ ]

فرد ديگرى نيست، اى جاودان، اى خالق، اى برتر، اى منزّه، اى مهربان، اى رؤوف، اى نيكي كننده. از تو مى خواهم همچنانكه او را تازه آفريدى، بر محمد پيامبر رحمتت ومخلوق نورانيت، وحد هدايتگران رحمتت درود فرستى، وقلبم را از نور يقين وسينه ام را از نور ايمان، وفكرم را از نور ثبات، وتصميمم را از نور توفيق، وانديشه ام را از نور علم، ونيرويم را از نور عمل، وزبانم را از نور صدق

وراستی، ودینم را از نور بصیرت، ودیدگانم را از نور دیدن، وگوشم را از نور پذیرش حکمت، ودوستیم را از نور دوستی محمد وخاندانش، وجانم را از نور بیزاری از دشمنانشان پر گردان. تا آنگاه که تورا دیدار کنم، ودر حالیکه به عهد ومیثاقت وفا کرده باشم، وپس رحمتت را شامل من گردان، آی دوست، آی ستوده، آی حجت الهی، دعایم در معرض دید تو ودر معرض شنوایی توست، پس حاجت‌هایم را متحقق ساز، بتو پناه برده، با توام با توام با توام، شنیدم وخشوندیم، آی بزرگوار.

---

### [ ۶۱ ]

۳ - ادعیه آن حضرت در مورد نماز آنچه به آن ارتباط دارد. برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر در رکوع نمازهای واجب در قنوت در حال قنوت در تعقیب نمازهای واجب در استخاره در استخاره در نماز حاجت واستخاره

---

### [ ۶۲ ]

(۸) دعاؤه (علیه السلام) للتوجه للصلاة بعد التکبیر وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما، علی ملة ابراهیم ودین محمد وهدی امیر المؤمنین، وما انا من المشرکین. ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین، لا شریک له، وبذلك امرت وانا من المسلمین. اللهم اجعلنی من المسلمین، اعوذ بالله السميع العلیم من الشیطان الرجیم. (۹) دعاؤه (علیه السلام) بعد ذکر الركوع فی الفرائض اللهم صل علی محمد وال محمد وترحم علی عجزنا، واغثنا بحقهم.

---

### [ ۶۳ ]

(۸) دعای آن حضرت برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر چهره ام را بسوی کسی قرار می دهم که آسمانها وزمین را خلق کرد، در حالیکه در راه مستقیم قرار داشته وتسلیم او هستم، وبه دین حضرت ابراهیم ومحمد وهدایت حضرت علی قرار داشته ونسبت بخدا شریکی قرار نداده ام. نماز واعمالم وزندگی ومرگم برای پروردگار جهانیان بوده، شریکی برای او نیست وبدین امر مأمورشده ام واز مسلمانان هستم. پروردگا را ! مرا از مسلمانان قرارده، از شر شیطان رانده شده به خداوند شنوای دانا پناه می برم. (۹) دعای آن حضرت بعد از ذکر رکوع در نمازهای واجب پروردگارا ! بر محمد وخاندانش درود فرست، وبر ناتوانی ما رحم نما، وبه حق آنان بفریادمان برس.

---

### [ ۶۴ ]

(۱۰) دعاؤه (علیه السلام) فی القنوت اللهم صل علی محمد وآل محمد، واکرم اولیاءک بانجاز وعدک، وبلغهم درک ما یأملون من نصرک، واکف عنهم بأس من نصب الخلف علیک، ونمرد بمنعک علی رکوب مخالفتک، واستعان برفدک علی فل حدک، وقصد لکیدک بایدک، ووسعتة حلما لتأخذة علی جهرة، أو تستأصله علی غرة. فانک اللهم

قلت وقولك الحق: " حتى إذا أخذت الأرض زخرفها وازينت وطن أهلها انهم قادرون عليها أتيتها امرنا ليلا أو نهارا فجعلناها حصيدا كأن لم تغن

[ ٦٥ ]

(١٠) دعای آن حضرت در قنوت پروردگارا ! بر محمد و خاندانش درود فرست، و اولیائت را با قطعی ساختن وعده ات گرامی دار، و آنان را به آنچه از یاریت امید دارند برسان، و دشمنی کسی که به مخالفت تو برخاسته، و از محرمات تو سرکشی نموده و آنها را انجام داده، و با کمک عنایات و نعمتهای تو در صدد از هم گسستن حدت برآمده، و با همان نعمتهایت قصد نیرنگ با تو را نموده، و بردباری تو شامل حال او گردیده، را از ایشان بازدار، تا او را آشکار برگیری، یا در حالیکه مغرور شده باشد از ریشه برآوری. پروردگارا ! بدرستیکه توفرموده ای و فرموده است حق است: " آنگاه که زمین سبزی و زینت بخود گرفت و اهل آن گمان کردند بر آن قادر هستند امر ما در شب یا روز فرارسید پس آن را نابود ساختیم گویا که دیروز هیچ

[ ٦٦ ]

بالامس كذلك نفضل الايات لقوم يتفكرون "، و قلت: " فلما اسفونا انتقمنا منهم ". و ان الغاية عندنا قد تناهت، و انا لغضبك غاصبون، و انا على نصر الحق متعاصبون، و الی ورود امرک مشتاقون، و لانجاز وعدك مرتقبون، و لجلول وعيدك باعدائك متوقعون. اللهم فأذن بذلك، و افتح طرقاته، و سهل خروجه، و واطئ مسالکة، و اشرع شرائعه، و ابد جنده و اعوانه، و بادر بأسك القوم الظالمين، و ابسط سيف نقتك على اعدائك المعاندين، و خذ بالثار، انك جواد مكار. (١١) دعاؤه (عليه السلام) في حال القنوت اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء، و تنزع الملك ممن تشاء، و تعز من تشاء، و تذل من تشاء، بيدك الخير انك على كل شئ قدير. يا ماجد يا جواد، يا ذا الجلال و الاكرام، يا بطاش

[ ٦٧ ]

سبزه ای وجود نداشته، این چنین آیات را برای گروهی که اندیشه کنند شرح می دهیم "، و نیز فرموده ای: " پس چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم. " و براستی که آخرین فرصت نزد ما بسرآمده، و ما برای خشم تو غضبناک، بریاری حق هماهنگ، و به آمدن فرمانت مشتاق، و برای تحقق یافتن وعده ات در انتظار بسر برده، و فرود آمدن عذابت را بر دشمنانت خواهانیم. بارالها ! پس در آن امر بما اذن ده، و راههایش را بگشای، و نحوه بیرون آمدن از آن را آسان گردان، و ز مینه های پیمودنش را فراهم نما، و راههای آنرا برویمان بگشای، و سپاهیان و یاورانش را تأیید فرما، و عذابت را بر ستمگران زودتر برسان، و شمشیر نعمت را بر دشمنان معاندت بگستران، و انتقام خونها را بگیر که تو بسیار بخشنده و مکر کننده ای. (١١) دعای آن حضرت در حال قنوت پروردگارا ! ای صاحب ملک هستی، بهر کس که خواهی ملک و سلطنت داده، و از هر که خواهی جامه ملک بدر می کنی، هر که را خواهی عزیز گردانده، و هر کسی را که خواهی ذلیل می گردانی، خیر نیکی در دست توست، براستی که تو بر هر چیز توانائی. ای بزرگوار، ای بخشنده، ای صاحب جلالت و عظمت، ای بسیار

يا ذا البطش الشديد، يا فعالا لما يريد، يا ذا القوة المتين، يا رؤوف يا رحيم، يا لطيف، يا حي حين لاحي. اللهم اسألك باسمك المخزون المكنون، الحي القيوم، الذي استأثرت به في علم الغيب عندك، ولم يطلع عليه احد من خلقك. واسألك باسمك الذي تصور به خلقك في الارحام كيف تشاء، وبه تسوق إليهم ارزاقهم في اطباق الظلمات من بين العروق والعظام. واسألك باسمك الذي الفت به بين قلوب اوليائك، والفت بين الثلج والنار، لا هذا يذيب هذا، ولا هذا يطفئ هذا. واسألك باسمك الذي كونت به طعم المياه، واسألك باسمك الذي اجريت به الماء في عروق النبات بين اطباق الثرى، وسقت الماء الى عروق الاشجار بين الصخرة الصماء. واسألك باسمك الذي كونت به طعم الثمار والوانها، واسألك باسمك الذي به تبدئ وتعيد، واسألك باسمك

سخت گیرنده وصاحب قدرت، أي کسی که هر چه اراده کند انجام پذیرد، أي صاحب نیروی جاودانه، أي مهربان، أي زنده در هنگامیکه هیچ زنده ای وجود نداشته باشد، أي زنده. پروردگارا ! از تو می خواهم به آن اسم پنهان وپوشیده که در عالم غیب نزد خودت قرارداده ای، وهیچ يك از مخلوقات برآن آگاهی ندارند، واز تو می خواهم به آن اسم که به آن مخلوقات را هرگونه که بخواهی در رحمها شکل می دهی، وبه آن اسم روزیهایشان را در چند طبقه تاریخ از میان رگها واستخوانها می فرستی. واز تو می خواهم به آن نامت که با آن میان دلهاى دوستانت الفت داده، ونیز بین یخ وآتش هماهنگی برقرار کرده ای، که نه این آن را آب می کند ونه آن این را خاموش می سازد. وتو را می خوانم به آن نامت که با آن طعم آنها را پدید آورده ای، و تو را می خوانم به آن نامت که با آن آب را در ریشه های گیاهان میان طبقات خاک جاری ساخته ای، وآب را به رگ وریشه در ختان در میان سنگ خارا فرستاده ای. واز تو می خواهم به آن نامت که به آن طعم میوه ها ورنگ آنها را پدید آورده ای، واز تو می خواهم به آن نامی که با آن پدید آورده و باز

الفرد الواحد المتفرد بالوحدانية، المتوحد بالصمدانية واسألك باسمك الذى فجرت به الماء من الصخرة الصماء، وسقته من حيث شئت، واسألك باسمك الذى خلقت به خلقك، ورزقتهم كيف شئت، وكيف شاؤوا. يا من لا تغيره الايام والليالي، ادعوك بما دعاك به نوح حين ناداك فانجيتهم ومن معه، واهلكت قومه، وادعوك بما دعاك به ابراهيم خليلك حين ناداك فانجيتهم وجعلت النار عليه بردا وسلاما. وادعوك بما دعاك به موسى كليمك حين ناداك، ففرقت له البحر فانجيتهم وبنى اسرائيل، واغرقت فرعون وقومه في اليم. وادعوك بما دعاك به عيسى روحك حين ناداك، فانجيتهم من اعدائه واليك رفعتهم، وادعوك بما دعاك به حبيبك وصفيك ونيك محمد صلى الله عليه واله فاستجبت له، ومن الاحزاب نجيتهم، وعلى اعدائك نصرته.

می گردانی، و تو را می خوانم به آن اسم یکتای بی همتای. تو که در وحدانیت یکتاست و در بی نیازی بی همتا. و تو را می خوانم به آن نامت که با آن آب را از سنگ سخت شکافته و از هرجا که اراده نمودی جاری ساخته ای، و تو را می خوانم به آن نامت که با آن خلقت را آفریدی، و هر گونه که خواسته ای و هر طوری که خواسته اند روزیشان داده ای. ای کسی که روزها و شبها او را تغییر ندهند، تو را می خوانم به آنچه نوح تو را با آن خواند، آن هنگام که تو را مخاطب قرارداد، پس او و همراهانش را نجات داده و قومش را هلاک نمودی. و تو را می خوانم به آنچه خلیل تو ابراهیم با آن تو را خواند، آنگاه که تو را مخاطب قرارداد، پس او را نجات داده و آتش را بروی سرد و سلامت نمودی. و تو را می خوانم به آنچه کلیم تو موسی تو را با آن خواند، پس دریا (رودنیل) را شکافتی و او و بنی اسرائیل را نجات داده و فرعون و قومش را در آن غرق ساختی. و تو را می خوانم به آنچه روح تو عیسی تو را با آن خواند، آنگاه که تو را مخاطب قرار داد، پس او را از دشمنان نجات داده و بسوی خودت بالا بردی، و تو را می خوانم به آنچه حبیب تو و برگزیده و پیامبرت محمد، تو را با آن خواند، پس دعایش را اجابت کرده و از احزاب و گروهها نجاتش دادی و بر دشمنان یاریش نمودی.

---

[ ۷۲ ]

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِدَادًا. يَا مَنْ لَا تَغْيِيرَ الْإَيَّامَ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَلَا يَبْرِمُهُ الْحَاجُّ الْمَلْحِينُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَعَقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. يَا مَنْ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ، أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ، وَلَا تَخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنِ أُمَّتِكَ، أَسِيرُ بَيْنَ يَدَيْكَ. سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِيَ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ.

---

[ ۷۳ ]

و از تومی خواهم به آن نامت که هرگاه با آن خوانده شوی اجابت می فرمایی، ای کسی که خلق و امر از آن توست، ای آنکه دانش او همه چیز را فرا گرفته، ای آنکه تعداد همه چیز را می داند. ای آنکه روزها و شبها او را تغییر ندهند، و صداها بر او مشتبه نگردد، زبانها بر او پوشیده نمی ماند، و اصرار کنندگان او را به ستوه درنیاورند. از تو درخواست می کنم که بر برگزیدگان خلقت محمد و خاندانش با برترین درودهایت درود فرستی، و بر تمامی پیامبران و فرستگانت که هدایت را از جانب تو تبلیغ کرده و پیمانهای اطاعتت را محکم نمودند، درود فرستی، و بر بندگان صالحت درود فرست. ای آنکه خلف وعده نمی کنی، وعده ای را که بمن داده ای تحقق بخش و اصحابم را برابرم جمع کرده و آنان را صبور گردان، و مرا بر دشمنان و دشمنان فرستاده ات یاری بخش، و دعایم را نا امید مگردان، که من بنده تو فرزند بنده ات، فرزند کنیزت هستم، اسیر درگاه توام. ای آقای من توهستی که این مقام را بر من منت نهاده ای و از میان بسیاری از مخلوقات بر من تفضل فرموده ای.

اسألك ان تصلى على محمد وآل محمد، وان تنجز لى ما وعدتني، انك انت الصادق، ولا تخلف الميعاد، وانت على كل شئ قدير. (١٢) دعاؤه (عليه السلام) في تعقيب الفرائض اللهم سرحني عن الهموم والغموم ووحشة الصدر ووسوسة الشيطان، برحمتك يا ارحم الراحمين. (١٣) دعاؤه (عليه السلام) في الاستخارة عنه (عليه السلام): يكتب في رقتين: خيرة من الله ورسوله لفلان بن فلان، ويكتب في احدهما: افعل، وفي الاخرى: لا تفعل، ويترك في بندقتين من طين، ويرمى في قدح فيه ماء، ثم يتطهر ويصلى ركعتين، ويدعو عقبيهما: اللهم انى استخيرك خيار من فوض اليك امره،

از تو درخواست می کنم، که بر محمد و خاندانش درود فرستی و آنچه بمن وعده کرده ای را تحقق بخشی، بدرستی که گفتارت صادق بوده و خلف وعده نمی کنی، و بر هر چیز توانائی. (١٢) دعای آن حضرت بعد از نمازهای واجب پروردگارا! مرا از غم و اندوه و بیمناک بودن و وسوسه های شیطان رهایی بخش، برحمتت ای مهربانترین مهربانان. (١٣) دعای آن حضرت در استخاره از آن حضرت روایت شده که فرمود: در دو کاغذ می نویسی: اختیار خداوند و پیامبرش برای فلان پسر فلان، و در یکی می نویسی: بکن، و در دیگری: نکن، سپس آنها را در دو گلوله گلی قرار داده و در قدح آبی می اندازی، آنگاه وضو گرفته و دو رکعت نماز می گذاری، و پس از آن این دعا را می خوانی: پروردگارا! از تو طلب خیر می کنم، طلب خیر کسی که آموزش را بتو

واسلم اليك نفسه، وتوكل عليك في امره، واستسلم بك فيما نزل به امره. اللهم خرلى، ولا تخر على، واعنى ولا تعن على، ومكنى ولا تمكن منى، واهدنى للخير، ولا تضلنى، وارضى بقضائك، وبارك لى في قدرك، انك تفعل ما تشاء، وتعطى ما تريد. اللهم ان كانت الخيرة لى في امرى هذا، وهو كذا وكذا، فمكنى منه واقدرنى عليه، وامرنى بفعله، ووضح لى طريق الهداية إليه. وان كان اللهم غير ذلك فاصرفه عنى الى الذى هو خير لى منه، فانك تقدر ولا اقدر، وتعلم ولا اعلم، وانت علام الغيوب، يا ارحم الراحمين. ثم تسجد سجدة وتقول فيها: استخير الله خيرة في عافية - مائة مرة. ثم ترفع رأسك وتتوقع البنادق، فإذا خرجت الرقعة من الماء فاعمل بمقتضاها، ان شاء الله تعالى.

واگذار کرده و در آنها بتو توکل می کند، و در آنچه بر او وارد شده تسلیم تو می باشد. خداوندا! برای من خیر را اختیار کن نه شر، و مرا یاری نما و از خودت دور نساز، و بمن قدرت عنایت فرما، و بسوی خیر هدایت کن و گمراهم ننما، و نسبت به قضاو قدرت راضی نموده، و مقدرات را بر من مبارک گردان، تو هر چه بخواهی انجام داده و آنچه را بخواهی عطا می فرمایی. خداوندا! اگر خیر و صلاح من در این کار - که این چنین است - می باشد، مرا بر انجام آن یاری ده و قادر ساز،

وامر به انجام آن بنما، وراه هدایت را برایم تبیین فرما. خدایا ! واگر غیر از این می باشد، توجه مرا بسوی کاری که خیر من در آنست، معطوف کن، بدرستکه تو قادر بوده و من توانا نیستم، و آگاه بوده و من آگاه نیستم، و تو دانای پنهانی ها هستی، ای مهربانترین مهربانان. آنگاه سجده کرده و صدبار می گویی: از خداوند طلب خیر همراه با سلامتی می کنم. پس سر برداشته در انتظار بیرون آمدن کاغذها از گلوله های گلی باش، هر کدام که بیرون آمد به مقتضایش عمل نما.

---

[ ۷۸ ]

(۱۴) دعاؤه (علیه السلام) في الاستخارة عنه (عليه السلام): يقرء فاتحة الكتاب عشر مرات، وقله ثلاث مرات والأدون منه مرة، ثم يقرء: " انا انزلناه " عشر مرات، ثم يقرء هذا الدعاء ثلاث مرات: اللهم انى استخيرك لعلمك بعواقب الامور، واستشيرك بحسن ظنى بك في المأمول والمحذور. اللهم ان كان الامر للفلاني قد نيطت بالبركة اعجازه وبيواديه، وحفت بالكرامة ايامه ولياليه، فخرلى فيه، خيرة ترد شموسه ذلولا، وتقعص ايامه سرورا. اللهم اما امر فأتمر واما نهى فانتهى، اللهم انى استخيرك برحمتك خيرة في عافية. ثم يقبض على قطعة من السبحة ويضمر حاجته ويخرج، ان كان عدد تلك القطعة زوجا، فهو افعل، وان كان وترا لا تفعل، أو بالعكس.

---

[ ۷۹ ]

(۱۴) دعای آن حضرت در استخاره از آن حضرت نقل شده: ده مرتبه سوره حمد را می خوانی - و حداقل آن سه بار است و کمتر از آن یکمرتبه می باشد - پس ده بار " انا انزلناه " را خوانده، آنگاه سه بار این دعا را می خوانی: خداوندا ! از تو طلب خیر می کنم، بجهت آنکه تو به سرانجام کارها دانائی، ویا تو مشورت می کنی بجهت گمان نیکویم بتو در آنچه بدان آرزومند وهراسانم. بارالها ! اگر این کار فلانی از اموری است که آغاز و انجامش با برکت توأم، و روزها و شبهایش بکرامت قرین گشته، خداوندا برایم در آن خیر را اختیار فرما، که سختی هایش را به آسانی و روزهایش را به شادمانی خاتمه دهی. پروردگارا ! اگر امر است فرمانبری نموده، و اگر نهی است خود داری کنم، خدا یا از تو طلب خیر می کنم، با رحمتت، خیرجویی در سلامتی کامل. آنگاه نیت کرده و قسمتی از تسبیح را بدست می گیری اگر تعداد آن قطعه زوج است آن کار را انجام ده و اگر فرد است انجام نده، یا بالعکس.

---

[ ۸۰ ]

(۱۵) دعاؤه (علیه السلام) في صلاة الحاجة والاستخارة بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم انى اسألك باسمك الذى عزمتم به على السموات والارض فقلت لهما: اثتيا طوعا أو کرها، قالتا: اتينا طائعين، وباسمك الذى عزمتم به على عصا موسى، فإذا هي تلقف ما يأفكون. واسألك باسمك الذى صرفت به قلوب السحرة اليك حتى قالوا: آمنا برب العالمين، رب موسى وهارون، انت الله رب العالمين، واسألك بالقدرة التى تبلى بها كل جديد، وتجدد بها كل بال. واسألك بكل حق هو لك، وبكل حق جعلته عليك، ان كان هذا الامر خيرا لى في دینی و دنیای و آخرتی، ان تصلى على محمد وآل محمد، وتسلم عليهم تسليما، وتهيأه لى، وتسهله لى، وتلطف لى فيه، برحمتك



یا ارحم الراحمین. وان کان شرا لی فی دینی و دنیا ی و آخرتی ان  
تصلی

---

[ ۸۱ ]

(۱۵) دعای آن حضرت در نماز حاجت و استخاره بنام خداوند بخشنده  
مهربان، پروردگارا از تو می خواهم بنامی که بر آسمانها وزمین حکم  
رانده و به آنان گفتی: با اختیار یا اکراه منقاد و مطیع گردید، گفتند:  
مطیع توهستیم، و بنامت که بر عصای موسی حکم رانده، پس آنگاه  
آنچه ساخته بودند را بلعید. و از تو می خواهم بنامت که قلبهای  
ساحران را بسوی خود معطوف داشته تا آنجا که گفتند: به پروردگار  
جهانیان ایمان آوردیم، پروردگار موسی و هارون، تو پروردگار جهانیان  
هستی، و از تو می خواهم با قدرتی که هر چیز جدید بدان فرسوده  
شده، و هر شیئی فرسوده متجدد می گردد. و از تو می خواهم بتمام  
حقوقی که برای توست و حقوقی که برای خود قرار داده ای، اگر این  
کار در دین و دنیا و آخرت خیر بدنیال دارد، بر محمد و خاندانش درود  
و سلام فرستی و آنرا بر من آماده کرده و سهل و آسان گردانی، و بر  
من در آن لطف و مرحمت نمائی، بدرستی که تو بهترین رحم  
کنندگانی. و اگر بر آن در دین و دنیا و آخرت شر مترتب می باشد بر  
محمد

---

[ ۸۲ ]

علی محمد و آل محمد و تسلّم علیهم تسلیم، وان تصرفه عنی بما  
شئت، و کیف شئت، و ترضینی بقضائک، و تبارک لی فی قدرک، حتی  
لا احب تعجیل شیئی اخرته، ولا تأخیر شیئی عجلته. فانه لا حول ولا  
قوة الا بک، یا علی یا عظیم، یا ذاالجلال والاکرام.

---

[ ۸۳ ]

و خاندانش درود و سلام فرستی، و این کار را بهر نحو و بهر چه که می  
خواهی از من دورداری، و مرا نسبت به قضایت راضی گردانده و  
مقدراتت را بر من مبارک گردانی، تا اینکه تعجیل آنچه آنرا به تأخیر  
انداخته ای و تأخیر آنچه تعجیل آنرا مقدر کرده ای را خواستار نباشم.  
بدرستی که هیچ توان و نیرویی جز با کمک تو وجود ندارد، ای برتر، ای  
بزرگوار، ای دارای جلال و اکرام.

---

[ ۸۴ ]

۴ - ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهمات در شدائد و مهمات،  
معروف به دعای علوی مصری در کارهای مهم، معروف به دعای  
عبرات برای رهائی از دشواریها

---

[ ۸۵ ]

(۱۶) دعاؤه (عليه السلام) في الشدائد والمهمات، المسمى بدعاء العلوي المصري عن محمد بن علي العلوي الحسيني المصري قال: اصابني غم شديد، ودهمني امر عظيم، من قبل رجل من اهل بلدي من ملوكه، فخشيته خشية لم ارج لنفسي منها مخلصا. فقصدت مشهد ساداتي وأبائي (عليهم السلام) بالحائر - الى ان قال: فترائي لي قائم الزمان وولي الرحمان عليه وعلى آياته افضل التحية والسلام، فأتاني وانا بين النائم واليقظان، فقال لي: يا بني خفت فلانا ؟ فقلت: نعم، ارادني بكيك وكيك، فالتجأت الى ساداتي (عليهم السلام) اشكو إليهم ليخلصوني منه. فقال لي: هلا دعوت الله ربك ورب آياتك بالادعية التي دعا بها اجدادي الانبياء (عليهم السلام) حيث كانوا في الشدة فكشف الله عزوجل عنهم ذلك، قلت: وبماذا دعوه لأدعوه به ؟

[ ۸۷ ]

(۱۶) دعای آن حضرت در شدائد و مهمات، معروف به دعای علوی مصری از محمد بن علی علوی حسینی مصری روایت شده که گفت: از طرف یکی از رهبران کشور دچار مشکل بزرگی شده و غم شدیدی مرا فراگرفت، بطوریکه راه فراری از آن متصور نبود. تصمیم گرفتم به کربلا رفته و مشکلم را با امام حسین علیه السلام در میان گذارم، تا آنجا که گوید: در بین خواب و بیداری امام زمان و خلیفه الهی (علیه السلام) را دیدم که فرمود: ای فرزندم از فلان شخص ترسیدی ؟ گفتم: آری، قصد آزارم را دارد، به اولیایم متوسل شدم تا مرا نجات دهند. فرمود: چرا خدایت و خدای پدرانت را بدعای پیامبران نمی خوانی، که آنان این دعا را در هنگام شدت و سختی خوانده و خداوند ناراحتیشان را بر طرف نمود، گفتم: با چه دعائی خدایشان را خواندند تا همان دعا را بخوانم ؟

[ ۸۸ ]

قال (عليه السلام): إذا كان ليلة الجمعة فقم واغتسل وصل صلاتك، فإذا فرغت من سجدة الشكر فقل وانت بارك على ربك، وادع بهذا الدعاء مبتهلا: رب من ذا الذي دعاك فلم تجبه، ومن ذا الذي سألك فلم تعطه، من ذا الذي ناجاك فخيبتك، اوتقرب اليك فابعدته. رب هذا فرعون ذو الاوتاد، مع عناده وكفره وعتوه وادعائه الربوبية لنفسه، وعلمك بانه لا يتوب ولا يرجع ولا يؤوب، ولا يؤمن ولا يخشع، استنجبت له دعاءه، واعطيته سؤله، كرما منك وجودا وقلة مقدار لما سألك عندك، مع عظمه عنده. اخذا بحجتك عليه، وتأكيذا بها حين فجر وكفر، واستطال على قومه وتجبى، ويكفره عليهم افتخر، وبظلمه لنفسه تكبر، وبحلمك عنه استكبر، فكتب وحكم على نفسه، جرأة منه، ان جزاء مثله ان يغرق في البحر، فجزيته بما حكم به على نفسه. الهى وانا عبدك، ابن عبدك وابن امك، معترف

[ ۸۹ ]

فرمود: شب جمعه از خواب برخیز و غسل کرده و نماز گذار، پس از انجام سجده شکر این دعا را درحالی که نشسته ای با تضرع و زاری بخوان: پروردگارا ! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، و چه کسی از تو درخواست نمود و به او عطا نفرمودی، و چه کسی با تو مناجات کرد و او را نا امید ساختی، یا خود را بتو نزدیک نمود و او را دور ساختی. خدایا ! این فرعون جبار است که با عناد

و کفر و سر پیچی و ادعای ربوبیتش، و با علم به اینکه تو به نمی کنی، و بازگشت نمی نماید، و ایمان نمی آورد، و خاضع نمی گردد، دعایش را اجابت کرده و خواسته اش را برآوردی، بجهت بزرگواری وجود و بخشش و کم ارزش بودن خواسته اش در مقابل عظمت تو. تا بر علیه او حجت و دلیل داشته و آنرا تأکید نمائی، در آن هنگام که گناه کرده و کفر می ورزد، بر قومش برتری جسته، و ظلم و تعدی نموده و بسبب کفرش بر آنان افتخار می کند، و بر اثر ستمگریش در حق خویش تکبر نموده، و بجهت بردباریت خود برترین گردید، و بسبب حرأت و جسارتش بر علیه خویش چنین حکم کرد که مجازات او غرق شدن در آبست، و او را بدانچه خود بر علیه خویش حکم نمود مجازات کردی. پروردگارا ! و من بنده تو، پسر بنده تو و پسر کنیز تو بوده و معترف

---

[ ۹۰ ]

لك بالعبودية، مقر بانك انت الله خالقي لا اله لي غيرك، ولا رب لي سواك، مقر بانك ربي واليك اياي، عالم بانك على كل شئ قدير، تفعل ما تشاء، وتحكم ما تريد، لا معقب لحكمك، ولا راد لقضائك، وانك الاول والاخر، والظاهر والباطن. لم تكن من شئ، ولم تب عن شئ، كنت قبل كل شئ، وانت الكائن بعد كل شئ، والمكون لكل شئ، خلقت كل شئ بتقدير، وانت السميع البصير. واشهد انك كذلك، كنت وتكون، وانت حي قيوم، لا تأخذ سنة ولا نوم، ولا توصف بالاهام ولا تدرك بالحواس، ولا تقاس بالمقياس، ولا تشبه بالناس، وان الخلق كلهم عبيدك و اماؤك، وانت الرب ونحن المربوبون، وانت الخالق ونحن المخلوقون، وانت الرازق ونحن المرزوقون. فلك الحمد يا الهى إذ خلقتني بشرا سويا، وجعلتني غنيا مكفيا بعد ما كنت طفلا صبيا، تقوتني من الثدي لبنا مرينا، وغذيتني غذاء طيبا هنيئا، وجعلتني ذكر امثالا سويا.

---

[ ۹۱ ]

به بندگی تو هستم، به خداوندی تو اقرار می کنم و جز تو معبود و پروردگاری ندارم، و به اینکه تو پروردگارم بوده و بازگشتم بسوی توست اعتراف می کنم، می دانم که تو بر هر کار قادری، آنچه بخواهی انجام داده و به آنچه می خواهی حکم می کنی، بازخواست نشده و مانعی در انجام فرامینت ایجاد نمی شود، تو اول و آخر و ظاهر و باطن می باشی. از چیزی خلق نشده و از چیزی جدانمی باشی، قبل از هر موجودی بوده و بعد از همه خواهی بود، و ایجاد کننده هر موجود بوده، همه چیزها را با محاسبه پدید آورده ای، و تو شنوا و بینائی. و گواهی می دهم که این چنین بوده و خواهی بود، و توند و پایداری، خواب و چرت ترا نمی گیرد و با او هام توصیف نشده و باحواس درک نمی شوی، با مقیاسات قیاس نشده و به مردم تشبیه نمی گردی، تمامی مردمان بندگان و کنیزان تواند، و تو پروردگار و ما پرورش یافتگان توایم، تو آفریدگار و ما آفریده های تو، و توروزی دهنده و ما از تو روزیمان را دریافت می داریم. پروردگارا ! تو را سپاس که مرا بصورت بشر خلق کردی، و بعد از آنکه کودکی بیش نبودم مرا بی نیاز گرداندی، از پستان شیر گوارایی بمن روزی کرده و از غذای پاک و پاکیزه بمن خوراندی، مرا مرد نمونه و سالمی قرار دادی.

---

[ ۹۲ ]

فلک الحمد حمدا ان عد لم یحص، وان وضع لم یتسع له شیء، حمدا یفوق علی جمیع حمد الحامدین، ویعلو علی حمد کل شیء، ویفخم ویعظم علی ذلك كله، وکلما حمد الله شیء. والحمد لله كما یحب الله ان یحمد، والحمد لله عدد ما خلق، ووزنه ما خلق، ووزنه اجل ما خلق، ووزنه اخف ما خلق، وبعده اکبر ما خلق، وبعده اصغر ما خلق. والحمد لله حتی یرضی ربنا وبعد الرضا، واسأله ان یصلی علی محمد وآل محمد وان یغفر لی ذنبي، وان یحمد لی امری، ویتوب علی، انه هو التواب الرحیم. الهی وانى ادعوك واسألك باسمك الذی دعاک به صفوتک ابونا آدم، وهو مسئ ظالم حین اصاب الخطیئة، فغفرت له خطیئته، وتبت علیه، واستجبت دعوته، وکنت منه قریبا یا قریب ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی خطیئتي وترضی عنی، فان لم ترض عنی فاعف عنی، فانى مسئ ظالم خاطئ عاص، وقد یعفو السید عن عبده، ولیس براض عنه، وان ترضی عنی خلقک تو را سپاس،

[ ۹۳ ]

سپاسی که بشمارش درنیاید ودر مکانی نگنجد، سپاسی که از تمامی سپاس سپاسگزاران برتریوده واز سپاس هرچیز والاتر باشد، و عظیم تر و فراتر از تمامی اینها وهر چیز که سپاس الهی را بگوید باشد. وسپاس مخصوص خداوند است آنگونه که خدا دوست دارد سپاسگزاری شود، وسپاس از آن اوست به تعداد مخلوقات ووزن آنها، و وزن سنگین ترین وسبکترین آنها، وبشمارش بزرگترین وکوچکترین مخلوقاتش. وسپاس مخصوص خداست تا خشنود گردد وبعد از آن نیز، واز او می خواهیم که بر محمد وخاندانش درود فرستد ومرا مورد آمرزش قرار دهد وکلامم را سپاس گفته وبرمن ببخشد، بدرستی که او تو به پذیر و مهربان است. پروردگارا ! تو را می خوانم بنامت که برگزیده ات پدرما حضرت آدم، در هنگام انجام خطا واحساس گناه تو را بدان نام خواند، وتو خطایش را بخشیده وتوبه اش را پذیرفتی ودعایش را مستجاب کرده، وبه او نزدیک بودی، ای نزدیک، واز تو می خواهیم که بر محمد وخاندانش درود فرستاده وخطایم را ببخشی واز من خشنود شوی، واگر از من خشنود نمی باشی مرا که گناهکار وخطاکار وستمکار به خویش هستم، ببخشی، چرا که مولا بنده اش را مورد بخشایش قرار می دهد در حالیکه از او خشنود نیست،

[ ۹۴ ]

وتمیط عنی حَقِّک. الهی واسألك باسمک الذی دعاک به ادریس، فجعلته صدیقا نبیا، ورفعته مکانا علیا، واستجبت دعاءه وکنت منه قریبا یا قریب، ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل مآبى الی جنتک، ومحلّی فی رحمتک، وتسکننی فیها بعفوک، وتزوجنی من حورها بقدرتک یا قدیر. الهی واسألك باسمک الذی دعاک به نوح إذ نادى ربه وهو انى مغلوب فانتصر، ففتحت ابواب السماء بماء منهمر، وفجرت الارض عیونا، فالتقى الماء علی امر قد قدر، ونجیته علی ذات الواح ودرسر. فاستجبت دعاءه وکنت منه قریبا یا قریب، ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تنجیني من ظلم من یرید ظلمی، وتکف عنی شر کل سلطان جائر، وعدو قاهر، و مستخف قادر، وجبار عنید، وکل شیطان مرید، وانسی شدید، وکید کل مکید، یا حلیم یا ودود. الهی واسألك باسمک الذی دعاک به عبدک

ونیز مخلوقات را از من خشنود گردانی و ضرر شان را از من دور داری. خداوندا ! وتو را می خوانم بنامت که ادریس تورا بدان نام خواند، و او را پیامبری راستگو قرار داده، ومقام بلندی را به او عطا کرده، ودعایش را مستجاب نمودی، وبه او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست وپایانم را به بهشت وجایگاهم را در رحمتت قرارده، وبیا عفوت مرا در بهشت ساکن گردان، وبه قدرتت ای قادر مرا از حور العین تزویج کن. بارالها ! واز تو می خواهم بنامت که نوح در هنگامی که شکست خورده ویاری می خواست تو را بدان نام خواند، وتوبا ران سیل آسا را برایش فرو فرستاده، واز زمین چشمه ها جوشید و آب به اندازه مشخصی بالا آمد وتو او را در کشتی نجات دادی. ودعایش را اجابت کرده وبه او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرست واز ظلم هر ستمگر مرا رها ساخته، وشیر پاد شاهان زورگو ودشمن متسلط وخوار شمرنده قدرتمند، وجبار کینه توز، و هر شیطان رانده شده وانسان خشمگین ونیز کید هر حيله گر را از من دور دار، ای بردبار ای مهربان. خدايا ! واز تو می خواهم بنامت که بنده وپیامبرت صالح تو را بدان

ونبيك صالح، فنجيته من الخسف، واعلننه على عدوه، واستجبت دعاءه، وكنت منه قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وآل محمد وان تخلصني من شر ما يريد بي أعدائي به، وبيغي بي حسادي، وتكفينهم بكفائتك، وتولاني بولائتك، وتهدى قلبي بهداك، وتؤيدني بتقواك، وتبصرني بما فيه رضاك، وتغنيني بغناك يا حلیم. الهی واسألک باسمك الذی دعاك به عبدك ونبيك وخليلك ابراهيم، حين اراد نمرود القاهه في النار، فجعلت النار عليه بردا وسلاما، واستجبت دعاءه، وكنت منه قريبا، يا قريب ان تصلى على محمد وآل محمد وان تبرد عنى حر نارك، وتطفئ عنى لهيبها، وتكفيني حرها، و تجعل نائرة أعدائي في شعارهم ودثارهم، وترد كيدهم في نورهم، وتبارك لى فيما اعطيتنيه، كما باركت عليه و على آله. انك انت الوهاب الحميد المجيد. الهی واسألک بالاسم الذی دعاك به اسماعيل، فجعلته نبيا ورسولا، وجعلت له حرمك منسكا ومسكنا

نام خواند، واو را از فرورفتن در زمین نجات داده وبردشمنش پیروز گردانده، ودعایش را اجابت فرمودی، وبه او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرستاده ومرا از شر دشمنان وحسد حسودان نجات داده، ومرا بكفایت خود كفایت کرده وبه سرپرستی خود سرپرستی فرمائی، وبه هدایتت قلمم را هدایت وبه تقوایت یاریم گردانی، ومرا بدانچه خشنودی تو در آنست راهنمایی فرموده وبه بی نیازیت بی نیاز نمائی، ای مهربان. بارالها ! واز تو می خواهم بنامت که بنده وپیامبر ودوستت ابراهيم در هنگامی که نمرود او را در آتش انداخت تورا بدان نام خواند، وآتش را بر او سرد وآرام گردانده ودعایش را اجابت کردی، وبه او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرستاده وآتش دوزخت را بر من سرد گردانده وزبانه هاي آنرا خاموش واز گرمای آن مرا نجات دهی، و آتش دشمنانم را بخود شان بازگردانده، وكيد شان را دامنگیرشان بنمایى، و آنچه بمن عطا فرموده ای را بر من مبارك گردانی، همچنانکه بر او و پیروانش مبارك گرداندى، بدرستیکه تو بخشنده ستوده وبرتری. خداوندا ! واز

تو می خواهی بنامت که اسماعیل تو را بدان نام خواند، او را پیامبر  
و فرستاده قرار داده، و حرمت را محل عبادت و جایگاه

[ ۹۸ ]

و مأوی، و استجبت له دعاءه رحمة منك و كنت منه قريبا یا قریب، ان  
تصلی علی محمد و آل محمد، وان تفسح لی فی فیری، و تحط عنی  
وزری، و تشدلی ازری، و تغفر لی ذنبی. و ترزقنی التوبة بحط السيئات  
و تضاعف الحسنات، و تكشف البليات، و ریح التجارات، و دفع معرة  
السعایات، انك مجيب الدعوات، و منزل البركات، و قاضي الحاجات،  
و معطي الخيرات، و جبار السماوات. الهی و اسألك بما سألك به ابن  
خليلك الذي نجته من الذبح، و فديته بذبح عظيم، و قلبت له  
المشقص، حتى نأجك موفنا بذبحه، راضيا بأمر والده. و استجبت له  
دعاه، و كنت منه قريبا یا قریب، ان تصلی علی محمد و آل محمد،  
وان تنجيني من كل سوء و بلية، و تصرف عنی كل ظلمة و خيبة  
و تكفيني ما اهمني من امور دنياي و آخرتي، و ما احاذره و اخشاه،  
و من شر خلقك اجمعين بحق آل يس. الهی و اسألك باسمك الذي  
دعاك به لوط، فنجته

[ ۹۹ ]

آرامش او نمودی، و با رحمتت دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک  
بودی، أي نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و قبرم را وسیع و  
گناهانم را آمرزیده، و پشتم را محکم، و خطاهایم را ببخشی. و مرا  
موفق به توبه نمایی، به همراه بخشش گناهان، و مضاعف نمودن  
نیکیها، و برطرف شدن مشکلات، و سود دهی تجارتها، و دفع آثار  
گناهان، بدرستی که شنوای دعاها، و نازل کننده برکات، و دهنده  
حاجات، و عطا کننده خیرات، و قدرتمند آسمانهایم. پروردگارا ! واز تو  
می خواهی بنامت که فرزند دوستت [ اسماعیل ] که او را از کشته  
شدن نجات داده و فدیه بزرگی را در مقابلش قرار دادی، و کارد را  
برایش برگرداندی، و در حالیکه یقین به مرگ داشت واز کار پدرش  
خشنود بود با تو مناجات نموده. و تودعایش را مستجاب و به او نزدیک  
بودی أي نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از هریدی  
و ناراحتی رها ساخته، و هر ظلمت و ناامیدی را از من دورگردانی،  
و تمام امور دنیا و آخرتم و آنچه از آن در هراسم، و شر تمامی  
مخلوقات را کفایت فرمائی، بحق خاندان پیامبر. پروردگارا ! واز تو  
می خواهی بنامت که لوط تورا بدان نام خواند،

[ ۱۰۰ ]

واهلہ من الخسف والهدم والمثل، والشدة والجهد، و اخرجته واهله  
من الكرب العظيم، و استجبت دعاءه، و كنت منه قريبا یا قریب، ان  
تصلی علی محمد و آل محمد وان تأذن بجمع ما شئت من شملی،  
و تقرعيني بولدی و اهلی و مالی، و تصلح لی اموري و تبارك لی فی  
جميع احوالی، و تبلغنی فی نفسي آمالی. و تجیرنی من النار،  
و تكفيني شر الاشرار، بالمصطفين الاخيار الائمة الابرار و نور الانوار،  
محمد و آله الطيبين الطاهرين الاخيار الائمة المهديين والصفوة  
المنتجين، صلوات الله عليهم اجمعين، و ترزقني مجالستهم، و تمن  
علی بمرافقتهم، و توفق لی صحبتهم، مع انبياءك المرسلين،  
و ملائكتك المقربين، و عبادك الصالحين، و اهل طاعتك اجمعين، و حملة  
عرشك و الكروبيين. الهی و اسألك باسمك الذي سألك به يعقوب،

وقد كف بصره، وشتت شمله، وفقد قرّة عينه ابنه، فاستجبت له دعاءه، وجمعت شمله، واقررت عينه، وكشفت ضره.

[ ۱۰۱ ]

أُو وخاندانش را از فرورفتن در زمین و نابودی وهررنج وشدتی رهایی، و آنان را از سختی و مشکلات خارج ساخته و دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی، اَي نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و پراکندگی هایم را مبدل به اجتماع، و چشمانم را به فرزندان و خانواده و اموالم شادمان سازی، و امورم را اصلاح و تمامی احوالم را مبارک گردانده و تمامی آرزوهایم را برآورده. و مرا از آتش رها ساخته و شرّ اشرار را کفایت فرمائی، بحق برگزیدگان نیکان، پیشوایان بزرگوار و نور انوار، محمد و خاندان پاک و پاکیزه و پیشوایان هدایتگر و برگزیده، که درود تو بر تمامی آنان باد، و ما را همنشین ایشان گردان، و همراهی با آنان را بر ما منت گذار، و بما توفیق هم صحبتی با ایشان را عنایت نما، همراه پیامبران فرستاده شده و فرشتگان مقرب و بندگان صالح و فرمانبران درگاهت، و حاملان عرش و فرشتگان درگاهت، بارالها ! واز تو می خواهیم بنامت که یعقوب، در هنگامی که چشمانش کور و زندگیش پراکنده و فرزندش گم شده بود، تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت و خانواده اش را مجتمع و چشمانش را روشن و مشکلیش را بر طرف نمودی.

[ ۱۰۲ ]

و كنت منه قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تأذن لى بجمع ما تبدد من امرى، و تقر عيني بولدى و اهلى و مالى، و تصلح لى شأنى كله، و تبارك لى فى جميع احوالى، و تبلغنى فى نفسى آمالى، و تصلح لى افعالى، و تمن على يا كريم يا ذا المعالى، برحمتك يا ارحم الراحمين. الهى و اسألك باسمك الذى دعاك به عبدك و نبيك يوسف، فنجيته من غيابة الجب، و كشفت ضره، و كفيته كيد اخوته، و جعلته بعد العبودية ملكا، و استجبت دعاءه، و كنت منه قريبا يا قريب ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدفع عنى كيد كل كائد، و شر كل حاسد، انك على كل شئ قدير. الهى و اسألك باسمك الذى دعاك به عبدك و نبيك موسى بن عمران، إذ قلت تباركت و تعاليت: " و نادينا من جانب الطور الايمن و قربناه نجيا "، و ضربت له طريقا فى البحر ييسا، و نجيته و من تبعه من بنى اسرائيل و اعرفت فرعون و هامان و جنودهما، و استجبت له دعاءه و كنت

[ ۱۰۳ ]

و به او نزدیک بودی اَي نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و پریشانی زندگیم را برطرف، و چشمانم را به فرزندان و خانواده و اموالم روشن، و کارهایم را اصلاح، و تمامی لحظات زندگیم را مبارک گردانی، و آرزوهایم را برآورده و کارهایم را اصلاح نمایی، و بر من منت گذار، اَي بزرگوار، اَي صاحب اخلاق نیکو، برحمتت اَي مهربانترین مهربانان. خداوندا ! واز تو می خواهیم بنامت که بنده و پیامبرت یوسف تو را بدان نام خواند، و او را از تاریکیهای چاه نجات داده، و مشکلیش را حل نموده، و کید و مکر برادرانش را بر طرف، و او را بعد از بندگی پادشاه نمودی، و دعایش را مستجاب کرده، و به او نزدیک بودی اَي نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مکر هر حيله گر و شر هر حسودی را از من برطرف سازی، تو بر هر کار قادر و توانائی.

پروردگارا ! واز تو می خواهم بنامت که بنده وپیامبرت موسی بن عمران، آنگاه که فرمودی: " واز جانب طور امین او را خوانده وبخود نزدیک نمودیم "، تو را خواند، وراه خشکی در بین دریا برایش مهیا ساخته و او وپیروانش از بنی اسرائیل را نجات، و فرعون وهامان وبارانشان را

---

[ ۱۰۴ ]

منه قریبا یا قریب. اسألك ان تصلى على محمد وال محمد وان تعيذنى من شر خلقك، وتقريني من عفوك، وتنشر على من فضلك ما تعينني به عن جميع خلقك، ويكون لى بلاغا انال به مغفرتك ورضوانك، يا ولى ولى المؤمنين. الهى واسألك بالاسم الذى دعاك به عبدك ونبيك داود، فاستجبت له دعاه، وسخرت له الجبال يسبحن معه بالعشى والابكار، والطير محشورة كل له اواب، وشددت ملكه، وأتيته الحكمة وفصل الخطاب، والنبت له الحديد، وعلمته صنعة لبوس لهم، وغفرت ذنبه. وكنت منه قريبا يا قریب، ان تصلى على محمد وال محمد وان تسخر لى جميع اموري، وتسهل لى تقديري، وترزقني مغفرتك وعبادتك، وتدفع عنى ظلم الظالمين وكيد الكائدين ومكر الماكربن، وسطوات الفراعنة الجبارين، وحسد الحاسدين، يا امان الخائفين وجار المستجيرين، وثقة الواثقين، وذريعة المومنين، ورجاء المتوكلين، ومعتمد الصالحين يا ارحم الراحمين.

---

[ ۱۰۵ ]

غرق نمودی، ودعايش را اجابت، وبه او نزدیک بودی أي نزدیک. از تو می خواهم که بر محمد وخاندانش درود فرستاده ومرا از شر مخلوقات در امان قرار داده، وعفوت را شامل من گردانی، وفصل خود را بر من ارزانی داری، تا از تمامی مخلوقات بی نیاز گردم ومشمول غفران و خشنودی تو بشوم، أي سرپرست من وسرپرست مؤمنین. بارالها ! واز تو می خواهم بنامی که بنده وپیامبرت داود تو را بدان نام خواند، ودعايش را اجابت، وكوهها را مسخر او گرداندی، که همراه او صبحگاه وشامگاهان تسبیح گفته، وپرندگان در تسخیر او بوده، و پادشاهیش را محکم نموده، وحکمت وقضاوت به او عطا کردی، وآهن را برایش نرم، وصنعت ساختن سپر را به او تعلیم نموده، وخطایش را بخشیدی. وبه او نزدیک بودی أي نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرست وتمام کارهایم را مسخرم گردان، ومقدرات را بر من آسان نما، وغفران و بندگیت را روزیم نما، وظلم ستمکاران وكید دشمنان ومکر حيله گران و قدرتمائی جباران زمان وحسد حسودان را از من دورنما، أي امنیت بخش وحشت زدگان، وای همسایه پناه خواهان، وای محل وثوق معتمدان، أي دستگیره مؤمنان، وای امید امیدواران، وای معتمد صالحان، أي مهربان مهربانان.

---

[ ۱۰۶ ]

الهى واسألك اللهم بالاسم الذى سألك به عبدك ونبيك سليمان بن داود، إذ قال: " رب هب لى ملكا لا يبغي لاحد من بعدى انك انت الوهاب ". فاستجبت له دعاه، واطعت له الخلق، وحملته على الريح، وعلمته منطق الطير وسخرت له الشياطين، من كل بناء وغواص، واخلين مقرنين في الاصفاد، هذا عطاؤك لا عطاء غيرك. وكنت منه قريبا يا قریب ان تصلى على محمد وال محمد وان تهدي



لی قلبی، وتجمع لی شملی، وتکفینی همی، وتؤمن خوفی، وتفک اسری، وتشد ازری، وتمهلنی وتفسنی، وتستجیب دعائی وتسمع ندائی، و لا تجعل فی النار ماوای، ولا الدنيا اکبر همی، وان توسع علی رزقی، وتحسن خلقي، وتعتق رقتي، فانك سيدی و مولای ومؤملي. الهی واسألک اللهم باسمک الذی دعاک به ایوب لما حل به البلاء بعد الصحة، ونزل السقم منه منزل العافية، و الضیق بعدالسعة، فکشفته ضره، ورددت علیه اهله

[ ۱۰۷ ]

پروردگارا ! واز تو می خواهم بنامی که بنده وپیامبرت سلیمان بن داود آنگاه که گفت: " پروردگارا سلطنت وپادشاهی بزرگی بمن عطا فرما که بعد از من به کسی عنایت نمی نمایی بدرستیکه تو عطا کننده هستی "، تو را بدان نام خواند. ودعایش را اجابت ومخلوقات را مطیع او گردانده، وباد را مرکب او فرار داده، وزبان پرندگان را به او تعلیم نمودی، وجن را مسخر او کردی، که گروهی بناء وعده ای غواص وبعضی را به اسارت در آورد، این فضل و احسان تو بود نه عنایت شخص دیگری. وبه او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرست، وقلیم را هدایت کرده، وجانم را از پراکندگی دور دار، وامورم را کفایت وترسم را امنیت بخش، واسارتم را مبدل به رهایی کرده وپشتم را قوی گردان، وبمن مهلت ده، ودعایم را اجابت وسخنم را بشنو، وجهنم را جایگاه ودنیا را مهمترین مقصد من فرارنده، وروزیم را گسترده و اخلاقم را نیکو ومرا از اسارت رهایی بخش، تو آقا ومولا واروزی منی. پروردگا را ! واز تو می خواهم بنامت که ایوب در هنگامی که بعد از سلامتی بلا، وبعد از عافیت بیماری، وبعد از گشایش زندگی سختی بر او مسلط شد، تو را بدان نام خواند، پس ناراحتیش را بر طرف وخانواده

[ ۱۰۸ ]

ومثلهم معهم، حين ناداك داعيا لك، راغبيا اليك، راجيا لفضلك، شاكيا اليك: " رب انى مسنى الضر وانت ارحم الراحمين ". فاستجبت له دعاءه، وكشفت ضره، وكنت منه قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وال محمد وان تكشف ضرى، وتعافيني في نفسي واهلى ومالى وولدى واخواني فيك، عافية باقية شافية، كافية وافرة، هادية نامية، مستغنية عن الاطباء والادوية، وتجعلها شعارى ودنارى، وتمتعنى بسمعي وبصرى، وتجعلهما الوارثين منى، انك على كل شئ قدير. الهى واسألک باسمک الذی دعاک به یونس بن متى في بطن الحوت، حين ناداك في ظلمات ثلاث: ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين وانت ارحم الراحمين. فاستجبت له دعاءه، وانبت عليه شجرة من يقطين، وارسلته الى مائة الف أو يزيدون، وكنت منه قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وال محمد وان تستجيب دعائي

[ ۱۰۹ ]

وهمانند آنرا بدو بخشیدی، در هنگامی که تو را مشتاقانه وبا امیدواری به فضلت خواند وناراحتیش را بر تو عرضه داشت وگفت: " پروردگا را رنج و بلا مرا فراگرفته وتو مهربانترین مهربانان هستی ". پس دعایش را اجابت وناراحتیش را برطرف وبدو نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرست وناراحتیم را برطرف ودر

جانم و خانواده، واموال و فرزندان و برادرانم سلامتی و عافیت عطاکن، عافیتی که جاودانه، کامل، هدایتگر، رشد کننده، ویی نیاز کننده از پزشک و دارو باشد، و آن را در پوست و گوشتم قرارده، و مرا از گوشها و چشمانم بهره مند ساز و تا لحظه مرگ آنها را در سلامتی کامل قرارده، تو بر هرکار قادر و توانائی. بار الها ! واز تو می خواهم بنامت که یونس بن متی در شکم ماهی و در سه تاریکی، تو را بدان نام خواند وگفت: جز تو معبودی نیست ویاک و منزهی و من از ستمکاران هستم و تو مهربانترین مهربانانی. پس دعایش را اجابت و بپوشه کدویی را برایش رویاندی، و او را بسوی صد هزار انسان یا بیشتر فرستادی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را اجابت، و مرا مشمول عفو

---

[ ۱۱۰ ]

و تدارکنی بعفوک، فقد غرقت في بحر الظلم لنفسی و رکبتنی مظالم کثیرة لخلقک علی، وصل علی محمد و آل محمد و استرنی منهم، و اعتقنی من النار، و اجعلنی من عتقائك و طلقائك من النار في مقامی هذا، بمنک یا منان. الهی و اسألك باسمک الذی دعاک به عبدک و نبیک عیسی بن مریم، إذ ایدته بروح القدس، و انطقته فی المهده، فاحیی به الموتی، و ابرأ به الاکمه، و الابرص باذنک، و خلق من الطین کهيئة الطیر فصار طائرا باذنک، و کنت منه قریبا یا قریب، ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفرغنی لما خلقت له، و لا تشغلنی بما قد تکفلته لی، و تجعلنی من عبادک، و زهداک فی الدنیا، و ممن خلقتہ للعافیة، و هنأته بها مع کرامتک، یا کریم یا علی یا عظیم. الهی و اسألك باسمک الذی دعاک به آصف بن برخیا علی عرش ملکه سبأ، فکان اقل من لحظة الطرف، حتی کان مصورا بین یدیه، فلما رأته قیل اهکذا عرشک

---

[ ۱۱۱ ]

گردان، که در دریای ظلم به خویشتن غرق شده، و دیون بسیاری از مخلوقات بر ذمه من می باشد، و بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از آنان پوشیده دار و از آتش جهنم رهایی بخش و در این لحظه از آزادشدگان و رهایی یافتگان از آن قرارده، به منتت ای منت گذار. پروردگارا ! واز تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم، هنگامی که او را به روح القدس تأیید کرده و در گاهواره به سخن درآوردی، تو را بدان نام خواند، پس به فرمان تو مردگان را زنده و بیماران را شفا، واز گل همانند پرنده خلق کرده، و بافرمانت پرنده به پرواز درآمده، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا برای آن کار که خلق کرده ای فارغ گردان، و بدانچه متکفل آن شده ای مشغول نساز، و مرا از بندگان و زاهدان درد دنیا واز کسانی که ایشان را برای سلامتی خلق کرده و آنانرا بدان گرمی داشته ای قرارده، ای بزرگوار ای برتر ای والا تر. بارالها ! واز تو می خواهم بنامت که آصف بن برخیا برای آوردن تخت ملکه سبأ تو را بدان نام خواند، و کمتر از چشم برهم نهادن آنرا منتقل نمود، تا اینکه در جلوی دیدگانش قرار گرفت، آنگاه که آنرا دید گفته شد:

---

[ ۱۱۲ ]

قالت كانه هو. فاستجبت دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وال محمد وان تكفر عنى سيئاتي، وتقبل منى حسناتي، وتقبل توبتي، وتتوب على، وتغنى فقري، وتجبر كسري، وتحىي فؤادي بذكرك، وتحييني في عافية، وتميتني في عافية. الهى واسألك بالاسم الذى دعاك به عبدك ونيك زكريا، حين سألك داعيا راجيا لفضلك، فقام في المحراب ينادى نداء خفيا، فقال: " رب هب لى من لدنك وليا يرثنى ويرث من آل يعقوب واجعله رب رضيا ". فوهبت له يحيى واستجبت له دعاءه، وكنت منه قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وال محمد وان تبقى لى اولادي، وان تمتعني بهم وتجعلني واياهم مؤمنين لك، راغبين في ثوابك، خائفين من عقابك، راجين لما عندك، آيسين مما عند غيرك، حتى تحيينا حياة طيبة، وتميتنا ميتة طيبة، انك فعال لما تريد. الهى واسألك بالاسم الذى سألك به امرأة فرعون آيا

[ ١١٣ ]

تخت تو همين است ؟ گفت: گویا همين باشد. پس دعایش را اجابت ویه او نزدیک بودی أي نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست وگناهانم را بر من ببخشای، ونیکبایم را قبول، و توبه ام را پذیرفته، وفقرم را مبدل به بی نیازی، وشکستگیم را جبران فرما، و قلبم را بنامت زنده ومرا در سلامتی زنده بدار وبمیران. خداوندا ! واز تو می خواهم بنامی که بنده وپیامبرت زکریا تو را بدان نام خواند، در هنگامی که خواهنده وامیدوار به فضل وبخششت، در محراب عبادت با صدای آهسته تو را مخاطب قرار داد وگفت: " پروردگارا بمن فرزندی عطا فرما که وارث من وخاندان یعقوب باشد واز او خشنود باش ". پس په او يحيى را بخشیده ودعایش را اجابت کرده، ویه او نزدیک بودی أي نزدیک، بر محمد وخاندانش درود فرستاده وفرزندانم را برابم باقی گذار ومرا از آنان بهره مند ساز، ومن وایشان را از مؤمنين به او، و مشتاقان ثوابت، وترسندگان از عقابت، وامیدواران به آنچه نزد توست، و مایوسان از آنچه نزد غیر توست قرارده، تا اینکه ما را زنده نگاه داری به زندگانی پاکیزه، وبمیرانی مردن پاکیزه، تو بر هر کار قادری. پروردگارا ! واز تو می خواهم بنامی که همسر فرعون تو را بدان نام خواند،

[ ١١٤ ]

اذقالت: " رب ابن لى عندك بيتا في الجنة ونجنى من فرعون وعمله ونجنى من القوم الظالمين ". فاستجبت لها دعاءها وكنت منها قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وال محمد وان تقر عيني بالنظر الى جنتك واوليائك، وتفرحنى بمحمد واله، وتؤسنى به وبآله، وبمصاحبتهم ومرافقتهم، وتمكن لى فيها، و تنجينى من النار وما اعد لاهلها من السلاسل والاعلال و الشدائد والانكال وانواع العذاب بعفوك. الهى واسألك باسمك الذى دعتك عبدتك وصديقتك، مريم البتول وام المسيح الرسول، إذ قلت: " ومريم ابنت عمران التى احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت من القانتين ". فاستجبت دعاءها، وكنت منها قريبا يا قريب، ان تصلى على محمد وال محمد، وان تحصننى بحصنك الحصين، وتحجينى بحجابك المنيع، وتحزرنى بحزرك الوثيق، وتكفينى بكفايتك الكافية، من شر كل طاع،

[ ١١٥ ]

آنگاه که گفت: " پروردگارا خانه ای در بهشت برایم آماده نما، و مرا از فرعون و کار او رهاساز و از گروه ستمکاران نجات ده ". پس دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و چشمانم را با دیدن بهشت و اولیائت روشن و به محمد و خاندانش مرا شادمان گردان، و یا آنان و همنشینان و نزدیکان با ایشان مرا مأنوس نما، و مرا در بهشت مستقر کرده، و از آتش آنچه برای اهل آن از غل و زنجیرها و انواع عذابها و عقابها آماده نموده ای با عفو نجات ده. خداوندا ! و از تو می خواهم بنامت که بنده و راستگویت مریم بتول و مادر حضرت عیسی تو را بدان نام خواند، آنگاه که گفتم: " و مریم دختر عمران که فرحش را محافظت نموده و مادر آن از روحمان دمیدیم و کلمات پرودگارش و کتابهای او را تصدیق کرده و از عابدان گردید ". و دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در پناه محکم خود قرار ده و در حجاب خود مستور بدار، و به حرز محکم خود محفوظ نما، و به کفایت کافی ات مرا از

---

[ ۱۱۶ ]

و ظلم کل باغ، و مکر کل ماکر، و غدر کل غادر، و سحر کل ساحر، و جور کل سلطان جائر، بمنعک یا منیع. الهی و اسألك بالاسم الذی دعاک به عبك و نبيك و صفيك و خيرتك من خلقك، و امينك على وحيك، و يعيثك الى بريتك، و رسولك الى خلقك، محمد، خاصتك و خالصتك، صلى الله عليه و اله وسلم. فاستجبت دعاءه و ابدته بجنود لم يروها، و جعلت كلمتك العليا، و كلمة الذين كفروا السفلى، و كنت منه قريبا يا قريب ان تصلى على محمد و آل محمد، صلاة زاكية، طيبة نامية، باقية مباركة، كما صليت على ابيهم ابراهيم و آل ابراهيم، و بارك عليهم كما باركت عليهم، و سلم عليهم كما سلمت عليهم، و زدهم فوق ذلك كله زيادة من عندك. و اخلطنى بهم، و اجعلني منهم، و احشرنى معهم، و في زميرتهم حتى تسقينى من حوضهم، و تدخلني في جملتهم، و تجمعننى و اياهم، و تقر عينى بهم، و تعطينى سؤلى، و تبلغننى امالى في دينى و دنياى و آخرتى، و محياى

---

[ ۱۱۷ ]

شر هرستمگر، و ظلم هر تجاوزگر، و مکر هر حيله گر، و نیرنگ هر نیرنگ باز، و سحر هر ساحر، و ستم هر سلطان ستمگر کفایت فرما، به قدرتت ای قدرتمند. پروردگارا ! و از تو می خواهم بنامی که بنده و پیامبر، و بر گزیده و منتخب از مخلوقات، و امین بر و حیت، و مبعوث به بندگانت، و فرستاده ات بسوی مردم، محمد، بنده ویژه و خالص تو که درودهایت بر او و خاندانش باد تو را بدان نام خواند. پس دعای او را اجابت و به لشکریانی که دیده نمی شد او را یاری کردی، و حق را برتر و باطل را ضعیف و خوار گرداندى، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودى پاک و پاکیزه، و رشد کننده و جاودانه و مبارک، همچنانکه بر جدشان ابراهيم و خاندانش درود فرستاده، و برایشان مبارك گرداندى، و سلام فرست برایشان همچنانکه بر آنان سلام فرستادى، و از جانب خود برایشان افزون فرما. و مرا در زمره ایشان و بهمراه آنان فرارده و یا آنها و در زمره ایشان محشور فرما، تا اینکه از حوض آنان مرا سیراب کرده، و در زمره آنان داخل فرمائى، و یا آنان مجتمع گردانده و چشمانم را به ایشان روشن گردانى، و خواسته ام را اجابت و آرزوهایم را در دین و دنیا و آخرت

ومماتي، وتبلغهم سلامي، وترد على منهم السلام، وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته. الهى انت الذى تنادى في انصاف كل ليلة: هل من سائل فاعطيه، ام هل من داع فاجيبه، ام هل من مستغفر فاغفر له، ام هل من راج فابلغه رجاءه، ام هل من مؤمل فأبلغه امله. ها انا سائلك بفنائك، ومسكينك ببابك، وضعيفك ببابك، وفقيرك ببابك، ومؤملك بفنائك، اسالك نائلك، وارجو رحمتك، واؤمل عفوك، والتمس غفرانك. فصل على محمد وال محمد واعطني سؤلى، وبلغني املى واجبر فقري، وارحم عصياني، واعف عن ذنوبي، وفك رقبتني من مظالم لعبادك ركبتني، وقو ضعفى، واعز مسكنتني، وثبت وطأتني. واغفر جرمي، وانعم بالي، واكثر من الحلال مالى، وخر لى في جميع اموري وافعالني، ورضني بها، وارحمني ووالدي وما ولدا، من المؤمنين والمؤمنات، والمسلمين

وزندگى ومرگ عطا فرمايى، وسلامم را به آنان رسانده وجواب سلام ايشان را بمن برگردانى، ودرود ورحمت وبركتهات برايشان باد. خداوندا ! تو كسى هستى كه در نيمه هاي هر شب ندا مي كنى: آيا خواهنده آي هست كه به او عطا كنم، آيا خواننده آي هست كه دعايش را اجابت كنم، آيا استغفار كننده آي هست كه او را ببخشم، آيا اميدواري هست كه اميدش را بر آورم، آيا آرزومندي هست تا او را به آرزويش برسانم. من در درگاه تو ايستاده وخواهنده تو ام، بيجاره درگاهت هستم، ناتوان وفقير توام، آرزومند درگاهت، اميدوار فضل ورحمتت، وآرزومند عفو ومغفرتت، وخواهنده غفران وبيخش توام. پس پر محمد وخاندانش درود فرست وخواستته ام را عطا، و آرزويم را برآور، فقرم را جبران، وبه عصيان وسر كشي ام رحم نما، واز گناهانم درگذر، وانچه از بندگانت بر ذمه من هست را بر من ببخشاى، و ضعفم را تقويت، وبيچارگي ام را مبدل به عزت، وجايگاهم را محكم گردان، وگناههم را مورد بخشايش قرار ده، وفكرم را رشد، وما لم را از حلال افزون فرما. ودر تمام كارها واعمالم خير مقدر كن، ومرا بدان راضى وخشنود گردان، ومرا وپدر ومادرم وفرزندانشان، ازآنان ومردان مؤمن ومسلمان،

والمسلمات، الاحياء منهم والاموات، انك سميع الدعوات. والهمنى من برهما ما استحق به ثوابك والجنة، وتقبل حسناتهما، واغفر سيئاتهما، واجزهما باحسن ما فعلا بي ثوابك والجنة. الهى وقد علمت يقينا انك لا تأمر بالظلم ولا ترصاه، ولا تميل إليه ولا تهواه، ولا تحبه ولا تغشاه، وتعلم ما فيه هؤلاء القوم من ظلم عبادك، وبغيهم علينا، وتعديهم بغير حق ولا معروف، بل ظلما وعدوانا، وزورا وبهتانا. فان كنت جعلت لهم مدة لايد من بلوغها، أو كتبت لهم اجالا ينالونها، فقد قلت وقولك الحق ووعدك الصدق: " يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب ". فانا اسالك بكل ما سالك به انبيائك ورسلك، واسالك بما سالك به عبادك الصالحون وملائكتك المقربون ان تمحو من ام الكتاب ذلك، وتكتب لهم الاضحلال والمحق.

زنده یا مرده ایشانرا بیامرز، تو شنونده دعاها می باشی. واز نیکی کردن به پدر و ما در آنچه مرا مستحق ثواب تو و بهشتت می کند بمن الهام کنی، نیکبهای ایشان را قبول و گناهانشان را ببخشی، و ایشان را در مقابل بهترین عملی که نسبت بمن انجام داده اند پاداش و بهشت عطا کن. خداوندا! یقین دارم که به ستم کردن امر نکرده و بدان خشنود نمی باشی، و میل به آن نداشته و آنرا نمی خواهی و دوست نداری، این گروه را می بینی که به ظلم و ستم بندگان، و تعدی و تجاوز بنا حق و ظالمانه و دشمنانه و خصمانه بر علیه ما مشغولند. اگر برای ایشان مدت وزمانی تعیین کرده ای که باید آنرا بپایان رسانند، یا اجلهایی را بر ایشان معین ساخته ای که باید بدانها برسند، خود فرموده ای و سخن تو حق و وعده ات صادق است که: " خداوند آنچه بخواهد را محویا تثبیت می کند و کتاب تغییر ناپذیر نزد اوست. " پس من از تو می خواهم بتمامی آنچه پیامبران و رسولانت ترا بدانها خواسته اند، واز تو می خواهم بدانچه بندگان صالحت و فرشتگان مقربیت از تو طلب کرده اند، که این مقدرات را از کتاب تغییر ناپذیرت محو کرده، و بر ایشان اضمحلال و نابودی را رقم زنی.

---

[ ۱۲۲ ]

حتی تقرب اجالهم، و تقضی مدتهم، و تذهب ایامهم، و تبتیر اعمارهم، و تهلك فجارهم، و تسلط بعضهم علی بعض، حتی لا تبقی منهم احدا، و لا تنجی منهم احدا، و تفرق جموعهم، و تكل سلاحهم، و تبدد شملهم، و تقطع اجالهم، و تقصر اعمارهم، و تزلزل اقدامهم، و تطهر بلادك منهم، و تطهر عبادك علیهم. فقد غیروا سنتك، و نقضوا عهدك، و هتكوا حریمك، و اتوا ما نهیتهم، و عتوا عتوا کبیرا، و ضلوا ضلالا بعیدا. فصل علی محمد و آل محمد و اذن لجمعهم بالشتات، و لحيهم بالممات، و لازواجهم بالنهب، و خلص عبادك من ظلمهم، و اقبض ایدیهم عن هضمهم، و طهر ارضك منهم، و اذن بحصد نباتهم، و استئصال شافتهم، و شتات شملهم، و هدم بنیانهم، یا ذا الجلال و الاکرام. و اسألك یا الهی و اله کل شیء، و ربی و رب کل شیء، و ادعوك بما دعاك به عبدك و رسولك، و نبیك و صفیاك، موسی و هارون، حین قالوا داعیین لك، راجیین لفضلك:

---

[ ۱۲۳ ]

تا اجلهایشان نزدیک و مدتشان بسر آمده و ایامشان بپایان رسیده و عمر شان تمام شود، و فاسقانشان نابود و گروهی از ایشان را برگروه دیگر مسلط فرمایی، تا احدی از ایشان باقی نمانده و رستگار نگردد، اجتماعشان را پراکنده، و سلاحشان را سست، گروهشان را متفرق، و اجلهایشان را مقطوع، و عمرشان را کوتاه، و قدمهایشان را متزلزل گردانده، و شهرهایت را از آنان پاک گردان و بندگان را بر آنان مسلط فرما. چرا که ایشان سنتت را تغییر داده و عهدت را شکسته و حرمتت را هتک کرده اند، و آنچه نهی کرده ای را انجام داده، و بسیار سرکشی نموده و به گمراهی عمیقی فرو رفته اند. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به پراکندگی اجتماعشان، و مرگ زندگانیشان، و غارت همسرانشان فرمان بده، و بندگان را از ستم ایشان رها ساخته و قدرتشان را از تجاوز نمودن سلب کن، و زمینت را از آنان پاک گردان، و به نابودی زراعتشان واز بین رفتن اموالشان، و پراکندگی گروهشان، و نابودی ساختمانهایشان فرمان بده، ای صاحب جلال و بزرگواری. ای معبود من و معبود هر چیز، و پروردگار من و پروردگار هر چیز، از تو می خواهم، و تو را می خوانم به آنچه دیننده و رسول و پیامبر و برگزیده ات، موسی و هارون، تو را بدان

خواندند، در زمانی که تو را با امید به فضلت مخاطب قرارداده وگفتند:

[ ۱۲۴ ]

" ربنا انك اتيت فرعون وملاه زينة واموالا في الحياة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الاليم ". فمئنت وانعمت عليهما بالاجابة لهما، الى ان قرعت سمعهما بامرک اللهم رب: " قد اجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون ". ان تصلى على محمد وال محمد وان تطمس على اموال هؤلاء الظلمة، وان تشدد على قلوبهم، وان تخسف بهم برك، وان تفرقهم في بحرك، فان السماوات والارض وما فيهما لك، وار الخلق قدرتك فيهم، وبطشك عليهم، فافعل ذلك بهم، وعجل ذلك لهم. يا خير من سئل وخير من دعى، وخير من تذلت له الوجوه، ورفعت إليه الايدي، ودعى بالالسن وشخصت إليه الابصار، وامت إليه القلوب، ونقلت إليه الاقدام، وتحوكم إليه في الاعمال.

[ ۱۲۵ ]

" پروردگارا به فرعون وبارانش زمينت واموال بسيارى را در زندگى دنيا دادى، پروردگار تا از راحت مردم را گمراه کنند، پروردگارا اموالشان را نابود وقلبهایشان را قسى گردان تا آنگاه که عذاب دردناک جهنم را نديده اند ايمان نياورند ". پس بر اين دو نفر به اجابت دعايشان منت نهاده ونعمت عطا کردى، تا آنکه فرمانت را به ايشان ابلاغ فرمودى که: " دعای شما اجابت شد پس پايدار باشيد وراه نادانان را پى نگيريد. [ از تو مى خواهم ] که بر محمد و خاندانش درود فرستى واموال اين گروه ظالم را سلب، وقلبهشان را قسى، وايشان را در زمين فرو برده، ودر دريا غرقشان سازى، چرا که آسمانها وزمين، وآنچه در آنهاست از آن توست، قدرت ونيرويت را در قبال ايشان بمردم بنمايان، واين کار را نسبت به ايشان انجام ده، ودر اين عمل تسريع فرما. اى بهترين فردي که مورد سؤال واقع شده، وبهترين فردي که خوانده شده، وبهترين فردي که در برابرش خضوع انجام گرفته، ودهستها بسويش بالا رفته، وزبانها او را ناميده، وچشمها به او دوخته شده، وقلبهها به او ماييل گرديده، وگامها بسوى او برداشته شده، ومحاسبه اعمال بدست اوست.

[ ۱۲۶ ]

الهي وانا عبدك اسألك من اسمائك بابهاها، وكل اسمائك بهي، بل اسألك باسمائك كلها ان تصلى على محمد وال محمد وان تركسهم على ام رؤوسهم في زيبتهم، وترديهم في مهوى حفرتهم، وارمهم بحجرهم، وذكهم بمشاقصهم، واكبيهم على مناخرهم، واخنقهم بوترهم، واردد كيدهم في نحورهم، واوبقهم بندامتهم. حتى يستخذلوا، ويتضاءلوا بعد نخوتهم، وينقمعوا ويخشعوا بعد استطالتهم، اذلاء مأسورين في ريق حائلهم، التي كانوا يؤملون ان يرونا فيها وترينا قدرتك فيهم، وسلطانك عليهم، وتأخذهم اخذ القرى وهى ظالمة، ان اخذك الاليم الشديد، اخذ عزيز مقتدر، فانك عزيز مقتدر، شديد العقاب، شديد المحال. اللهم صل على محمد وال محمد وعجل ايرادهم عذابك الذى اعدته للظالمين من امثالهم، والطاغين من نظرائهم وارفع حلمك عنهم، واحلل عليهم غضبك الذى لا يقوم له شئ، وأمر في تعجيل ذلك بامرک الذى لا يرد ولا يؤخر.

پروردگارا ! ومن بنده توام، از تو می خواهم به برترین نامهایت، و تمام نامهایت برتر است، بلکه از تو می خواهم به تمامی نامهایت، که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و ایشان را در خانه هایشان هلاک گردانده و نابود نمایی، و آنان را با تیرهای بلا سنگباران کن، و بصورت بر زمین انداز، و کید و مکرشان را به خودشان بازگردان، و ایشان را به پشیمانیشان مؤاخذه کن. تا پس از نخوت و غرور ذلیل و خوار شده، و بعد از تکبر و زورگوئی خاشع و هلاک گردند، ذلیلانی که اسیر در چنگال دامهایی هستند که امید داشتند ما را در آنها ببینند، و قدرت و نیروی خود را بر علیه ایشان بمانشان ده، و همانند گروههای ظالم و ستمگر ایشان را عذاب فرما، بدرستیکه مؤاخذه تو دردناک و شدید، و مؤاخذه شخص قدرتمند و توانا می باشد، همانا تو قدرتمند و توانائی، عقابت شدید و عذابت دردناک است. پروردگارا ! بر محمد و خاندانش درود فرست و عذابی که برای ستمگرانی همانند ایشان، و مسخره کنندگان مشابه آنان آماده ساخته ای، را در حق ایشان تسریع فرما، و بردباریت را از ایشان زائل، و غضبت که هیچکس را یارای مقاومت در برابر آن نیست را برایشان فروریز، و با فرمانت که تخلف پذیر نمی باشد دستور در تسریع این امور را صادر کن

فانك شاهد كل نجوى، وعالم كل فحوى، ولا تخفى عليك من اعمالهم خافية، ولا يذهب عنك من اعمالهم خائنة، وانت علام الغيوب، عالم بما في الضمائر والقلوب. اللهم واسألك وانا ذك بما ناداك به سيدى، وسألك به نوح إذ قلت تباركت وتعاليت: " ولقد نادانا نوح فلنعم المجيبون ". اجل اللهم يا رب، انت نعم المجيب، ونعم المدعو، ونعم المسؤول، ونعم المعطى، انت الذى لا تخيب سائلك، ولا تمل دعاء من املك، ولا تتبرم بكثرة حوائجهم اليك، ولا بقضاءها لهم، فان قضاء حوائج جميع خلقك اليك، في اسرع لحظ من لمح الطرف، واخف عليك، واهون من جناح بعوضة. وحاجتي اليك يا سيدى ومولاي ومعتمدى ورجائي ان تصلى على محمد وال محمد وان تغفر لى ذنبي، فقد جئتك ثقيل الظهر، بعضيم ما بارزتك به من سيئاتي، وركبني من مظالم عبادك ما لا يكفيني، ولا يخلصنى منه غيرك، ولا يقدر عليه ولا يملكه سواك.

بدرستیکه تو شاهد هر سخن و دانای هر گفتاری، و هیچیک از اعمال مخفی شان از دید تو پنهان نمی باشد، و هیچ کار خائنه آنان از دید تو زائل نمی گردد، و تو دانای پنهانی ها، و آگاه به ضمائر و قلبهائی. پروردگارا ! و از تو می خواهم و تو را می خوانم به آنچه آقايم نوح از تو خواست و تو را خواند، آنگاه که گفتی: " و به تحقیق نوح ما را خواند و ما بهترین اجابت کنندگان هستیم. " آری، پروردگارا تو والاترین اجابت کننده، و بهترین خواننده شده، و بهترین خواسته شده، و والاترین عطاکننده می باشی، تو کسی هستی که خواهنده ات نا امید نشده و دعای آرزومندت تو را ملول نکند، کثرت حوائج و انجام آنها تو را سست نمی کند، بدرستیکه انجام خواست تمامی مخلوقات برای تو سریعتر از چشم برهم نهادن و خفیف تر و سبکتر از بال مگس می باشد. وای آقايم ومولایم ومعتدم و امیدم، حاجتم بسوی



تو آنستکه بر محمد و خاندانش درود فرستاده و گناهانم را ببخشی، بسوی تو آمده ام در حالیکه پشتم از گناهان بزرگ سنگین شده، و حقوق فراوانی از بندگان بر عهده من است که راه رهایی از آن جز بوسیله تو میسر نیست، و کسی جز تو بر آن قادر نبوده و بر آن توانا نیست.

[ ۱۳۰ ]

فامح یا سیدی کثرة سیناتی بیسیر عبراتی، بل بقساوة قلبی، وجمود عینی، لابل برحمتک التی وسعت کل شیء، وانا شیء فلتسعنی رحمتک. یا رحمان یا رحیم یا ارحم الراحمین، لا تمتحنی فی هذه الدنيا بشیء من المحن، ولا تسلط علی من لا یرحمنی، ولا تهلكنی بذنوبی، وعجل خلاصی من کل مکروه، وادفع عنی کل ظلم، ولا تهتك ستری، ولا تفضحنی یوم جمعک الخلائق للحساب، یا جزیل العطاء والثواب. اسألك ان تصلى علی محمد وال محمد وان تحیننی فی حياة السعداء، وتمیتنی میتة الشهداء، وتقبلنی قبول الاوداء، وتحفظنی فی هذه الدنيا الدنیة من شر سلاطینها وفجارها، وشرارها ومحییها، والعاملین لها فیها. وفنی شر طغاتها وحسادها، وباعی الشر فیها، حتی تکفینی مکر المکره، وتفقا عنی اعین الکفرة، وتفحم عنی السن الفجرة، وتقبض لی علی ایدی الظلمة، وتؤمن لی کیدهم، وتمیتهم بغیظهم، وتشغلهم بأسماعهم وایصارهم

[ ۱۳۱ ]

آی آقام ! کثرت گناهانم را به اشکهای اندکم ببخشای، بلکه به قساوت قلب و خشکی چشمم، نه، بلکه برحمتت که تمامی اشیاء را فراگرفته است، و من نیز چیزی هستم و باید مرا نیز فراگیرد. آی رحمان آی رحیم آی مهربانترین مهربانان، در این دنیا مرا به بلائی امتحان مفرما، کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن، و مرا بگناهانم هلاک نساز، و رهائیم را از هر زشتی آسان فرما، و هر ستمی را از من دور کن، و حجابم را ندر، و روزی که تمامی مخلوقات را برای حساب جمع می کنی مرا مفتضح منما، آی دارنده عطا و ثواب بسیار. از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در زندگانی سعادت‌مندان زنده، و در مرگ شهیدان مرا بمیرانی، و همچون دوستانت مرا قبول کرده، و در این دنیای پست مرا از شر پادشاهان و گناهکاران و اشرار و دوستانشان محافظت فرمائی. و شر طاغیان و حسودان و شرجویان و دوستان آنان را از من نگاهداری، تا مرا از مکر حیلہ گران کفایت کرده و چشمان کافران را از من دور داری، و زبان گناهکاران را از من لال، و دستهای ستمگران را از من باز داشته، و مرا از کیدشان رهائی ببخشی، و ایشان را به ناراحتیشان بمیرانی، و به گوشها و چشمان و قلبهایشان مشغول سازی.

[ ۱۳۲ ]

وافندتہم. وتجعلنی من ذلك كله فی امنک وامانک، وحرزک وسلطانک وحجابک، وکنفک وعبادک وجوارک، ان ولیی اللہ الذی نزل کتاب، وهو یتولی الصالحین. اللهم بک اعوذ، وبک الود، ولك اعبد، وایاک ارجو، وبک استعین، وبک استکفی، وبک استغیث، وبک استقدر، ومنک اسأل، ان تصلى علی محمد وال محمد ولا تردنی الا بذنب مغفور،

وسعی مشکور، و تجارة لن تبور، وان تفعل بی ما انت اهلہ، ولا تفعل بی ما انا اهلہ، فانک اهل التقوی و اهل المغفرة، و اهل الفضل و الرحمة. الہی وقد اطلت دعائی، و اکثرت خطابي، و ضیق صدري حدانی علی ذلك کله، و حملنی علیہ، علما منی بانہ یجزیک منہ قدر الملح فی العجین، بل یکفیک عزم ارادة، وان یقول العبد بنیة صادقة و لسان صادق: " یا رب "، فتکون عند ظن عبدک بک، و قد نأحاک بعزم الارادة قلبی.

[ ۱۳۳ ]

و در تمام اینها مرا در امنیت و آسایش و حرز و پادشاهی، و حجاب و حفاظت و حراست خود قرارده، و بدرستی که سر پرست من خداست که کتاب را نازل کرد و او سر پرست رستگاران است. پروردگارا ! بتو پناه برده و بتو متوسل می گردم، و برای تو عبادت کرده و امیدم بتوست، و از تو یاری می جویم، و از تو طلب کفایت می کنم، و بتو پناهنده می گردم، و بتو توانا می شوم، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا جز باگناهان بخشیده، و سعی و تلاش ستایش شده، و تجارتي که نابودی ندارد باز نگردانی، و آنچه شایسته توست و نه آنچه من شایسته آنم را بمن عطا فرمائی، بدرستی که تو اهل تقوی و بخشش و اهل فضل و رحمت می باشی. خداوندا ! دعایم را طولانی و گفتارم را بدرازا کشاندم، و سپنه تنگم مرا بدین جاکشاندم، و مرا بدان وادار نمود، در حالیکه می دانستم باندازه نمک در خمیر دعا کفایت می کند، بلکه تصمیم جزم کافی است، و اینکه انسان بانیتی صادقانه و با زبان راست بگوید: پروردگارا، و تو در جایگاه گمان بنده ات بتو می باشی، و قلبم با تصمیم جازم تو را خوانده است.

[ ۱۳۴ ]

فاسألك ان تصلى على محمد وال محمد وان تقرن دعائي بالاجابة منك، و تبلغني ما أملتہ فيك، منة منك و طولا، و وقوة و حولا، و لا تقيمني من مقامي هذا الا بقضائك جميع ما سألتك، فانه عليك يسير، و خطره عندي جليل كثير، و انت عليه قدير، يا سميع يا بصير. الہی و هذا مقام العائذ بك من النار، و الهارب منك اليك من ذنوب تهجمته، و عيوب فضحته، فصل على محمد وال محمد و انظر الى نظرة رحمة افوز بها الى جنتك، و اعطف على عطفة انجو بها من عقابك. فان الجنة و النار لك و بيدك، و مفاتيحهما و مغاليقهما اليك، و انت على ذلك قادر، و هو عليك هين يسير، و افعل بي ما سألتك يا قدير، و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم، و حسبنا الله و نعم الوكيل.

[ ۱۳۵ ]

پس از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و دعایم را مقرون به اجابت گردانده، و آنچه از تو آرزومندم را بمن عطا کنی، که منت نهادنی است از طرف تو بر من و فضل و عنایت توست، و من جایگاهم را تغییر ندهم جز به انجام تمامی خواسته هایم، بدرستی که این کار بر تو آسان و ارزش آن نزد من بسیار زیاد است، و تو بر آن قادر و توانائی، ای شنوا وای بینا. بارالها ! و این جایگاه پناهنده تو از آتش، و فرار کننده ای از خود بسوی تو از گناهانی که او را فراگرفته، و عیبهای که او را مفتضح کرده است می باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و نظر رحمت را بر من افکن، تا با آن

بسوی بهشت رهنمون شده، و مرا مشمول لطف قرارده تا از عقابت رهایی یابم. بدرستیکه بهشت وجهنم برای تو و بدست تو و کلیدهای باز بسته شدنش نزد توست، و تو بر آن قادری و برای تو سهل و آسان می باشد، و ای توانا آنچه خواسته ام را عطا فرما، و قدرت و نیرویی جز با نیروی خداوند برتر و والاتر نبوده، و خدا ما را کافی است، و او بهترین وکیل است.

---

[ ۱۳۶ ]

(۱۷) دعاؤه (علیه السلام) في المهمات، المسمى بدعاء العبرات اللهم انى اسألك يا راحم العبرات، ويا كاشف الكربات، ويا كاشف الزفرات، انت الذى تقشع سحاب المحن وقد امست ثقالا، وتجلو ضباب الفتن وقد سحبت اذبالا، وتجعل ذرعها هشيمًا، وبنيانها هديما، وعظامها رميما، وترد المغلوب غالبا، والمطلوب طالبا، والمقهور قاهرا، والمقدور عليه قادرا. فكم يا الهى من عبد نادك: رب انى مغلوب فانتصر، ففتحت من نصرک له ابواب السماء بماء منهمر، وفجرت له من عونك عيونا، فالتقى الماء على امر قد قدر، وحملته من كفايتك على ذات الواح ودرسر. يامن إذا ولج العبد في ليل من حيرته بهيم، ولم يجد له صريحا يصرخه من ولى حميم، وجد من معونتك صريحا مغيثا، ووليا يطلبه حثيثا، ينجيه من ضيق امره وخرجه، ويظهر له اعلام فرجه.

---

[ ۱۳۷ ]

(۱۷) - دعای آن حضرت در کارهای مهم، معروف به دعای عبرات پروردگارا ! از تو می خواهم ای رحم کننده بر اشکها، وای برطرف کننده غمها، وای تسلی بخش دردها، توئی که ابرهای تیره محنتها و دردها که سنگینی نموده را زدوده، و ابرهای فتنه و آشوب که فراگیر شده رازائل می سازی، و گیاهان آنرا نابود، و ساختمانهایش را منهدم، و استخوانها را پوسیده می کنی، ستم کشیده را مسلط، و طلب شده را طلب کننده، و مظلوم را زورمند، و کسی که در معرض تعرض می باشد را قادر می گردانی. بار الها ! چه بسیار بنده ای که تو را ندا کرده: پروردگارا مورد ستم واقع شده ام مرا یاری کن، پس تو برای یاری او بارانی سیل آسا از آسمان برایش فرو فرستادی، و چشمه هایی را گشوده و آب به اندازه مشخصی بالا آمد، و از نگاهبانیت او را بر روی کشتی حمل نمودی. ای آنکه هر گاه بنده در تاریکی شب متحیرانه تو را بخواند، و دوست مهربانی برای یاری و پناه نداشته باشد، از یاری تو پناه و دادرسی می یابد، و دوستی که او را بسوی خود خوانده، و از سختی رهائیش داده، و راههای گشایش را برایش می نمایاند.

---

[ ۱۳۸ ]

اللهم فيا من قدرته قاهرة، ونقماته قاصمة لكل جبار، دامغة لكل كفور ختار، اسألك نظرة من نظراتك رحيمة تجلى بها عنى ظلمة عاكفة مقيمة، من عاهة جفت منها الضروع، وتلفت منها الزروع، وانهلث من اجلها الدموع، واشتمل لها على القلوب اليأس، و جرت بسببها الانفاس. الهى فحفظا لحفظا لغرائز غرسها وشربها بيد الرحمان، ونجاتها بدخول الجنان، ان تكون بيد الشيطان تحز، ويفأسه تقطع وتجز. الهى فمن اولى منك بأن يكون عن حريمك دافعا، ومن اجدر منك بان يكون عن حماك مانعا. الهى ان الامر قد هال فهونه،

وخشن فألنه، وإن القلوب كاعت فطمنها، والنفوس ارتاعت فسكنها.  
الهی الهی تدارك اقداما زلت، وافهاما في مهامة الحيرة ضلت، ان  
رأت جبرك على كسيرها، واطلاقك لاسيرها، واجارتك لمستجيرها،  
اجحف الضر بالمضور، و ولبى داعيه بالويل والثبور.

[ ۱۳۹ ]

خداوندا ! أي آنکه قدرتش برتر، وعقابش برای جباران ستمگر  
دردناک، و برای هر کافر درهم کوبنده است، از تو می خواهم که نظر  
رحمتی بر من افکنی، که تاریکی پایداری که بر اثر بیماری بر من  
مسلط شده، وسینه ها از وجود شیر تهی، وزراعتها نابود، واشکها  
خشک، وقلبها مایوس، وجانها بسببش از بین می رود را زائل  
سازی. بارالها ! اغراض وامیالی که ایجاد وبقا آن بدست توست،  
ورهایی از آنها تنها با داخل شدن به بهشت میسر می باشد را از  
دسترسی شیطان و هلاکت ونابودی بدست آن رهائی بخش.  
پروردگارا ! چه کسی سزاوارتر از توست که از حریمت دفاع کند، و  
چه کسی شایسته تر از توست که از محرّمات ممانعت بعمل آورد.  
بار الہا ! کارم سخت شده آنرا آسان نما، ومرا برنج انداخته آنرا  
سهل گردان، وقلبها به لرزه درآمده آنرا تسلی بخش، وجانها را  
وحشت فراگرفته آنرا آرام گردان. خداوندا ! خداوندا ! گامهای لغزیده  
و افکار حیرت زده وگمراه را تدارک کن، اگر جبران شکستگی اش را  
ببیند، ورهایی اسارتش وپناه خواهی پناهنده اش را بنگرد، از نارا  
حتی متضرر شود وناله و فریاد سردهد.

[ ۱۴۰ ]

فهل تدعه يا مولای فريسة البلاء وهو لك راج، ام هل يخوض لجة  
الغماء وهو اليك لاج. مولای ان كنت لا اشق على نفسي في  
التقى، ولا ابلغ في حمل اعباء الطاعة مبلغ الرضا، ولا انتظم في  
سلك قوم رفضوا الدنيا. فهم خمص البطون من الطوى، ذبل الشفاه  
من الظما، عمش العيون من البكاء، بل اتيتك بضعف من العمل،  
وظهر ثقيل بالخطايا والزلل، ونفس للراحة معتادة، ولدواعى الشر  
منقادة. افما يكفيني يا رب وسيلة اليك، وذريعة لديك، اننى لاولياء  
دينك موال، وفي محبتهم مغال، ولجلباب البلاء فيهم لابس، ولكتاب  
تحمل العناء بهم دارس. اما يكفيني ان اروح فيهم مظلوما، واغدو  
مكظوما، واقضى بعد هموم هموما، وبعد وجوم وجوما. اما عندك يا  
مولای بهذه حرمة لا تضيع، وذمة بادناها يقتنع، فلم لا تمنعني يا رب  
وها انا ذا غريق، وتدعنى هكذا وانا بنار عدوك حريق.

[ ۱۴۱ ]

پس أي مولایم آیا او که امیدوار بتوست را در چنگال بلا رها می  
کنی، آیا او که بتو پناهنده است را در دریای بیکران غوطه ور باقی  
می گذاری. مولایم ! اگر در تقوی وخویشتن داری خود را برنج نمی  
اندازم، ودر عبادت و بندگی به مقام وخشنودی تو نرسیده ام، ودر  
زمره گروهی قرار نگرفته ام که دنیا را رها ساخته اند. شکمهایشان  
از گرسنگی به کمر چسبیده، ولیها از تشنگی خشک، و دیدگان از  
اشک کور گردیده است، بلکه با اعمالی اندک وگناهان و خطاهای  
بسیار وجانی که براحتی خود کرده وپه کارهای زشت عادت نموده  
نزد تو آمده ام. پروردگارا ! آیا برای رسیدن بتو وچنگ زدن بریسمانت  
کفایت نمی کند که دوستدار اولیاء تو ومحب آنان بوده، وهمانند

ایشان خود را برای تحمل بلاها آماده ساخته، ورنج و ناراحتی مرا فراگرفته است. آیا کفایت نمی کند که در میان ایشان مظلوم بوده و خشم خود را فرو می نشانم و در غمها و غصه ها غوطه ور می باشم. خدایا ! آیا این اعمال احترامی برایم نزد تو نمی آورد که زائل نشود، و ذمه ای که مرا از بلاها در امان دارد، پس پروردگارا چرا مرا که در گناهان غرق شده ام را باز نمی داری، و مرا که به آتش دشمنت سوخته ام را رها می سازی.

---

[ ۱۴۲ ]

مولای اتجعل لاولیائک لاعدائک طرائد، ولمکرهم مصاد، وتقلدهم من خسفهم قلائد، وانت مالک نفوسهم لو قبضتها جمدا، وفي قبضتک مواد انفاسهم لو قطعها خمدوا. فما یمنعک یا رب ان تکتشف بأسهم، وتنزع عنهم فی حفظک لباسهم، وتعریهم من سلامة بها فی أرضک یسرحون، وفي میدان البغی علی عبادک یمرحون. الهی ادرکنی ولما یدرکنی العرق، وتدارکنی ولما غیب شمسی الشفق. الهی کم من خائف التجأ الی سلطان فأب عنه محفوفاً بامن وامان، افاقصد اعظم من سلطانک سلطانا، ام اوسع من احسانک احسانا، ام اکثر من اقتدارک اقتدارا، ام اکرم من انتصارک انتصارا. ما عذری یا الهی إذا حرمت من حسن الکفایة سائلک، انت الذی لا یخیب املک، ولا یرد سائلک. الهی الهی ابن رحمتک الی هی نصرۃ المستضعفین من الانام، وابن ابن کفایتک الی هی جنۃ المستهدفین

---

[ ۱۴۳ ]

مولایم ! آیا برای دوستانت نزد دشمنانت راههای خطر را گشوده، و برای نیرنگهایشان آنانرا کمینگاه قرارداده، وایشان را در اختیار آنان قرار می دهی، در حالیکه تو مالک جانهایشان می باشی، که اگر آنرا قبض کنی نابود می شوند، و تمامی اعضاء وجودشان در قدرت توست، که اگر رهایشان سازی خاموش می گردند. پروردگارا ! چه چیز تو را مانع می شود که از ظلمشان جلوگیری و نگاهبانیت را از آنان بازداری، و سلامتی که با آن در زمین تو می گردند و در میدان تجاوز بر بندگانت جولان می دهند را از آنان زائل سازی. پروردگارا ! مرا در یاب تازمانیکه غرق نشده ام، مرا دریاب تا آنگاه که شمس وجودم افول ننموده است. خداوندا ! چه بسیار کسانی که از ترس به سلطانی پناه برده وبا امنیت و آرامش مراجعت نموده اند، آیا به کسی برتر از تو در فرمانروایی، یا برتر از تو در فضل و احسان، یا افزونتر از تو در قدرت و اقتدار، یا گرمیتر از تو دریاری و کمک رجوع کنم. خدایا ! اگر خواهنده ات را از یاریت منع کنی عذرم چیست، در حالیکه تو آرزومندت را نا امید نکرده و خواهنده ات را رد نمی کنی. پروردگارا ! پروردگارا ! کجاست رحمت تو که یاریگر بندگان مستضعف توست ؟ و کجاست نگاهبانیت که پناه ستمکشان از جباران زمان است ؟

---

[ ۱۴۴ ]

لجور الایام، الی الی بها یا رب نجنی من القوم الظالمین، انی مسنی الضر، وانت ارحم الراحمین. مولای تری تحیري فی امری، وانطوای علی حرقة قلبی وحرارة صدري، فجد لی یا رب بما انت اهله فرجا ومخرجا، ویسر لی نحو الیسر منهجا. واجعل من ینصب

الحيالة لى ليصرعنى بها صريعا فيما مكر، ومن يحفر لى البئر ليوقعنى فيما حفر، واصرف عنى من شره ومكره، وفساده وضره ما تصرفه عن القوم المتقين. الهى عبدك عبدك، احب دعوته، وضعيفك ضعيفك فرج غمته، فقد انقطع به كل حبل الا حبلك، وتقلص عنه كل ظل الا ظلك. مولاي دعوتي هذه ان رددتها اين تصادف موضع الاجابة، ومخيلتى هذه ان كذبتها اين تلاقى موضع الاصابة، فلا ترد عن بابك من لا يعرف غيره بابا، ولا تمنع دون جنابك من لا يعرف سواه جنابا. الهى ان وجها اليك برغبته توجه، فالراغب خليق بان

---

[ ١٤٥ ]

پروردگارا ! بسوی من، بسوی من لطف ورحمتت را متوجه ساز، مرا از گروه ستمگران رهایی بخش، که مورد ستم واقع شده ام، وتو مهربانترین مهربانانی. مولایم ! تحیرم را در کارم، وناراحتیم را در سوزش قلب وحرارت سینه ام می بینی، پروردگارا ! به آنچه تو شایسته آنی راه گشایش وفرجی بمن عطا فرما، وراه سهل وآسانی را برایم مهیا ساز. وکسی را که برای بدام انداختن من دام نهاده تا نابودم کند مکر و فریبش را بخودش بازگردان، وکسی را که چاهی برایم کنده تا مرا در آن بیندازد خودش را در آن افکن، وشر ومکر وفساد وضررهای او را که از پرهیزگاران باز می داری را از من بازدار. پروردگارا ! بنده تو بنده توست، دعایش را اجابت نما، وناتوان توست ناتوان توست، غم واندوهش را برطرف ساز، بدرستیکه تمام دستاویزها جز دستاویز تو از او قطع شده، وتمام پناهگاهها جز پناهگاه تو از او زائل شده است. مولایم ! این دعایم را اگر رد کنی جایگاه اجابت دیگری نمی یابد، و گمانم بتو را اگر تکذیب کنی کجا صدق آن بثبوت رسد، پس کسی را که درگاه دیگری را نمی شناسد از درخانه ات نران، وکسی را که جز با تو آشنا نیست را از خودت دورن ساز. خداوندا ! چهره ای که با امید بسویت آمده شایسته بی توجهی نیست،

---

[ ١٤٦ ]

لا یخیه، وان جبینا لیدیک بابتھاله سجد، حقیق ان یبلغ المبتھل ما قصد، وان خدا عندک بمسألتھ تعفر جدیر ان یفوز السائل بمراده ویطفر. هذا یا الهی تعفیر خدی وابتھالی فی مسألتک وجدی، فلق رغباتی برحمتک قبولاً، وسهل الی طلباتی برأفتک وصولاً، وذل لى قطوف ثمرة اجابتک تذليلاً. الهی وإذا قام ذو حاجة في حاجته شفیعا، فوجدته ممتنع النجاح، سهل القيادة مطيعاً، فانی استشفع اليك بكرامتك، والصفوة من انبيائك، الذين بهم انشأت ما يقبل ويطل، ونزلت ما يدق ويجل. اتقرب اليك باول من توجهت تاج الجلالة، واحللته من الفطرة محل السلالة، حجتك في خلقك، وامينك على عبادك، محمد رسولك، وبمن جعلته لنوره مغرباً وعن مكنون سره مغرباً: سيد الاوصياء، وامام الاتقياء، يعسوب الدين، وقائد الغر المحجلين، ابي الائمة الراشدين، على أمير المؤمنين. واتقرب اليك بخيرة الاخيار، وام الانوار، والانسية

---

[ ١٤٧ ]

وپیسانی ای که در مقابل تو بسجده افتاده سزاوار رسیدن به مقصود است، و گونه ای که بانیازمندی روی زمین نهاده شده شایسته است که خواهنده به مراد ومقصودش نائل آید. بارالها ! این

بخاك نهادن گونه ام وتضرعم در خواست از تو وتلاش من است، برحمت اميدهايم را محقق ساز، وبه رأفت انجام خواسته هايم را سهل وآسان گردان، وچيدن ثمرات اجابت دعاهايم را بمن بنمايان. خدايا ! آنگاه كه نیازمندی در مقابل تو ايستاده وتو را شفيع قراردهد و تو او را شخصي بيابي كه دعابش امكان اجابت ندارد، ولي مطيع ومنتقاد مي باشد، من از تو طلب شفاعت مي كنم به بزرگواريت وبزرگواري پيامبران برگزيده ات، كه بخاطر آنان موجودات را خلق کرده، واز آسمان نازل فرمودی آنچه فرو فرستادی. بتو نزديكي مي جويم به اولين فردي كه تاج جلالت بر سر اونهادی، وحاياگاه نيکوی از خلقت را به او بخشیدی، حجتت در خلقت وامينت در بين پندگانت، محمد، فرستاده ات، وبه أمير المؤمنين علی خاستگاه نور او و بيانگر سراو، سيد اوصياء وپيشواي متقين، رهنماي دين، پيشواي سپيد روياں در قيامت، پدرامان رهنما. وبتو نزديكي مي جويم به برگزيده برگزيدگان، ومادر انوار مقدسه،

---

[ ۱۴۸ ]

الحوراء، البتول العذراء، فاطمة الزهراء، وبقرتي عين الرسول، وثمرتي فؤاد البتول، السيدين الامامين: ابي محمد الحسن وابي عبد الله الحسين. وبالسجاد زين العباد، ذي الثنات، راهب العرب، علی بن الحسين، وبالامام العالم، والسيد الحاكم، النجم الزاهر، والقمر الباهر، مولای محمد بن علی الباقر. وبالامام الصادق، مبین المشكلات، مظهر الحقائق، المفحم بحجته كل ناطق، مخرس السنة اهل الجدل، مسكن الشقاشق، مولای جعفر بن محمد الصادق. وبالامام التقى، والمخلص الصفي، والنور الاحمدي، والنور الانور، والضياء الازهر، مولای موسى بن جعفر، وبالامام المرتضى، والسيف المنتضى مولای علی بن موسى الرضا. وبالامام الامجد، والباب الاقصد، والطريق الارشد، والعالم المؤيد، ينبوع الحكم، ومصباح الظلم، سيد العرب والعجم، الهادي الى الرشاد، والموفق بالتأييد والسداد، مولانا محمد بن علی الجواد.

---

[ ۱۴۹ ]

وانسيه حوراء، بتول عذراء، فاطمه زهرا، وبه دو نور ديده پيامبر و دو ميوه قلب زهرا، دوسيد و دو امام ابي محمد حسن و ابي عبد الله حسين. وبه علی بن حسين السجاد، زينت بندگان، راهب عرب، وكسی كه در اثر كثرت عبادت بر جبينش علامت سجده رقم خورده بود، وبه مولایم محمد بن علی الباقر، امام دانا وسيد حاكم، ستاره پرفروغ وماه تابان. وبه امام راستگو جعفر بن محمد الصادق، مبین مشكلات ونمايانگر حقايق، پاسخ گوینده بهر گوینده بادليل وبرهان، بسكوت وادارنده هر جدال كننده، ساكن كننده هر حركت. وبه مولایم موسى بن جعفر، امام پرهيزكار، وخالص ومخلص، و نور احمدي ونور انور وپرتو شكوفا، وبه مولایم علی بن موسى الرضا، امام مرتضى، وشمشير از نيام برکشیده. وبه مولایم محمد بن علی الجواد، امام گراميتر، درگاه اميدواران و راه روشن، ودانای مؤيد، سرچشمه حكمتها وچراغ تاريخها، سيد عرب و عجم هدايتگر به راه راست، وموفق به تأييد وتسديد.

---

[ ۱۵۰ ]

وبالامام منحة الجبار، ووالد الائمة الاطهار، على بن محمد، المولود بالعسكر، الذي حذر بمواعظه وانذر، وبالامام المنزه عن المائم، المطهر من المظالم، الحبر العالم، بدر الظلام، وربيع الانام، التقى النقى، الطاهر الزكي مولاي ابا محمد الحسن بن على العسكري. واتقرب اليك بالحفيظ العليم، الذي جعلته على خزائن الارض، والاب الرحيم، الذي ملكته ازمة البسط والقبض، صاحب النقية الميمونة، وقاصف الشجرة الملعونة. مكرم الناس في المهدي، والدال على منهاج الرشدي، الغائب عن الابصار، الحاضر في الامصار، الغائب عن العيون، الحاضر في الافكار، بقية الاخيار، الوارث لذي الفقار، الذي يظهر في بيت الله ذي الاستار، العالم المطهر الحجة بن الحسن عليهم افضل التحيات، واعظم البركات، واتم الصلوات. اللهم فهؤلاء معاقلى اليك في طلباتي ووسائلتي، فصل عليهم صلاة لايعرف سواك مقاديرها، ولا يبلغ كثير

---

[ ١٥١ ]

وبه امام على بن محمد كه در پادگان متولد شد، عطاى خداوند ويدر پيشوايان پاك كه با پنדהا بشارت داد وترساند، وبه مولاي ابي محمد حسن بن على العسكري امام منزه از گناه، پاكيزه از هر ستم وظلم، داناي دانايان، ماه تابان، وبهار مردمان، متقى وبخشنده پاكيزه وپاك. ويتو نزديكى مى جويم به نگهبان داناى كه او را برخزينه هاي زمين قراردادده، ويدر مهربانى كه بسط وقبض را دريد قدرت اونهادى، داراي مناقب نيكو، درهم كوينده درخت ملعونه. سخنگو با مردم در گاهواره، ورنماى بسوى راه راست، پوشيده از ديدگان، حاضر در شهرها، پوشيده از ديدهاي تيز اوهام وافكار، باقيمانده نياكان، وارث شمشير ذو الفقار، كسى كه درخانه خداوند ظاهر مى شود، داناي پاكيزه حجة بن الحسن، كه بهترين تحيتها وبرترين بركتها وكاملترين درودها برايشان باد. پروردگارا ! ايان پناهان من درخواسته هايم ووسائل من هستند، پس برايشان درود فرست، درودى كه جز تو اندازه اش را نداند وانبوه خلق

---

[ ١٥٢ ]

الخلايق صغيرها، وكن لى بهم عند احسن ظنى، وحقق لى بمقاديرك بهية التمنى. الهى لاركن لى اشد منك فأوى الى ركن شديد، ولا قول لى اسد من دعائك فاستظهرك بقول شديد، ولا شفيع لى اليك اوجه من هؤلاء فأتيك بشفيع وديد. فهل بقى يا رب غير ان تجيب وترحم منى البكاء والنحيب، يا من لا اله سواه، يا من يجيب المضطر إذا دعاه. يا راحم عبدة يعقوب، يا كاشف ضر ايوب، اغفر لى وارحمني وانصرتي على القوم الكافرين، وافتح لى فتحة وانت خير الفاتحين، يا ذا القوة المتين، يا ارحم الراحمين. (١٨) دعاؤه (عليه السلام) للخلاص من الشدائد انت الله الذى مبدء الخلق ومعيدهم، انت الله الذى لا اله الا انت مدير الامور وباعث من في القبور، وانت الله الذى لا اله الا انت القابض الباسط، وانت الله الذى لا اله الا انت وارث الارض ومن عليها.

---

[ ١٥٣ ]

به اندكى از آن راه نبرد، وبهترين گمانم را در مورد ايشان تحقق بخش، و برترين آرزويم را به منصف ظهور برسان. خدايا ! دستگيره محكمى جز تو ندارم كه بدان چنگ زنم، وكفتار ارزشمندترى جز



خواندن تو ندارم تا بدان دلگرم باشد، وشفیعانی آبرومندتر جز این گروه ندارم تا نزد تو آورم. پروردگا را ! آیا راه دیگری جز اجابت دعایم ورحم نمودن براشکها وناله هایم باقی مانده است، ای کسی که جز او خدایی نیست، ای اجابت کننده مضطر وبیچاره آنگاه که او را بخواند. ای رحم کننده بر اشکهای یعقوب، وای برطرف کننده نارا حتی ایوب، مرا بیامرز ومشمول رحمتت قرارده، وبرگروه کافر یاری نما، وراه گشایشی بر من عطاکن وتو بهترین راه گشایی، ای دارای نیروی قوی وای مهربانترین مهربانان. (۱۸) - دعای آن حضرت برای رهایی از دشواریها تو خداوندی هستی که آغازگر خلق واعاده کننده آنانی، تو خدائی هستی که جز تو خدائی نیست، تدبیر کننده کارها ومبعوث کننده دفن شده های در قبرها می باشی، وتو خدائی هستی که خداوندی جز تو نیست قبض کننده وگستراننده ای، وتو خدائی هستی که خداوندی جز تونیست، وارث زمین وهرچه در آنست می باشی.

---

[ ۱۰۴ ]

اسألك باسمك الذي إذا دعيت به اجبت، وإذا سئلت به اعطيت، واسألك بحق محمد وأهل بيته، وبحقهم الذي أوجبتهم علي نفسك، ان تصلي علي محمد وال محمد وان تقضي لي حاجتي، الساعة الساعة، يا سيده يا مولاه يا غياثاه. اسألك بكل اسم سميت به نفسك، واستأثرت به في علم الغيب عندك، ان تصلي علي محمد وال محمد وان تعجل خلاصنا من هذه الشدة، يا مقلب القلوب والابصار، يا سميع الدعاء، انك علي كل شئ قدير، برحمتك يا ارحم الراحمين.

---

[ ۱۰۵ ]

از تو می خواهم بنامت که هرگاه بدان خوانده شوی اجابت کرده، و هرگاه بدان سؤال شوی عطا می کنی، واز تو می خواهم بحق محمد و خاندانش، و بحق ایشان که بر خود لازم نموده ای، اینکه بر محمد وخاندانش درود فرستاده، ودر این ساعت در این ساعت حاجتم را برآوری، ای آقایم ای مولایم ای پناهم. از تو می خواهم بهرنامی که خود را بدان نام نامیده ای، ودر علم غیبت بدان خود را مخصوص نموده ای، اینکه بر محمد وخاندانش درود فرستاده ودر رهایی ما از این مشکل تعجیل فرمائی، ای دگرگون کننده قلبها ودیدگان، ای شنونده دعاها، تو بر هر کار قادری، برحمتت ای مهربانترین مهربانان.

---

[ ۱۰۷ ]

۵ - در ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها وقضاء حوائج در برطرف شدن غصه ها در بر طرف شدن غصه ها، بعد از نماز آن حضرت برای بر طرف شدن غصه ها واندوهها برای بر طرف شدن غم واندوه، معروف به دعای فرج برای بر طرف شدن اندوه برای بر آورده شدن حاجات، معروف به دعای سهم اللیل برای بر آورده شدن حاجات.

---

[ ۱۰۸ ]

(۱۹) دعاؤه (عليه السلام) في تفریح الهموم اللهم عظم البلاء، وبرح الخفاء، وانقطع الرجاء، وانكشف الغطاء، وضافت الارض ومنعت السماء، واليك يا رب المشتكى، وعليك المعول في الشدة والرخاء. اللهم فصل على محمد وال محمد، اولى الامر الذين فرضت علينا طاعتهم، وعرفتنا بذلك منزلتهم، ففرح عنا بحقهم فرحاً عاجلاً كلمح البصر أو هو اقرب. يا محمد يا على، اكفياني فانكما كافيي، وانصراني فانكما ناصراي، يا مولاي يا صاحب الزمان، الغوث الغوث الغوث، ادركني ادركني ادركني.

[ ۱۵۹ ]

(۱۹) - دعای آن حضرت در برطرف شدن غصه ها پروردگارا ! بلا و آزمایش بزرگ و راز پنهان آشکار شد، و امید به نا امیدی گرائید، و حجاب دریده شد، و زمین تنگ گردید، و آسمان [ رحمتش را ] منع نمود، پروردگارا بسوی توست شکایتیم، و در سختی و آسانی تکیه ام بر توست. خدایا ! بر والیان امرت، محمد و خاندانش، که امر به اطاعتشان نموده، و بدینوسیله ما را به منزلت و مقامشان آشنا ساختی، درود فرست، پس بحق ایشان بر ما گشایشی عطا فرما، گشایشی سریع همچون چشم برهم نهادن یا نزدیکتر از آن. ای محمد ای علی، مرا کفایت کنیید چرا که شما کفایت کننده من هستیید، مرا یاری نمائید چرا که شما یاریگر من می باشید، ای مولایم ای صاحب الزمان، بفریاد رس، بفریاد رس، بفریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب.

[ ۱۶۰ ]

(۲۰) دعاؤه (عليه السلام) في تفریح الهموم وكشف الكرب، بعد صلاته (عليه السلام) قال السيد بن طاووس: صلاة الحجة القائم (عليه السلام) ركعتين، تقرأ في كل ركعة الفاتحة الى: " اياك نعبد و اياك نستعين "، ثم تقول مرة: " اياك نعبد و اياك نستعين "، ثم تتم الفاتحة وتقرأ بعدها الاخلاص مرة واحدة، وتدعو عقبيها فنقول: اللهم عظم البلاء، وبرح الخفاء وانكشف الغطاء وضافت الارض بما وسعت السماء، واليك يا رب المشتكى، وعليك المعول في الشدة والرخاء. اللهم صل على محمد وال محمد الذين امرتنا بطاعتهم، وعجل اللهم فرجهم بقائمهم، واطهر اعزازه. يا محمد يا على يا على يا محمد اكفياني فانكما كافيي، يا محمد يا على يا على يا محمد انصراني فانكما ناصراي، يا محمد يا على يا على يا محمد احفظاني فانكما حافظاي.

[ ۱۶۱ ]

(۲۰) - دعای آن حضرت در برطرف شدن غصه ها و رفع ناراحتیها، بعد از نماز آن حضرت سید بن طاووس می گوید: نماز امام (عليه السلام) دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد را تا آیه " اياك نعبد و اياك نستعين " قرائت می کنی، آنگاه صد مرتبه این آیه را تکرار می کنی، سپس سوره را تمام کرده و بعد از آن سوره توحید را می خوانی، بعد از تمام شدن نماز این دعا را می خوانی: بارالها ! بلا و مصائب ما بزرگ گردید، و پرده از روی کارها برداشته شد، امیدمان به نا امیدی گرائید، و زمین در مقابل پهناوری آسمان بر ما تنگ آمده، و تنها تو یاور و مددکار، و مرجع شکایت ما می باشی، و یگانه اعتماد ما در هر سختی و آسانی بر لطف توست. خداوندا ! بر محمد

وخاندانش درود فرست، کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب نموده  
آی، وپار خدایا گشایش آنان را با ظهور قائم ایشان تعجیل بخش، وبر  
عزت او بیفزای. آی محمد آی علی، آی علی آی محمد مرا کفایت  
کنید که شما کفایت کننده من هستید، آی محمد آی علی، آی  
علی آی محمد مراباری نمائید که شما یاری دهنده من می باشید،  
آی محمد آی علی، آی علی آی محمد، مرا نگاهبان باشید که شما  
نگاهبان من هستید.

---

[ ۱۶۲ ]

یا مولای یا صاحب الزمان، یا مولای یا صاحب الزمان یا مولای یا  
صاحب الزمان، الغوث الغوث الغوث، ادركني ادركني ادركني، الامان  
الامان الامان. (۲۱) دعاؤه (عليه السلام) لتفريج الهموم والغموم یا  
نور النور، یا مديبر الامور، یا باعث من في القبور، صل علی محمد وال  
محمد واجعل لی ولشيعتي من الضيق فرجا ومن الهم مخرجا،  
واوسع لنا المنهج، واطلق لنا من عندك ما يفرج، وافعل بنا ما انت  
اهله یا کریم. (۲۲) دعاؤه (عليه السلام) في تفريج الهموم والغموم،  
المسمى بدعاء الفرج عن ابی الحسين بن ابی البغل الكاتب قال:  
تقلدت عملا من ابی منصور بن الصالحان، وجرى بينی وبينه ما  
اوجب استتاری، فطلبني و اخافني، فمكثت مستترا خائفا.

---

[ ۱۶۳ ]

آی مولای من آی صاحب الزمان، آی مولای من آی صاحب الزمان،  
آی مولای من آی صاحب الزمان، بفریاد رس، بفریادرس، بفریادرس،  
مرا دریاب، مرادریاب، مرا دریاب، امان ده، امان ده، امان ده. (۲۱) -  
دعای آن حضرت برای برطرف شدن غصه ها واندوه ها آی نور آی  
تدبیر کننده امور، آی برانگیزاننده هر که در قبرها قرار دارد، برمحمد  
وخاندانش درود فرست و برای من وشیعانم در مقابل سختی  
گشایش، ودر مقابل هم وغم راه رهایی عطا فرما، وراه را بر من  
گسترده قرارده، وآنچه باعث گشایش کارما می باشد از جانب  
خودت عنایت کن، وآنچه توشایسته آنی در قبال ما انجام ده، آی  
بزرگوار. (۲۲) - دعای آن حضرت برای برطرف شدن غم واندوه،  
معروف بدعای فرج از ابی الحسين بن ابی بغل کاتب روایت شده: از  
طرف ابی منصور بن صالحان مسئولیتی را بعهده گرفتم، بین من و او  
موضوعی اتفاق افتاد که باعث شد خود را از دیدگانش مخفی کنم،  
او بدنبال من فرستاد و مرا ترسانید، مدتی مخفیانه زندگی می  
کردم.

---

[ ۱۶۴ ]

ثم قصدت مقابر قريش ليلة الجمعة - الى ان قال - : فينما انا كذلك  
إذ سمعت وطئة عند مولانا موسى عليه السلام، وإذا برجل يزور -  
الى ان قال - فقال لي: يا ابا الحسين بن ابی البغل أين أنت عن  
دعاء الفرج، فقلت: وما هو يا سيدي؟ فقال: تصلى ركعتين وتقول: يا  
من اظهر الجميل وستر القبيح، يا من لم يؤاخذ بالجريرة، ولم يهتك  
الستر، يا عظيم المن، يا كريم الصفح يا حسن التجاوز، يا واسع  
المغفرة، يا باسط اليدين بالرحمة، يا منتهى كل نجوى، يا غاية كل  
شكوى، يا عون كل مستعين، يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها. يا  
رباه - عشر مرات، يا سيداه - عشر مرات، يا مولياه - عشر مرات، يا  
غايته - عشر مرات، يا منتهى رغبته - عشر مرات. اسألك بحق

هذه الاسماء، وبحق محمد وآله الطاهرين (عليهم السلام)، الا ما كشفت كربى، ونفست همى، وفرجت عنى، واصلحت حالى. وتدعو بعد ذلك بما شئت وتسال حاجتك.

[ ۱۶۵ ]

در شب جمعه آي به قبرستان قريش رفتم - تا آنجا كه گوید: در آن حال بودم كه کنار قبر حضرت كاظم (عليه السلام) صدای پای زائري را شنیدم - تا آنجا كه گوید - بمن فرمود: آي ابا الحسين بن ابى بعل چرا دعای فرج را نمى خوانی ؟ گفتم: آي آقايم آن دعا كدامست ؟ فرمود: دوركعت نماز گذارده ومى گوئى: آي كسى كه كار زيبا را آشكارو كار زشت را پوشانيد، آي آنكه بر جنایت تويخ ومؤاخذه نموده وحجابها را نمى درد، آي آنكه منتش بزرگ وچشم پوشيش گرامى وگذشتش بزرگوارانه است، آي صاحب گذشت نيكو، آي آمرزنده گسترده، آي آنكه دو دست رحمتش گشوده، واى دانای هر سخن اسرار آميز، آي مرجع هر شكایت وياور هر ضعيف، آي آغاز گر نعمت قبل از استحقاق داشتن به آن. آي پروردگار - ده بار، آي آفانم - ده بار، آي مولایم - ده بار، آي هدفم - ده بار، آي نهایت آرزويم - ده بار. از تو مى خواهم بحق اين نامها وبحق محمد وخاندان پاكش - كه بر تمامی آنان درود باد - ناراحتيم را برطرف وغم واندوهم را زائل وبر من گشایش عطا نموده، وحالم را اصلاح فرمائى. بعد از آن هر دعائى را خواسته باشى خوانده وحاجتت را ذكر مى كنى.

[ ۱۶۶ ]

ثم تضع خدك الايمن على الأرض وتقول مائة مرة في سجودك: يا محمد يا على، يا على يا محمد، اكفيانى فانكما كافيائى، وانصرانى فانكما ناصرانى. وتضع خدك الأيسر على الارض وتقول مائة مرة: ادركنې، و تكررها كثيرا، وتقول: الغوث الغوث، حتى ينقطع نفسك، وترفع رأسك. فان الله بكرمه يقضى حاجتك ان شاء الله تعالى. (۲۳) دعاؤه (عليه السلام) لتفريج الهموم اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع، ورب البحر المسجور، ومنزل التوراة والانجيل والزيور ورب الظل والحرور، ومنزل الفرقان العظيم، ورب الملائكة المقربين والانبياء والمرسلين. انت اله من في السماء، واله من في الارض، لا اله فيهما غيرك، وانت جبار من في السماء وجبار من

[ ۱۶۷ ]

آنگاه گونه راستت را برزمین نهاده وصدبار در سجده مى گوئى: آي محمد آي على، آي على آي محمد، مرا كفايت كنيد كه شما كفايت كننده من هستيد، ومرا يارى نماييد كه شما ياريگر من مى باشيد. وگونه چپ خود را بر زمين نهاده وصد بار مى گوئى: مرا درياب، و آنرا بسيار تكرر كن، ومى گوئى: پناهم ده پناهم ده، تا آنگاه كه نفست قطع شود، وسرت را برمى دارى. خداوند به بزرگواريش حاجتت را بر مى آورد. (۲۳) - دعای آن حضرت برای برطرف شدن اندوه خداوند ! آي پروردگار نور بس بزرگ وپروردگار عرش بلند، و پروردگار دریای جوشان، ونازل كننده تورات وانجيل وزيور، وپروردگار سایه وگرما، ونازل كننده زيور وقرآن كريم، وپروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران ورسولان. تو پروردگار آنچه در آسمان وزمین است مى باشى، ودر

ایندو معبودی جز تو نیست، وتو بر هر چه در آسمان وزمین است  
قادری،

[ ۱۶۸ ]

في الارض، لا جبار فيهما غيرك، وانت خالق من في السماء وخالق  
من في الارض، لا خالق فيهما غيرك، وانت حكم من في السماء،  
وحكم من في الارض، لا حكم فيهما غيرك. اللهم انى اسألك بوجهك  
الكريم، وبنور وجهك المشرق المنير، ومللك القديم، يا حى يا قيوم،  
اسألك باسمك الذى اشرقت به السماوات والارضون، وباسمك الذى  
يصلح عليه الاولون والاخرون. يا حيا قبل كل حى، ويا حيا بعد كل  
حى، ويا حيا حين لا حى، يا محيى الموتى، يا حى يا لا اله الا انت،  
يا حى يا قيوم. اسألك ان تصلى على محمد وال محمد وارزقني من  
حيث احتسب ومن حيث لا احتسب، رزقا واسعا حلالا طيبا، وان  
تفرج عنى كل غم وكل هم، وان تعطيني ما ارجوه وامله، انك على  
كل شئ قدير.

[ ۱۶۹ ]

در این دو قدرت تنها از آن توست، وتو آفریدگار آنچه در آسمان وزمین  
است می باشی، وآفریدگاری جز تو در آسمانها وزمین وجود ندارد،  
وتو حاکم بر هرچه در آسمانها وزمین است می باشی ودر آسمانها  
وزمین حاکمی جز تو وجود ندارد. پروردگارا ! از تو می خواهم بحق  
آبروی گرامیت، وبحق نور جمال پرفروغت، وفرمانروائی دیرینه ات،  
آی زنده آی پایدار، از تو می خواهم بنامت که آسمانها وزمینها را  
بدان پرفروغ ساخته، وبنامت که اولین و آخرین را بدان اصلاح می  
کنی. آی زنده قبل از هر زنده، وای زنده بعد از هر زنده، وای زنده  
آنگاه که موجود زنده آی وجود ندارد، وای احیا کننده مردگان، آی  
زنده، آی که جز تو خدائی نیست، آی زنده آی پایدار. از تو می  
خواهم که بر محمد وخاندانش درود فرستاده، واز جایگاهی که  
بفکر می کنم، واز جایگاهی که بفکر نمی رسد روزی وسیع حلال  
پاکیزه آی را نصیب گردانی، وهر غم واندوهی را از من برطرف کنی،  
وآنچه بدان امیدوارم را بمن عطا نمائی، بدرستی که تو بر هرکار  
قادری.

[ ۱۷۰ ]

(۲۴) دعاؤه (عليه السلام) لقضاء الحوائج، المسمى بسهم الليل  
اللهم انى اسألك بعزیز تعزیز اعتزاز عزتك، بطول حول شديد قوتك،  
بقدر مقدار اقتدار قدرتك، بتأكيد تحميد تمجيد عظمتك، بسمو نمو  
علو رفعتك. بديموم قيوم دوام مدتك، برضوان غفران امان رحمتك،  
برفيق بديع منبع سلطنتك، بساعة صلاة بساط رحمتك، بحقائق الحق  
من حق حقتك، بمكنون السر من سر سرك، بمعاهد العز من عز عزك.  
بحنين انين تسكين المريدين بحرقات خضعات زفرات الخائفين، بأمال  
اعمال اقوال المجتهدين، بتخشع تخضع تقطع مرارات الصابرين، بتعبد  
تهجد تجلد العابدين. اللهم ذهلت العقول، وانحسرت الابصار، وضاعت  
الافهام، وحارت الا وهام، وقصرت الخواطر، وبعدت الظنون، عن ادراك  
كنه كيفية ما ظهر من بوادي عجائب

(۲۴) - دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجات، معروف بدعای سهم اللیل پروردگارا ! از تو می خواهیم به عزت و سربلندی عزت و اقتدارت، به نعمت و توان بسیار نیرویت، به اندازه مقدار اقتدار قدرتت، به تأکید ستایش و تمجید عظمتت، به برتری رشد علو رفعتت. به جاودانگی و پایداری و تداوم مدتت، به خشنودی و بخشش و امان و رحمتت، به رفعت و قدرت و اقتدار سلطنتت، به تلاشگران و ستایشگران بساط رحمتت، به حقایق حق از حقت، به راز پنهان از اسرار، به جایگاههای عزت از عزتت. به مهربانی و تضرع و سکون ناله زنان در خضوع و خشوعت، به آروزها و کارها و گفتار تلاشگران، به خشوع و خضوع و انقطاع صابران، به عبادت و بندگی و رنج عبادتگران. پروردگارا ! عقول حیران، و چشمها متحیر، و فهمها عاجز، اوهام در حیرت، افکار ناتوان، و گمانها از ادراک کنه کیفیت آنچه از عجائب

اصناف بدائع قدرتک، دون البلوغ الی معرفة تلالی لمعات بروق سماتک. اللهم محرك الحركات، ومبدئ نهاية الغایات، ومخرج ینایع تفریع قضبان النبات، یا من شق صم جلامید الصخور الراسیات، وانبع منها ماء معینا حياة للمخلوقات، فاحیا منها الحیوان والنبات، وعلم ما اختلج فی سر افکارهم من نطق اشارات خفیات لغات النمل السارحات. یا من سبحت وهللت، و قدست وکبرت، وسجدت لجلال جمال اقوال عظیم عزة جبروت ملکوت سلطنته ملانکه السبع السماوات. یا من دارت فاضاءت، وانارت لدوام دیمومیة النجوم الزاهرات، واحصى عدد الاحیاء والاموات، صل علی محمد وال محمد خیر البریات، وافعل بی کذا وكذا.

مخلوقاتت ظاهر شده دورمانده اند، چه برسد به رسیدن به معرفت و شناخت پرتوهای انوار آسمانهایت. خداوندا ! ای بحرکت درآورنده حرکات و آغازگر نهایت پایانها، و خارج کننده سرچشمه های جوشش نباتات، ای آنکه سنگهای سخت و صخره های بر افراشته را شکافت، و از آن آبی را جاری ساخت که زندگی مخلوقات درگرو آنست، و حیوانات و نباتات را زنده نموده، گفتارهای پنهان و زبان مورچه های تلاشگر را دانست. ای آنکه فرشتگان هفت آسمان برای جلال و جمال و عظمت عزت و جبروت و فرمانروایی او تسبیح گو و تهلیل گو و تکبیر گو بوده، و او را از هر عیب منزه می کنند. ای آنکه ستارگان پرفروغ برای تداوم جاودانگی او نورانی و پرفروغ گشته اند، و عدد زندگان و مردگان را می داند، بر محمد و خاندانش بهترین مخلوقات درود فرست، و حاجت‌هایم را عطا فرما.

(۲۵) دعاؤه (علیه السلام) لقضاء الحوائج فی لیلة الجمعة عن البزوفری: خرج عن الناحية المقدسة: من كانت له الی الله تعالی حاجة، فلیغتسل لیلة الجمعة بعد نصف اللیل، ویأتی مصلاه، ویصلی رکعتین، یقرأ فی الركعة الاولى الحمد، فإذا بلغ " ایاک نعبد و ایاک نستعین " یکررها مائة مرة، ویتمم فی المائة الی آخر السورة. ویقرأ سورة التوحید مرة واحدة، ویسبح فیهما سبعة سبعة، ویصلی

الركعة الثانية على هيئة الاولى، ويدعو بهذا الدعاء: اللهم ان اطعتك فالمحمدة لك، وان عصيتك فالحجة لك، منك الروح ومنك الفرغ، سبحان من انعم وشكر، سبحان من قدر وغفر. اللهم ان كنت قد عصيتك فاني قد اطعتك في احب الاشياء اليك، وهو الايمان بك، لم اتخذ لك ولدا ولم ادع لك شريكا، منا منك به على لا منا منى به عليك.

[ ١٧٥ ]

(٢٥) - دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجات از بزوفری روایت شده که گوید: از ناحیه مقدسه چنین صادر شد: هر کسی حاجتی دارد، شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کرده و در مصلايش قرار گرفته و دو رکعت نماز گذارد، در رکعت اول سوره حمد را بخواند، آنگاه که به " اياك نعبدو اياك نستعين " رسید آنرا صدارت تکرار کند، و با آخرین دفعه سوره را تمام کند. سپس سوره توحيد را یکبار خوانده و ذکر رکوع و سجده را ٧ بار بگوید، رکعت دوم را نیز اینگونه بخواند آنگاه بگوید: پروردگارا ! اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس از آن توست، و اگر عصیان تو را نمودم حجت و دلیل تو را شاید، نشاط و گشایش از جانب توست، پاک و منزّه است آنکه نعمت ارزانی داشت و شکر گذارد، پاک و منزّه است آنکه توانا شد و بخشید. بارالها ! اگر عصیان تو را نمودم در بهترین امور نزد تو، یعنی ایمان بتو و اعتقاد بعدم وجود شريك و فرزندى برایت، مطیع تو گردیدم، این امر منتهی است از تو بر من نه منتهی باشد از من بر تو.

[ ١٧٦ ]

وقد عصيتك يا الهى على غير وجه المكابرة، ولا الخروج عن عبوديتك، ولا الجحود بريوبيتك، ولكن اطعت هواى وازلنى الشيطان. فلك الحجة على والبيان، فان تعذبتني فبذنوبي غير ظالم، وان تغفر لى وترحمني، فانك جواد كريم، يا كريم يا كريم - حتى تنقطع النفس. ثم يقول: يا امنا من كل شئ، وكل شئ منك خائف حذر، اسألك بامنك من كل شئ، وخوف كل شئ منك ان تصلى على محمد وال محمد وان تعطيني امانا لنفسي واهلى وولدى وسائر ما انعمت به على، حتى لا اخاف احدا ولا احذر من شئ ابدا، انك على كل شئ قدير، وحسبنا الله ونعم الوكيل. يا كافى ابراهيم نمرود، ويا كافى موسى فرعون، ويا كافى محمد صلى الله عليه واله الاحزاب، اسألك ان تصلى على محمد وال محمد وان تكفيني شر فلان بن فلان. ثم يسجد ويسأل حاجته.

[ ١٧٧ ]

پروردگارا ! گناه کردن من نه از جنبه تکذیب تو، و نه از جنبه خروج از ساحت عبودیت و بندگی تو، و نه بجهت انکار ربوبیت تو می باشد، بلکه پیروی هواى نفس کرده و شيطان مرا فریب داد. حجت و دلیل برای توست، اگر در مقابل گناهانم مرا عذاب کنی ستمگر نبوده، و اگر مرا آمرزیده و مشمول رحمت گردانی بدرستی که تو بخشنده و بزرگواری، آي بزرگواری بزرگواری... تا آنکه نفس تمام شود. سپس بگوید: آي آنکه از هر چیز در امانی و همه اشياء از تو هراسان و در وحشتند، از تو می خواهم بحق در امان بودنت از هر چیز و هراس هر چیز از تو، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و بمن درجان و خانواده و فرزندان و آنچه بمن ارزانی داشته آي امنيتي عطا فرمایى که از

هیچکس نترسیده واز کسی بیمی بخود راه ندهم، تو برهرکار توانائی، و خداوند برای ما کافی بوده و او بهترین وکیل است. آی کفایت کننده ابراهیم در مقابل نمرود، وای کفایت کننده موسی در مقابل فرعون، وای کفایت کننده محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - در مقابل گروههای مختلف، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از شر فلان پسر فلان رهایی بخشی. سپس بسجده رفته و حاجت خود را بطلبید.

---

[ ۱۷۹ ]

۶ - ادعیه آن حضرت در پنهان شدن از دشمنان و دفع خطرات در پنهان شدن از دشمنان برای حفاظت از شرور برای درمان بیماریها

---

[ ۱۸۰ ]

(۳۶) دعاؤه (علیه السلام) في الاحتجاب اللهم احجيني عن عيون اعدائي، واجمع بيني وبين اوليائي، وانجز لي ما وعدتني، واحفظني في غيبتي، الي ان تأذن لي في ظهوري. واحي بي ما درس من فروضك وسننك، وعجل فرجي، وسهل مخرجي، واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا، وافتح لي فتحا مبينا، واهدني صراطا مستقيما. وقتي جميع ما احاذره من الظالمين، واحجيني عن اعين الباغضين، الناصبين العداوة لاهل بيت نبيك، ولا يصل منهم الي احد بسوء. فإذا اذنت في ظهوري، فايدني بجنودك، واجعل من يتبعني لنصرة دينك مؤيدين، وفي سبيلك مجاهدين، وعلى من ارادني وارادهم بسوء منصورين، ووقفني لاقامة حدودك، وانصرتني على من تعدى محدودك.

---

[ ۱۸۱ ]

وانصر الحق، وازهق الباطل، ان الباطل كان زهوقا، (۳۶) - دعای آن حضرت در پنهان شدن از دشمنان پروردگارا ! مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده دار، و بین من و دوستانم جمع فرما، و آنچه بمن وعده داده ای را تحقق بخش، و مرا در زمان غیبتم، تا آنگاه که اجازه ظهور دهی حفظ فرما. و آنچه از احکامات که در گذشت روزگار بفراموشی سپرده شده را بوسیله من زنده کن، ظهورم را نزدیک ورهائیم را آسان فرما، و از جانب خودت قدرت و نیرو بمن عطا کن، و پیروزی روشنی نصیبم فرما، مرا به راه مستقیم هدایت کن. و آنچه از ستمگران در هراسم را از من دور ساز، و از دیدگان کینه توزان، و کسانیکه بغض و دشمنی خاندان پیامبر را بدک دارند، مرا پوشیده دار، تا از آنان به کسی آسیبی نرسد. پس آنگاه که اجازه ظهور دادی مرا بالشکریانت یاری کن، و هر که دریاری دینت بامن همراهی کند و در راهت بجهاد برخیزد تأیید فرما، و بر دشمنانم و دشمنانشان آنان را یاری کن، و مرا برای برپاداشتن احکامات موفق بدار، و بر هر که از حدودت تجاوز نموده یاری نما.

---

[ ۱۸۲ ]



حق را پیروز و باطل را نابودساز، چرا که باطل نابود شدنی است،  
واورد علی من شیعتی وانصاری من تقر بهم العین، و یشد بهم  
الازر، واجعلهم فی حرزک وامنک، برحمتک یا ارحم الراحمین. (۲۷)  
دعاؤه (علیه السلام) فی الاحتراز بسم الله الرحمن الرحیم، یا مالک  
الرقاب، ویا هازم الاحزاب، یا مفتاح الابواب، یا مسبب الاسباب، سبب  
لنا سببا لا نستطیع له طلبا، بحق لا اله الا الله، محمد رسول الله،  
صلی الله علیه وعلی اله اجمعین. (۲۸) دعاؤه (علیه السلام)  
للشفاء من الامراض علمه (علیه السلام) لرجل کان به علة، فأمره  
بکتابته وغسله وشربه: بسم الله دواء، والحمد لله شفاء، ولا اله الا  
الله کفاء،

---

[ ۱۸۳ ]

هو الشافی شفاء، وهو الکافی کفاء، اذهب البأس رب به شیعیان  
ویارنم آنچه ایشان را خوشحال می کند وبر پشتیبانشان می  
افزاید عطا کن، وایشان را در حفاظت وحراست خود قرار ده، بحق  
رحمتت ای مهربانترین مهربانان. (۲۷) - دعای آن حضرت برای  
حفاظت از شرور بنام خداوند بخشنده مهربان، ای مالک جانهای  
مردم، وای درهم کوبنده لشکریان باطل، ای گشاینده دربهان، ای  
سبب بخش اسباب، راهی را بما بنمایان که بدان قادر نیستیم،  
بحق خداوندی خود ورسالت پیامبرت، که درود تو بر او وخاندانش باد.  
(۲۸) - دعای آن حضرت برای درمان بیماریها آن حضرت این دعا را به  
شخص بیماری آموخت که آنرا بنویسد و در آب قراردهد و آب را  
بنوشد؛ بنام خداوند که درمان نزد اوست، و سپاس خدای را  
سزاست که

---

[ ۱۸۴ ]

شفاء از اوست، خدائی که معبودی جز او نیست وهمین برایم  
کافی است، الناس، شفاء لا یغادره سقم، وصلی الله علی محمد  
واله النجباء.

---

[ ۱۸۵ ]

أو شفا دهنده است، أو کفایت کننده می باشد، بحق خودت نارا  
حتی را دور ساز، با درمانی که دردی در آن نباشد، وبر محمد  
وخاندانش درود فرست.

---

[ ۱۸۶ ]

۷ - ادعیه آن حضرت در ماه رجب در هر روز از ماه رجب در هر روز از  
ماه رجب در هر روز از ماه رجب در زیارت مخصوص ماه رجب در روز  
مبعث در روز مبعث وعید فطر وقربان وجمعه، معروف به دعای ندبه.

---

[ ۱۸۸ ]

(۳۹) دعاؤه (عليه السلام) في كل يوم من شهر رجب اللهم يا ذا المنن السابغة، والالاء الوازعة، والرحمة الواسعة، والقدرة الجامعة، والنعم الجسيمة، والمواهب العظيمة، والايادي الجميلة، والعطايا الجزيلة. يا من لا ينعت بتمثيل، ولا يمثل بنظير، ولا يغلب بظهير، يا من خلق فرزق، والهيم فأنطق، وابتدع فشرع، وعلا فارتفع، وقدر فأحسن، وصور فأتقن، واحتج فابليغ، وانعم فأسيغ، واعطى فأجزل، ومنح فأفضل. يا من سما في العز ففات خواطر الابصار ودنا في اللطف فجاز هواجس الافكار، يا من توحد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه، وتفرد بالالاء والكبرياء، فلا ضد له في جيوت شأنه. يا من حارت في كبرياء هيئته دقائق لطائف الاوهام، وانحسرت دون ادراك عظمته خطائف ابصار الانام، يا من عنت الوجوه لهيئته، وخضعت الرقاب لعظمته، ووجلت

[ ۱۸۹ ]

(۳۹) - دعای آن حضرت در هر روز از ماه رجب پروردگارا ! أي دارای منتهای کامل ونعمتهای بازدارنده از حرام و رحمت پهناور، وقدرت کامل بر هر چیز، ونعمتهای بزرگ، وموهبتهای عظیم، وبخششهای نیکو، وعطاهای برجسته. أي خدائی که با مثال زدن بوصف درنیاید، ومانندی برایش متصور نشود، وبهیچ قدرتی مغلوب نگردد، أي کسی که آفرید وروزی داد، و الهام کرده وبسخن درآورد، وابداع کرد وشروع به آفرینش نمود، و مقامش برتر از اندیشه گردید، ومقدر کرد ونیکو تقدیر نمود، و صورت گری نمود ومحکم تصویرکرد، واحتجاج نمود ورسانید، و نعمتهای گسترده وعطاهاى بسیار وبخششهای فراوان عنایت کرد. أي کسی که چنان عزیز گردیده که چشمهای بینای دل بدان راه نیابد، وانچنان نزدیک شده است، تا آنجا که از دغدغه های افکار فراتر رود، أي آنکه درپادشاهی وسلطنت یگانه باشد، واز اینرو در قلمرو حاکمیتش رقیبی ندارد، ودر بخششها وعطاهايش متفرد است واز اینرو درشان و جلالت ضدی برایش متصور نگردد. أي آنکه در بزرگی وهیئتش او هام متحیر گردیده، ودر ادراك کمترین مرتبه عظمتش دیده صاحب نظران عاجز شده، أي کسی که در مقابل هیئتش آدمیان متواضع، ودر قبال عظمتش گردنهای خاضع، ودلها از

[ ۱۹۰ ]

القلوب من خيفته. أسألك بهذه المدحة التي لا تبغي الا لك، وبما وأيت به على نفسك لداعيك من المؤمنين، وبما ضمنيت الاجابة فيه على نفسك للداعين. يا اسمع السامعين، وابصر الناظرين، واسرع الحاسبين، يا ذاالقوة المتين، صل على محمد وال محمد خاتم النبيين وعلى اهل بيته. واقسم لى في شهرنا هذا خير ما قسمت، واحتتم لى في قصائنك خير ما حتمت، واختم لى بالسعادة في من ختمت، واحيني ما احببتنى موفورا، وامتنى مسرورا و مغفورا. وتول انت نجاتى من مسائلة البرزخ، وادرا عنى منكرا ونكيرا، وار عينى مبشرا وبشيرا، واجعل لى الى رضوانك وجنانك مصيرا، وعيشنا قريبا، وملكا كبيرا، و صل على محمد واله كثيرا.

[ ۱۹۱ ]

ترس او هراسان شده است. از تو می خواهم بحق این ستایشی که تنها شایسته توست، وبحق وعده هایی که بر خود لازم نموده

آی که به دعا کنندگان با ایمانت عطا کنی، و به آنچه اجابت آنرا برای دعا کنندگان بر خود ضمانت کردی. آی شنواترین شنوندگان وای بیناترین بینندگان، وای سریعترین حسابرسان، آی دارای اقتدار کامل، بر محمد خاتم پیامبران و خاندانش درود فرست. ودر این ماه بهترین بهره را نصیب فرما ودر مقدرات بهترین آنها را برایم مقدر کن، ودر زمره افرادی که سر انجامشان به خیر منتهی می شود مرا قرار ده، و تا آنگاه که مرا زنده قرار دادی زندگیم را با وسعت و فراوانی مقدر فرما، و مرا خرسند و آمرزیده بمیران. حسابرسی بر رخ مرا خود بعهده گیر، نکیر و منکر را از من دور، فرشتگان بشارت " بشیرو مبشر " را بمن بنمایان، و راهم را بسوی بهشت و رضوانت قرار ده، همراه با زندگی نیکو و فرمانروایی بزرگ، و بر محمد و خاندانش بسیار درود فرست.

---

[ ۱۹۲ ]

(۳۰) دعاؤه (علیه السلام) في كل يوم من شهر رجب اللهم انى اسألك بمعاني جميع ما يدعوك به ولاية امرك، المأمونون على سرک، المستسرون بامرک، الواصفون لقدرتک، المعلنون لعظمتک. اسألك بما نطق فيهم من مشيتک، فجعلتهم معادن لكلماتک، واركانا لتوحيدك و اياتك و مقاماتك، التى لا تعطيل لها في كل مكان، يعرفك بها من عرفك. لا فرق بينك وبينها، الا انهم عبادك و خلقك، فتقها و رتقها بيدك، بدؤها منك و عودها اليك، اعضاء و اشهاد، و مناة و اذواد، و حفظة و رواد، فيهم ملات سمائك و ارضك حتى ظهر ان لا اله الا انت. فبذلك اسألك، و بمواقع العز من رحمتك، و بمقاماتك و علاماتك ان تصلى على محمد و اله و ان تزيدني ايمانا و تثبتيا. يا باطنا في ظهوره، و يا ظاهرا في بطونه، يا مفرقا

---

[ ۱۹۳ ]

(۳۰) دعای آن حضرت در هر روز از ماه رجب بار الها ! از تو می خواهم به حقیقت تمامی آن [ نام ] ها که والیان امرت با تو بدانها رازونیا می کنند، [ والیانی که ] امانتدار راز تو، و شادمان از فرمان تو، و نشانگر توانائی تو، و روشنگر بزرگی تو می باشند. از تو می خواهم بحق آنچه از خواست تو که در باره آنان بروز و صدور یافت، پس ایشان را گنجینه همیشگی جلوه های خود، و پایه استوار یکتا شناسی خویش، و نشانه شگفت خویشین قرار دادی، و پایگاه خودت ساختی [ آنچنانکه ] هیچ کجا بدون آن نماند، و هر کس ترا شناخته بوسیله آنها می شناسد. میان تو و آنها تفاوتی نیست مگر اینکه آنان بنده و آفریده تو اند، که پراکندگی و پیوستگی آنها بدست توست، و آغاز شان از تو و باز گشتشان بسوی توست، آنان یاوران و گواهان، و آزمایندگان و مدافعان، و نگهداران، و پیشروان [ مردم ] هستند، پس آسمان و زمین خود را از [ نور ] ایشان پر ساختی، تا آشکار گشت که جز تو خدائی نیست. پس بحق این [ کلمه توحید ] و بجایگاههای گرانمایه بخشایش تو، و به پایگاهها و نشانه هایت، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و پایداری من بیفزائی. آی آنکه در اوج پیدائی خود پنهانی، و در نهایت پوشیدگی و پنهانی

---

[ ۱۹۴ ]

بین النور والدیجور، یا موصوفا بغير كنه، ومعروفا بغير شبه، حاد كل محدود، وشاهد كل مشهود، وموجد كل موجود، ومحصى كل معدود، وفاقد كل مفقود، لیس دونك من معبود، اهل الكبرياء والوجود. یا من لا یكیف بکيف، ولا یأین بأین، یا محتجا عن كل عين، یا دیموم یا قیوم، وعالم كل معلوم، صل على عبادك المنتجبين، وبشرك المحتجبين، وملائكتك المقربين، وبهم الصافين الحافين. وبارك لنا في شهرنا هذا المرجب المكرم وما بعده من اشهر الحرم، واسیغ علينا فيه النعم واجزل لنا فيه القسم وابرر لنا فيه القسم. باسمك الاعظم الاجل الاكرم، الذي وضعته على النهار فأضاء، وعلى الليل فأظلم، واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم، واعصمنا من الذنوب خیر العصم واكفنا كوافی قدرك، وامنن علينا بحسن نظرك. ولا تكننا الى غيرك، ولا تمنعنا من خیرك، وبارك لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا، واصلح لنا خبیثة اسرارنا،

[ ۱۹۵ ]

خود آشکاری، أي جدا سازنده روشنائی از تاریکی، أي [ خدائی ] که ستوده می شوی اما حقیقت ذات تو نشاندار نمی گردد، وشناخته می شوی اما همانندی برایت یافت نمی گردد، أي محدود کننده هر چیز حد پذیر، و بیننده هر چیز دیده شده، وهستی بخش هر هستی یافته، وشمارنده هر چیز شمارش پذیر، ونابود کننده هر نابود شده، جز تو کسی سزاوار پرستش نیست، تو دارای بزرگمنشی وبخشندگی هستی. أي کسی که بهیچ گونه أي کیفیت نیابی، ودر هیچ مکانی جای نگیری، أي که از تمامی دیده ها در پرده أي، أي همیشه ماندنی، أي بپادارنده جاوید نظام جهان، ودانای همه دانسته ها، درود فرست بر بندگان برگزیده ات وانسانهای پوشیده وگمنامت، وفرشتگان ویژه بارگاہت، و سپاهیان دلیر گرداگرد صف کشنده. ودر این ماه شکوهمند گرامی " رجب " وماههای حرام بعد، بر ما خیر وبرکت عطا فرما، ونعمت ها را بر ما تمام وکامل فرو ریز، وروزی ما را فراوان نما، وسوگند ما را راست گردان. بحق نام بسیار بسیار بزرگ وگرامی تو، که چون آنرا بر روزنهادی روشن گردید، وانگاه که بر شب فرو افکندی تارک گشت، وانچه از [ لغزشهای ] ما که می دانی وما بدانها آگاه نیستیم را ببخشای، وما را از گناهان با نیکو ترین باز دارنده ها نگاهدار، وبا مقدرات کفایتگرت بی نیاز گردان، وبا خوشبینی ونیک اندیشی خود بر ما منت گزار. وما را بغير خودت وا مگذار، واز احسان خود ما را باز مدار، وبه سالهای زندگی ما که مقدر فرموده أي برکت عطا کن، ورازهای پوشیده ما را

[ ۱۹۶ ]

واعطنا منك الامان، واستعملنا بحسن الايمان، وبلغنا شهر الصيام وما بعده من الايام والاعوام، يا ذاالجلال والاکرام. (۳۱) دعاؤه (عليه السلام) في كل يوم من شهر رجب اللهم انى اسألك بالمولودين في رجب، محمد بن على الثاني وابنه على بن محمد المنتخب، واتقرب بهما اليك خير القرب. يا من إليه المعروف طلب، وفيما لديه رغب، اسألك سؤال مقترف مذنب، قد اوبقته ذنوبه، واوثقته عيوبه، فطال على الخطايا دؤبه، ومن الرزايا خطوبه. يسألك التوبة، وحسن الاوبة، والنزوع عن الجوبة، ومن النار فكاك رقبته، والعفو عما في رقبته، فأنت يا مولاي اعظم امله وثقته. اللهم واسألك بمسائلك الشريفة، ورسائلك المنيفة، ان تتعمدنى في هذا الشهر برحمة منك واسعة،

نیکو گردان، وبما از سوی خود امنیت بخش، ویا ایمان نیکو بکار گیر، و مارا بمه ماه رمضان وروزها وسالهای بعدآن برسان، آی دارای نهایت بزرگی وبخشندگی. (۳۱) دعای آن حضرت در هر روز از ماه رجب خدایا ! از تو می خواهم بحق دو مولود در ماه رجب محمد بن علی دوم [ امام جواد ] وفرزند برگزیده اش علی بن محمد، وبه آنها نزد تو بهترین تقرب را می جویم. آی کسی که نیکی از او خواسته شود، وبدآنچه نزد اوست همه مشتاقند، از تو می خواهم خواست بنده گناهکار وخطا کار که گناهانش او را بهلاکت انداخته وعیبهایش او را اسیر نموده است، بر انجام کار خطا عادت کرده وزندگیش تو ام با غم واندوه ورنج است. پذیرش نیکوی توبه اش وخودداری از انجام خطا وگناه، ورهایی از آتش دوزخ وبخشش آنچه در ذمه دارد را از تو در خواست می کند، وتو مولای من بزرگترین آرزو ومحل وثوق او می باشی. بار خدایا ! واز تو می خواهم بحق مسائل شریف ووسيله ارزشمندت، که در این ماه مرا غرق رحمتهای واسع ونعمتهای گوناگون

ونعمة وازعة، ونفس بما رزقتها قانعة، الی نزول الحافرة، ومحل الاخرة، وما هي إليها صائرة. (۳۲) دعاؤه (عليه السلام) في زيارة مختصة بشهر رجب الحمد لله الذي اشهدتنا مشهد اوليائه في رجب، واوجب علينا من حقهم ما قد وجب، وصلى الله على محمد المنتجب وعلى اوصيائه الحجب. اللهم فكما اشهدتنا مشهدهم، فانجز لنا موعدهم، واوردنا مورد هم، غير محلثين عن ورد في دار المقامة والخلد. والسلام عليكم. انى قد قصدتكم واعتمدتكم بمسألتي وحاجتي، وهى فكاك رقيتي من النار، والمقر معكم في دار القرار مع شيعتكم الابرار، والسلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار. انا سائلكم واملكم فيما اليكم التفويض، وعليكم التعويض، فيكم يجبر المهيب، ويشفي المريض، وما

خود نموده وجانم را بدانچه داده آی قانع گردانی، تا آن زمان که در قبر و منزل آخرت وآنجا که همه بدان سو می رود قرار گیرم. (۳۲) دعای آن حضرت در زیارت مخصوص ماه رجب ستایش خداوند را سزاست که ما را در محل حضور بندگان ویژه اش در ماه رجب حاضر کرد، وآنچه از حق آنها که واجب بود را بر ما فرض نمود، ودرود فرستد خدای بر محمد بر گزیده شده وبر جانشینان باحیای وی. خداوندا ! همچنانکه حاضر کردی ما را در محل حضورگاه آنان، پس وعده ایشان را تحقق بخش وما را در محل ورودشان وارد ساز، بدون آنکه از ورود به خانه اقامت وبهشت جاوید رانده شویم. سلام بر شما، من قصد شما کرده ودر بر آورده شدن حاجتم به شما اعتماد نمودم، وان عبارتست از رهایی کامل از آتش دوزخ وهمسایگی شما در خانه ابدی به همراه شیعیان نیکوکاران، وسلام بر شما، برای آنکه صبر کردید پس چه خوبست سر انجام این خانه. من نیازمند شما وامیدوار بشمایم در آنچه بشما تفویض شده و عوض دادنش بر شماست، چه اینکه استخوان پیاپی شکسته بشما متصل

تزداد الارحام وما تغيض. انى لسركم مؤمن، ولقولكم مسلم، وعلى الله بكم مقسم، في رجعى بحوائجي وقضائها وانجاحها وابراجها، وبشؤنى لديكم وصلاحها، والسلام عليكم، سلام مودع ولكم حوائجه مودع. يسأل الله اليكم المرجع، وسعيه اليكم غير منقطع، وان يرجعني من حضرتكم خير مرجع، الى جناب ممرع، وخفض عيش موسع، ودعة ومهل الى حين الاجل، وخير مصير ومحل، في النعيم الازل والعيش المقتبل، ودوام الاكل، وشرب الرحيق والسلسل، وعل ونهل، لا سام منه ولا ملل. ورحمة الله وبركاته وتحياته عليكم حتى العود الى حضرتكم، والفوز في كرتكم، والحشر في زمركم، ورحمة الله وبركاته عليكم وصلواته وتحياته، وهو حسبنا ونعم الوكيل.

شده ومريض به شما شفايابد ونيز آنچه رحمها بيفزايند وفرو برند. من به اسرار شما مؤمن وبه گفتارتان تسليم مى باشم، وبه خدا بشما سوگند ياد مى كنم كه از سوى شما باحاجتهايم وبر آورده شدن وموفقيت آميز بر آوردن وگرامى شمردن آنها، باز گشتم نمايم، ونيز در اينكه از سويتان با كارهاى مهم در پيش شما واصلاح آنها باز گردم. وسلام بر شما، سلام فرد وداع كننده كه حوائجش را بشما سپرده است، از خدا مى خواهد باز آمدن وشنافتن بدون انقطاع بسوى شما، و اينكه مرا از حضورشما با بهترين نحو بسوى در گه پرخير وبركت، وزندگى باوسعت وآسوده تازمان مرگ باز گرداند، وبا نويد بهترين بازگشت گاه، در ميان نعمت ازلى ودر زندگانى آينده جاودانه، وخوردن هميشگى و نوشيدن شراب ناب وآب بس گوارا ونوشيدنيهاى دفعه دفعه وبكدفعه، پى ستوه وملال در آنجا. ورحمت وبركات وبخشايش الهى بر شما، تا وقت باز آمدن بحضورتان، ورسنگارى در زمان رجعتتان، ومحشور شدن در زمره شما، ورحمت خدا وبركات ودرودها وتحيات الهى بر شما، واو مارا كافى بوده وچه نيكو نماينده آي است.

(۳۳) دعاؤه (عليه السلام) في يوم المبعث خرج من جهة ابي القاسم الحسين بن روح: ان الصلاة يوم سبعة و عشرين من رجب اثنتا عشرة ركعة، يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وما تيسر من السور، ويسلم ويجلس ويقول بين كل ركعتين: الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا، ولم يكن له شريك في الملك، ولم يكن له ولي من الدن وكبره تكبيرا. يا عدتي في مدني، يا صاحبي في شدتي، يا وليي في نعمتي، يا غياثي في رغبتي، يا مجيبي في حاجتي، يا حافظي في غيبتى، يا كالئى في وحدتي، يا انسى في وحشتي. انت السائر عورتى، فلك الحمد، وانت المقيل عثرتي، فلك الحمد، وانت المنفس صرعتي، فلك الحمد. صل على محمد واله واستر عورتى، وامن روعتي،

(۳۳) دعای آن حضرت در روز مبعث توسط ابی القاسم حسین بن روح - نائب سوم امام - از امام زمان (علیه السلام) روایت شده که فرمود: در روز ۲۷ رجب دوازده رکعت نماز می گذاری، در هر رکعت حمد وهر سوره ای که میسر باشد خوانده، وتشهد گفته وسلام می گویی ومی نشینی وبین هر دو رکعت می گوئی: ستایش خدای راست که فرزندی نگرفته ودر فرمانروائی شریکی برایش نیست، وسر پرستی از خواری ندارد واو را بسیار بزرگ شمار. ای توشه ام تا پایان عمرم، ای یارم در سختی، ای سر پرستم در نعمتم، ای فریاد رسم در وقت میل ورغبت، ای علت موفقیتم در حاجتم، ای نگهبانم در غیابم، ای کفایت کننده ام در تنهاییم، ای همدمم در وحشتم. توئی پوشاننده عورتم، پس ستایش مخصوص توست، وتوئی نادیده گیرنده لغزشم، پس ستایش از آن توست، وتوئی نیک بر دارنده ام بهنگام افتادگیم، پس ستایش تو را سزاست. درود فرست بر محمد وخاندانش وعورتم را بیوشان، وپیشانی

---

[ ۲۰۴ ]

واقلني عثرتي، واصفح عن جرمي، وتجاوز عن سيئاتي في اصحاب الجنة، وعد الصدق الذي كانوا يوعدون. فإذا فرغت من الصلاة والدعاء قرأت الحمد و " قل هو الله احد " و " قل يا ايها الكافرون " والمعوذتين و " انا انزلناه في ليلة القدر "، وأية الكرسي سبعا سبعا، ثم تقول: الله الله ربى لا اشرك به شيئا - سبع مرات، ثم ادع بما احببت. (۳۴) دعاؤه (عليه السلام) في الاعياد الاربعة، المسمى بدعاء الندبة الحمد لله الذى لا اله الا هو، وله الحمد رب العالمين، وصلى الله على محمد نبيه واله وسلم تسليما. اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك، الذين استخلصتهم لنفسك ودينك، إذ اخترت لهم جزيل ما عندك، من النعيم المقيم، الذى لا زوال له ولا اضمحلال، بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية، وزخرفها وزبرجها، فشرطوا لك ذلك، وعلمت منهم الوفاء به.

---

[ ۲۰۵ ]

خاطرم را امنيت بخش ولغزشم را نادیده گیر، واز گناهم چشم ببوش، و از بدیهایم درگذر، ومرا در زمره بهشتیان قرارده بحکم وعده راستی که مشمول آنان شده بود. وأنگاه که از نماز ودعا فارغ شدى، هر يك از سوره هاي حمد و اخلاص وسوره كافرون وناس وقلق وانا انزلناه وآية الكرسي را هفت بار مي خوانی سپس می گوئی: خداست خداست پروردگارم، وشريك با او قائل نشوم، و می خواهی هرچه را که می خواهی. (۳۴) دعای آن حضرت در روز مبعث وعید فطر وقربان وجمعه، معروف بدعای نذبه حمد وسپاس مخصوص خداوند است که هیچ معبود حقى جز او نیست، وحمد او را سزاست که پروردگار جهانیان است، ودرود وسلام خداوند بر آقای ما محمد پیامبر او وخاندانش باد. خداوندا ! حمد تورااست بر آنچه حکم تو در مورد اولیائت جاری شد، کسانی که برای خود ودینت خالص کردی، انگاه که برای ایشان فراوانی نعمتهايت را انتخاب فرمودی، نعمتهای پایداری که نیستی واز هم گسستگی در آنها راه نمی یابد، پس از آنکه بر آنان شرط نمودی که نسبت به درجات وزر وزیورهای این دنیای فانی زهد ورزند، پس ایشان این شرط را پذیرفتند ودانستی که بدان وفادار خواهند ماند.

فقبلتهم وقربتهم، وقدرت لهم الذكر العلى والثناء الجلى، واهبطت عليهم ملائكتك، وكرمتهم بوحيك، ورفدتهم بعلمك، وجعلتهم الذرية اليك، والوسيلة الى رضوانك. فبعض اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها، وبعض حملته في فلكك ونجيته ومن امن معه من الهلكة برحمتك، وبعض اتخذته لنفسك خليلا، وسألك لسان صدق في الاخرين فاجبته، وجعلت ذلك عليا. وبعض كلمته من شجرة تكليما، وجعلت له من اخيه رداء ووزيرا، وبعض اولدته من غير أب، واتيته البيئات وأيدته بروح القدس. وكل شرعت له شريعة، ونهجت له منهاجا، وتخيرت له اوصياء، مستحفظا بعد مستحفظ، من مدة الى مدة، اقامة لديك وحجة على عبادك، ولئلا يزول الحق عن مقرة، ويغلب الباطل على اهله، ولا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا منذرا، واقمت لنا علما هاديا، فنتبع اياتك، من قبل ان نذل ونخزي.

از اينرو ايشان را قبول فرموده ومقرب درگاه خویش ساختی، وباد بلند وستایش آشکاری را بر ايشان مقدر نمودی، وفرشتگان را بر آنان فرو فرستاده، وبوحی خویش گرامیشان داشتی، وبه علم خود پاریشان فرمودی، وايشان را سببهاي بسوی خویش ووسيله أي برای راهيابی به خشنودی خود قراردادی. آنگاه یکی از ايشان را در بهشت خود ساکن گرداندي تا آنکه از آن بيرونش بردي، ویکي را در کشتی [ نجات ] خودنشاندی واو وهمراهان با ايمانوش را برحمت خویش از هلاکت نجات دادی، وديگری را خليل و دوست خود نمودی، واز تو زبانی راستين در خواست کرد، خواهش او را اجابت کرده وآن زبان راستين را بلند مرتبه قراردادی. وباديگری از درختی سخن گفتي وپرای او از [ وجود ] برادرش پشتوانه ووزيري قراردادی، وديگری را بدون پدر ایجاد نمودی ودلائل روشنی پاو داده وبه روح القدس تأييدش کردی. واز برای هرکدام آئينی پديد آوردی وشيوه أي ارائه دادی، وبرای هريك از آنان جانشينانی اختيار کردی که یکی پس از دیگری نگهبان آن آئين باشند، ومدت معینی اين مسئوليت را بعهدہ گیرند، تادينت پایدار و حجت بريندگان تمام گردد، وحق از جايقاهش کنارزده نشود، وباطل بر اهلس چيره نگردد، وتا اینکه کسی [ در روز قيامت ] نگوید: چرا فرستاده هشدار دهنده أي بسوی ما نفرستادی ونشانه راهنمائی برپای نداشتی، تا بيش از آنکه به ذلت وخوراری واقع شويم از آیات پيروي کنیم.

الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه واله، فكان كما انتجته سيد من خلقته، وصفوة من اصطفيته، وافضل من اجتبته، واكرم من اعتمده. قدمته على انبيائك، وبعنته الى الثقلين من عبادك، واوطأته مشارقك ومغاربك، وسخرت له البراق، وعرجت به الى سمائك، واودعته علم ما كان وما يكون الى انقضاء خلقك. ثم نصرته بالرعب، وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك، ووعدته ان تظهر دينه على الدين كله، ولو كره المشركون. وذلك بعد ان بوأته ميوا صدق من اهله، وجعلت له و لهم اول بيت وضع للناس، للذي بيكة مباركا، وهدى للعالمين، فيه آيات بينات، مقام ابراهيم، ومن دخله كان امنا، وقلت: " انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهر كم تطهيرا ".



تا اینکه امر [ دین ] را بدوست و برگزیده ات محمد - که درود تو بر او و خاندانش باد - سپردی، پس او همچنانکه او را برگزیدی آقای مخلوقات، وعصاره برگزیدگان، و برترین منتخبان، و گرامی ترین معتمدان بود. او را بر پیامبران برتری داده و بسوی جن وانس برانگیختی، شرق و غرب زمین را در زیر گامهایش گذرانده و براق را برایش مسخر ساخته، و او را به آسمانها بالا بردی، و علم آنچه بود و آنچه خواهد بود تاهنگام به آخر رسیدن آفرینش را به او سپردی. سپس بوسیله هراس [ افکندن در دل دشمنان ] یاریش کردی، و جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشاندارت را در پیرامونش قراردادی، و او را وعده فرمودی که دینش را بر همه دینها چیره و آشکار سازی، هر چند که مشرکین را ناخوش آید. و آن پس از این بود که جایگاه راستینی از جهت خاندانش برایش قراردادی، و برای او و خاندانش نخستین خانه ای که برای مردم نهاده شده بود را مقرر ساختی، [ خانه ای که ] درمکه است با برکت و هدایتگر جهانیان، در آنست نشانه ای روشن و مقام ابراهیم، که هر کس در آن وارد شود ایمن خواهد بود، و فرمودی: " بدرستی که خداوند می خواهد رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک گرداند پاک کردنی بسزا. "

وجعلت اجر محمد صلی الله علیه و اله مودتهم فی کتابک، و قلت: " قل لا اسألکم علیه اجرا الا المودة فی القربی "، و قلت: " ما سألتکم من اجر فهو لکم "، و قلت: " ما اسألکم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلا "، فکانوا هم السبیل الیک، والمسلك الی رضوانک. فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب صلواتک علیهما والهما هادیا، إذ کان هو المنذر و لکل قوم هاد، فقال والملا امامه: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذک من خذله. وقال: من کنت انا نبیه فعلی امیره، وقال: انا و علی من شجرة واحدة و سائر الناس من شجرة شتی. و احله محل هارون من موسی، فقال: انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی، و زوجه ابنته سیده نساء العالمین، و احل له من مسجده ما حل له، و سد الابواب الا بابہ. ثم اودعه علمه و حکمته، فقال: انا مدینة العلم و علی بابها، فمن اراد المدینة فلیأتها من بابها، ثم قال له:

آنگاه پاداش پیامبر - که درود تو بر او و خاندانش باد - را مودت به آنان مقرر ساخته، و در کتابت فرمودی: " بگو ای پیامبر که بر رسالت خود پاداشی جز مودت در حق نزدیکانم از شما نمی خواهم "، و فرمودی: " آنچه بعنوان مزد رسالت از شما خواستم بسود خود شماست "، و فرمودی: " من از شما مزدی نمی خواهم مگر اینکه کسی بخواهد بسوی پروردگارش راهی در پیش گیرد "، پس آنان [ خاندان پیامبر ] راه بسوی تو و وسیله رسیدن به خشنودی تو بودند. چون [ روزگار رسالت پیامبر و ] دوران عمرش سپری گشت ولی خودش علی بن ابی طالب - که درود تو بر ایشان و خاندانشان باد - را برای هدایتگری قرارداد، چرا که او هشدار دهنده بود و برای هر قوم هدایتگری می باشد، پس در حالیکه انبوه جمعیت در پیشاپیش او بودند چنین گفت: هر کسی را من مولی هستم علی مولای اوست، بارالها دوست بدار هرکه از او پیروی کند، و دشمن دار هرکه

را با او به ستیز برخیزد، و پیروزمند گردان هر که یاریش کند، و خوارنما هر که خواریش نماید. و فرمود: هر کسی که من پیامبر او هستم علی امیر او می باشد، و فرمود: من و علی از يك درخت هستیم و سایر مردم از درختهای گوناگون. و او را نسبت به خود همانند منزلت هارون به موسی قرار داده و فرمود: تو نسبت بمن در منزلت ورتبه هارون نسبت به موسی هستی مگر اینکه پیامبری پس از من نیست، و دخترش بزرگ زنان جهانیان را به او تزویج کرد، و آنچه از مسجدش برایش حلال بود را برای او حلال کرد، و تمام دریاها [ که بمسجد باز می شد ] را جز درب [ منزل ] او را بست، آنگاه علم و حکمتش را در او بودیعت سپرد و فرمود: من شهر علم هستم و علی درب آنست، هر که حکمت می خواهد باید که از آن درب داخل شود، و باو فرمود:

[ ۲۱۲ ]

انت اخی ووصی و وارثی، لحمک من لحمی، ودمک من دمی، و سلمک سلمی، و حربک حربی، و الایمان مخالط لحمک ودمک، کما خالط لحمی ودمی، و انت غذا علی الحوض خلیفتی، و انت تقضی دینی و تنجز عداتی، و شیعتک علی منابر من نور میبضة و جوههم و هم جیرانی، و لولا انت یا علی لم يعرف المؤمنون بعدی. و کان بعده هدی من الضلال، و نورا من العمی، و حبلا لله المتین، و صراطه المستقیم، لا یسبق بقراة فی رحم، و لا بسابقة فی دین، و لا یلحق فی منقبة من مناقبه، یحذو حذو الرسول صلی الله علیه و اله، و یقاتل علی التأویل، و لا تأخذه فی الله لومة لائم، قد وتر فیہ صنادید العرب، و قتل ابطالهم، و ناولش ذؤبانهم، و اودع قلوبهم احقادا بدریة و خیبریة و حنینیة و غیر هن. فاضبت علی عداوته، و اکبت علی مناقبته، حتی قتل الناکثین و الفاسطین و المارقین، و لما قضی نحیه و قتلہ اشقی الاخرین، یتبع اشقی الاولین، لم یمثل أمر رسول الله صلی الله علیه و اله فی الهادین بعد الهادین،

[ ۲۱۳ ]

تو برادر، و وصی و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من، خون تو از خون من، همدردی با تو همدردی بامن، و جنگ با تو جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته، همچنانکه با گوشت و خون من آمیزش یافته است، و تو [ در روز قیامت ] بر حوض کوثر بامن و جانشین منی، و تو اداکننده قرض من و تحقق بخش وعده هایم می باشی، و شیعیان تو در بهشت بر منبرهایی از نور و با چهره هایی سپید پیرامون من بوده و همسایگان منند، ای علی اگر تو نبودی پس از من مؤمنین شناخته نمی شدند. پس [ امیر مؤمنان ] بعد از او هدایتگر از گمراهی، روشنگر از نابینائی، ریسمان محکم الهی، و راه راست او بود، کسی در نزدیکی به پیامبر از او مقدم تر، و در دین از او باسابقه تر نبود، به منقبتی از مناقب او کسی دست نمی یافت، در جای پای پیامبر گام نهاده، و بر اساس تأویل قرآن [ با پیمان شکنان ] جنگ می کرد، در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای در او اثر نداشت، در راه خدا گردنکشان عرب را بیکس گذارده و پهلوانان آنان را کشت، و گرگهایشان را بهلاکت رسانید، پس در دلای آنان از جهت جنگهای بدر و خیبر و حنین و غیر آنها کینه ها بر جای گذارد. از اینرو به دشمنیش برخاسته و در پی نابودی او متحد شدند، تا آنکه پیمان شکنان و منحرفان و سرکشان را بقتل رسانید، و آنگاه که دوران سپری گشت و شقی ترین افراد در متأخرین بعد از شقی ترین آنان در گذشتگان، ایشان را بقتل رسانید، فرمان پیامبر - که

[ ۲۱۴ ]

والامة مصرّة على قتله، مجتمعة على قطيعة رحمه و اقصاء ولده، الا القليل ممن وفي لرعاية الحق فيهم، فقتل من قتل، وسبى من سبى، واقصى من اقصى، وجرى القضاء لهم بما يرحى له حسن المثوبة، إذ كانت الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقيّة للمتقين، وسبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا، ولن يخلف الله وعده، وهو العزيز الحكيم، فعلى الاطائب من اهل بيت محمد وعلى صلى الله عليهما والهما، فليكن الباكون، واياهم فليندب النادبون، و لمثلهم فلتذرف الدموع، وليصرخ الصارخون، ويصح الضاجون، ويعج العاجون. اين الحسن، اين الحسين، اين ابناء الحسين، صالح بعد صالح، وصادق بعد صادق، اين السبيل بعد السبيل، اين الخيرة بعد الخيرة. اين الشموس الطالعة، اين الاقمار المنيرة، اين الانجم الزاهرة، اين اعلام الدين وقواعد العلم.

[ ۲۱۵ ]

دشمنی با او اصرار داشته و متحد شدند که رحم او را قطع نموده و فرزندانش را [ از شهر و دیارشان ] دور سازند، جز عده اندکی از [ امت ] که بعلت رعایت حق در موردشان وفادار ماندند. پس کشته شد هر آنکه کشته شد، و اسیر گردید هر که به اسارت درآمد، و تبعید شد هر آنکه تبعید گردید، و سرنوشت برای آنان بگونه ای جریان یافت که امید پادش نیک برای آن هست، چه اینکه زمین از آن خداوند است بهر کسی از بندگانش که بخواهد آنرا به ارث می دهد و سرانجام کار با تقوا پیشگان است، و خداوند از هر گونه نقص و آلیش منزّه است و وعده خداوند حتمی است، و بهیچوجه تخلفی در وعده الهی نیست، و اوست خدای عزیز و حکیم. پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آنان و خاندانشان باد - باید که گریه کنندگان بگریند، و مویه کنندگان مویه کنند، و بخاطر چنان بزرگوارانی باید که اشکها ریخته شود، و می بایست فریاد زندگان فریاد زنند، و ضجه کنندگان ضجه کنند، و ناله سردهندگان ناله سردهند. حسن کجاست ؟ حسین کجاست ؟ فرزندان حسین کجایند ؟ نیکویی بعد از نیکویی، و راستگویی پس از راستگویی دیگر ؟ کجاست راه [ خداوند ] پس از راه دیگر ؟ کجاست برگزیده ای بعد از برگزیده ای ؟ کجایند خورشیدهای پرتو افکن ؟ کجایند ماههای درخشنده ؟ کجایند ستارگان تابناک ؟ کجایند نشانه های دین و پایه های علم ؟

[ ۲۱۶ ]

این بقية الله التي لا تخلص من العترة الطاهرة، این المعد لقطع دابر الظلمة، این المنتظر لاقامة الامت والعوج، این المرتجى لازالة الجور والعدوان. این المدخر لتجدید الفرائض والسنن، این المتخير لاعادة الملة والشريعة، این المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده، این محیی معالم الدين واهله. این قاصم شوكة المعتدين، این هادم ابنية الشرك والنفاق، این مبيد اهل الفسوق والعصيان والطغيان، این حاصد فروع الغى والشقاق، این طامس اثار الزيغ والاهواء، این قاطع حبال الكذب والافتراء. این مبيد العتاة والمردة، این مستاصل اهل العناد

والتضليل والالحاد، این معز الاولياء ومذل الاعداء، این جامع الكلمة على التقوى، این باب الله الذى منه يؤتى، این وجه الله الذى إليه يتوجه الاولياء، این السبب المتصل بين اهل الارض والسماء، این صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى، این مؤلف شمل الصلاح والرضا.

[ ۲۱۷ ]

كجاست آن حضرت بقیة الله که از عترت هدایتگر بیرون نیست ؟  
كجاست آن آماده شده برای برکندن دنباله ستمگران ؟  
كجاست آن کشیده شده برای برطرف ساختن کژی ها وانحرافات ؟  
كجاست آن که برای زائل کردن ستم وتجاوز امید باوست ؟  
كجاست آنکه برای تجدید کردن واجبات وسنتها وذخیره شده ؟  
كجاست آنکه برای برگرداندن آئین وشریعت برگزیده شده ؟  
كجاست آنکه برای زنده کردن کتاب خدا وحدود آن آرزو باوست ؟  
كجاست آن زنده کننده نشانه های دین واهل آن ؟  
كجاست درهم شکننده شوکت وعظمت تجاوزگران ؟  
كجاست خراب کننده بناهای شرك ونفاق ؟  
كجاست نابود کننده اهل فسق وگناه ؟  
كجاست دورکننده شاخه های گمراهی ودو دستگی ؟  
كجاست فانی کننده اهل سرکشی وطغیان ؟  
كجاست ریشه کن کننده اهل عناد وگمراهی والحاد ؟  
كجاست عزت دهنده دوستان وخوار کننده دشمنان ؟  
كجاست متحد کننده کلمه برمبنای تقوى ؟  
كجاست آن دري که از طریق آن به خداوند راه یافته می شود ؟  
كجاست آن وجه الله که اولیای خدا به سوی او روی همی آورند ؟  
كجاست آن سبب پیوسته میان اهل زمین وآسمان ؟  
كجاست صاحب روز پیروزی وبر افراونده پرچمهای هدایت ؟  
كجاست آنکه پراکندگی صلاح وخشنودی را فراهم می آورد ؟

[ ۲۱۸ ]

این الطالب بذحول الانبياء وابناء الانبياء، این الطالب بدم المقتول بكريلاء، این المنصور على من اعتدى عليه وافترى، این المضطر الذى يجاب إذا دعى، این صدر الخلائق ذوالبر والتقوى، این ابن النبي المصطفى، وابن على المرتضى، وابن خديجة الغراء، وابن فاطمة الكبرى، بابى أنت وامى ونفسي لك الوفاء والحما، يابن السادة المقربين، يابن النجباء الاكرمين، يابن الهداة المهديين، يابن الخيرة المهديين، يابن الغطارفة الانجيين، يابن الخضارمة المنتجبين، يابن القماقمة الاكرمين، يابن الاطائب المعظمين المطهرين، يابن البدر المنيرة، يابن السرج المضيئة، يابن الشهب الثاقبة، يابن الانجم الزا هرة، يابن السبل الواضحة، يابن الاعلام اللانحة، يابن العلوم الكاملة، يابن السنن المشهورة، يابن المعالم الماثورة، يابن المعجزات الموجودة، يابن الدلائل المشهودة، يابن الصراط المستقيم، يابن النبأ العظيم، يابن من هو في ام الكتاب لدى الله على حكيم.

[ ۲۱۹ ]

كجاست آن طلب کننده خون پیامبران وفرزندان آنان ؟  
كجاست آن انتقام گیرنده خون کشته شده در سرزمین کربلا ؟  
كجاست آن پیروزمند بر هر که بر حریم او تجاوز کرده وتهمت زند ؟  
كجاست آن مضطر وناچاری که هرگاه دعا کند اجابت می شود ؟  
كجاست آن صدر نشین جهانیان صاحب نیکی وتقوى ؟  
كجاست فرزند پیامبر مصطفى وفرزند على مرتضى وفرزند خديجه بزرگوار وفرزند فاطمه

زهرآ. پدر ومادرم فدایت وجانم سپر بلای تو وحمايت كننده تو باد، آي فرزند آقايان مقرب، آي فرزند اصيـلـتـريـن و بزرگوارترين اهل عالم، آي زاده هدايتگران ره يافته، آي زاده برگزیدگان پاکيزه، آي فرزند شريفترين مردمان، آي فرزند نيكوترين پاكـان، آي فرزند جوانمردان برگزیده، آي فرزند گرامی ترين بزرگواران. آي زاده ماههای تابان، آي زاده چراغهای درخشان، آي زاده شهرهای تابان، آي زاده ستارگان فروزان، آي فرزند راههای روشن بسوی خدا، آي فرزند نشانه های آشكار، آي زاده علوم كامل. آي زاده سنتهای مشهور، آي فرزند آثار ثبت شده، آي فرزند معجزات موجود، آي فرزند رهنمايان مشهود خلق، آي فرزند صراط مستقيم، آي فرزند نبأ عظيم، آي فرزندكسی كه در علم حق نزد خداوند داری برجسته ترين مقامها وحكمتهای الهی است.

---

[ ۲۲۰ ]

يا بن الايات والبيـنات، يا بن الدلائل الظاهرات، يا بن البراهين الباهرات، يا بن الحجج البالغات، يا بن النعم السابغات. يا بن طه والمحكمات، يا بن يس والذاريات، يا بن الطور والعاديات، يا بن من دنا فتدلى، فكان قاب قوسين أو ادنى، دنوا واقترابا من العلى الاعلى. ليت شعري، اين استغرت بك النوى، بل آي ارض تقلك اوثرى، ابرضوى ام غيرها ام ذى طوى. عزيز على ان ارى الخلق ولا ترى، ولا اسمع لك حسيسا ولا نجوى، عزيز على ان تحيط بك دوني البلوى، ولا ينالك منى ضجيج ولا شكوى. بنفسى انت من مغيب لم يخل منا، بنفسى انت من نازح ما نرح عنا، بنفسى انت امنية شائق يتمنى، من مؤمن ومؤمنة ذكرنا فحننا. بنفسى انت من عقيد عز لا يسامى، بنفسى انت من اثيل مجد لا يجازى، بنفسى انت من تلاد نعم لا تضاهي، بنفسى انت من نصيف شرف لا يساوى.

---

[ ۲۲۱ ]

آي فرزند آيات روشن پروردگار، آي فرزند دلائل آشكار حق، آي زاده برهانهای واضح حيرت انگيز، آي فرزند حجتهاى بالغه الهی، آي فرزند نعمتهای تمام خداوند. آي فرزند طه ومحكمات، آي فرزند يس وذاريات، آي فرزند طور و عاديات، آي فرزند آن بزرگواری كه آنقدر نزيك شد وپيش رفت تا اينكه همچون نزيكى دو سر كمان يا نزيكتر به خداوند على اعلى نزيك شد. آي كاش می دانستم كه دورى تو را به كجا كشانده، وكدام سرزمين يا خاك تو را در بردارد، آيا در زمين رضوى يا غير آن ياذى طوى مسكن داری ؟ بسيار دشوار است بر من كه همه خلق را ببينم وتو ديده نشوى، و هيچ صدائى وسخني هر چند آهسته هم از تو نشنوم، بسيار سخت است بر من كه بلاها تو را بدون من احاطه كند واز من بتوناله وشكايتى نرسد. جانم فدای تو باد آي پنهان شده آي كه از ما دور نيستى، جانم بقریان تو آي دور از وطنى كه از ما دور نشده، جانم فدای تو باد آي آروزی مشتاقان ومورد تمنای هر مرد وزن اهل ايمان كه بياد تو ناله می زنند. جانم فدایت باد آي بسته به عزتي كه هيچكس به آن نتواند رسيد، جانم فدایت باد آي صاحب مجد وشرف كه همانندى ندارد، جانم فدایت باد آي صاحب نعمتهای ديرينه كه نظيري براييش نيست، جانم فدایت باد آي رمز شرافت كه احدى با آن برابرى نتواند كرد.

---

[ ۲۲۲ ]

الى متى اچار فيك يا مولاي، والى متى، واى خطاب اصف فيك، واى نجوى، عزيز على ان اجاب دونك و اناغى، عزيز على ان ابكيك ويخذلك الورى، عزيز على ان يجرى عليك دونهم ما جرى. هل من معين فاطيل معه العويل والبكاء، هل من جزوع فاساعد جزعه إذا خلا، هل قذيت عين فساعدها عيني على القذى، هل اليك يابن احمد سبيل فتلقى، هل يتصل يومنا منك بغده فخصلى. متى نرد مناهلك الروية فنروي، متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى، متى نغاديك ونراوحك فتقر عيوننا، متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى. اترانا نحف بك وانت تام الملا، وقد ملات الارض عدلا، واذقت اعدائك هوانا وعقابا، وابرت العناة ووحدة الحق، وقطعت دابر المتكبرين، واجتثت اصول الظالمين، ونحن نقول الحمد لله رب العالمين. اللهم انت كشاف الكرب والبلوى، واليك استعدى فعندك العدوى، وانت رب الاخرة والاولى.

[ ۲۲۳ ]

أي مولایم تاکی در فراقت ناله برکشم [ تاکی در انتظارت حیران بمانم ]، باکدام گفتار تورا بستایم، وچگونه ویا چه زبانی آهسته باتو سخن گویم؟ بسیار دشوار است بر من که از غیر تو پاسخ داده شوم وهم سخن گردهم، بسیار سخت است بر من که بر فراقت بگریم ومردم تو را واگذارند، بر من سخت ودشوار است که بر تو ونه بر دیگران بگذرد آنچه گذشته است. آیا کسی هست که مرا یاری دهد تا با اوهم ناله شوم ومدتی طولانی باهم بگریم، آیا یاری کننده ای وجود دارد که او را در حال تنهائی در زارپش یاری دهم، آیا چشم متالم از فرط گریه ای هست که چشم من او را برگریستن همراهی کند، ای فرزند پیامبر آیا راهی بسوی تو هست که با تو ملاقاتی صورت گیرد [ یا آن راه یافته شود ]، آیا این روز [ تاریک غیبت ] به فردای دیدار جمالت می رسد که ما بهره مند شویم. کی شود که بر چشمه های سیراب کننده ات برآییم وسیراب گردیم؟ کی شود که از آب زلال [ ظهور ] تو برخوردار شویم که تشنگیمان طولانی شده؟ کی شود که هر بامداد وشامگاه به دیدارت مشرف شویم و دیده هایمان روشن گردد؟ کی تو ما را وما تو را ببینیم در حالیکه پرچم پیروزی را بر افراشته واشکارا دیده شوی. آیا می شود که پیرامونت گرد آمده باشیم وتو رهبری مردم را عهده دار شده باشی، در حالیکه جهان را از عدل و داد پرکرده، ودشمنانت را خواری وعقوبت چشانده و، سرکشان ومنکران حق را نابود فرموده باشی، ومتکبران را ریشه کن ساخته وستمگران را از بن براندازی وما بگوئیم: حمد مخصوص پروردگار جهانیان است.

[ ۲۲۴ ]

فأغث يا غياث المستغيثين، عبیدك المبتلى، واره سیده یا شدید القوی، وازل عنه به الاسا والجوا، وبرد غلیله یا من على العرش استوی، ومن إليه الرجعى والمنتهى. اللهم ونحن عبیدك التائقون الى وليك المذكر بك و بنبيك، خلقتنا لنا عصمة وملاذا، واقمته لنا قواما ومعادا، وجعلته للمؤمنين منا اماما، فبلغه منا تحية وسلاما، وزدنا بذلك يا رب اكراما، واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما، و اتم نعمتك بتقديمك اياه امامنا، حتى توردنا جنانك و مرافقة الشهداء من خلاصائك. اللهم صل على حجتك وولى امرك، وصل على جده محمد رسولك السيد الاكبر، وصل على ابیه السيد الاصغر، وحامل اللواء في المحشر، وساقى اوليائه من نهر الكوثر، والامير على سائر البشر، الذى من امن به فقد ظفر ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر. صلى الله عليه وعلى اخيه، وعلى نجلهما الميامين الغرر، ما

طلعت شمس وما اضاء قمر، وعلی جدته الصدیقة الکیری فاطمة الزهراء، بنت محمد المصطفی،

[ ۲۲۰ ]

بارخدايا ! تو بر طرف کننده غمها و بلاها هستی، بدرگاهت شکایت می آوریم که دادگری نزد توست، وتویی پروردگار آخرت ودنیا. آی فریاد رس پناهندگان، بنده کوچک مصیبت زده را داد رسی کن، و آفایش را به او بنمایان، آی خداوند بسیار قدرتمند، وبظهورش غم و اندوه وسوزدل را از این بنده ضعیف دور گردان، و دل تفتیده را خنک فرما، آی آنکه برعرش استوار بوده وبازگشت همه بسوی اوست. بارخدايا ! وما بندگان توایم که مشتاق ظهور ولایت هستیم، آنکه یادآور تو وپیامبر توست، او را برای نگاهبانی وپاسداری آفریدی وفوام و پناهگا همان قراردادی، و برای مؤمنان او را به امامت منصوب فرمودی پس تحیت وسلام ما را به حضرتش برسان ویدینوسیله گرمی داشتت را نسبت بما افزون فرما، وفرارگاه او را جایگاه ومنزل ما قرارده، ونعمتت را تمام کن، به اینکه او را پیش روی ما آوری، تا آنکه به بهشتهایت واردمان فرمائی وباشهیدان خالص وبرگزیده ات رفیق وهمنشین نمایی. بار خدايا ! بر حجتت وولی امرت درود فرست وبرحضرت محمد، جد او، رسولت، بزرگ آقای عالم، درود فرست، ونیز بر پدرش آقای کوچک وبدست گیرنده پرچم در روز محشر، وسیراب کننده دوستانش از حوض کوثر، وامیر بر تمامی انسانها، کسی که هر که به او ایمان آورد پیروزمند، وهر که او را انکار کرد امر عظیمی را مرتکب گردیده وکافر شده است. خداوند! برپیامبر وبر برادرش امیر المؤمنین وبر فرزندان سپیدروی آنان، درود فرست، تا آنگاه که خورشید بر تو افشانی کرده وماه می درخشند، ونیز بر جده اش صدیقه کبری فاطمه زهرا دختر

[ ۲۲۱ ]

وعلی من اصطفیت من ابائه البررة، وعلیه افضل واکمل واتم وادوم واکبر واوفر ما صلیت علی احد من اصفیائك وخیرتک من خلقک، وصل علیه صلاة لا غاية لعددها، ولانهاية لمددها، ولا نفاذ لامدها. اللهم واقم به الحق، وادحض به الباطل، وادل به اولیائک، وادلل به اعدائک، وصل اللهم بیننا وبنیه وصله تؤدی الی مرافقة سلفه، واجعلنا ممن یأخذ بحجزتهم، و یمکت فی ظلهم، واعنا علی تأدیة حقوقه الیه، والاجتهاد فی طاعته، والاجتناب عن معصیته. وامنن علینا برضاه، وهب لنا رأفته ورحمته، ودعاءه وخیره، ما ننال به سعة من رحمته، وفوزا عندک، واجعل صلاتنا به مقبولة، وذنوبنا به مغفورة، ودعائنا به مستجابا، واجعل ارزاقنا به مبسوطة، وهمومنا به مکفیة، وحوائجنا به مقضیة، واقبل الینا بوجهک الکریم، واقبل تقربنا الیک.

[ ۲۲۲ ]

پیامبر برگزیده، وبر برگزیدگان از پدران نیکویش وبرخود او، بهتر وکاملتر وتمامتر وجاودانه تر وبیشتر وفزونتر از آنچه که بر فردی از برگزیدگان و نیکان از خلقت درود فرستاده آی، بر اینان درود فرست، وبر او درود فرست درود فرستادنی که شماره اش را پایان نباشد وامدادش خاتمه نپذیرد، وزمانش هیچگاه سپری نگردد. بارخدايا ! وبوجود آن حضرت حق را بیادار وباطل را از میان بردار، ودوستانت را به او بدولت وسلطنت برسان، ودشمنانت را به او خوار گردان،

خداوندا بین ما واو پیوندی برقرار کن که به همنشینی پدرانش [ دربهشت ] بیانجامد، وما را از کسانی قرارده که بدامان آنان چنگ زنند و در سایه آنان زیست کنند، وما را یاری فرما تا حقوق او را ادا کرده و در اطاعتش اهتمام ورزیم و از نافرمانیش اجتناب نمائیم. و برضایت و خشنودی آن بزرگوار از ما برما منت گذار و رأفت و مهر و دعا و خیر آن جناب را بما موهبت فرما، تا بوسیله آن برحمت پهناور تودست یابیم و نزد تو رستگار گردیم، و ببرکت او نماز ما را قبول فرما و به او گناهانمان را بیامرز و دعایمان را مستجاب کن و روزیمان را فراخ گردان، و هم و غم ما را چاره کن، و حاجت‌هایمان را برآورده ساز، با وجه کریم خویش بما توجه کن، و تقرب ما را بسوی خود بپذیر.

---

[ ۲۲۸ ]

وانظر الینا نظرة رحیمة، نستكمل بها الكرامة عندك، ثم لا تصرفها عنا بجدك، واسقنا من حوض جده صلى الله عليه واله، بكأسه وبيده، ریا رویا هنیئا سائغا، لا ظمأ بعده، یا ارحم الراحمین.

---

[ ۲۲۹ ]

و با رحمت خویش بر ما نظر افکن تا با آن به کمال گرامی داشت تو راه بریم، آنکه دیگر هرگز آنرا به جود و کرم خود از ما مگیر، وما را از حوض جدش پیامبر، به جام او و بدست او سیراب گردان، سیراب شدنی کامل و خوش و گوارا و خوب، که هرگز پس از آن تشنگی نباشد، ای مهربانترین مهربانان.

---

[ ۲۳۱ ]

۸ - ادعیه آن حضرت در ماه مبارک رمضان در شبهای ما مبارک رمضان، معروف به دعای افتتاح بعد از نماز صبح روز عید فطر

---

[ ۲۳۲ ]

(۳۵) دعاؤه (علیه السلام) في كل ليلة من شهر رمضان، المسمى بدعاء الافتتاح اللهم انى افتتح الثناء بحمدك، وانت مسدد للصواب بمنك، وابقنت انك ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة، واشد المعاقبين في موضع النكال والنعمة، و اعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة. اللهم اذنت لى في دعائك ومسألتك، فاسمع يا سميع مدحتي، واجب يا رحيم دعوتي، و اقل يا غفور عثرتي. فكم يا الهى من كربة قد فرجتها، وهموم قد كشفتها، و عثرة قد اقلتها، ورحمة قد نشرتها، و حلقة بلاء قد فككتها. الحمد لله الذى لم يتخذ صاحبة ولا ولدا، ولم يكن له شريك في الملك، ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيرا. الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها، الحمد لله الذى لامضاد له في ملكه، ولا منازع له في امره.

---

[ ۲۳۳ ]



(۳۵) دعای آن حضرت در شبهای ماه مبارک رمضان، معروف بدعای افتتاح پروردگارا ! باستایش تو ثناء خود را آغاز می کنم، در حالیکه تو بامنتت راه درست را تحکیم می گردانی، و یقین دارم که در موضع عفو و رحمت مهربانترین مهربانان، و در مقام عقاب و انتقام سخت ترین مجازات کنندگان، و در جایگاه کبریا و عظمت بزرگترین جبارانی. بارالها ! تو بمن اجازه دادی که بدرگاهت دعا کرده و حاجت طلبم، پس ای شنوا مدح را بشنو، و ای رحیم دعایم را اجابت فرما، و ای آمرزنده از لغزشم درگذر، ای خدایم چه بسیار اندوههایی که برطرف کردی، و غصه ها که از جانم زدودی، و لغزشها که نادیده گرفته، و رحمت ها که منتشر نموده، و زنجیرهای بلا را از هم گسستی. ستایش مخصوص خداوندی است که همسر و فرزند او را نیست، و در سلطنت و پادشاهی شریکی نداشته، و سرپرستی از روی ذلت و خواری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار. ستایش از آن خداوند است با تمامی ستودنی هایش بر تمامی نعمتهایش، ستایش خدای راست که در سلطنتش ضد و مخالفی ندارد، و در تدبیر و کارهایش کشمکش کننده ای نیست.

---

[ ۲۳۴ ]

الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه، ولا شبیه له فی عظمته، الحمد لله الفاشی فی الخلق امره وحمده الظاهر بالکرم مجده، الباسط بالجوود یده، الذی لا تنقص خزائنه، ولا تزیدہ کثرة العطاء الا جودا وکرما، انه هو العزیز الوهاب، اللهم انی اسألك قليلا من کثیر مع حاجة بی إليه عظيمة، وغناک عنه قديم، وهو عندي کثیر، وهو عليك سهل يسیر، اللهم ان عفوک عن ذنبي، وتجاوزک عن خطيئتي، وصفحک عن ظلمي، وسترك عن قبيح عملي، وحلمک عن کثیر جرمي، عند ما کان من خطای وعمدي، اطمعنی فی ان اسألك ما لا استوجبه منك، الذی رزقتني من رحمتک، واريتني من قدرتك، وعرفتني من اجابتک. فصرت ادعوك امنا، واسألك مستأنسا، لا خائفا ولا وجلا، مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك، فان ابطأ عنی عتبت بجهلي عليك، ولعل الذی ابطأ عنی هو خير لی لعلمک بعاقبة الامور، فلم ارمولی کرما اصبر علی عبد لئيم منك علی.

---

[ ۲۳۵ ]

ستایش از آن خداوندی است که در آفرینش او را شریکی نبوده، و در عظمت همانندی ندارد، سپاس خدای راست که امر و ستایشش در میان مردم روشن، و بزرگواریش به لطف و کرمش پدیدار، و دست عنایتش به جود و بخشش گشاده است، گنجینه های رحمتش نقصان نپذیرد، و کثرت عطا جز بر جود و کرامتش نیفزاید، که او بسیار با عزت و بخشش است. خداوندا ! اندکی از بسیار را از تو درخواست می کنم، با آنکه به آن سخت نیازمندم، و تو از آن حاجت از آغاز بی نیاز بودی، و [ همان اندک حاجت ] نزد من بسیار وادایش برای تو سهل و آسان است. خدایا ! آمرزش تو از گناهم و گذشتت از خطاهایم، و چشم پوشیت از ظلم، و پرده پوشیت بر عمل زشتم و حلم و بردباریت بر جرم و گناه بسیارم، که به خطا و عمد انجام دادم، مرا به طمع انداخت که از تو چیزی را درخواست کنم که مستحق آن نیستم، همان که تو به رحمت خویش روزیم گردانیدی و از روی قدرتت آنرا بمن نمایانیدی، و از اجابتت بمن شناسانیدی. از اینرو چنان شده ام که تو را با آرامش می خوانم، و با انس و رغبت و بدون ترس و بیم از تو حاجت می طلبم، و باز بر تو آنچه می خواستم را تقاضا نمودم، پس اگر حاجتم را دیر برآوردی از نادانی بر تو عتاب کردم، و در صورتیکه چه بسا بعلت علمی که به سرانجام کارها داری تأخیر

درانجام حاجت‌هایم برایم بهتر بوده است، پس من هیچ مولای  
بزرگاری را صبورتر برینده پستی از تو برخوردار ندیده ام.

[ ۲۳۶ ]

یا رب، انک تدعونی فاولی عنک، وتتحبب الی فاتبغض الیک، وتتودد  
الی فلا اقبل منک، کان لی التطول علیک، فلم یمنعک ذلك من  
الرحمة لی، والاحسان الی، والتفضل علی بجدک وکرمک، فارحم  
عبدک الجاهل، وجد علیہ بفضل احسانک، انک جواد کریم. الحمد لله  
مالک الملک، مجری الفلک، مسخر الریاح، فالق الاصباح، دیان الدین،  
رب العالمین. الحمد لله علی حلمه بعد علمه، والحمد لله علی عفوه  
بعد قدرته، والحمد لله علی طول اناته فی غضبه، وهو قادر علی ما  
یرید. الحمد لله خالق الخلق، باسط الرزق، فالق الاصباح، ذی الجلال  
والاکرام، والفضل والانعام، الذی بعد فلا یری، وقرب فشهد النجوى،  
تبارک وتعالی. الحمد لله الذی لیس له منازع یعادلہ، ولا شبیه  
یشاکله، ولا ظہیر یعاضده، فہر بعزته الاعزاء، وتواضع لعظمتہ  
العظماء، فبلغ بقدرتہ ما یشاء.

[ ۲۳۷ ]

پروردگارا ! مرادعوت می کنی در حالیکه از تو روی می گردانم، و تو  
محبت می نمایی و من بغض و عناد می ورزم، بامن دوستی  
و شفقت می فرمایی و من از تو نمی پذیرم، گویا بر تو منت می  
گذارم، این ناسپاسی من مانع از رحمت و احسان نمودن تو بر من  
و فضل و عنایت بر اساس جود و کرمت نشده است، پس به این بنده  
نادانست رحم کن و به فضل و احسانت بر من ببخشای که تو بسیار  
بخشنده و کریمی. ستایش مخصوص خداست که مالک ملک وجود  
است، روان ساز کشتیها، رام کننده بادها، پدید آورنده صبحگاهان از  
شب، و حاکم روز جزا، و پروردگار جهانیان است. ستایش از آن  
خداست بر حلم او پس از علمش، و ستایش از آن خداست بر  
عفوش پس از قدرتش، و ستایش خدای راست بر حلم و بردباری  
طولانی او در مقام غضبش، در حالیکه بر هرچه خواهد تواناست.  
ستایش مخصوص خداست که آفریننده خلق و گستراننده روزی، و  
پدید آورنده صبحگاهان، و صاحب جلالت و بزرگواری و فضل و انعام  
است، آن خدائی که از نظرها دور است و از اینرو دیده نخواهد شد،  
و بهمه نزدیک است، و از این جهت بر رازهای پنهان شاهد و گواه می  
باشد، اوست بزرگوار و بلند مرتبه. ستایش از آن خدائی است که  
کسی در مقابلش به نزاع برنخیزد، و شبیهی با او همگون نگردد،  
پشتیبانی مددکار او نشود، عزیزان در مقابل عزتش مقهور، و بزرگان  
در پیشگاه عظمتش متواضعند، و با قدرتش بر هرچه خواهد می رسد.

[ ۲۳۸ ]

الحمد لله الذی یجینی حین انادیہ، ویستر علی کل عورة وانا  
اعصیہ، ویعظم النعمة علی فلاجازیہ، فکم من موهبة هنیئة قد  
اعطانی، وعظيمة مخوفة قدکفانی، وبهجة مونقة قد ارانی، فائنی  
علیہ حامدا واذکرہ مسبحا. الحمد لله الذی لا یهتک حجابہ، ولا یغلق  
بابہ، ولا یرد سائلہ، ولا یخبی املہ، الحمد لله الذی یؤمن الخائفین،  
وینجی الصالحین، ویرفع المستضعفین ویضع المستکبرین، ویهلک  
ملوکا ویستخلف اخرین. والحمد لله قاصم الجبارین، مبرر الظالمین،  
مدرك الهاریین، نکال الظالمین، صریخ المستصرخین، موضع حاجت

الطالبيين، معتمد المؤمنين. الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها، وترجف الارض وعمارها، وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها، الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله.

[ ٢٣٩ ]

ستایش خدای راست که چون او را نداکنم جواب دهد وهر عیب و نقصی را بر من بپوشاند، در حالیکه معصیت او رامی کنم، ونعمت بزرگ بر من می بخشد، ومن متقابلا شکرش نمی گذارم، پس چه بسیار موهبتهای گرانبهایی که بمن عطا کرده وچه امور هولناکی که از من دفع نموده و شادمانیهای شگفت انگیز که بمن نمایانده، پس من هم او را به ستایش ثنا گفته ویه پاکی ومنزه بودن از هر عیب ونقصی یاد کنم. ستایش مخصوص خداوندی است که حجاب او دریده نشود، درگاه [ لطفش ] بسته نشود، نیازمندش رد نگردد، و آرزومندش محروم نگردد، ستایش خدای راست که بیم ناکان را ایمنی بخشد، وصالحان را نجات دهد ومستضعفان را بلند گرداند، وگردنکشان را خوار سازد، وپادشاهان را هلاک کرده و دیگران را برجای آنان نشاند. ستایش از آن خدائی است که درهم کوبنده سرکشان، هلاک کننده ستمگران، دریابنده گریزندگان، به کیفر رساننده ظالمان، فریادرس فریاد خواهان، مرجع حاجت نیازمندان، معتمد مؤمنان است. ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان وساکنانش از ترس او دریم واضطرابند، وزمین واهلش بر خود می لرزند، ودریا وهر آنچه در اعماقش شناور است به جوش وخورش می افتند، ستایش خدای راست که ما را به این [ راه ایمان وولایت ] هدایت کرد واگر خدای ما را هدایت نمی فرمود ما خود بدان ره نمی یافتیم.

[ ٢٤٠ ]

الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق، ويرزق ولا يرزق، ويطعم ولا يطعم، ويميت الاحياء ويحيي الموتى، وهو حي لا يموت بيده الخير، وهو على كل شئ قدير. اللهم صل على محمد عبدك ورسولك، وامينك وصفيك، وحبيبك وخيرتك من خلقك، وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك، افضل واحسن، واجمل واكمل، وازكى وانمى، واطيب واطهر، واسنى واكثر ما صليت وباركت، وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك، واهل الكرامة عليك من خلقك. اللهم وصل على على امير المؤمنين، ووصى رسول رب العالمين، عبدك، ووليک واخلی رسولک، وحجتک على خلقک، وایتک الکبری والنبا العظیم. وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة، سيدة نساء العالمين، وصل على سبطی الرحمة وامامی الهدی الحسن والحسين، سیدی شباب اهل الجنة.

[ ٢٤١ ]

ستایش مخصوص خداست که جهان را خلق کرده و برای او خالق نیست، همه را روزی می دهد و خود روزی نمی خواهد، و طعام وخوراک می دهد و خود بدان نیازمند نیست، وزنده ها را می میراند ومردگان را زنده می کند و خود زنده جاودانه است، هر خیر و نیکی بدست اوست و بر هر چیز تواناست. خدایا ! بر محمد بنده وفرستاده ات، وامین وبرگزیده ات، ودوست و انتخاب شده از میان خلقت ونگاهبان سر تو ورساننده رسالتهایت، درود فرست، برترین

و نیکوترین و زیباترین و کاملترین و پاکترین و روز افزونترین و پسندیده ترین و پاکیزه ترین، و درخشانترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و سلام که بر هر یک از بندگان خاص خود و پیامبران و رسولان و خاصان و اهل کرامت بر تو از میان خلقت فرستادی. بار خدایا ! و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول پروردگار جهانیان و بنده ولی و برادر رسالت و حجت تو بر خلقت و آیت کبرایت و خیر بزرگ عالم آفرینش. و درود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه برترین بانوی جهان، و درود فرست بر دو نوه پیامبر رحمت و دو پیشوای هدایت امام حسن و امام حسین، دوسید جوانان اهل بهشت.

---

[ ۲۴۲ ]

وصل علی ائمة المسلمین، علی بن الحسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و الحسن بن علی، و الخلف الهادی المهدی، حججک علی عبادک، و امانتک فی بلادک، صلاة کثیرة دائمة. اللهم وصل علی ولی امرک، القائم المؤمل، و العدل المنتظر، و حقه بملائکتک المقربین، و ایدیه بروح القدس، یا رب العالمین. اللهم اجعله الداعی الی کتابک، و القائم بدینک، استخلفه فی الارض کما استخلفت الذین من قبله، مکن له دینه الذی ارتضیته له، ابدله من بعد خوفه امانا، یعبدک لا یشرک بک شیئا. اللهم اعزه و اعزز به، و انصره و انتصر به، و انصره نصرا عزیزا و افتح له فتحا یسیرا، و اجعل له من لدنک سلطانا نصیرا، اللهم اظهر به دینک و سنة نبیک، حتی لا یتستخفی بشئی من الحق مخافة احد من الخلق.

---

[ ۲۴۳ ]

و درود فرست بر امامان و پیشوایان اسلام حضرت علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و زاده او امام هدایتگر هدایت شده، که حجت های تو بر بندگان و امانان تو در شهرهایت هستند، درود بسیار و دائم. پروردگارا ! درود فرست بر ولی امرت قائم مورد آرزو، و عدل مورد انتظار، و او را به سپاه فرشتگان مقربت فراگیر و به روح القدس تأیید فرما، ای پروردگار جهانیان. بارالها ! او را این چنین قرار ده که دعوت کننده به کتاب آسمانی تو و قیام کننده به ترویج دین تو باشد، و او را خلیفه خود در زمین گردان، چنانکه پیشینیان او را امام و خلیفه گرداندی، و او را برای [ برپائی ] دینت که مورد پسند تو می باشد در زمین جایگزین فرما و خوف و ترس او را به ایمنی مبدل گردان، تا نورا بپرستد و در هیچ امری با تو شریک نگیرد. خداوند! او را عزت بخش و بوسیله او [ مؤمنان را ] عزیز گردان، و او را یاری کن و بوسیله او [ مؤمنان را ] یاری فرما، و او را نصرت کامل با عزت عطا فرموده و گشایشی آسان به او عنایت کن، و از جانب خود او را سلطنت و قدرت تفضل فرما، خدایا ! به دست او دینت و سنت پیامبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس فردی از خلقت مخفی نماند.

---

[ ۲۴۴ ]

اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه، تعز بها الاسلام و اهله، و تذلل بها النفاق و اهله، و تجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتک، و القادة الی سبیلک، و ترزقنا بها کرامة الدنیا و الآخرة، اللهم ما عرفتنا من الحق

فحملناه، وما قصرنا عنه فيبلغناه. اللهم المم به شعنتنا واشعب به صدعنا، وارثق به ففتقناو كثر به قلتنا، واعزز به ذلتنا، واغن به عائلنا، واقض به عن مغرمنا، واجبر به فقرنا، وسد به خلتنا، ويسر به عسرنا، وبيض به وجوهنا، وفك به اسرنا، وانجح به طلبتنا، وانجز به مواعيدنا، واستجب به دعوتنا، واعطنا به سؤلنا، وبلغنا به من الدنيا والاخرة اماننا، واعطنا به فوق رغبتنا. يا خير المسؤولين، واوسع المعطين، اشف به صدورنا، واذهب به غيظ قلوبنا، واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك، انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم، وانصرنا به على عدوك وعدونا، اله الحق امين. اللهم انا نشكو اليك فقدنيننا صلواتك عليه واله وغيبة

---

[ ٢٤٥ ]

بارالها ! ما از تو اميد تحقق دولت گرانقدرت را داريم، كه اسلام و اهلس را به آن عزت بخشى، ونفاق واهل نفاق را با او دليل گردانى، وما را در آن دولت حقه از دعوت كندگان به طاعتت وپيشوايان راه هدايتت قراردهى، وبواسطه آن بزرگوار كرامت دنيا واخرت را روزى مافرمايى، پروردگارا ! آنچه از حق كه بما شناساندى ما را بعمل آن وادار، وآنچه كوتاه آمديم ما را بمقام معرفت آن برسان. خدايا ! به بركت وجود آن امام همام پريشانى ما را برطرف، پراكندگى امور مان را اصلاح، گسيختگى ما را به اتحاد، كمى عده ما را به كثرت، ذلتمان را به عزت مبدل گردان، وخاندان ما را بى نياز، ودينهايمان را ادا، و فقر ما را جبران، ونقائص ما را برطرف، وسختى ما را آسان، ومارا سپيدرو بنما، واسيرانمان را آزاد، وخواسته هاي ما را روا، ووعدده هائى را كه بمادادى وفا، ودهاهاى مارا مستجاب، ودرخواستهاى ما را عطا، وبه لطف وعنايات حضرتش ما را به آروزهاى كه در دنيا واخرت داريم برسان، وبحق او فوق آنچه مايليم را بما عنایت فرما، آي بهترين سؤال شدگان، واى گشاده ترين عطا كندگان، بوسيله او سينه هاي ما را شفابخش، وخشم دلهايمان را فرونشان، وما را با وجود همه اختلافات به حق هدايت فرما، كه تو البته هر كه را بخواهى براه راست هدايت مى فرمايى، وبوسيله او ما را بر دشمنانت ودشمنانمان يارى نما، آي خداى حق اين دعا را به كرمت مستجاب فرما، آمين. بارالها ! ما بدرگاه تو از فقدان پيامبرت كه سلام ودرود بر او، واز غيبت

---

[ ٢٤٦ ]

وليننا وكثرة عدونا، وقلة عددنا، وشدة الفتن بنا، وتظاهر الزمان علينا، وصل على محمد واله، واعنا على ذلك بفتح منك تعجله، وبضر تكشفه، ونصر تعزه، وسلطان حق تظهره، ورحمة منك تجللتناها، وعافية منك تلبسناها، برحمتك يا ارحم الراحمين. (٣٦) دعاؤه (عليه السلام) بعد صلاة الفجر في يوم الفطر اللهم انى توجهت اليك بمحمد امامى، وعلى من خلفي وعن يمينى، واُئمتي عن يسارى، استتر بهم من عذابك، واتقرب اليك زلفى، لا اجد احدا اقرب اليك منهم، فهم ائمتي، فامن بهم خوفى من عقابك وسخطك، و ادخلني برحمتك في عبادك الصالحين. اصبحت بالله مؤمنا مخلصا على دين محمد وسنته، وعلى دين علي وسنته، وعلى دين الاوصياء وسنتهم، امننت بسرهم وعلانيتهم، وارغب الى الله فيما رغب فيه محمد وعلى والاصياء.

---

[ ٢٤٧ ]

امام، و بسیاری دشمن و کمی عدلمان، و فتنه های سخت بر ما، و غلبه محیط روزگار بر ما، بر توشکوه می بریم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در همه این امور یاری کن، بفتح زود رسی از جانب خود، و به برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت با عزت و سلطنت حقه که آنرا آشکار گردانی، و رحمتی از تو، که بر همه شامل نمائی، و لباس عافیت که بر ما بیوشانی، به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان. (۳۶) دعای آن حضرت بعد از نماز صبح در روز عید فطر پروردگارا! بسوی تو روی می آورم در حالیکه پیامبر پیشاپیشم، و علی پشت سر و سمت راستم، و امامانم در سمت چپم می باشند، با آنان از عذابت خود را مستور داشته، و به تو نزدیکی می جویم و هیچ کسی را جز ایشان به تو نزدیکتر نیافته ام، آنان امامانم می باشند، هر اسم از عقابت و غضبت را با ایشان مبدل به امنیت می کنم، بر رحمتت مرا در زمره بندگان صالحت قرار ده. مؤمن به خداوند و مخلص بر آئین او، و بر دین محمد و سنتش، و بر دین علی و سنتش، و بر دین جانشینان او و سنتشان می باشم، به آشکار و نهانشان ایمان آورده و به آنچه محمد و علی و جانشینانشان رغبت جسته اند ما یلم.

---

[ ۲۴۸ ]

ولاحول ولا قوة الا بالله، ولا عزة ولا منعة ولا سلطان، الا لله الواحد القهار، العزيز الجبار، توكلت على الله، ومن يتوكل على الله فهو حسبه، ان الله بالغ امره. اللهم انى اريدك فاردينى، واطلب ما عندك فيسره لى، واقض لى حوائجى، فانك قلت في كتابك وقولك الحق: " شهر رمضان الذى انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان ". فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه من القرآن، وخصسته وعظمته بتصويرك فيه ليلة القدر، فقلت: " ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر ". اللهم وهذه ايام شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت، وقد صرت منه يا الهى الى ما انت اعلم به منى، واحصى لعدده من عددي. فاسألك يا الهى بما سألك به عبادك الصالحون ان تصلى على محمد وال محمد وان تقبل منى ما تقربت به اليك،

---

[ ۲۴۹ ]

و حول وقوه أي جز با عنایت خدا نیست، و عزت و سلطنت جز برای خدای واحد قهار عزیز جبار نمی باشد، هر که بر خدا توکل کند او را کفایت می کند و خداوند کارش را به انجام می رساند. پروردگارا! تو را خواهانم به من توجه بنما، و آنچه نزد توست را جویا هستم پس برایم سهل و آسان گردان، و حاجت‌هایم را تحقق بخش، تو در کتابت و گفتار حقت چنین گفتی: " ماه رمضان که قرآن در آن ماه برای هدایت مردم به همراه نشانه های هدایت نازل شده است ". احترام این ماه را با نزول قرآن در آن اختصاصش به این ماه بزرگ داشته و نیز با قراردادن شب قدر در آن بر حرمتش افزودی، و گفتی: " شب قدر از هزار ماه بهتر است، فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان بهر امری نزول کرده و تا طلوع فجر سلام می باشد " بارالها! روزهای ماه رمضان بیایان رسیده و شب‌هایش تمام گشته است، و در این ماه کارهایی را انجام داده ام که تو بدانها آگاهتر و شمارش آنرا بهتر می دانی. خداوندا! از تو می خواهم به آنچه بندگان صالحت تو را خواندند بر محمد و خاندانش درود فرستاده، و آنچه باعث نزدیکی من بتو می شود

وتفضل على بتضعيف عملي، وقبول تقريبي وقرباتي، واستجابة دعائي، وهب لي منك عتق رقبتي من النار، و من على بالفوز بالجنة، والامن يوم الخوف من كل فزع و من كل هول اعدته ليوم القيامة. اعوذ بحرمة وجهك الكريم، وحرمة نبيك وحرمة الصالحين، ان ينصرم هذا اليوم، ولك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني بها، أو ذنب تريد ان تقايسني به، وتشقيني وتفصحنني به، أو خطيئة تريد ان تقايسني بها، وتقتصها مني لم تغفرها لي، واسألك بحرمة وجهك الكريم، الفعال لما يريد، الذي يقول للشئ كن فيكون، لا اله الا هو. اللهم انى اسألك بلا اله الا انت ان كنت رضيت عنى في هذا الشهر ان تزيدني فيما بقى من عمرى رضا، وان كنت لم ترض في هذا الشهر فمن الان فارض عنى الساعة الساعة الساعة، واجعلني في هذه الساعة، وفي هذا المجلس من عتقائك من النار وطفلك من جهنم، وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك، يا ارحم الراحمين.

را از من بپذیری، وبر من به مضاعف کردن عملم وقبول اعمال واستجابات دعايم لطف نمايي، ورهائيم از آتش را برمن عنایت کنی، وبرمن منت گذار با رستگاريم با نائل شدن به بهشت وامنيت از هر اضطراب وناراحتی که برای روز قیامت آماده ساخته آي. به احترام بزرگواریت واحترام پیامبرت واحترام فرزندگان بتو پناه می برم، که امروز بگذرد در حالیکه گناهی بر من باقیمانده باشد که بخواهی مرا بران مؤاخذه گردانی، یا بخواهی در مقابل آن مرا شقی گردانده و مفتضح نمايي، یا خطائی که بخواهی در مقابل آن از من قصاص کنی و برمن نیامرزی، واز تو می خواهم به احترام بزرگواریت که بر هرکار که اراده کنی قادری، وتنها به اراده تو نیازمند است ویا اراده ات تحقق می یابد، و خدائی جز تو نیست. پروردگارا ! از تو می خواهم بوجدانیتت، اگر در این ماه از من خشنود شده آي برخشنودی خود از من در باقیمانده عمرم بیفزای، و اگر در این ماه از من راضی و خشنود نگردیده آي، در همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت از من خشنود شو، ودر این ساعت، واین جایگاه، مرا از رها شدگان از آتش جهنم، و آزادشدگان از عذاب دوزخ، ومخلوقات با سعادت خود قرارده، به آمرزش ورحمتت آي مهربانترین مهربانان.

اللهم انى اسألك بحرمة وجهك الكريم، ان تجعل شهرى هذا خير شهر رمضان عبدتك فيه، وصمته لك، و تقربت به اليك، منذ اسكنتني الارض، اعظمه اجرا، واتمه نعمة، واعمه عافية، واوسع رزقا، وافضله عتقا من النار، واوجبه رحمة، واعظمه مغفرة، واكمله رضوانا، واقربه الى ما تحب وترضى. اللهم لا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك، وارزقني العود ثم العود حتى ترضى وبعد الرضا، وحتى تخرجني من الدنيا سالما، وانت عنى راض وانا لك مرضى. اللهم اجعل فيما تقضى وتقدر من الامر المحتوم، الذى لا يرد ولا يبدل، ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام، في هذا العام وفي كل عام، المبرور حجهم، المشكور سعيهم، المغفور ذنوبهم، المتقبل عنهم مناسكهم، المعافين على اسفارهم، المقبلين على نسكهم، المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم، وكل ما انعمت به عليهم. اللهم اقلبني من مجلسي هذا، في شهرى هذا، في يومى

هذا، في ساعتی هذه، مفلحا منجحا، مستجابا لی، مغفورا ذنبی، معافا من النار، ومعتقا منها، عتقا لارق بعده ابدا ولا رهبة، یا رب الارباب.

[ ۲۰۳ ]

خداوندا ! از تو می خواهم به احترام بزرگواریت که این ماه را بهترین ماه رمضانی قراردهی که از آغاز زندگی تا کنون تو را در آن عبادت کرده و روزه گرفته و در آن بتو نزدیک شده ام، پاداش بیشتر، نعمتهای فراوانتر، و سلامتی فزونتر، روزی گسترده تر، رهایی از آتش بیشتر، استحقاق رحمت فزاینده تر، آمرزش فراوانتر، خشنودی کاملتر، و به آنچه تو دوست داشته و خشنود می باشی نزدیکتر باشم. بارالها ! این ماه را آخرین ماه رمضانی که برای تو روزه گرفته ام فرار نداده، و مرا به ماههای رمضان دیگر نیز برسان، تا اینکه از من خشنود شده و از آن فراتر رود، تا آنکه مرا از دنیا با سلامت خارج سازی، در حالیکه از من خشنود بوده و من از تو شادمانم. پروردگارا ! در مقدراتت که تقدیر می کنی و قابل تغییر و تبدیل نمی باشد، در این سال و هر سال مرا از حجاج خانه ات فرار ده، در حالیکه جشن پذیرفته، تلاششان ستوده، گناهانشان آمرزیده، اعمالشان مقبول، سفرهایشان باسلامتی بوده، و با اشتیاق اعمالشان را انجام داده، و در جانهایشان و اموالشان و فرزندانشان آنچه به آنان نعمت داده ای نگهداری شده باشند. خدایا ! از این جایگاه و در این ماه و در این روز و در این ساعت، مرا رستگار، پیروزمند، با دعاهاى اجابت شده، آمرزیده، رها شده از آتش قرارده، رهاشدنی که اسارت و وحشتی در پی نداشته باشد، ای پروردگار پروردگان.

[ ۲۰۴ ]

اللهم انی اسألك ان تجعل فیما شئت و اردت، و قضیت و قدرت، و حثمت و انفذت، ان تطیل عمری، و تنسیئ فی اجلی، و ان تقوی ضعفی، و ان تغنی فقری، و ان تجیر فاقتی، و ان ترحم مسکنتی، و ان تعز ذلی و ان ترفع ضعفی، و ان تغنی عائلتی، و ان تونس و حشنتی، و ان تکثر قلتی، و ان تدر رزقی، فی عافیة و یسر و خفض. و ان تکفینی ما اهمنی من امر دنیاى و اخرتی، و لا تکلنی الی نفسی فاعجز عنها، و لا الی الناس فیرفضونی، و ان تعافینی فی دینی و بدنی، و جسدی و روحی، و ولدی و اهلی، و اهل مودتی و اخوانی و حیرانی، من المؤمنین و المؤمنات، و المسلمین و المسلمات، الاحیاء منهم و الاموات، و ان تمن علی بالامن و الایمان ما ابقیتنی. فانک ولیی و مولای، و ثقتی و رجائی، و معدن مسألتي، و موضع شکوای و منتهی رغبتی.

[ ۲۰۵ ]

پروردگارا ! از تو می خواهم که در آنچه می خواهی، و اراده کرده و تقدیر می کنی، و حکم می نمایی، و واجب نموده و انفاذ می کنی، عمرم را طولانی، مرگم را متأخر، ضعفم را تقویت، و فقرم را مبدل به بی نیازی کرده، و بیچارگیم رحم نموده و آن را جبران کنی، و ذلتم را مبدل به عزت و افتادگیم را برطرف گردانی، خانواده ام را بی نیاز نموده، و وحشتم را مبدل به انس، و کمی عده ام را مبدل به کثرت، و روزی ام را در سلامتی و راحتی بسیار گردانی. و امور مهم دنیا و آخرتم را کفایت نموده، و مرا بخود واگذار ننمائی تا ناتوان نشوم،



ومرا به مردم واگذار نکن تا مرا از خود دور سازند، و مرا در دینم و بدنم و جسمم و روحم و فرزندانم و خانواده ام و دوستانم و برادران و همسایگانم، از زنان و مردان مؤمن مسلمان، از زنده و مرده، سلامت بداری، و تا آنگاه که زنده هستم بر من به امنیت و ایمنی منت نهی. تو سر پرستم و مولایم و محل وثوق و امیدم، و جایگاه خواسته‌هایم و محل نیازهایم و پایان آمالم می باشی.

---

[ ۲۵۶ ]

فلا تخینني في رجائي، يا سیدی ومولای، ولا تبطل طمعی ورجائی، فقد توجهت اليك بمحمد وال محمد، وقدمتهم اليك امامی وامام حاجتی، وطلبتي وتضرعی ومسألتي، فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين. فانك مننت علي بمعرفتهم، فاختم لي بهم السعادة، انك علي كل شئ قدير. وفي رواية: مننت علي بهم، فاختم لي بالسعادة والسلامة، والامن والايمان، والمغفرة والرضوان، والسعادة والحفظ. يا الله، انت لكل حاجة لنا، فصل علي محمد واله وعافنا، ولا تسلط علينا احدا من خلقك لا طاقة لنا به، واكفنا كل امر من امر الدنيا والاخرة، يا ذاالجلال والاكرام، صل علي محمد وال محمد كافضل ما صليت وباركت، و ترحمت وتحننت علي ابراهيم وال ابراهيم، انك حميد مجيد.

---

[ ۲۵۷ ]

أي أقایم ومولایم ! مرا در آرزویم نا امید مساز، وطمع و آمیدم را تحقق بخش، بوسیله محمد و خاندانش بتو روی آورده، وایشان را پیشاپیش خود و آرزوها و خواسته ها و تضرع و زاریم قرار دادم، و چهره ام را بوسیله ایشان در دنیا و آخرت سپید، و مرا از زمره مقربین درگاہت قرار ده. تو به شناخت ایشان بر من منت نهاده ای، پس بوسیله ایشان عاقبتم را به سعادت مندی خاتمه ببخش، چرا که تو بر هرکار قادر و توانائی. و در روایت دیگر آمده: تو به ایشان بر من منت نهاده، پس پایان عمرم را با سعادت و سلامت و امنیت، و ایمنی و آمرزش، و خشنودی و سعادت و حفاظت خاتمه بخش. خدایا ! تو جایگاه حاجتهای ما هستی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را سلامت دار، و کسی را که طاقت او را نداریم بر ما مسلط مکن، و امور دنیا و آخرت ما را کفایت فرما، تو صاحب جلال و بزرگواری هستی، بر محمد و خاندانش درود فرست، برترین درود و برکت و رحمت و مهربانی و عطوفتی که بر ابراهیم و خاندانش مبذول داشتی، تو ستوده و گرامی هستی.

---

[ ۲۵۹ ]

۹ - ادعیه آن حضرت در امور متفرقه در ایام غیبت در هنگام ولادت برای کسی که داخل مقام ایشان می شود برای تعجیل در ظهورش برای تعجیل در ظهورش بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد.

---

[ ۲۶۰ ]

(٣٧) دعاؤه (عليه السلام) في ايام الغيبة اللهم عرفني نفسك، فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف رسولك، اللهم عرفني رسولك، فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجتك، اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني، اللهم لا تمنني ميتة الجاهلية، ولا تزغ قلبي بعد إذ هديتني. اللهم فكما هديتني لولاية من فرضت طاعته علي، من ولاية ولاة امرك بعد رسولك صلواتك عليه وآله، حتى واليت ولاة امرك أمير المؤمنين، والحسن والحسين، وعلياً ومحمداً، وجعفرًا وموسى، وعلياً ومحمداً، وعلياً والحسن، والحجة القائم المهدى، صلواتك عليهم اجمعين. اللهم فثبني على دينك، واستعملني بطاعتك، ولين قلبي لولى امرك، وعافني مما امتحنت به خلقك، وثبني على طاعة ولى امرك، الذى سترته عن خلقك، فباذنك غاب عن بريتك، وامرك ينتظر.

[ ٢٦١ ]

(٣٧) دعاى آن حضرت در ايام غيبت بارالها ! خودت را بمن بشناسان، بدرستى كه اگر خود را بمن شناسانى پیامبرت را نخواهم شناخت، بارالها پیامبرت را بمن شناسان، كه اگر پیامبرت را بمن شناسانى حجت تورا نتوانم شناخت، بارالها ! حجت خود را بمن بشناسان كه اگر حجتت را بمن شناسانى از دينم گمراه مى گردم، خداوندا مرا به مرگ جاهليت نميران، ودلم را [ از حق ] پس از آنكه هدايتم فرمودى منحرف مگردان. پروردگارا ! همچنانكه مرا به ولايت كسانى كه طاعتشان را بر من واجب فرموده آي، از واليان امرت بعد از پیامبرت - كه درود تو بر او ايشان باد - هدايت كرده آي، ومن ولايت واليان امرت را در دل گرفتم، [ ولايت ] امير مؤمنان، وحسن وحسين، وعلى ومحمد، وجعفر وموسى، وعلى و محمد، وعلى وحسن، وحجت قائم مهدى، كه درود تو بر تمامى ايشان باد. پروردگارا ! مرا بر دينم پايدار ساز، وبه طاعتت پكار گير، ودلم را براى ولى امرت نرم ساز، واز آنچه خلقت را آزموده آي مرا معاف دار، وبر طاعت ولى امرت ثابت قدم بدار، كسى كه اورا از خلق خويش پنهان كرده آي، پس به اذن تو از مردم غائب گرديده ودر انتظار فرمان توست.

[ ٢٦٢ ]

وانت العالم غير معلم، بالوقت الذى فيه صلاح امر وليك، في الاذن له باظهار امره، وكشف ستره، وصبرني على ذلك، حتى لا احب تعجيل ما اخرت، ولا تاخير ما عجلت، ولا اكشف عما سترته، ولا ابحت عما كتمته، ولا انازعك في تدبيرك، ولا اقول: لم وكيف وما بال ولى امر الله لا يظهر، وقد امتلات الارض من الجور، وافوض اموري كلها اليك. اللهم انى اسألك ان ترينى ولى امرك، ظاهراً، نافذا لامرك، مع علمي بان لك السلطان، والقدرة والبرهان، والحجة والمشية والارادة، والحوال والقوة، فافعل ذلك بى وبجميع المؤمنين، حتى ننظر الى وليك ظاهر المقالة، واضح الدلالة، هاديا من الضلالة، شافيا من الجهالة. ابرز يا رب مشاهدته وثبت قواعده، واجعلنا ممن تقر عيننا برؤيته، واقمنا بخدمته، وتوفنا على ملتته، واحشربنا في زمرة. اللهم اعذه من شر جميع ما خلقت، وبرأت وذرات و انشأت وصورت، واحفظه من بين يديه ومن خلفه،

[ ٢٦٣ ]

وتو دانایی بدون آنکه از کسی فرا گرفته باشی، که کدامین زمان امر [ قیام ] ولی تو صلاحیت دارد، که او را اجازه فرمائی تا امر خویش را آشکار سازد و پرده [ غیبت ] از خود برگیرد، پس مرا بر آن غیبت شکیبایی ده، تا تسریع در آنچه تو تأخیر انداخته و تأخیر در آنچه تو تقدیم نموده ای را خواستار نباشم، و از آنچه تو پوشیده داشته ای پرده برنگیرم، و در آنچه کتمان فرموده ای کاوش نکنم، و با تدبیرات و تصمیمات توبه ستیز بر نخیزم، و نگویم چرا و چگونه و به چه علت ولی امرت آشکار نمی شود، و حال آنکه زمین از ستم پر گشته است، و تمام امور خویش را بتو واگذار نمایم. بارالها ! از تو می خواهم که آشکارا و در حالیکه امرت جاری شده باشد ولی امرت را بمن بنمایانی، با آگاهییم به اینکه چیرگی و قدرت، و دلیل و برهان، و خواست و اراده و توان و نیرو از آن توست، پس آنچه لطفی در حق من و تمام مؤمنین بفرما تا به ولی تو که درودهایت بر او و خاندانش باد بنگریم، در حالیکه گفتارش آشکار، دلالتش روشن، هدایتگر از گمراهی، شفا دهنده از نادانی آمده باشد. پروردگارا ! دیدارش را آشکار ساز، پایگاههایش را استوار گردان، و ما را از کسانی قرارداده که دیده آنها به دیدارش روشن می شود، و ما را به خدمت او بدار، و بر کیش او بمیران، و در زمره او محشور گردان. خداوندا ! او را از شر هر آنچه آفریده ای، و پدیدار نموده ای، و بوجود آورده ای، و ایجاد کرده ای، و صورتگری فرموده ای، در پناه خویش

---

[ ۲۶۴ ]

وعن يمينة وعن شمالة، ومن فوقه ومن تحته، بحفظك، الذي لا يضيع من حفظته به، واحفظ فيه رسولك ووصى رسولك. اللهم ومد في عمره، وزد في اجله، واعنه على ما اوليته واسترعيته، وزد في كرامتك له، فانه الهادي المهدي، القائم المهدي، الطاهر التقى الزكي، الرضى المرضى الصابر المجتهد الشكور. اللهم ولا تسلبنا اليقين لطول الامد في غيبته وانقطاع خبره عنا، ولا تنسنا ذكره وانتظاره والايمان به، وقوة اليقين في ظهوره، والدعاء له والصلاة عليه، حتى لايقنطنا طول غيبته من ظهوره وقيامه، ويكون يقيننا في ذلك كيقيننا في قيام رسولك، وما جاء به من وحيك وتنزيلك. وقو قلوبنا على الايمان به، حتى تسلك بنا على يده منهاج الهدى، والمحجة العظمى، والطريقة الوسطى، وقونا على طاعته، وثبتنا على مشابعته، واجعلنا في حبه واعوانه وانصاره، والراضين بفعله.

---

[ ۲۶۵ ]

قرار ده، و از پیش رو و پشت سر، و از سمت راست و چپ، و از طرف بالا و پائین، محفوظش بدار، به حفظ خودت که هر کس را با آن نگاهبان باشی گم نشود و با او رسولت و جانشین رسولت را حفظ فرما. بارالها ! و عمرش را طولانی، و بر اجل او بیفزای، و او را بر آنچه و آنکه ولایت و سرپرستی داده ای یاری کن، و در گرمای داشتت نسبت به او بیفزای، که اوست هدایتگر راه یافته، و بیخاسته هدایت شده، پاکیزه با تقوای منزّه [ از هر عیب و نقص ]، پاکیزه صفات، دارای مقام رضا و خشنودی خداوند، بردبار، تلاشگر، سپاسگزار. خداوندا ! و به سبب طولانی شدن دوران غیبت او، و قطع گردیدن خبرش از ما، یقینمان را زائل مکن، و یادش را از خاطرمان مبر، و انتظار و ایمان به او، و یقین داشتن به ظهورش، و دعا برای حضرتش، و درود فرستادن بر او را از ما مگیر، تا طولانی شدن غیبتش ما را از ظهور و قیامش نا امید نسازد، و باورمان در مورد آن همچون باور داشتنمان نسبت به قیام فرستاده ات - که درود تو بر او و خاندانش باد - بوده باشد، [ و نیز همانند یقینمان ] بر آنچه از وحی و تنزیل آورده محکم

بماند. دل‌هایمان را برایمان باو نیرو بخش، تا مارا بدست او در مسیر هدایت رهنما باشی، وبه برترین دلیل ومیانه ترین راه نائل سازی، وما را بر فرمانبرداری از او وپیروی از فرامینش یاری فرما، ومارا در حزب او ودر زمره یاران وانصارش، واز خشنودان به کارهای حضرتش قرار ده.

[ ۲۶۶ ]

ولا تسلبنا ذلك في حياتنا، ولا عند وفاتنا حتى توفانا، ونحن على ذلك غير شاكين ولاناكثين، ولا مرتابين ولا مكذبين. اللهم عجل فرجه، وابده بالنصر، وانصر ناصريه، واخذل خاذليه، ودمدم على من نصب له وكذب به، واظهر به الحق، وامت به الجور، واستنقذ به عبادك المؤمنين من الذل، وانعش به البلاد واقتل به جبابرة الكفر، واقصر به رؤوس الضلالة، وذل به الجبارين والكافرين، وابر به المنافقين والناكثين، وجميع المخالفين والملحدین في مشارق الارض ومغاربها، وبحرها وبرها، وسهلها وجبلها، حتى لا تدع منهم ديارا، ولا تبقى لهم اثارا، وطهر منهم بلادك، واشف منهم صدور عبادك. وجدد به ما امتحى من دينك، واصلح به ما بدل من حكمك، وغير من سنتك حتى يعود دينك به وعلى يده، غضا جديدا صحيحا، لا عوج فيه ولا بدعة معه، حتى تطفئ بعدله نيران الكافرين.

[ ۲۶۷ ]

واین [ عقائد ] را در زندگی وهنگام مرگ از ما سلب مفرما، تا اینکه ما را بمیرانی در حالیکه بر همین باور باشیم بی آنکه در شک افتیم ونه پیمان شکنیم ونه در تردید واقع شویم، ونه دروغ بشماریم. بارالها ! فرجش را نزدیک وبه یاریت او را تأیید فرما، یارانش را یاری ده، ومخالفانش را خوار ودلیل گردان، وآنانکه با او به ستیز برخاسته وتکذیبش می کنند را نابود کن، وحق را باو آشکار وباطل را باو نابود ساز، وبا [ ظهور ] او بندگان مؤمنیت را از مذلت وخواری رهائی بخش، و شهرهای جهان را به او شاداب گردان، وسرکشان کفرپیشه را بقتل برسان، و سران گمراهی را درهم بشکن، وجباران وکافران عالم را به او خوار گردان منافقین وپیمان شکنان وتمام مخالفان وملحدان را در شرق وغرب زمین، وخشکی ودریا، وکوه ودشت آن نابود کن، تا اینکه هیچیک از آنان را باقی مگذارى واثری از آنان بر جای نماند، واز لوٹ وجودشان بلاد خویش را پاک سازی، وسینه های بندگان را از آنان شفا ده. وبوجود او آنچه از دینت محو شده را دوباره تجدید کن، وبه [ حکومت ] او آنچه از حکمت تبدیل گشته واز سنتت تغییر یافته را اصلاح فرما، تا دین تو به [ وجود ] او وبر دست او تازه وبدون هیچ کژی وبدعتی باز گردد، وبا عدالت او آتشهای کافران را خاموش سازی.

[ ۲۶۸ ]

فانه عبدك الذى استخلصته لنفسك، وارتضيته لنصرة دينك، واصطفيته بعلمك، وعصمته من الذنوب، وبرأته من العيوب، واطلعته على الغيوب، وانعمت عليه، وطهرته من الرجس، ونقيته من الدنس. اللهم فصل عليه وعلى آبائه الائمة الطاهرين، وعلى شيعتهم المنتجبين، وبلغهم من آمالهم افضل ما يأملون، واجعل ذلك منا خالصا من كل شك وشبهة، ورياء وسمعة، حتى لا نريد به غيرك ولا نطلب به الا وجهك. اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا، وغيبه ولبنا وشدة

الزمان علينا، ووقوع الفتن بنا، وتظاهر الاعداء علينا، وكثرة عدونا وقله  
عدونا، اللهم فافرح ذلك بفتح منك تعجله، ونصر منك تيسره، وامام  
عدل تظهره، اله الحق رب العالمين. اللهم انا نسألك ان تأذن لوليك،  
في اظهار عدلك في عبادك، وقتل اعدائك في بلادك، حتى لا تدع  
للجور دعامة الا قصمتها، ولابنية الا افنيتها، ولا قوة الا اوهنتها،  
ولا ركنا الا هددته، ولا حدا الا فللته، ولا سلاحا الا كللته، ولا راية  
الانكستها، ولا شجاعا الا قتلته، ولا جيشا الا خذلته.

[ ٢٦٩ ]

بدرستيکه اوست بنده تو که برای خودت خالص گردانیده ای، و  
بمنظور پاری پیامبرت انتخاب فرموده ای، وبه علم خویش او را  
برگزیده ای، واز گناهان محفوظ ومعصومش ساخته ای، واز عیبها  
میرایش نموده ای، وپیر غیبهای وپنهانیها آگاهش ساخته، وپیر وی  
نعمت ارزانی داشته ای، واز پلیدی پاکیزه واز آلودگی بر کنارش قرار  
داده ای. خداوندا ! پس بر او وپیر پدرانش، پیشوایان پاکیزه، وپیر  
شیعیان برگزیده شان درود فرست، وآنان را به برترین آرزوهایشان  
برسان، وآنرا از هر گونه شك وشبهه وریا وشهرت طلبی خالص  
گردان، تا منظوری جز تو نداشته باشیم وغیر از رضای تو چیزی را  
نخواهیم. بارالها ! فقدان پیامبران، وغیبت ولی وسرپرستمان، وقوع  
فتنه ها در میانمان، واتحاد دشمنان بر علیه ما، وکمی افرادمان را  
بدرگاه تو شکوه میکنیم، خداوندا ! پس آن را با پیروزی زودرس وپاری  
شکست ناپذیر از جانب خودت، وظهور پیشوای دادگر، گشایش ده  
ای پروردگار جهانیان. بارخدایا ! ما از تو می خواهیم که به ولی  
خودت به آشکار نمودن عدل تو در میان بندگان، وکشتن دشمنانت  
در سرزمینت فرمان دهی، تا ای پروردگار برای ستم هیچ پایه  
واساسی را وامگذاری مگر آنکه آنرا درهم بشکنی، وهیچ بنیانی را  
جز آنکه نابود سازی، وهیچ نیرویی را مگر آنکه سست گردانی،  
وهیچ پایه ای را جز اینکه ویران کنی، وهیچ برندی را مگر آنکه بی  
اثر نمایی، وهیچ سلاحی را جز اینکه کند گردانی، وهیچ پرچمی را  
مگر اینکه سرنگون کنی، وهیچ قهرمانی را مگر اینکه بر خاک هلاکت  
افکنی، وهیچ ارتشی را جز آنکه خوار وزیون سازی.

[ ٢٧٠ ]

ارمهم يا رب بحجرك الدامغ، واضربهم بسيفك القاطع، وبأسك الذي  
لا يرد عن القوم المجرمين، وعذب اعداءك واعداء دينك واعداء  
رسولك، بيد وليك وايدى عبادك المؤمنين. اللهم اكف وليك وحجتك  
في ارضك هول عدوه، وكد من كاده، وامكر بمن مكر به، واجعل دائرة  
السوء على من اراد به سوءا، واقطع عنه مادتهم وارعب به قلوبهم،  
وزلزل به اقدامهم، وخذهم جهرة وبغته. شدد عليهم عقابك، واخزهم  
في عبادك، والعنهم في بلادك، واسكنهم اسفل نارك، واحط بهم  
اشد عذابك، واصلهم نارا واحش قبور موتاهم نارا، واصلهم حر نارك،  
فانهم اضاعوا الصلاة، واتبعوا الشهوات، واذلوا عبادك. اللهم واحى  
بوليك القرآن، وارنا نوره سرمدا لا ظلمة فيه، واحى به القلوب الميتة،  
واشف به الصدور الوعرة. واجمع به الالهواء المختلفة على الحق،  
واقم به الحدود المعطلة، والاحكام المهملة، حتى لا يبقى حق الا

[ ٢٧١ ]

پروردگارا ! وآنان را با سنگ [ قهر و غضب ] سنگباران کن، واز دم شمشیر بران انتقامت بگذران، وبه عقوبت و غضب که از مردمان مجرم بازنمی داری هلاکشان گردان، و دشمنان خودت و دشمنان دینت و دشمنان فرستاده ات را بدست ولی خویش و دست بندگان مؤمنت عذاب فرما. بار خدایا ! ولی و حجت در زمینت را از بیم دشمنش ایمن دار، وهر آنکس با وی مکر و حيله کند باو مکر کن، و با هر که باوی نیرنگ بازد نیرنگ باز، و تمام بدیها را بر بد خواهانش وارد ساز، و اساس و بنیان فسادشان را از وجود مبارک او دور گردان، و دلپایشان را نسبت به آن جناب مرعوب و ترسناک ساز، و گامهای ایشان را برای حضرتش لرزان فرما، و آشکارا و ناگهانی آنان را [ به عذابت ] بگیر. عقوبتت را بر آنان شدید گردان، و در میان بندگان خوارشان ساز، و در بلاد خویش لعنتشان کن، و در پست ترین درکهای جهنم جایشان ده، و سخت ترین عذابت را بر آنان فرود آور، و به آتششان بسوزان، و گورهای مردگانشان را پر از آتش کن، و ایشان را به دوزخ واصل ساز که آنان نماز را ضایع گذارده و از امیال و شهوات پیروی کرده، و بندگان را خوار ساختند. بار خدایا ! و به وجود ولی خودت قرآن را زنده کن، و نور سرمدش را آنگونه که هیچ تاریکی در آن راه نیابد بما بنمایان، و به [ ظهور ] آن بزرگوار دلپای مرده را زنده، و سینه های مؤمنین که از فراق او مجروح شده را شفا ده، و پراکندگی آراء را بوسیله او بر حق جمع گردان، و به [ دست با کفایت ] او حدود تعطیل شده و احکام متروک مانده را بر پای دار، تا هیچ حقی نماند.

[ ۲۷۲ ]

ظهر، ولا عدل الا زهر، واجعلنا یا رب من اعوانه، و ممن یقوی سلطانه، و المؤمنین لامره، و الراضین بفعله، و المسلمین لاحکامه، و ممن لا حاجة الی التقیة من خلقك. انت یا رب الذی تکشف السوء، و تجیب المضطر إذا دعاك، و تنجی من الكرب العظیم، فاکشف الضر عن ولیك، واجعله خلیفة فی ارضك كما ضمنت له. اللهم ولا تجعلنا من خصماء آل محمد، ولا تجعلنا من اعداء آل محمد، ولا تجعلني من اهل الحنق والغیظ علی آل محمد، فانی اعوذ بك من ذلك فاعذنی، و استجیر بك فاجرنی. اللهم صل علی محمد و آل محمد واجعلني بهم فائزاً عندك فی الدنيا و الاخرة و من المقربین. (۳۸) دعاؤه (علیه السلام) حین ولادته اللهم انجز لی و عدی، و اتمم لی امری، و ثبت و طأتی، و املا الارض بی عدلا و قسطا.

[ ۲۷۳ ]

جز آنکه آشکار گردد، و هیچ عدلی جز آنکه درخشان شود. پروردگارا ! و ما را از یاران و تقویت کنندگان حکومتش، و ممتثلین امرش، و خشنودان از فعلش، و تسلیم شوندگان نسبت به فرمانهایش قرار ده، و از کسانی که هیچ نیازی به تقیه نداشته و از خلق تو بیمی بدل راه ندهند. پروردگارا ! تویی آنکه بدی را بر طرف ساخته و بیچاره را هرگاه تو را بخواند اجابت نموده و از بلای سخت نجات می دهی، پس هرگونه گزند را از ولی خویش بر طرف فرما، و چنانکه برایش تضمین کرده ای او را خلیفه خود در زمین قرار ده. بار خدایا ! مرا از ستیزه جویان با آل محمد و از دشمنان آنان، و نیز در شمار کینه توزان و خشم کنندگان برایشان قرار مده، که البته من از این امر به تو پناه می برم، پس مرا پناه ده، و به درگاهت پناهنده می شوم پس مرا در حمایت خود بدار. بار خدایا ! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بوجود آنان نزد خودت در دنیا و آخرت رستگار و پیروز گردان، و از مقربان درگاهت قرار ده، پروردگار جهانیان دعایم را مستجاب فرما. (۳۸)

دعای آنحضرت در هنگام ولادت پروردگارا ! وعده ام را تحقق بخش،  
وامرم را بپایان رسان، و جایگاهم را محکم نما، وجهان را با من لبریز  
از عدل و قسط فرما.

[ ۲۷۴ ]

(۳۹) دعاؤه (علیه السلام) لمن دخل مقامه عنه (علیه السلام): ما  
من رجل دخل مقامي بالادب يتأدب، ويسلم على و على الائمة،  
وصلى على وعليهم اثني عشر مرة، ثم صلى ركعتين بسورتين،  
وناجى الله بهما المناجاة، الا اعطاه الله تعالى ما يسأله، احدها  
المغفرة: اللهم قد اخذ التأديب منى حتى مسنى الضر وانت ارحم  
الراحمين، وان كان ما اقترفته من الذنوب استحق به اضعاف اضعاف  
ما ادبتنى به، وانت حلیم ذو اناة، تعفو عن كثير، حتى يسبق عفوك  
ورحمتك عذابك. (۴۰) دعاؤه (علیه السلام) لتعجيل ظهوره عن  
محمد بن عثمان: آخر عهدي به (علیه السلام) عند بيت الله الحرام  
وهو يقول: اللهم انجز لى ما وعدتني.

[ ۲۷۵ ]

(۳۹) دعای آنحضرت برای کسی که داخل مقام ایشان می شود از  
آنحضرت روایت شده: هر کسی با ادب داخل مقام من شود و بر من  
وامامان (علیهم السلام) دوازده مرتبه درود و سلام فرستد، سپس  
دو رکعت نماز با دو سوره بخواند، و این دعا را قرائت کند، خداوند  
آنچه بخواهد به او می دهد، یکی از آنها آمرزش او است: پروردگارا !  
عقوبتت در باره من مرا بدانجا رسانید که به بیچارگی افتادم و تو  
مهربانترین مهربانانی، و اگر چه بجهت گناهانم مستحق چندین برابر  
این عقوبت می باشم، و تو بردبار و صبور بوده و گناهان بسیار را می  
بخشی، تا آنجا که عفو و رحمتت بر عذابت پیشی گرفته است.  
(۴۰) دعای آنحضرت برای تعجیل در ظهورش از نائب دوم آن حضرت،  
محمد بن عثمان روایت شده که گفت: آخرین مرتبه ای که آنحضرت  
را دیدم کنار خانه کعبه بوده که می فرمود: پروردگارا ! وعده هایی  
که بمن داده ای را تحقق بخش.

[ ۲۷۶ ]

(۴۱) دعاؤه (علیه السلام) لتعجيل ظهوره قال محمد بن عثمان:  
رأيتہ (علیه السلام) متعلقا بأستار الكعبة في المستجار، وهو يقول:  
اللهم انتقم بي من اعدائك. (۴۲) دعاؤه (علیه السلام) بعد ظهوره،  
حين عبر من وادي السلام عن على (علیه السلام): كأنني بالقائم  
قد عبر من وادي السلام الى مسيل السهلة، على فرس محجل له  
شمراخ يزهر، يدعو ويقول في دعائه: لا اله الا الله حقا حقا، لا اله الا  
الله ايمانا وصدقا، لا اله الا الله تعبدا ورضا، اللهم معز كل مؤمن ووحيد،  
ومذل كل جبار عنيد، انت كنفى حين تعيينى المذهب، وتضيق على  
الارض بما رحبت، اللهم خلقتني وكننت غنيا عن خلقي، ولولا نصرك  
اياي لكنت من المغلوبين.

[ ۲۷۷ ]

(۴۱) دعای آنحضرت برای تعجیل در ظهورش نائب دوم آن حضرت گوید: آنحضرت را دیدم که پرده خانه کعبه را در مستجار گرفته ومی گوید: پروردگارا ! یا من از دشمنانت انتقام گیر. (۴۲) دعای آنحضرت بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد از علی (علیه السلام) روایت شده: گویا قائم (علیه السلام) را بر روی اسب سپید موئی می بینم که از وادی السلام بسوی مسجد سهله می رود، ودعا می خواند، در بین دعاهایش چنین می گوید: محققا محققا معبودی جز خداوند نیست، معبودی جز خداوند نیست، صادقانه به او ایمان داریم، معبودی جز خداوند شایسته عبودیت و بندگی نیست، پروردگارا ! ای عزیز کننده هر مؤمن تنها، وای ذلیل کننده هر ستمگر کینه توز، تو پشتیبانم هستی آنگاه که راهها بر من بسته شده و زمین با همه وسعت بر من تنگ می گردد، بار الها ! مرا آفریدی در حالیکه از خلقتم بی نیاز بودی، واگر یاری تو نبود من شکست می خوردم.

---

[ ۲۷۸ ]

یا منشر الرحمة من مواضعها، ومخرج البرکات من معادنہا، ویا من خص نفسه بشموخ الرفعة، واولیاءه بعزه یتعززون، یا من وضعت له الملوك نیر المذلة علی اعناقها، فهم من سطوته خائفون. اسألك باسمك الذی فطرت به خلقك، فکل له مذنون، اسألك ان تصلى علی محمد وآل محمد وان تنجز لی امری، وتعجل لی فی الفرج، وتكفيني وتعافيني، وتقضى حوائجی، الساعة الساعة، اللیلة اللیلة، انك علی كل شیء قدير.

---

[ ۲۷۹ ]

ای منتشر کننده رحمت از جایگاههای آن، وخارج کننده برکتها از مواضع آن، وای آنکه خودت را به رفعت مخصوص گردانده، واولیائش بعزت او عزیز می گردند، ای آنکه پادشاهان برای او طوق ذلت برگردن نهاده اند، واز سطوت وهیبت او ترسانند. از تو می خواهم بنامت که مخلوقات را خلق کردی، وهمه آنان در پیشگاهت خاضعند، از تو می خواهم که بر محمد وخاندانش درود فرستاده وامرم را تحقق بخشی، ودر فرجم تعجیل فرمایی، ومرا کفایت کرده و سلامت داری، حوائجم را ادا نمائی، در همین ساعت، همین ساعت، همین شب همین شب، بدرستیکه تو برهرکار قادری.

---

[ ۲۸۱ ]

۱۰ - ادعیه آن حضرت در زیارات در زیارات حضرت علی علیه السلام در روز یکشنبه در روز عاشورا

---

[ ۲۸۲ ]

(۴۳) دعاؤه (علیه السلام) فی زیارة أمير المؤمنين (علیه السلام) فی يوم الأحد السلام علی الشجرة النبوية، والدوحة الهاشمية المضيئة، المنمرة بالنبوة، المونعة بالامامة، السلام عليك وعلى ضجيعك آدم ونوح. السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين



الطاهرين، السلام عليك وعلى الملائكة المحدقين بك والحقين بقبرك. يا مولاي يا امير المؤمنين، هذا يوم الاحد وهو يومك وباسمك، وانا ضيفك فيه وجارك، فاضفني يا مولاي واجرنني، فانك كريم تحب الضيافة ومأمور بالاجارة. فافعل ما رغبت اليك فيه، ورجوته منك، بيمنلتك وآل بيتك عند الله، ويمنلته عندكم، ويحق ابن عمك رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وعليكم اجمعين.

---

[ ٢٨٣ ]

(٤٣) دعای آنحضرت در زیارت علی (علیه السلام) در روز یکشنبه سلام بر شاخسار نبوی، ودرخت تنومند وشکوفای هاشمی، بارور بنیوت شاداب وسرسبز بامامت، سلام [ بر تو ] ودو پیامبری که در کنارت آرمیده اند. سلام بر تو وبر خاندان پاکزاد پاکیزه ات، سلام بر تو وبر فرشتگان پیرامونت وآنانکه گراگرد قبرت می چرخند. مولایم ای امیر مؤمنان این روز روز یکشنبه است، وآن روز مخصوص وبنام توست ومن در آن مهمان ویناهنده بتوام، پس ای مولایم مرا پذیرائی نماو پناههم ده، زیرا تو کریمی ومهمانوازی را دوست داشته و به پناه دادن مأموری، پس آنچه را که بسوی تو ما یلم وبتو امیدوارم را انجام ده، بحق ارزش تو وخاندانت نزد خداوند ومنزلت او نزد شما، وبحق پسر عمویت پیامبر خدا که درود خدا بر او وبر تمامی خاندانش باد.

---

[ ٢٨٤ ]

(٤٤) دعاؤه (علیه السلام) في زيارة الحسين (علیه السلام) يوم عاشوراء السلام علی آدم صفوة الله من خلیفته، السلام علی شیث ولی الله وخیرته، السلام علی ادریس القائم لله بحجته، السلام علی نوح المجاب في دعوته. السلام علی هود الممدود من الله بمعونته، السلام علی صالح الذی توجه الله بکرامته، السلام علی ابراهیم الذی حباه الله بخلته. السلام علی اسماعیل الذی فداه الله بذبح عظیم من جنته، السلام علی اسحاق الذی جعل الله النبوة في ذریته، السلام علی یعقوب الذی رد الله علیه بصره برحمته، السلام علی یوسف الذی نجاه الله من الجب بعظمته. السلام علی موسی الذی فلق الله البحر له بقدرته، السلام علی هارون الذی خصه الله بنبوته، السلام علی شعیب الذی نصره الله علی امته، السلام علی داوود الذی تاب الله علیه من خطیئته.

---

[ ٢٨٥ ]

(٤٤) دعای آنحضرت در روز عاشورا سلام بر آدم برگزیده خداوند از میان مخلوقاتش، سلام بر شیث ولی خدا وبرگزیده اش، سلام بر ادریس قیام کننده برای خدا به حجت و گوااهش، سلام بر نوح اجابت شده در دعایش. سلام بر هود همواره تأیید شده از طرف پروردگارش، سلام بر صالح برسردارنده تاج کرامت از طرف مولایش، سلام بر ابراهیم برگزیده شده به دوستی از طرف پروردگارش. سلام بر اسماعیل رها شده از طرف خداوندبا ذبح بزرگی از بهشتش، سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در فرزندان او نهاد، سلام بر یعقوب که خداوند با رحمت خود چشمش را به او باز گرداند، سلام بر یوسف که خداوند با عظمتش او را از چاه نجات داد. سلام بر موسی که با قدرت الهی دریا برایش شکافته شد، سلام برهارون که خداوند او را به نبوتش مخصوص ساخت، سلام بر

شعيب كه خداوند او را بر امتش پيروز گردانيد، سلام بر داوود كه خداوند از خطايش در گذشت.

[ ۲۸۶ ]

السلام على سليمان الذي ذلت له الجن بعزته، السلام على ايوب الذي شفاه الله من علته، السلام على يونس الذي انجز الله له مضمون عدته، السلام على عزيز الذي احياه الله بعد ميته. السلام على زكريا الصابر في محنته، السلام على يحيى الذي ازلفه الله بشهادته، السلام على عيسى روح الله وكلمته. السلام على محمد حبيب الله وصفوته، السلام على أمير المؤمنين على بن ابي طالب، المخصوص باخوته، السلام على فاطمة الزهراء ابنته، السلام على ابي محمد الحسن وصى ابيه وخليفته، السلام على الحسين الذي سمحت نفسه بمهجته. السلام على من اطاع الله في سره وعلانيته، السلام على من جعل الشفاء في تربته، السلام على من الاجابة تحت قبته، السلام على من الائمة من ذريته. السلام على ابن خاتم الانبياء، السلام على ابن سيد الاوصياء، السلام على ابن فاطمة الزهراء، السلام على ابن

[ ۲۸۷ ]

سلام بر سليمان كه با عزت خداوندى جن مسخر او گرديد، سلام بر ايوب كه خداوند او را از بيمارى شفا داد، سلام بر يونس كه خداوند وعده حتمى اش را برايش متحقق ساخت، سلام بر عزيز كه خداوند او را بعد از مرگ زنده كرد. سلام بر زكريا كه بر بلاها صبور بود، سلام بر يحيى كه خداوند او را به شهادت مفتخر ساخت، سلام بر روح خدا وكلمه او حضرت عيسى. سلام بر محمد حبيب الهى وبرگزيده او، سلام بر امير مؤمنان على بن ابي طالب برادر مخصوصش، سلام بر فاطمه زهرا دخترش، سلام بر ابي محمد حسن وصى وجانشين پدرش، سلام بر حسين كه جانش را تقديم كرد. سلام بر كسى كه در آشكار و نهان اطاعت خداوند را نمود، سلام بر كسى كه خداوند شفاء را در تربت او قرار داد، سلام بر كسى كه اجابت دعا زير گنبد اوست، سلام بر كسى كه امامان از فرزندان او هستند. سلام بر فرزند خاتم پيامبران، سلام بر فرزند امير مؤمنان، سلام بر فرزند

[ ۲۸۸ ]

خديجة الكبرى، السلام على ابن سدرة المنتهى، السلام على ابن جنة المأوى، السلام على ابن زمزم والصفاء. السلام على المرملة بالدماء، السلام على المهتوك الخباء، السلام على خامس اصحاب اهل الكساء، السلام على غريب الغرباء، السلام على شهيد الشهداء، السلام على قتيل الادعياء، السلام على ساكن كربلاء. السلام على من بكته ملائكة السماء، السلام على من ذريته الازكياء، السلام على يعسوب الدين، السلام على منازل البراهين، السلام على الائمة السادات، السلام على الجيوب المضرجات، السلام على الشفاه الذابلات. السلام على النفوس المصطلمات، السلام على الارواح المختلسات، السلام على الاجساد العاريات، السلام على الجسوم الشاحيات. السلام على الدماء السائلات، السلام على الاعضاء المقطعات، السلام على الرؤوس المشالات،

السلام على النسوة البارزات. السلام على حجة رب العالمين،  
السلام عليك وعلى

[ ٢٨٩ ]

فاطمة زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند سدره منتهی، سلام بر فرزند بهشت جاودان، سلام بر فرزند زمزم و صفا. سلام بر بخون غلطیده، سلام بر حجاب دریده، سلام بر پنجمین فردآل عبا، سلام بر غریب غریبان، سلام بر سید الشهداء، سلام بر کشته زنازادگان، سلام بر ساکن کربلا. سلام بر آنکه فرشتگان آسمان بر او گریستند، سلام بر آنکه فرزندانش پاکان جهانند، سلام بر پیشوای دین، سلام بر مواضع برهانهای الهی، سلام بر پیشوایان بزرگوار، سلام بر خونین جامگان، سلام بر لبهای خشکیده. سلام بر بدنهای بزنجیر کشیده و اسیر شده، سلام بر روحهای به پنهانی برده شده، سلام بر پیکرهای عریان، سلام بر جسمهای نحیف و رنگ باخته. سلام بر خونهای ریخته، سلام بر اعضاء قطعه قطعه شده، سلام بر سرهای بالای نیزه رفته، سلام بر زنان سر برهنه گردیده. سلام بر حجت پروردگار جهانیان، سلام بر تو و بر پدران پاکیزه ات،

[ ٢٩٠ ]

ابائك الطاهرين، السلام عليك وعلى ابائك المستشهدين، السلام عليك وعلى ذريتك الناصرين، السلام عليك وعلى الملائكة المضاجعين. السلام على القتل المظلوم، السلام على اخيه المسموم، السلام على الكبير، السلام على الرضيع الصغير. السلام على الابدان السليبية، السلام على العترة القريية، السلام على المجدلين في الفلوات، السلام على النازحين عن الاوطان. السلام على المدفونين بلا أكفان، السلام على الرؤوس المفارقة عن الابدان، السلام على المحتسب الصابر. السلام على المظلوم بلا ناصر، السلام على ساكن التربة الزاكية، السلام على صاحب القببة السامية، السلام على من طهره الجليل، السلام على من افتخر به جبرئيل، السلام على من ناغاه في المهدي ميكايل. السلام على من نكتت ذمته، السلام على من هتكت حرمة، السلام على من اريق بالظلم دمه، السلام على المغسل بدم الجراح، السلام على المجدع بكاسات الرماح.

[ ٢٩١ ]

سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت، سلام بر تو و بر فرزندان یاریگرت، سلام بر تو و بر فرشتگان ملازم آرامگاهت. سلام بر کشته مظلوم، سلام بر برادر مسمومش، سلام بر علی اکبر، سلام بر فرزند شیرخوارش. سلام بر بدنهای مسلوب و عریان، سلام بر خاندان نزدیک، سلام بر جنگاوران بیابان، سلام بر دور افتادگان از وطن خویش. سلام بر مدفونهای بی کفن، سلام بر سرهای جدا شده از بدن، سلام بر صبور و بردبار در مصائب. سلام بر مظلوم بدون یاور، سلام بر ساکن خاک پاک، سلام بر صاحب گنبد بلند، سلام بر آنکه خداوند او را پاک نمود، و سلام بر آنکه جبرئیل بدو افتخار کرد، سلام بر آنکه میکائیل در گاهواره با او سخن گفت. سلام بر پیمان شکسته، سلام بر حرمت از هم دریده، سلام بر آنکه به ستم

خونش ریخته شد، سلام بر غسل داده شده به خون زخمها، سلام بر آب داده شده به جامهای تیره.

[ ۲۹۲ ]

السلام على المضمام المستباح، السلام على المنحور في الوري، السلام على من دفنه اهل القرى، السلام على المقطوع الوتين، السلام على المحامي بلا معين. السلام على الشيب الخضيب، السلام على الخد التريب، السلام على البدن السليب، السلام على الثغر المقروع بالقضيب، السلام على الرأس المرفوع، السلام على الاجسام العارية في الفلوات، تنهشها الذئاب العاديات، وتختلف إليها السباع الضاريات. السلام عليك يا مولاي، وعلى الملائكة المرفوفين حول قبتك، الحافين بتربتك، الطائفين بعرصتك، الواردين لزيارتك، السلام عليك فاني قصدت اليك ورجوت الفوز لديك. السلام عليك، سلام العارف بحرمتك، المخلص في ولايتك، المتقرب الى الله بمحبتك، البرئ من اعدائك، سلام من قلبه بمصابك مقروح، ودمعه عند ذكرك مسفوح، سلام المضجوع الحزين الواله المستكين. سلام من لو كان معك بالطوف لوقاك بنفسه حد

[ ۲۹۳ ]

سلام بر مظلومی که خونش مباح شد، سلام بر سر بریده، سلام بر مدفون بدست روستائیان، سلام بر رگ بریده گردن، سلام بر مدافع بدون یاور. سلام بر سپید موی غرقه بخون، سلام بر گونه های خاک آلوده، سلام بر بدن عریان، سلام بر دندانهای کوبیده شده با چوب خیزران، سلام بر سر بالای نیزه رفته، سلام بر جسمهای عریان رها شده در بیابان، که گرگهای درنده بر آنها حمله برده و حیوانات وحشی بر سر آنها فرود آمدند. سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانی که گرداگرد قبر تو بوده و قبرت را در میان گرفته اند، پیرامون مزارت گردهم آمده اند، و به زیارت تو می آیند، سلام بر تو، بدرستی که بسوی تو آمده و آرزومند رستگاری نزد توام. سلام بر تو، سلام آگاه به حرمت و احترامت، خالص در ولایت و دوستی ات، خواهان نزدیکی بخدا با محبتت، بیزار از دشمنانت، سلام بر کسی که قلبش در مصیبت مجروح، اشکهایش هنگام ذکر نام تو ریزان است، سلام مصیبت زده محزون و شیدای فروتن. سلام کسی که اگر در کربلا با تو بود در مقابل شمشیرهای بران تو را

[ ۲۹۴ ]

السیوف، و بذل حشاشته دونك للحتوف، وجاهد بين يدك، ونصرک على من بغى عليك، وفداك بروحه وجسده، وماله وولده، وروحه لروحك فداء، واهله لاهلك وقاء. فلئن اخرتني الدهور، وعاقني عن نصرک المقذور، ولم أكن لمن حاربك محاربا، ولمن نصب لك العداوة مناصبا، فلا ندبنا صباحا ومساء، ولا بکين لك بدل الدموع دما، حسرة عليك، وتأسفا على ما دهاك وتلهفا، حتى اموت بلوعة المصاب وغصة الاکتیاب. اشهد انك قد اقامت الصلاة، وأتيت الزكاة، وامرت بالمعروف، ونهيت عن المنکر والعدوان، واطعت الله وماعصيته، وتمسكت به وبجبله فأرضيته وخشيته، وراقبته واستجيتته. وسننت السنن، واطفأت الفتن، ودعوت الى الرشاد، وواضحت سبل السداد، وجاهدت في الله حق الجهاد. وكنت لله طائعا، ولجدك محمد صلي الله عليه وآله تابعا، ولقول ابيك سامعا، والى وصية اخيك مسارعا،

حفاظت کرده، و با قیمانده روحش را در مقابل تو بمرگ تقدیم می کرد، در پیشاپیش تو بجهاد برمی خواست و بر علیه دشمنان تو را یاری می نمود، و روح و جان و مال و فرزندش را فدای تو می کرد، روحش فدای روح و خاندانش نگاهدار و مدافع خاندانت. اگر روزگار زندگی بتأخیر افتاد و مقدرات مرا از یاریت بازداشت، و در مقابل دشمنان ننگیدم، و با مخالفت نبرد نمودم، بخاطر تو آنچه بر تو وارد شده، هر صبح و شام برایت ناله کرده بجای اشک خون می گریم، تا آنگاه که با حسرت و اندوه و غصه جان دهم. گواهی می دهم که نماز را بر پاداشته و زکات را ادا کردی، به نیکی فرمان داده و از منکر و بدی بازداشتی، خداوند را فرمان برده و سرپیچی نکردی، و به او و ریسمانش چنگ زده و او را خشنود نمودی، خشیت او را بدل گرفته و مراقبت او را نموده و او امرش را اجابت کردی. سنتها را انجام داده و آشوبها را فرو نشاندی، به پاکی و راستی خوانده و راههای صلاح را روشن و مبین ساختی، و در راه خدا به بهترین وجه جهاد و کوشش نمودی. مطیع پروردگارت و پیرو جدت پیامبر، که درود خدا بر او و خاندانش باد، بودی، سخن پدرت را شنیده و وصیت و سفارش برادر را به انجام

و لعماد الدین رافعا، وللطغیان قامعا، وللطغاة مقارعا، وللامة ناصحا. و فی غمرات الموت سابحا، ولفساق مکافحا، ویحجج الله قائما، و لاسلام و المسلمین راحما، و للحق ناصرا، و عند البلاء صابرا، و للدين کالئا، و عن حوزته مراميا. تحوط الهدی و تنصره، و تبسط العدل و تنصره، و تنصر الدين و تطهره، و تکف العايب و تزجره، و تأخذ للدين من الشریف، و تساوی فی الحکم بین القوی و الضعیف. کنت ربیع الایتام و عصمة الانام، و عز الاسلام، و معدن الاحکام، و حلیف الانعام، سالکا طرائق جدک و ابیک، مشبها فی الوصیة لاختیک. و فی الذم، رضی الشیم، ظاهر الکرم، متهجدا فی الظلم، قویم الطرائق، کریم الخلائق، عظیم السوابق، شریف النسب، منیب الحسب، رفیع الرتب، کثیر المناقب، محمود الضرائب، جزیل المواهب، حلیم رشید منیب، جواد علیم شدید، امام شهید، اواه منیب، حبیب مهیب. کنت للرسول صلی الله علیه و آله ولدا، و للقرآن منقذا.

رساندی، بر پا دارنده پایه و اساس دین، و درهم کوبنده طغیان و سرکشی، سخت گیر و کوبنده بر آشوبگران و طغیانگران و نصیحتگر امت بودی. ستایشگر در گردابهای مرگ، درگیر با فاسقین، بر پا دارنده حجت‌های الهی، مهربان در مقابل اسلام و مسلمین و یاور حق، و صبور و بردبار در هنگام بلا، و محافظ دین و نگاهبان آن بودی. نگاهبان هدایت و یاور آن، گستراننده عدالت و یاریگر دین و نمایانگر آن بودی، بازیچه شمرنده دین را از کارش بازداشتی و او را منع نمودی، حق زبردستان را از موالیشان گرفته، و بین قوی و ضعیف در فضاوت به مساوات رفتار کردی. پرورنده یتیمها و ملجأ مردم، و عزت اسلام، و معدن احکام، و همپیمان بخشش و انعام، رهرو راه جدت و پدرت، و همانند برادرت وصی پدرت بودی. وفا دار به ذمه ها، متخلق به اخلاق نیکو، بسیار بخشنده، شب زنده دار، برپاگر روشها، دارنده اخلاق نیکو، سوابق درخشان، نسب و حسب شریف و ارزشمند،

رتبه برتر، منقبتهای فراوان، سررشتهای ستوده، عطاى ارزشمند، بردبار، رشید، بخشنده، بسیار دانا، پیشوای شهید، آموزشگر بازگشت کننده وتوبه کننده، مهربان، با هیبت. فرزند برای پیامبر ونجات دهنده برای قرآن، ویاور امت بودی،

[ ۲۹۸ ]

وللأمة عضدا، وفى الطاعة مجتهدا، حافظا للعهد والميثاق، ناكبا عن سبيل الفساق، وباذلا للمجهود، طويل الركوع والسجود. زاهدا فى الدنيا زهد الراحل عنها، ناظرا إليها بعين المستوحشين منها، أمالك عنها مكفوفة، وهمتك عن زينتها مصروفة، والحاطك عن بهجتها مطروفة، ورغبتك فى الآخرة معروفة، حتى إذا الجور مد باعه، وأسفر الظلم قناعه ودعا الغى اتباعه، وانت فى حرم جدك قاطن، وللظالمين مباين، جليس البيت والمحراب، معتزل عن اللذات والشهوات، تنكر المنكر بقلبك ولسانك، على حسب طاقتك وامكانك. ثم اقتضاك العلم للانكار، ولزمك ان تجاهد الفجار، فسرت فى اولادك واهاليك، وشيعتك ومواليك، وصدعت بالحق والبينة، ودعوت الى الله بالحكمة والموعظة الحسنة، وامرت باقامة الحدود، والطاعة للمعبود، ونهيت عن الخبائث والطغیان، وواجهوك بالظلم والعدوان.

[ ۲۹۹ ]

درطاعت الهی کوشا وحافظ عهد وميثاق، وکناره گیرنده از راههای فاسقین، وتلاشگر تا حد توان بوده، ورکوع وسجده های طولانی داشتی. زاهد در دنیا همچون شخص کوچ کننده از آن، نگرنده به آن بدیده ترسندگان از آن، بازداشته شده از آن آرزوهایش، برگرفته شده همتش از زینتهایش، نگرنده زرق وبرقهایش با گوشه چشم بوده، ورغبت ومیلت به آخرت شناخته شده بود، تا آنگاه که ظلم وپیداد دست از آستین بیرون آورد وبا سلاح به میدان آمد، وگمراهان در ضلالت خود غرق شدند، در حالیکه تو در حرم جدت ساکن، واز ستمگران دوری گزیده بودی، در خانه ومحراب بسر برده، واز امیال وشهوات برکنارد، با قلب وزبان به مقدار توان زشتی را زشت می شمردی. آنگاه که موقعیت مقتضی گردید پرچم مخالفت برداشته، وبا مخالفان کارزار کردی، با فرزندان وخاندان وپیروان ودوستان براه افتاده، وبا حکمت وپند واندرزهای نیکو بسوی خداوند خوانده، وبه برپاداشتن حدود وفرمانبری از معبود امر نمودی، واز پلیدی وسرکشی بازداشته وبا ظلم وستم مقابله کردی.

[ ۳۰۰ ]

فجاهدتهم بعد الایعاز لهم، وتأکید الحجة عليهم، فنکتوا ذمامك وبيعتك، واسخطوا ربك وجدك، وبدؤوك بالحرب، فثبت للطنع والضرب، وطحنت جنود الفجار، واقتحمت قسطل الغبار، مجالدا بذى الفقار، كأنك على المختار. فلما رأوك ثابت الجأش، غير خائف ولاخاش، نصبوا لك غوائل مكرهم، وقتلوك بكيدهم وشرهم، وامر اللعين جنوده، فمنعوك الماء ووروده، وناجزوك القتال، وعاجلوك النزال، ورشقوك بالسهم والنبال، وبسطوا اليك اكف الاصطلام. ولم يرعوا لك ذماما، ولاراقبوا فيك اثاما، في قتلهم اولياءك، ونهبهم رحالك، وانت مقدم فى الهبوات، ومحتمل للاذيات، قد عجت من صبرك ملائكة السماوات. فأحدقوا بك من كل الجهات، أثنوك بالجراح،

و حالوا بينك وبين الرواح، ولم يبق لك ناصر، وانت محتسب صابر، تذب عن نسوتك واولادك.

[ ۳۰۱ ]

پس از آنکه آنان را از کار خود بازداشته، وحجت و دلیل را برایشان تأکید نمودی، با آنان کارزار کردی، بیعتت را شکسته و بر پروردگار و جدت خشم نموده و باتو جنگیدند، بر زخم زبانها و ضربه ها ایستادگی کرده، و لشکریان ستمگر را درهم کوبیدی، در گرد و غبار بر خاسته در میدان کارزار با ذوالفقاری وارد شدی که گویا علی مرتضی در آنجا حضور دارد. آنگاه که ترا پایدار و ثابت قدم و شجاع یافتند، با شرارت و کینه تیزی قدم به میدان گذارده، با حيله و بدی خود با تو جنگیدند، و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور حمله داد، ترا از آب و وارد شدن به آن بازداشته و جنگ و کارزار کشانند، و براین امر شتاب ورزیدند، تیرها و سنگها را بطرف تو پرتاب کرده و دستهای جنایتکارشان را برای نابودیت گشودند. احترام ترا حفظ نکرده، و از عواقب کارهایشان در کشتن فرزندان و تاراج اموالت نهراسیدند، تو پیشقدم در سختی ها و تحمل کننده آزار و اذیتها بودی، فرشتگان آسمانی از صبر و شکیبائی ات در شگفت شدند. پس از هر سو تو را محاصره کرده و زخمهای عمیقی بر تو وارد ساختند، در حالیکه برای تو یآوری نمانده بود میان تو و شب مانع شدند، تو متحمل رنجها و صبور و شکیبا بودی، و از زنان و فرزندان دفاع می نمودی.

[ ۳۰۲ ]

حتى نكسوك عن جوادك، فهويت الى الارض جريحا، تطوك الخيول بحوافرها، أو تلوك الطغاة بيواترها. قد رشح للموت جبينك، واختلفت بالانقباض والانبساط شمالك ويمينك، تدبر طرفا خفيا الى رحلك وبيتك، وقد شغلت بنفسك عن ولدك واهالك، وأسرع فرسك شاردا، الى خيامك قاصدا، محمحا باكيا. فلما رأين النساء جوادك مخزيا، ونظرن سرجك عليه ملوبا، برزن من الخدور، ناشرات الشعور على الخدود، لاطمات الوجوه، سافرات، وبالعويل داعيات، وبعد العز مذلات، والى مصرعك مبادرات. والشمر جالس على صدرك، ومولغ سيفه على نحرک، قابض على شيبتك بيده، ذابح لك بمهنده، قد سكت حواسك، وخفيت انفاسك، ورفع على القنأة رأسك، وسبى اهلك كالعبيد، وصفدوا في الحديد. فوق اقناب المطيات، تلفح وجوههم حر الهاجرات، يساقون في البراري والفلوات، ايديهم مغولة الى الاعناق، يطاف بهم في الاسواق.

[ ۳۰۳ ]

تا اینکه تو را از اسبت انداخته و مجروح بر زمین افتادی، اسبها با سمهایشان بر تو تازیدند و ستمگران و سرکشان شمشیرهای برانشان را بر تو فرود آوردند. پیشانیت برای مرگ عرق کرده بود، و به راست و چپ کشیده می شدی با گوشه چشم بسوی خیمه هایت نگریسته و فرزندان و خاندانت تو را بخود مشغول ساخته بود، و اسبت گریزان در حالیکه می گریست و شبیه می زد بسوی خیمه ها شتافت. هنگامی که زنان اسبت را با حالت شرمساری دیده و به زین واژگونش نظر افکندند، با موهای پریشان و شیون کنان و ناله کنان از خیمه ها بیرون آمدند، و در حالیکه پس از عزت و شکوه خوار و دلیل شده بودند بسوی قتلگاه شتافتند. در حالیکه شمر بر روی

سینه ات نشسته وشمشیرش را بر گودی زیر گوی تو فرو برده  
ومحاسنت را با دستش گرفته بود، سرت را با شمشیر خود برید، در  
آن حال آرامش خود را حفظ کرده ونفسهات پنهان شده بود، سرت  
بر بالای نیزه قرار داشت وخانواده ات همچون بندگان اسیر، و در غل  
وزنجیر قرار گرفتند. در فراز پالانهای چهارپایان چهره هاشان از گرمای  
ظهر تابستان می سوخت، ودر بیابانها ودشتهای پهناور پیش برده  
می شدند، دستهایشان به گردنهایشان آویخته ودر بازارها آنان را  
می گردانند.

---

[ ۳۰۴ ]

فالویل للعصاة الفساق، لقد قتلوا بقتلك الاسلام، وعطلوا الصلاة  
والصيام، ونقضوا السنن والاحكام، وهدموا قواعد الايمان، وحرقوا آيات  
القرآن، وهملجوا في البغى والعدوان. لقد اصبح رسول الله صلى الله  
عليه وآله موتورا، وعاد كتاب الله عزوجل مهجورا، وغودر الحق إذ  
قهرت مقهورا. وفقد بفقك التكبير والتهليل، والتحرير والتحلليل،  
والتنزيل والتأويل، وظهر بعدك التغيير والتبديل، والالحاد والتعطيل،  
والاهواء والاضاليل، والفتن والاباطيل. فقام ناعيك عند قبر جدك  
الرسول صلى الله عليه وآله، فنعاك إليه بالدمع الهطول، قائلا: يا  
رسول الله قتل سبطك وفتاك، واستبيح اهلك وحماك، وسبيت بعدك  
ذاريك، ووقع المحذور بعترتك وذويك. فانزعج الرسول، وبكى قلبه  
المهول، وعزاه بك الملائكة والانبياء، وفجعت بك امك الزهراء،  
واختلفت

---

[ ۳۰۵ ]

پس وای بر سرکشان گنهکار، به کشتنت اسلام را کشتند ونماز و  
روزه را بیهوده ومهمل گذاردند، سنتها واحکام را شکسته وپایه های  
ایمان را نابود کردند، آیات قرآن را تحریف ودر فساد ودشمنی سخت  
تلاش نمودند. آنگاه که تو کشته شدی بتحقیق که انتقام خون  
کشته شده رسول خدا - که درود خدا بر او وخاندانش باد - ناگرفته  
ماند، وکتاب خدایا شده وبه حق خیانت گردید. با نابودیت تکبیر  
وتهلیل، وتحريم وتحليل، وتنزيل وتأويل از میان رفت، پس از تو تغییر  
وتبديل وبی دینی وكفرو خواهشهای نفسانی، و گمراهی ها  
وآشوبها، وبیهودگی ها وباطلها آشکار گردید. خیر دهنده مرگت در  
کنار قبر جدت رسول خدا - که درود خدا بر او وخاندانش باد -  
پرخاست واشك ریزان خبر مرگت را به او داد، در حالیکه می گفت:  
ای رسول خدا ! فرزند وجوانت کشته شد، خانواده ونزدیکانت بیچاره  
شدند، وفرزندانت پس از تو اسیر گردیدند وخانواده و افرادت در  
گرفتاری بلا افتادند. پس پیامبر آشفته خاطر شده وقلب گریانش  
گریست، وبخاطر تو فرشتگان وپیامبران به او تسلیت گفتند، وبخاطر  
تو مادرت زهرا سوگوار

---

[ ۳۰۶ ]

جنود الملائكة المقربين، تعزي اباك أمير المؤمنين، واقامت لك المآتم  
في اعلا عليين، ولطمت عليك الحور العين. وبكت السماء وسكانها،  
والجنان وخرانها، والهضاب واقطارها، والبحار وحيثانها، والجنان  
وولدانها، والبيت والمقام، والمشعر الحرام، والحل والاحرام. اللهم  
فيحرمة المكان المنيف، صل على محمد وآل محمد، واحشرنني في  
زمرتهم، وادخلني الجنة بشفاعتهم. اللهم انى اتوسل اليك يا اسرع



الحاسبين، ويا اكرم الاكرمين، ويا احكم الحاكمين، بمحمد خاتم النبيين، رسولك الى العالمين اجمعين. وبأخيه وابن عمه الانزع البطين، العالم المكين، على أمير المؤمنين، وبفاطمة سيدة نساء العالمين، وبالحسن الزكي عصمة المتقين، وبأبي عبد الله الحسين اكرم المستشهدين، وبأولاده المقتولين، وبعترة المظلومين، وبعلی بن الحسين زين العابدين. وبمحمد بن علی قیلة الاوابين، وجعفر بن محمد اصدق

[ ۳۰۷ ]

ومصیبت زده شد، فرشتگان مقرب برای سوگواری وتسلیت گفتن به پدردت امیر مؤمنان نزد او می رفتند، و برایت در اعلی علیین مجلس عزا وماتم بر پا شد، وبخاطر تو حور العین بر خود سیلی زدند. آسمان وساکنانش، وبهشت ها وخزانه دارانش، وكوههای گسترده بر روی زمین وكرانه هایش، ودربارها وماهیانش، وجنیان وفرزندانشان، و خانه خدا ومقام ابراهیم، ومشعر الحرام وحل واحرام برای تو گریستند. پروردگارا ! به احترام این جایگاه بلند بر محمد وخاندانش درود فرست ومرا در زمره ایشان قرار ده، وبه شفاعت ایشان وارد بهشت کن. خدایا ! همانا من بتو متوسل می شوم، آی سریعترین حسابگران، وای کریمترین کریمان، وای حکم کننده ترین حکم کنندگان، به حق محمد خاتم پیامبران، فرستاده ات بسوی تمامی جهانیان. وبه برادر وپسر عمویش، جدا شده از شرك ودوگانه پرستی، انباشته از دانش وایمان، آن دانشمند بر خوردار از مقام بلند، علی امیر مؤمنان، و بحق فاطمه برترین بانوی جهان، وبحق حسن پاکیزه، نگاهبان تقوا پیشگان، وبحق حسین بزرگوارترین شهادت جویان، وبحق فرزندان کشته شده اش، وبخاندان مورد ظلم واقع شده اش، وبه علی بن حسین زینت عبادت کنندگان. وبه محمد بن علی قبله گاه بازگشت کنندگان، وجعفر بن محمد

[ ۳۰۸ ]

الصادقین، وموسى بن جعفر مظهر البراهین، وعلی بن موسی ناصر الدین، ومحمد بن علی قدوة المهدین، وعلی بن محمد ازهد الزاهدین، والحسن بن علی وارث المستخلفین، والحجة علی الخلق اجمعین، ان تصلى علی محمد وآل محمد الصادقین الابرین، آل طه وبس، وان تجعلني في القيامة من الامنين المطمئنين الفائزين، الفرحين المستبشرين. اللهم اكتبني في المسلمين، والحقني بال صالحين، واجعل لي لسان صدق في الاخرين، وانصرتي علی الباغین، واكفني كيد الحاسدين، واصرف عني مكر الماكرين، واقبض عني ایدی الظالمین، واجمع بينی وبين السادة الميامین في اعلا علیین، مع الذين انعمت عليهم من النبيین، والصدیقین والشهداء والصالحین، برحمتك يا ارحم الراحمین. اللهم انی اقسم عليك بنبيك المعصوم، وبحكمتك المحتوم، ونهيك المكتوم، وبهذا القبر الملموم، الموسد في كنفه الامام المعصوم، المقتول المظلوم، ان تكشف ما

[ ۳۰۹ ]

راستگوترین راستگویان، وموسى بن جعفر آشکار کننده برهانها، وعلی بن موسی یاور آئین، ومحمد بن علی پیشوا وپیشتاز هدایت کنندگان، وعلی بن محمد پارساترین پارسایان وحسن بن علی وارث

جانشینان و حجت بر تمامی آفریدگان، که بر محمد و خاندانش، آن راستگویان نیکوکار درود فرستی و مرا در روز قیامت از امان یافتگان، آسوده گان ورستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی. خدایا ! نام مرا در زمره مسلمانان قرار ده، و به صالحان بیوندد، و نامم را بر زبان اقوام آینده نیکو و سختم را دلپذیر گردان، و مرا برستمگران فاسد یاری کرده، و از حيله حسودان نگاهدار، و فریب فریبگران را از من دور ساز، و دستان ستمگران را از من کوتاه نما، و میان من و آقایان نیکوکاران در اعلیٰ علیین جمع گردان، به همراه پیامبران و تصدیق کنندگان و شهیدان و صالحان، که به آنان نعمت ارزانی داشتی، به رحمتت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. بارالها ! ترا بحق پیامبر معصومت و بحق حکم حتمی و نهی پوشیده ات، و بحق این قبرکه به زیارتش روی آورده، و امام معصومی که مظلومانه شهید شده و در آن جای داده شده، سوگند می دهیم که مرا از اندوهها بدر آورده،

---

[ ۳۱۰ ]

بی من الغموم، و تصرف عنی شر القدر المحتوم، و تجیرنی من النار ذات السموم. اللهم جللنی بنعمتک، ورضنی بقسمک، و تغمدنی بجدوک و کرمک، و باعدنی من مکرمک و نقمتک، اللهم اعصمنی من الزلل، و سدنی فی القول والعمل، و افسح لی فی مدة الاجل، و اعفنی من الالوجاع والعلل، و بلغنی بموالي و بفضلک افضل الامل. اللهم صل علی محمد و آل محمد و اقبل توبتی، و ارحم عبرتی، و اقلنی عثرتی، و نفس کریتی، و اغفر لی خطیئتی، و اصلح لی فی ذریتی. اللهم لا تدع لی فی هذا المشهد المعظم، و المحل المکرم، ذنبا الا غفرته، و لاعیبا الا سترته، و لا غما الا کشفته، و لا رزقا الا بسطته، و لا جاهها الا عمرته، و لا فسادا الا اصلحته، و لا أملا الا بلغته، و لا دعاء الا اجبته، و لا مضیقا الا فرجته، و لا شملا الا جمعته. و لا امرأ الا اتممته، و لا مالا الا کثرته، و لا خلقا الا حسنته، و لا انفاقا الا اخلفته، و لا حالا الا عمرته، و لا حسودا

---

[ ۳۱۱ ]

و شر و بدی قضا و قدرت را از من بازدار، و از آتش گرم دوزخ رهایم سازی. خدایا ! به نعمت خودت بزرگوایم گردان، و بعطایت از من خشنود شو، و وجود و کرم و بخشش از من پرده پوشی کن، و مرا از فریب و انتقامت دور دار، بارالها ! مرا از لغزش بازدار و در گفتار و عمل استوار گردان و عمرم را طولانی ساز، و از دردها و بیماریها سلامت دار، و بحق اولیایم و به فضل مرا به بهترین آرزوها نائل گردان. پروردگارا ! بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه ام را بپذیر، و بر گریه ام رحم نما، و لغزشم را جبران کرده، و سختی ام را آسان فرما، و اشتباهم را پوشانده، و فرزندم را نیکو و صالح گردان. بار خدایا ! در این شهادتگاه پر عظمت و مکان پر کرامت برایم گناهی را مگذار مگر آنکه آنرا ببخشی، و نه عیبی مگر آنرا ببوشانی، و نه اندوهی مگر آنرا اصلاح بنمائی، و نه رزقی را مگر آنکه افزون گردانی، و نه منزلت و مقامی را مگر آنکه آنرا بگسترانی، و نه فساد و تباهی را مگر آنکه اصلاحش بنمائی، و نه آرزویی را مگر اینکه آنرا به تحقق رسانی، و نه دعا و نیایشی را مگر آنکه آنرا بپذیری، و نه تنگنایی را مگر آنکه آنرا بگشائی، و نه تفرق و پراکندگی را مگر اینکه به اجتماع مبدل گردانی، و نه کاری را مگر آنکه به انجامش برسانی، و نه سرمایه ای را مگر آنکه آنرا افزون بنمائی، و نه اخلاقی را مگر آنکه نیکویش گردانی، و نه انفاق و بخشش را مگر آنکه مضاعف نمائی، و نه دگرگونی حالی را مگر آنکه

الا قمعته، ولاعدوا الا ارديته، ولاشرا الا كفيته، ولامرضا الا شفيته، ولابعيدا الا ادنيته، ولاشعنا الا لممته، ولاسؤالا الا اعطيته. اللهم انى اسألك خير العاجلة وثواب الاجلة، اللهم اغنني بحلالك عن الحرام، وبفضلك عن جميع الانام، اللهم انى اسألك علما نافعا، وقلبا خاشعا، وبقينا شافيا، وعملا زاكيا، وصبرا جميلا، وأجرا جزيلا. اللهم ارزقني شكر نعمتك على، وزد في احسانك وكرمك الى، واجعل قولى في الناس مسموعا، وعملى عندك مرفوعا، واثري في الخيرات متبوعا، وعدوى مقموعا. اللهم صل على محمد وآل محمد الاخيار، في اثناء الليل واطراف النهار، واكفنى شر الاشرار، وطهرني من الذنوب والاوزار، واجرنى من النار، واحلنى دار القرار، واغفر لي ولجميع اخواني فيك، وأخواتي المؤمنين والمؤمنات، برحمتك يا ارحم الراحمين. ثم توجه الى القبلة، وصل ركعتين، واقرأ في الاولى

أبادش کرده، ونه حسودی را مگر آنکه از میانش برده، ونه دشمنی را مگر آنکه آنرا درهم شکنی، ونه شر ویدی را مگر آنکه آنرا کفایت کنی، ونه بیماری را مگر آنکه شفایش دهی، ونه دور افتاده ای را مگر آنکه نزدیکش گردانی، ونه پراکندگی را مگر آنکه مجتمع بنمائی، ونه خواستی را مگر آنکه متحقق سازی. خداوندا ! از تو بهترین روی آوردنی وثواب آینده را خواستارم، بارالها ! مرا با حلالیت از حرامت، وبفضل وبخششت از تمامی آفریدگانت بی نیاز گردان، پروردگارا ! از تو دانش بهره دهنده، وقلب خاشع، وبیقین کامل، وکردار پاکیزه، وصبر زیبا وپاداش فراوان می خواهم. خدایا ! سپاسگزاری نعمتهایت را بر من ارزانی دار، واحسان وکرم وبخشش بی حسابت را بر من افزون فرما، وسختم را در میان انسانها مسموع ودانشم را نزد خود بلند پایه گردان، واثر مرا در خیرات پیوسته، و دشمنم را خوار وزبون وشکست خورده قرار ده. خداوندا ! بر محمد وخاندان برگزیده اش در تمامی لحظات شب و روز درود فرست، ومرا از شر بدان نگاهدار، واز گناه وپلیدی پاکیزه، و آتش جهنم را از من دور ساز، وخانه بهشت را بر من حلال، ومن وتمامی برادران وخواهران مؤمن، که در راه تو آنها را یافته ام را برحمتت مورد آمرزش قرار ده، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. سپس رو بسوی قبله کرده ودورکعت نمازبگذار، در رکعت اول سوره

سورة الانبياء، وفي الثانية الحشر، واقنت وقل: لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، لا اله الا الله رب السماوات السبع والارضين السبع، وما فيهن وما بينهن، خلافا لاعدائه، وتكذيبا لمن عدل به، واقارارا لربوبيته، وخضوعا لعزته، الاول بغير اول، والاخر بغير آخر، الظاهر على كل شئ بقدرته، الباطن دون كل شئ بعلمه ولطفه. لا تقف العقول على كنه عظمته، ولا تدرك الاوهام حقيقة ماهيته، ولا تتصور الانفس معاني كفيته، مطلعا على الضمائر، عارفا بالسرائر، يعلم خائنة الاعين وما تخفى الصدور. اللهم انى اشهدك على تصديقي رسولك صلى الله عليه وآله وايماني به، وعلمي بمنزلته، وانى اشهد انه النبي الذى نطقت الحكمة بفضله وبشرت الانبياء به، ودعت الى الاقرار بما جاء به، وحثت على تصديقه بقوله تعالى: " الذى يجدونه مكتوبا عندهم في التوراة والانجيل

انبیاء ودر رکعت دوم سوره حشر را قرائت نما، آنگاه فنوت گرفته و بگو: معبود حقی جز خداوند بردبار و بزرگوار وجود ندارد، معبود حقی جز خداوند برتر و بالاتر نیست، معبود حقی جز پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها ودر میان آنهاست، نمی باشد، در حالیکه با دشمنان او مخالف واز منحرفین او بیزار بوده، و به ربوبیت او اقرار، ودر برابر عزت او خضوع می کنم، او اول وابتدائی است که آغازی ندارد، پایانی است که انتهای ندارد، بر هر چیز با قدرتش غالب، وبادانش از درون هر چیز آگاه است. عقلها را به کنه عظمتش راهی نیست، وگمانها ووهمها حقیقت هستی اش را نمی یابند، وجانها در درک کیفیت او عاجزند، بر درونها آگاه و بر پنهانی ها آشناست، خیانت چشمها و آنچه سینه ها پنهان داشته اند را می داند. پروردگارا ! تو را بر تصدیق پیامبرت وایمان به او و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتت گواه می گیرم، و شهادت می دهم که او همان پیامبری است که حکمت به فضلش بسخن در آمده، و پیامبران به او بشارت داده، و به اقرار بدانچه آورده فرا خوانده، و به تصدیق نمودن ایشان تشویق نموده اند، همانگونه که این آیه حاکی از آن است: " کسی که نام او که در تورات و انجیل نوشته شده است را می یابند،

بأمرهم بالمعروف وبنهیهم عن المنکر ویحل لهم الطبیات ویحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم والأغلال التي كانت علیهم ". فصل علی محمد رسولك الی الثقلین، و سید الانبیاء المصطفین، وعلی اخیه و ابن عمه، اللذین لم یشرکا بك طرفة عین ابداء، وعلی فاطمة الزهراء سیده نساء العالمین. وعلی سیدی شباب اهل الجنة الحسن والحسین، صلاة خالدة الدوام، عدد قطر الرهام، وزنة الجبال والاکام، ما اورق السلام واختلف الضیاء والظلام، وعلی آله الطاهرین، الائمة المهتدین، الذائدين عن الدین، علی ومحمد، وجعفر وموسى، وعلی ومحمد، وعلی والحسن والحجة، القوام بالقسط، وسلالة السبط. اللهم انی اسألك بحق هذا الامام فرجا قریبا، و صبرا جمیلا، ونصرا عزیزا، و غنى عن الخلق، وثباتا فی الهدى، والتوفیق لما تحب وترضی، ورزقا واسعا حلالا طیبیا، مرینا دارا سائغا، فاضلا، مفضلا، صبا صبا، من غیر کد ولانکد، ولامنة من احد، و عافیة من کل بلاء وسقم

به نیکی فرمان داده، واز زشتی بازشان می دارد، پاکیزه را برای آنان حلال و ناپاکی هارا حرام می کند، گرفتاری ها و زنجیرهایی که در آنها گرفتارند را از ایشان باز می گشاید " پس بر محمد فرستاده ات به جن وانس، و برترین پیامبرانت، و بر برادر و پسر عمویشت، همان دو نفری که حتی يك چشم بر هم زدن بر تو شرك نوزیدند، و بر فاطمه برترین بانوی جهان درود فرست. و بر دو آقای جوانان اهل بهشت حسن و حسین درود فرست، درودی جاودانه و پیوسته، به تعداد قطرات بارانهای نم نم کننده پیوسته، و بوزن و سنگینی کوها و تپه ها، و سنگهای خاکستری رنگ، حرکت نورها و سایه ها، و بر خاندان پاکیزه اش و امامان هدایت شده و مدافعان از دین، علی و محمد و جعفر، و موسی و علی و محمد، و علی و حسن و حجت، پیا دارندگان

عدالت و نوادگان دختری پیامبر، خداوندا ! بحق این امام از تو گشایشی نزدیک، و شکیبائی زیاد، و یاری با عزت، و بی نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و موفقیت بر آنچه امر کرده ای و بدان خشنودی، و روزی گسترده حلال پاکیزه تازه نیکوی گوارا، و افزون یافته و مداوم، بدون زحمت و سختی و بی هیچ منتی از کسی را خواستارم، و نیز سلامتی از هر بلا و درد و بیماری، و سپاسگزاری

[ ۳۱۸ ]

و مرض، و الشکر علی العافیة والنعماء. وإذا جاء الموت، فاقبضنا علی احسن ما ینکون لک طاعة، علی ما امرتنا محافظین، حتی تؤدینا الی جنات النعیم، برحمتک یا ارحم الراحمین. اللهم صل علی محمد وآل محمد و اوحشنی من الدنیا، و أنسنی بالآخرة، فإنه لا یوحش من الدنیا الا خوفک، و لا یؤنس بالآخرة الا رجاؤک. اللهم لک الحجة لا علیک، و الیک المشتکی لا منک، فصل علی محمد وآله و اعنی علی نفسی الظالمة العاصیة، و شهوتی الغالبیة، و اختم لی بالعافیة. اللهم ان استغفاری ایاک، و أنا مصر علی ما نهیت، قلة حیاة، و ترکي الاستغفار مع علمي بسعة حلمک، تضییع لحق الرجاء. اللهم ان ذنوبي تؤیسنی ان ارجوک، و ان علمي بسعة رحمتک یمنعنی ان اخشاک، فصل علی محمد وآل محمد و صدق رجائی لک، و کذب خوفي منک، و کن لی عند احسن ظنی بک، یا اکرم الاکرمین.

[ ۳۱۹ ]

بر سلامتی و نعمتها را خواهانم. و هرگاه که زمان مرگمان فرا رسد جانمان را در بهترین حالت ممکن که در فرمانبری تو بوده و نگاهبان فرامینت باشیم بگیر، تا اینکه ما را به بهشت های با نعمت وارد کنی، به رحمتت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. بارالها ! بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا از دنیا بر حذر و به آخرت مأنوس دار، همانا چیزی جز خوف و ترس از تو [ مارا ] از دنیا بوحشت نینداخته و چیزی جز امیدواری به تو [ مارا ] به آخرت مأنوس نمی دارد. پروردگارا ! حجت و دلیل از آن توست و نه بر علیه تو، و شکوه و شکایت بسوی توست و نه از جهت تو، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر نفس بسیار ستمگر و عصیانگر، و شهوت چیره شونده ام یاری فرما، و عاقبتم را به عافیت و نیکی ببایان رسان. خداوندا ! طلب بخشایشم، در حالیکه بر آنچه نهی فرموده ای اصرار و پافشاری می کنم، بر اساس کم حیائی ام بوده، و ترک آمرزش طلبی ام از تو، با اینکه به بردباری گسترده ات آگاهم، زائل کردن امیدواری است. بارالها ! گناهانم مرا از امیدواری بتو مأیوس ساخته، و آگاهیم به گستردگی رحمتت مانع از خشیت من از تو شده است، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و امیدواریم بخودت را متحقق، و وحشتم از تورا زائل فرما، همانگونه که از توانتظار دارم برایم باش، ای بزرگوارترین بزرگواران.

[ ۳۲۰ ]

اللهم صل علی محمد وآل محمد و ابدنی بالعصمة، و انطق لسانی بالحكمة، و اجعلني ممن یندم علی ما ضیعه فی امسه، و لا یغین حظه فی یومه، و لا یهم لرزق غده. اللهم ان الغنی من استغنی بک و افتقر الیک، و الفقیر من استغنی بخلقک عنک، فصل علی محمد وآل محمد، و اغنني عن خلقک بک، و اجعلني ممن لا بیسط کفا الا الیک.

اللهم ان الشقى من قنط، وامامه التوبة ووراءه الرحمة، وان كنت ضعيف العمل فانى في رحمتك قوى الامل، فهب لى ضعف عملي لقوة املى. اللهم ان كنت تعلم ان في عبادك من هو اقسى قلبا منى، واعظم منى ذنبا، فانى اعلم انه لامولى اعظم منك طولا، واوسع رحمة وعفوا، فيامن هو اوحده في رحمة، اغفر لمن ليس باوحد في خطيئته. اللهم انك امرتنا فعصينا، ونهيت فما انتهينا، وذكرت فتناسينا، وبصرت فتعامينا، وحذرت فتعدينا، وما كان ذلك جزاء احسانك الينا، وانت اعلم بما اعلنا واخفينا،

[ ٣٢١ ]

پروردگارا ! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به عصمت تأیید فرما، و زبانم را به حکمت گویا کن، و مرا از کسانی قرار ده که بخاطر آنچه در شب گذشته ضایع ساخته پشیمان بوده، و از بهره روزش محروم و مغیوب نمی گردد، و در اندوه روزی فردایش نباشد. خدایا ! بی نیاز کسی است که از تو بی نیازی جوید و محتاج تو باشد، و نیازمند کسی است که از آفریدگانت طلب بی نیازی کند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از خلقت به خودت بی نیاز کن، و از کسانی قرار ده که دستش را جز بسوی تو نگشاید. خدایا ! بدبخت و تیره بخت کسی است که در حالیکه پیشاپیش او توبه و پشت سرش رحمت است نا امید باشد، و اگر معلم اندک است امیدم در رحمت تو بسیار می باشد، پس کمی کردارم را به فراوانی آرزویم ببخشای. بار خدایا ! اگر می دانی که در میان بندگانت سنگ دلتر از من و پیر گناهتر از من نیست، همانا من هم می دانم که مولا و آقائی از نظر فضیلت و برتری بزرگتر از تو، و رحیم تر از تو، و چشم پوشتر از تو وجود ندارد، پس ای کسیکه در رحمتش یکتا ست از کسی که در ارتکاب گناه تنها نیست چشم پوشی کنی. بارالها ! فرمانمان دادی سرپیچی کردیم، نهیمان فرمودی و ما نپذیرفتیم، متذکر مان کردی و ما فراموش نمودیم، چشم بصیرت عطا کردی و ما خود را به کوری زدیم، بر حذرمان داشتی پس تجاوز کردیم، این پاداش احسان تو بر ما نبود، و تو بد آنچه آشکار داشته و پنهان نمودیم

[ ٣٢٢ ]

واخبر بما نأتى وما أتينا، فصل على محمد وآل محمد، ولا تؤاخذنا بما أخطأنا ونسينا، وهب لنا حقوقك لدينا، وأتم احسانك الينا، واسئلك رحمتك علينا. اللهم انا نتوسل اليك بهذا الصديق الامام، ونسألك بالحق الذى جعلته له، ولجده رسولك، ولا يوبه على وفاطمة، اهل بيت الرحمة، ادرار الرزق الذى به قوام حياتنا، وصلاح احوال عيالنا، فأنت الكريم الذى تعطى من سعة وتمنع من قدرة، ونحن نسألك من الرزق ما يكون صلاحا للدنيا وبلاغا للاخرة. اللهم صل على محمد وآل محمد، واعفر لنا ولوالدينا، ولجميع المؤمنين والمؤمنات، والمسلمين والمسلمات، الاحياء منهم والاموات، وأتانا في الدنيا حسنة وفى الاخرة حسنة وقتنا عذاب النار. ثم تركع وتسجد وتجلس وتتشهد وتسلم، فإذا سبحت فعفر خديك وقل: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر - اربعين مرة.

[ ٣٢٣ ]

آگاهی، واز آنچه آورده ومی آوریم باخبری، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را بدانچه خطا کرده و فراموش کردیم بازخواست منما، حقوقی که نزد ما می باشد را بر ما ببخشای، واحسان خود را بر ما بی پایان رسان و رحمتت را بر ما فروریز. پروردگارا ! بوسیله این امام بسیار راستگو بتو متوسل شده، و بحقی که برای او وجدش فرستاده ات، و پدر و مادرش علی و فاطمه خاندان رحمت، قرار دادی، از تو روزی پیوسته، که قوام زندگی ماو آسایش خاندانمان در گرو آنست، را خواهانم، پس تو آن کریم و بخشنده ای هستی که از روی فراخی و گستردگی عطا کرده، و با قدرت باز می داری، و ما رزقی که مصلحت دنیا در آن بوده و رسیدن به آخرت در آنست را از تو درخواست می کنیم. خداوندا ! بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما و پدر و مادرمان و همه زنان و مردان مؤمن و مسلمان، زنده و مرده ایشان را بیامرز، و در دنیا و آخرت بما نیکوئی ارزانی فرما، و ما را از عذاب آتش نگاهدار. سپس برکوع برو و سجده کن و بنشین و تشهد گفته و سلام بگو، پس آنگاه که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی گونه ات را بر زمین گذار و چهل بار بگو: یاک و منزه است خداوند، و سپاس مخصوص اوست، و معبودی جز او نمی باشد، و خدا بزرگتر از آنست که بوصف در آید.

---

[ ۳۲۴ ]

وأسأل الله العصمة والنجاة، والمغفرة والتوفيق بحسن العمل والقبول، لما تتقرب به إليه وتبتغي به وجهه. وقف عند الرأس ثم صل ركعتين على ما تقدم، ثم انكب على القبر و قبله وقل: زاد الله في شرفكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. وادع لنفسك ولوالديك ولمن أردت.

---

[ ۳۲۵ ]

خداوند پرهیز از گناه و نجات از آتش جهنم، و آمرزش و توفیق برای کردارهای نیکو، و پذیرش آنچه بوسیله آن بسوی حضرتش نزدیک شده و خشنودی او را بدست آوری، را در خواست کن. و در بالای سر بایست و دور رکعت نماز را همانگونه که گذشت بجای آور، سپس بر روی قبر خم شو و آنرا بیوس و بگو: خداوند شرف شما را افزون گرداند، و سلام و رحمت و برکتهای خداوند بر شما باد. و آنگاه برای خودت و پدر و مادرت و هر که بخواهی دعا کن.

---

[ ۳۲۷ ]

فصل دوم (۱) گزیده ای از گفتار آن حضرت در توصیف خود در توصیف خود در توصیف حجت‌های خداوند. در اینکه خدا با آنان است در اینکه حق با آنان و در آنان است در اینکه آنان ساخته شده های خداوند می باشند در اینکه قلبهای آنان کانون اراده الهی است در رد امور به آنان در عدم انحراف به سوی غیر آنان در مورد عدم طلب معرفت الهی از غیر ایشان در مورد ستم کنندگان به ایشان در مورد کسانی که از آنان بیزار می جویند در مورد کسانی که از او انکار می کنند در مورد کسانی که او را می آزارند در مورد کسانی که اموال ایشان را بناحق تصاحب می کنند در مورد علت گرفتن خمس در علت غیبت ایشان در کیفیت بهره وری مردم از ایشان در زمان غیبت در کیفیت بهره بردن از ایشان در دوران غیبت در کیفیت بهره بردن از ایشان

---

[ ۳۲۸ ]

(۱) قوله (عليه السلام) في وصف نفسه انا المهدي، انا قائم الزمان، انا الذي املاها عدلا كما ملئت جورا. (۲) قوله (عليه السلام) في وصف نفسه انا بقية الله في ارضه، والمنتقم من اعدائه. (۳) قوله (عليه السلام) في وصف حجج الله تعالى عصمهم الله من الذنوب، وبرأهم من العيوب، وطهرهم من الدنس، ونزههم من اللبس، وجعلهم خزان علمه، ومستودع حكمته، وموضع سره، وايدهم بدلائل.

---

[ ۳۲۹ ]

(۱) سخن آن حضرت در توصیف خود منم مهدی، منم قائم، منم آنکه زمین را از عدالت پر گرداند، همانگونه که از ستم لبریز شده باشد. (۲) سخن آن حضرت در توصیف خود منم باقیمانده حجت‌های الهی در زمین، منم انتقام گیرنده از دشمنان خداوند. (۳) سخن آن حضرت در توصیف حجت‌های خداوند ایشان را از گناهان دور، واز عیبها وزشتیها منزه، واز آلودگی پاک، واز اشتباه وخطا مبرا ومحفوظ داشته، وآنان را نگاهبانان گنجینه علم خویش، وامانتدار حکمت خود، ورازدار اسرارش قرار داده، وبا دلائل روشن تأیید وپشتیبانی نموده است.

---

[ ۳۳۰ ]

(۴) قوله (عليه السلام) في ان الله معهم ان الله معنا، فلا فاقة بنا الى غيره، والحق معنا فلن يوحشنا من قعد عنا. (۵) قوله (عليه السلام) في ان الحق معهم وفيهم وليعلموا ان الحق معنا وفينا، ولا يقول ذلك سوانا الا كذاب مفتر، ولا يدعيه غيرنا الا ضال غوي. (۶) قوله (عليه السلام) في انهم صنایع ربهم نحن صنایع ربنا والخلق بعد صنایعنا.

---

[ ۳۳۱ ]

(۴) سخن آن حضرت در اینکه خدا با آنان است خدا با ماست، وبا بودن او نیازی به دیگری نداریم، وحق با ماست، واز اینکه کسی از ما روی گرداند ترس ووحشتی نداریم. (۵) سخن آن حضرت در اینکه حق با آنان ودر آنان است وپاید بدانند که براستی حق با ما ونزد ماست، وغیر از ما هر کسی این سخن را بگوید دروغگو وتهمت زننده می باشد، وجز گمراه وگمراه کننده غیر از ما کسی ادعای آن را نمی کند. (۶) سخن آن حضرت در اینکه آنان ساخته شده های خداوند می باشند. ما ساخته شده های پروردگار مان هستیم، وافرینش بعد از ما ساخته شده های ماست.

---

[ ۳۳۲ ]



(۷) قوله (عليه السلام) في ان قلوبهم وعاء مشية الله عزوجل قلوبنا اوعية لمشية الله، فإذا شاء شئتنا. (۸) قوله (عليه السلام) في التسليم لهم ورد الامور إليهم اتقوا الله وسلموا لنا، وردوا الامر لنا، فعلينا الاصدار كما كان منا الابرار، ولا تحاولوا كشف ما غطى عنكم. (۹) قوله (عليه السلام) في عدم الميل الى غيرهم ولا تميلوا عن اليمين وتعدلوا الى اليسار، واجعلوا قصدكم الينا بالمودة على السنة الواضحة.

---

[ ۳۳۳ ]

(۷) سخن آن حضرت در اینکه قلبهای آنان کانون اراده الهی است. دلهاى ما ظرف مشیت و اراده الهی است، پس هر گاه او بخواهد ما خواهیم خواست. (۸) سخن آن حضرت در رد امور به آنان از خدا بترسید و تسلیم ما شوید، و کار را بما واگذار نمائید، و برماست که شما را از سرچشمه سیراب بیرون آوریم، چنانکه بردن شما بسوی چشمه بوسیله ما بوده است، و در پی کشف آنچه از شما پوشیده شده است نروید. (۹) سخن آن حضرت در عدم انحراف بسوی غیر آنان از راه راست به راه چپ منحرف نشوید، و با مودت و دوستی نسبت بما حرکت مستقیم خود را بر آئینی روشن استوار سازید.

---

[ ۳۳۴ ]

(۱۰) قوله (عليه السلام) فيمن طلب معرفة الله من غير طريقهم طلب المعارف من غير طريقنا اهل البيت مساوق لانكارنا. (۱۱) قوله (عليه السلام) فيمن ظلمهم من ظلمنا كان في جملة الظالمين لنا، وكانت لعنة الله عليه، لقوله عزوجل: " الا لعنة الله على الظالمين ". (۱۲) قوله (عليه السلام) فيمن يبرأون منه كل من نبرأ منه، فان الله يبرأ منه وملائكته ورسله واوليائه.

---

[ ۳۳۵ ]

(۱۰) سخن آن حضرت در مورد طلب معرفت از غیر ایشان یافتن معارف جز از راه ما خاندان پیامبر، برابر با انکار ما می باشد. (۱۱) سخن آن حضرت در مورد ستم کنندگان به ایشان هر کس بما ستم روا دارد در زمره ستمکاران بما خواهد بود، و مشمول لعنت الهی می گردد، زیرا که خداوند فرموده است: " آگاه باشید که لعنت الهی بر گروه ستمکاران می باشد ". (۱۲) سخن آن حضرت در مورد کسانی که از آنان بیزارى می جویند از هر کس که ما از او اظهار برائت کنیم، خداوند و فرشتگان الهی و پیامبران و اولیائش نیز از او بیزار خواهد بود.

---

[ ۳۳۶ ]

(۱۳) قوله (عليه السلام) فيمن انكره ليس بين الله عزوجل وبين احد قرابة، ومن انكرني فليس منى. (۱۴) قوله (عليه السلام) فيمن آذاهم قد آذانا جهلاء الشيعة وحمقاؤهم، ومن دينه جناح البعوضة ارجح منه. (۱۵) قوله (عليه السلام) فيمن اكل من اموالهم من اكل من اموالنا شيئا فانما يأكل في بطنه نارا وسيصلى سعيرا.

---

[ ۳۳۷ ]

(۱۳) سخن آن حضرت در مورد کسانی که او را انکار می کنند بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست، و هر که مرا انکار کند از من نمی باشد. (۱۴) سخن آن حضرت در مورد کسانی که او را می آزارند نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پروبال پشه از دینداری آنان برتر و محکم تر است، ما را آزار می دهند. (۱۵) سخن آن حضرت در مورد کسانی که اموال ایشان را بناحق تصاحب می کنند هر کس بناحق چیزی از اموال ما را تصاحب کند، براستی درون خویش را از آتش انباشته است و بزودی به رو در آتش افکنده خواهد شد.

---

[ ۳۳۸ ]

(۱۶) قوله (عليه السلام) في علة اخذ الخمس اما اموالكم فلا تقبلها الا لتطهروا، فمن شاء فليصل ومن شاء فليقطع. (۱۷) قوله (عليه السلام) في علة الغيبة لم يكن احد من آبائي الا وقد وقعت في عنقه بيعة لطاغية زمانه، واني اخرج حين اخرج ولا بيعة لاحد من الطواغيت في عنقي. (۱۸) قوله (عليه السلام) في وجه الانتفاع به في الغيبة وجه الانتفاع بي في غيبتى، فكالاتنفاع بالشمس إذا غيبتها عن الابصار السحاب.

---

[ ۳۳۹ ]

(۱۶) سخن آن حضرت در علت گرفتن خمس اموال شما را نمی پذیریم مگر بخاطر اینکه پاک شوید، پس هر که می خواهد بپردازد، و هر کس که می خواهد نپردازد. (۱۷) سخن آن حضرت در علت غیبت ایشان هیچیک از پدران من نبودند مگر اینکه بیعتی از طغیانگران زمانش را برگردن داشته است، و من ظهور می کنم، و در هنگام ظهور، بیعت احدی از گردنکشان و طاغیان بر گردنم نیست. (۱۸) سخن آن حضرت در کیفیت بهره وری مردم از ایشان در زمان غیبت کیفیت بهره وری از من در دوران غیبتم، همچون بهره وری از خورشید در هنگامی که ابرها آنرا از دیدگان می پوشانند، می باشد.

---

[ ۳۴۰ ]

(۱۹) قوله (عليه السلام) في وجه الانتفاع به في زمن الغيبة انى امان لاهل الارض كما ان النجوم امان لاهل السماء. (۲۰) قوله (عليه السلام) في وجه الانتفاع به في زمن الغيبة بى يدفع الله عزوجل البلاء عن اهلي وشيعتي.

---

[ ۳۴۱ ]

(۱۹) سخن آن حضرت در کیفیت بهره بردن از ایشان در دوران غیبت من برای اهل زمین موجب امان و امنیت می باشم، همچنانکه ستارگان برای اهل آسمان اینگونه هستند. (۲۰) سخن آن حضرت

در کیفیت بهره بردن از ایشان در زمان غیبت خداوند بوسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می سازد.

---

[ ۳۴۳ ]

فصل دوم (۲) گزیده ای از گفتارها آن حضرت در مورد رجوع به روان احادیث در دوران غیبت در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می شوند در آگاهی او به شیعیان در رعایت حال شیعیان در اینکه ظهور او به دست خداست در عدم تعیین وقت برای ظهور در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست در سپردن زمان ظهور به خدا در وظیفه مردم در زمان غیبت در علت تأخیر در ظهور در علت عدم توفیق دیدار او در دعا برای تعجیل در فرج او در نهی از انجام گناهان در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست. در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی گردد در پناه بودن به خدا از بعضی از امور در مورد اینکه خلقت بیوده نیست در مورد کسی که طالب هدایت است در فضیلت نماز

---

[ ۳۴۴ ]

(۲۱) قوله (عليه السلام) في الرجوع الى رواية الاحاديث في زمن الغيبة واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا، فانهم حجتى عليكم وانا حجة الله عليهم. (۲۲) قوله (عليه السلام) فيمن ادعى المشاهدة في زمن الغيبة من ادعى المشاهدة قبل خروج السفيناني والصيحة، فهو كذاب مفتر. (۲۳) قوله (عليه السلام) في علمه باخبار الشيعة في زمن الغيبة فانا نحيط علما بانباتكم، ولا يعزب عنا شئ من اخباركم.

---

[ ۳۴۵ ]

(۲۱) سخن آن حضرت در مورد رجوع به روايات احاديث در دوران غیبت واما در رویدادهای تازه پس به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها می باشم. (۲۲) سخن آن حضرت در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می شوند هر که پیش از خروج سفینانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا بنماید، دروغگو و تهمت زننده می باشد. (۲۳) سخن آن حضرت در آگاهی او به شیعیان ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی باشد.

---

[ ۳۴۶ ]

(۲۴) قوله (عليه السلام) في رعاية حال شيعته في زمن الغيبة انا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم، ولولا ذلك لنزل بكم اللاواء واصطلمكم الاعداء. (۲۵) قوله (عليه السلام) في ان ظهوره الى الله عزوجل فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره، وذلك بعد طول الامد، وقسوة القلوب، وامتلاء الارض جورا. (۲۶) قوله (عليه السلام) في عدم تعيين وقت للظهور اما ظهور الفرج فانه الى الله تعالى ذكره، كذب الوقاتون.

---

[ ۳۴۷ ]

(۲۴) سخن آن حضرت در رعایت حال شیعیانش ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یادشما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواریها و مصیبتها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند. (۲۵) سخن آن حضرت در اینکه ظهور او بدست خداست ظهوری نیست مگر بعد از اجازه خداوند متعال، و این اجازه بعد از مدتی دراز و تیرگی دلها و پیر شدن زمین از ظلم و جور تحقق می یابد. (۲۶) سخن آن حضرت در عدم تعیین وقت ظهور اما ظهور فرج، آن به اراده الهی بوده، و کسانی که برای ظهور وقتی را تعیین می کنند، دروغگو می باشند.

---

[ ۳۴۸ ]

(۲۷) قوله (عليه السلام) في ان غلبة الحق و اضمحلال الباطل يقع بعد ظهوره إذ اذن الله في القول ظهر الحق و اضمحل الباطل و انحسر عنكم. (۲۸) قوله (عليه السلام) في ايكال امر الظهور الى الله عزوجل اغلقوا ابواب السؤال عما لا يعنيكم، ولا تتكلفوا علم ما قد كفيتم. (۲۹) قوله (عليه السلام) في تكليف العباد في زمن الغيبة فليعمل كل امرئ منكم بما يقرب به من محبتنا، و يتجنب ما يذنبه من كراهتنا و سخطنا، فان امرنا بغتة فجأة حين لا تنفعه توبة، ولا ينجيها من عقابنا ندم على حوبة.

---

[ ۳۴۹ ]

(۲۷) سخن آن حضرت در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست آنگاه که خدا بما اجازه عمل دهد، حق آشکار و باطل نابود می گردد. (۲۸) سخن آن حضرت در سپردن زمان ظهور به خدا از آنچه که به حالتان فائده ای ندارد سؤال نکنید، و خود را برای دانستن آنچه که از شما نخواسته اند به مشقت نیندازید. (۲۹) سخن آن حضرت در وظیفه مردم در زمان غیبت پس هر يك از شما باید کاری بکند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک می کند، و از آنچه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم ماست دوری گیرند، زیرا فرمان و امر ما ناگهان فرا می رسد، در هنگامیکه توبه و بازگشت برای او سودی ندارد، و پشیمانی او از گناه، از کیفر ما نجاتش نمی بخشد.

---

[ ۳۵۰ ]

(۳۰) قوله (عليه السلام) في علة تأخير الظهور لو ان اشيعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم، لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها منهم بنا. (۳۱) قوله (عليه السلام) في علة عدم التوفيق لزيارته ما يحسننا عنهم الا ما يتصل بنا مما نكرهه ولا نؤثره منهم. (۳۲) قوله (عليه السلام) في الدعاء لتعجيل الفرغ

اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج، فان ذلك فرجكم. (۳۰) سخن آن حضرت در علت تأخیر در ظهور اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدمی شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، وسعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، وصدافتی از آنان نسبت بما. (۳۱) سخن آن حضرت در علت عدم توفیق دیدار او ما را از ایشان دور نمی دارد، مگر آن دسته از کردارهای آنان که مارا ناپسند وناخوشایند است، واز آنان روا نمی داریم. (۳۲) سخن آن حضرت در دعا برای تعجیل در فرج او برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که فرج شما در همان است.

(۳۳) قوله (عليه السلام) في النهي عن اجتناب المعاصي العاقبة - بجمیل صنع الله سبحانه - تكون حميدة لهم، ما اجتنبوا المنهى عنه من الذنوب. (۳۴) قوله (عليه السلام) في ان الارض لا تخلو من حجة ان الارض لا تخلو من حجة، اما ظاهرا واما مغمورا. (۳۵) قوله (عليه السلام) في تحقق اتمام الحق وزهوف الباطل ابى الله عز وجل للحق الا اتماما، وللباطل الا زهوفا. (۳۶) قوله (عليه السلام) في ان اقدار الله لا يغلب اقدار الله عزوجل لا تغالب، واراوته لا ترد، وتوفيقه لا يسبق.

(۳۳) سخن آن حضرت در نهی از انجام گناهان فرجام کار - با دخالت وساخت نیکوی خداوند - ما دامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود. (۳۴) سخن آن حضرت در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست همانا زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، خواه آشکار باشد یا پنهان. (۳۵) سخن آن حضرت در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل خداوند از اینکه حق را نا تمام گذارد و باطل را از بین نبرد، ابا دارد. (۳۶) سخن آن حضرت در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی گردد تقدیرهای خداوند بزرگ مغلوب نمی شود، و اراده او سرکوب نمی گردد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.

(۳۷) قوله (عليه السلام) في التعويد من بعض الامور اعوذ بالله من العمر بعد الجلاء، ومن الضلالة بعد الهدى ومن موبقات الاعمال، ومرديات الفتن. (۳۸) قوله (عليه السلام) في ان الخلق لا يكون عبثا ان الله تعالى لم يخلق الخلق عبثا ولا اهملهم سدى. (۳۹) قوله (عليه السلام) فيمن طلب الرشاد والهداية ان اشترشدت ارشدت، وان طلبت وجدت. (۴۰) قوله (عليه السلام) في فضل الصلاة ما ارغم انف الشيطان شئ افضل من الصلاة، فصلها وارغم الشيطان انفه.

(۳۷) سخن آن حضرت در پناه بردن بخدا از بعضی از امور پناه می برم به خدا از ناپیئائی پس از روشنائی، و از گمراهی پس از هدایت، و از رفتار هلاکت بار و فتنه های نابود کننده. (۳۸) سخن آن حضرت در مورد اینکه خلقت بیهوده نیست برآستی خدای متعال مردم را بیهوده نیافریده و بیکاره رها نساخته است. (۳۹) سخن آن حضرت در مورد کسیکه طالب هدایت است اگر خواستار هدایت ورشد باشی ارشاد خواهی شد، و اگر جویا شوی می یابی. (۴۰) سخن آن حضرت در فضیلت نماز هیچ چیز بمانند نماز، بینی شیطان را بخاک نمی ساید، پس نماز بگذار و بینی ابلیس را بخاک بمالان.

---

[ ۳۰۷ ]

فصل سوم اشعاری در مدح آن حضرت بر دل تیره ام آی چشمه خورشید بتاب گفتم فراق تاکی گفتا که تا تو هستی تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی سوخت زسوز ساز تو مفتقر نوال تو بهر خداکن به ظهورت شتاب

---

[ ۳۰۹ ]

بر دل تیره ام آی چشمه خورشید بتاب دلبرا گریناوزی بنگاهی مارا \* خوشتر است اردهی منصب شاهی مارا بمن بی سروپا گوشه چشمی بنما \* که محال است جزاین گوشه پناهی مارا بر دل تیره ام آی چشمه خورشید بتاب \* نبوددتر از این روزسیاهی مارا از ازل در دل ما تخم محبت کشتند \* نبود بهتر از این مهر گیاهی مارا گرچه از پیشگه خاطر عاطر دوریم \* هم مگر یاد کند لطف تو گاهی مارا باغم عشق که کوهیست گران بردل ما \* عجب است ارخرد دوست بگاهی مارا نه دل آشفته تر و شیفته تر از دل ماست \* نه جزآن خاطر مجموع گواهی مارا مفتقر راه بمعموره حسن تو نبرد \* بده آی پیر خرابات تو راهی مارا " کمپانی "

---

[ ۳۱۰ ]

گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی گفتم که روی خویت، ازمن چرانهان است ؟ \* گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است گفتم که از که پرسم، جانانشان کویت ؟ \* گفتانشان چه پرسى ؟ آن کوی بی نشان است ! گفتم مرا غم تو، خوشتر ز شادمانی \* گفتا که در ره ما، غم نیز شادمان است ! گفتم که سوخت جانم، از آتش نهانم \* گفت آنکه سوخت اورا، کی نادی فغان است گفتم فراق تا کی ؟ گفتا که تا توهستی \* گفتم نفس همین است ؟ گفتاسخن همان است گفتم که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما \* گفتم غمم بیفزا گفتا که رایگان است گفتم ز (فیض) بپذیر این نیم جان که دارد \* گفتا نگاه دارش، غمخانه تو جان است " فیض کاشانی "

---

[ ۳۱۱ ]

تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی همه هست آرزویم که ببینم از توروبی \* چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی به

کسی جمال خود را ننموده ای و بینم \* همه جا به هر زبانی بود از تو گفتگویی غم ورنج و درد و محنت، همه مستعد قنلم \* تو بیر سراز تن من، بیر از میانه گویی به ره تو بس که نالم، ز غم تو بس که جویم \* شده ام ز ناله نالی، شده ام زمویه مویی همه خوشدل این که مطرب، بزند به تار چنگی \* من از این خوشم که چنگی بزیم به تار مویی چه شود که راه یابد، سوی آب تشنه کامی \* چه شود که کام جوید، زلب تو کام جویی شود این که از ترحم، دمی از سحاب رحمت \* من خشک لب هم آخر، ز تو تر کنم گلویی بشکست اگر دل من به فدای چشم مستت \* سرخم می سلامت، شکند اگر سیویی همه موسم تفرج به چمن روندو صحرا \* تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی " رضوانی شیرازی "

---

[ ۳۶۲ ]

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی \* دل بی تو به جان آمد، وقتست که بازایی در آرزوی رویت، بنشسته بهر راهی \* صد زاهد و صد عابد، سرگشته سودایی مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد \* کز دست، نخواهد شد، پایان شکیبایی ای درد توام درمان، در بستر ناکامی \* وی یاد توام مونس، در گوشه تنهایی فکر خود و رای خود، در امر تو کی گنجد \* کفر است در این وادی خود بینی و خودرایی در دایره فرمان، ما نقطه تسلیمیم \* لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی گستاخی و پرگویی، تا چند کنی ای " فیض " \* بگذر تو از این وادی، تن ده به شکیبایی " فیض کاشانی "

---

[ ۳۶۳ ]

خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی ای شاهد عالم سوز در حسن و دلارائی \* وی شمع جهان افروز در جلوه و زیبائی حسن تو تجلی کرد در طور دل عشاق \* چون سینه سینا شد هر سر سویدائی عشق رخ تو آتش در خرمن هستی زد \* شد هر شررش شوری در هر سر و سودائی مرغان چمن هر يك در نغمه بیاد تو \* بلبل بغزخوانی طوطی بشکر خائی ما سوخته هجریم افروخته هجریم \* آموخته هجریم با صبر و شکیبائی دلداده روی تو آشفته موی تو \* سرگشته کوی تو چون واله و شیدائی ای خاک درت برتر ز آئینه اسکندر \* اقلیم ملاحظت را امروزه تو دارائی ای سرو قدت رعنا اندر چمن خوبی \* خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی از مفتقر دلربش کاری نرود از پیش \* جزآنکه بلطف خویش این عقده تو بگشائی " کمپانی "

---

[ ۳۶۴ ]

سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو صورت شاهد ازل جلوه گراز جمال تو \* معنی حسن لم یزل در خور خط و خال تو جام جهان نمای جم ساغر درد نوش تو \* طلعت لیلی قدم آینه مثال تو کوکب دری فلک شمع در سرای تو \* سرمه دیده ملک خاک ره نعال تو عرصه فرش ساحت گوشه نشین گدای تو \* قبه عرش حلقه منطقه جلال تو دفتر علم و معرفت نسخه حکمت و ادب \* نقطه مهملی است در دایره کمال تو ماه دو هفته بنده حسن یگانه روی تو \* پیر خرد بمعرفت کودک خردسال تو رفرف عقل پیر اگر از سرسدره بگذرد \* باز نمی رسد باول قدم خیال تو نخله طور اگر گهی دم زند انااللهی

\* داد سماع می دهد مطرب خوش مقال تو گلشن جان نمی دهد  
چون تو گلی دگر نشان \* خلد جنان نپرورد سرو باعتدال تو خضر اگر  
چه زندگی زاب حیات یافته \* باز کند دوندگی در طلب زلال تو ای  
بغدای ناز تو وان دل دلنواز تو \* سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو  
" کمپانی "

---

[ ۳۶۵ ]

بهر خدا کن به ظهورت شتاب ای خجل از طلعت تو آفتاب \* چند  
کنی روی نهان در حجاب غوث جهان مهدی صاحب زمان \* فیض خدا  
عالم علم کتاب ای تو امید همه مستضعفان \* ای تو پناه همه  
ازشیخ وشاب خلیفه الهی وعین کمال \* مبین حکمت وفصل  
الخطاب پیش جلال تو جلال عقول \* کم بود از ذره بر آفتاب بحر  
محیطی تو وما قطره ایم \* آب حیاتی تو وما ها سراب ما همه  
فرعیم وتو اصل اصیل \* ما همه قشریم وتو لب لباب گیرد اگر خصم  
بد اختر زمین \* هست به میدان تو کم از ذباب کی رسد آن دور  
طلائی که تو \* زعدل وانصاف کنی فتح باب آه از این غیبت طولانیت  
\* واین همه رنج والم بی حساب

---

[ ۳۶۶ ]

کی شب هجران تو گردد سحر \* کی فتد از آن رخ زیبا نقاب پر شده  
عالم زفساد وفتن \* گشته زآشوب وز طغیان خراب از ستم خیل ابر  
ظالمان \* خلق گرفتار فساد وعذاب شرع پیمبر شده متروک ونیست  
\* گردش احوال بوفوق صواب دین خدا بین که محرف شده \* عرضه  
به مردم بنما دین ناب کار بشر می نرود بر نظام \* تا نهنی پای تو  
اندر رکاب حال ضعیفان ستمدیده بین \* بهر خدا کن به ظهورت  
شتاب ای سر خوبان ونکویان همه \* ای خلف حضرت ختمی مآب  
(لطفی صافی) بلقائنی نما \* مفتخر وروزبه وکامیاب از خطر وهول  
قیامت دهید \* برگ نجاتش ز عقاب وعتاب " لطف الله صافی "

---

[ ۳۶۹ ]

۱ - فهرست منابع ادعیه ۱ - این دعا را راوندی در کتاب دعوات: ۹۴  
نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار الانوار ۹۴: ۲۰۶ و فیض  
کاشانی در صحیفه مهدویه: ۱۲۴، این دعا را از کتاب دعوات نقل  
کرده اند. ۲ - این دعا را کفعمی در مصباحش: ۲۰۸، ودر بلد الامین:  
۳۴۹ نقل کرده است، همچنین در صحیفه مهدویه: ۶۹ ومنتخب  
الاثر: ۵۲۴ ذکر شده است. ۳ - این دعا را سید بن طاووس در مهج  
الدعوات: ۲۹۵ نقل کرده و می گوید: این دعا را در مجموعه ای که  
بعنوان ادعیه مستجاب از پیامبر وائمه (علیهم السلام) بود یافتم،  
بحار الانوار ۹۵: ۴۵۰ این دعا را از مهج الدعوات نقل کرده است.  
همچنین کفعمی در مصباحش: ۳۰۶، و فیض در صحیفه مهدویه:  
۱۱۲ این دعا را ذکر کرده اند. ۴ - راوندی این دعا را در قصص الانبیاء:  
۳۶۵ نقل کرده است. ۵ - این دعا را محدث نوری در کتاب جنه  
المأوی که در بحار الانوار ۵۳: ۳۰۲ بچاپ رسیده، از ملحقات کتاب  
انیس العابدین نقل می کند که او از ابن طاووس نقل کرده این دعا را  
از امام زمان (علیه السلام) در سرداب آنحضرت در هنگام سحر  
شنیده است. ۶ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب جمال  
الاسبوع: ۳۰۱ - ۳۰۶ باسندش از گروهی از اصحاب باسندشان از  
شیخ طوسی، از حسین بن عبیدالله،



از محمد بن احمد بن داود وهارون بن موسی تلعبری، از احمد بن علی رازی، در کتابش بنام شفاء وجلاء از محمد بن جعفر اسدی، از حسین بن محمد بن عامر اشعری، از یعقوب بن یوسف ضراب غسانی در هنگام بازگشت او از اصفهان نقل کرده است. علامه مجلسی این دعا را از کتاب جمال الاسبوع در بحار الانوار ۹۴: ۷۸ و ۵۲: ۸ ذکر کرده است. همچنین شیخ طوسی در مصباحش: ۴۰۶ و کتاب الغیبة: ۱۶۸، و کفعمی در مصباحش: ۵۴۹ و بلد الامین: ۷۹، و طبری در دلائل الامامة: ۳۰۲ و فیض در صحیفه مهدویه: ۵۲ این دعا را نقل کرده اند. می گویم: در روایت اختصاص این دعا به روز جمعه ذکر نشده است. ۷ - این دعا را طبرسی در احتجاج ۲: ۴۹۲، یا سندش از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۵۳: ۱۷۱، ۱۰۲: ۸۱، ۹۴: ۲ این دعا را از آن کتاب آورده است. همچنین مؤلف مزارکبیر این دعا را با سندش از عربی بن مسافر وهبة الله بن نما، از حسین بن احمد بن طحال، از حسن بن محمد طوسی از پدرش شیخ طوسی، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن اشناس، از محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن زنجویه قمی، از حمیری، و نیز از حسن بن اشناس، از ابی المفضل شیبانی، از حمیری نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۵۳: ۱۷۳ این دعا را از این کتاب آورده است. سید بن طاووس با اختلافاتی این دعا را در مصباح الزائر: ۲۲۳ نقل می کند، و بحار ۱۰۲: ۹۲ آن را از او نقل می نماید. این دعا را علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶ با اختلافاتی از خط شیخ جبعی، بنقل از خط شیخ اجل علی بن سکون، از عربی بن مسافر عبادی، از حسین بن احمد

بن طحال مقدادی، از ابی علی طوسی، از پدرش شیخ طوسی، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن حسین بزاز، از محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن علی بن زنجویه قمی، از حمیری نقل کرده است. ۸ - این دعا را طبرسی در احتجاجش ۲: ۴۸۴، با سندش از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از امام زمان (علیه السلام) آورده است، و علامه مجلسی آنرا در بحار ۸۴: ۲۵۹، ۵۳: ۱۶ از آن کتاب نقل نموده است. ۹ - این دعا در کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ۱۳۳ بنقل از آیت الله مرعشی نجفی ذکر شده است. ۱۰ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۶۷ از کتاب عمل رجب وشعبان و ماه رمضان تألیف احمد بن عبد الله بن عیاش، از ابی الطیب حسن بن احمد بن محمد بن عمر بن عبد الله بن صباح قزوینی، و ابی الصباح محمد بن احمد بن محمد بن عبد الرحمان بغدادی، از استادشان نقل کرده است. علامه مجلسی این دعا را در بحار ۸۵: ۲۳۳ از کتاب مهج الدعوات ذکر کرده است. همچنین کفعمی در بلد الامین: ۵۷۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۴۸ این دعا را آورده اند. ۱۱ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۶۸ از کتاب عمل رجب وشعبان و ماه رمضان، تألیف احمد بن عبد الله بن عیاش، از ابی الطیب حسن بن احمد بن محمد بن عمر بن عبد الله بن صباح قزوینی، و ابی الصباح محمد بن احمد بن محمد بن عبد الرحمان بغدادی، از استادشان نقل کرده است. علامه مجلسی این دعا را در بحار الانوار ۸۵: ۲۳۳ از آن کتاب نقل نموده است.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۵۷۰ و فیض در صحیفه مهدویه: ۵۲ و لطف الله صافی در منتخب الاثر: ۵۲۲ این دعا را آورده اند. ۱۲ - این دعا در کتاب شیفتگان حضرت مهدی (علیه السلام): ۱۳۳ بنقل از آیت الله مرعشی نجفی ذکر شده است. ۱۳ - این دعا را سید بن طاووس در فتح الابواب: ۳۶۵ نقل کرده و علامه مجلسی در کتاب بحار ۹۱: ۲۳۹ و محدث حر عاملی در کتاب وسائل ۸: ۷۲ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند. ۱۴ - این دعا را علامه حلی در منهاج الصلاح با سندش از پدرش از سید رضی الدین محمد بن محمد بن محمد آوی حسینی نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار الانوار ۹۱: ۲۴۸، ۵۳: ۲۷۱، و محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۶۲ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند. همچنین کفعمی در بلد الامین: ۱۶۰، و در مصباحش: ۳۹۱ و سید بن طاووس در فتح الابواب: ۳۷۲، و شهید اول در ذکری: ۲۵۲ این دعا را نقل کرده اند. محدث حر عاملی در کتاب وسائل ۸: ۸۱، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۴ این دعا را از مصادر فوق آورده اند. ۱۵ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب فتح الابواب: ۳۰۶ با سندش از محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش ذکر کرده که می گوید: این دعا آخرین توفیق آنحضرت می باشد. علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۲۷۵ و محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۳۷ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند. همچنین کفعمی در بلد الامین: ۱۶۳، و در مصباحش: ۳۹۵، و فیض

در صحیفه مهدویه: ۱۱۲ این دعا را آورده اند. ۱۶ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۲۸۱، با سندش از علی بن حماد مصری، از حسین بن محمد علوی، از محمد بن علی علوی مصری ذکر می کند. علامه مجلسی این دعا را در بحار ۹۵: ۲۶۶ از آن کتاب نقل می کند. همچنین کفعمی در بلد الامین: ۳۹۳، و فیض در صحیفه مهدویه: ۳ این دعا را ذکر کرده اند. این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۸ پسند دیگری آورده و گوید: این دعا را در کتابی قدیمی که کاتب آن حسین بن علی بن هند بوده و آنرا در شوال سال ۳۹۶ نوشته است پیدا کردم، در آن چنین آمده: دعائی که امام زمان (علیه السلام) به مردی از شیعیانش که مورد ستم واقع شده بود آموخت و خداوند او را رهایی داد و دشمنی بقتل رسید، حدیث کرد مرا ابو علی احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر بن محمد علوی عریضی، و او از محمد بن علی علوی حسینی مصری، که گفت: موضوع سختی برای پیش آمده - تا آخر حدیث. علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۲۰۷ و محدث نوری در دار السلام ۱: ۳۰۳ این دعا را نقل کرده اند. ۱۷ - این دعا را کفعمی در بلد الامین: ۳۳۳، و فیض در صحیفه مهدویه ۵: ۳۱ نقل و آنرا به امام زمان (علیه السلام) منسوب کرده اند. همچنین سید بن طاووس آنرا در مهج الدعوات ۳۳۹ با سندش از محمد بن محمد بن محمد قاضی آوی نقل کرده، و بحار ۹۵: ۳۷۸ و ۵۳: ۲۲۲ آنرا از این کتاب ذکر کرده است. و نیز سید این دعا را با نقصان و زیاده بسیاری در مهج الدعوات: ۲۴۲

آورده است. می گویم: علامه حلی در آخر کتاب منهاج الصلاح این دعا را به امام صادق (علیه السلام) منسوب کرده، و محدث نوری در دار السلام ۲: ۱۳۱ این دعا را از آن کتاب ذکر کرده است. ۱۸ - این دعا را سید علی خان شیرازی در کلم الطیب آورده، و در کتاب

منتخب الاثر: ۵۲۱ از آن کتاب دعا را ذکر می کند. ۱۹ - مرحوم طبرسی در کتاب کنوز النجاح این دعا را ذکر کرده وگوید: دعائی که امام زمان (علیه السلام) به محمد بن احمد بن ابی لیث در شهر بغداد در قبرستان قریش آموخت، واو از ترس کشته شدن به آنجا پناه برده وبه آنحضرت متوسل شده بود، و ببرکت این دعا نجات یافت. محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در بحار الانوار ۵۳: ۲۷۵ بچاپ رسیده این دعا را از آن کتاب نقل می کند. ابن المشهدی در کتاب مزارش: ۱۹۶، وشهید اول در مزارش: ۲۱۰، و مفید در مزارش، وكفعمی در مصباحش: ۲۷۶، این دعا را با اختلافاتی ذکر کرده اند. علامه مجلسی این دعا را در بحار ۱۰۲: ۱۱۹ از مزار مفید نقل کرده است. ۲۰ - این دعا را سید بن طاووس در جمال الاسبوع: ۱۷۰ نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۱۹۰، ومحدث حر عاملی در وسائل ۸: ۱۸۵ و فیض در صحیفه مهدویه: ۲۹ وراوندی در قصص الانبیاء این دعا را ذکر کرده اند. ۳۱ - این دعا را علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۱۸۷ از کتاب شهید بنقل از کتاب استدرک یکی از قدماء اصحاب ذکر کرده، که او این دعا را با سندش از دوریستی، از جدش، از پدرش، از شیخ صدوق، از احمد بن ثابت نقل کرده است.

---

[ ۳۷۰ ]

كفعمی در مصباحش: ۳۰۵، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۱ این دعا را آورده اند. ۲۲ - این دعا را طبری در دلائل الامامة: ۳۰۴، با سندش از محمد بن هارون تلعبیری، از ابی بقل کاتب نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۲۰۰ و ۹۱: ۲۴۹ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. همچنین سید بن طاووس این دعا را در فرج المهموم: ۲۴۵ نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۰۴ ومحدث نوری در مستدرک ۶: ۲۰۸ این دعا را از آن کتاب نقل می کنند، مرحوم فیض در صحیفه مهدویه: ۱۲۸ این دعا را آورده است. ۲۳ - این دعا را شیخ طوسی در مصباحش: ۲۲۰ وكفعمی در بلد الامین: ۵۹، با سندشان از محمد بن صلت قمی آورده اند. علامه مجلسی در بحار ۸۶: ۱۷۱ و فیض در صحیفه مهدویه: ۶۷ این دعا را از این دو کتاب نقل کرده اند. می گویم: در مصادر این دعا بعنوان اضافه ای بر دعاء حریق که در ضمن ادعیه پیامبر وحضرت فاطمه (علیهما السلام) آورده ایم نقل شده است. ۲۴ - این دعا را كفعمی در مصباحش: ۲۶۵ وبلد الامین: ۳۴۹، و فیض در صحیفه مهدویه: ۴۶ نقل کرده اند. ۲۵ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۹۴ به نقل از کتاب النجاح مرحوم طبرسی، با سندش از احمد بن دربی، از خامه از حسین بن محمد بزوفری آورده است. علامه مجلسی در بحار ۸۹: ۳۲۳، ومحدث نوری در مستدرک ۶: ۷۵ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند.

---

[ ۳۷۱ ]

همچنین كفعمی در مصباحش: ۲۹۶ وطبرسی در مكارم الاخلاق ۲: ۱۲۵ فیض در صحیفه مهدویه: ۹۸ این دعا را آورده اند. ۲۶ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۳۰۲ وكفعمی در مصباحش: ۲۱۹، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۵ نقل کرده اند. علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۲۷۸ این دعا را از کتاب مهج الدعوات آورده است. ۲۷ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۴۵ وكفعمی در مصباحش: ۳۰۵ و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۰۰ آورده اند. علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶۵ آنرا از کتاب مهج الدعوات ذکر می کند. ۲۸ - این دعا را محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در ضمن بحار ۵۳: ۲۲۶ چاپ شده، از خط سید زین الدین علی بن حسین نقل کرده است. ۲۹ - این دعا را

سید در کتاب اقبال: ۶۴۴، باسندش از کتاب معالم الدین، از محمد بن ابی‌دواد، از محمد بن جعفر دهان، از امام زمان (علیه السلام) نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۱ آنرا از کتاب اقبال نقل می‌کند. همچنین شهید در مزارش: ۳۶۴، وان مشهدی در مزار کبیر ۱۷۹ از علی بن محمد بن عبد‌الرحمان شوشتری نقل کرده اند. علامه مجلسی در بحار ۱۰۰: ۴۴۶، ومحدث نوری در مستدرک ۳: ۴۴۱ و ۴۴۳ این دعا را از این دو کتاب نقل کرده اند. ونیز سید در مصباح الزائر: ۵۶، وفیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۸ این دعا را آورده اند. می‌گوییم: ابتدای این دعا از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است، مراجعه شود به عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۲: ۱۷۲، بحار الانوار ۸۵: ۲۵۸.

---

[ ۳۷۷ ]

۳۰ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب اقبال: ۶۴۶، باسندش از شیخ طوسی، از گروهی از اصحاب، از ابن عیاش، از خیرین عبد‌الله، از محمد بن عثمان بن سعید، از ناحیه مقدسه روایت کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۲ آنرا از این کتاب آورده است. همچنین شیخ در مصباحش: ۸۰۳، وكفعمی در بلد الامین: ۱۷۹، ودر مصباحش: ۵۲۹ این دعا را آورده اند. ۳۱ - این دعا را سید در اقبال: ۶۴۷، باسندش از جدش شیخ طوسی، از ابن عیاش، از ابی‌القاسم حسین بن روح نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۳ این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند. همچنین شیخ در مصباحش: ۸۰۴، وكفعمی در مصباحش: ۵۲ وبلد الامین: ۱۸۰، وفیض در صحیفه مهدویه: ۱۰۲ این دعا را آورده اند. ۳۲ - این دعا را شیخ در مصباحش: ۸۲۱، باسندش از ابن عیاش، از خیر بن عبد‌الله، از ابی‌القاسم حسین بن روح نقل می‌کند. سید در اقبال: ۶۳۱ ومجلسی در بحار ۱۰۲: ۱۹۵ آنرا از شیخ نقل کرده اند. ۳۳ - این دعا را سید در اقبال: ۶۷۵ با سندش از طرازی در کتابش، از احمد بن علی بن روح، از محسن بن عبد‌الحکم شجری، از کتاب ابی‌نصر جعفر بن محمد بن حسین بن هیثم، از حسین بن روح نقل کرده است. محدث نوری در مستدرک ۶: ۳۹۱ آنرا از این کتاب نقل کرده است. سید بن طاووس این دعا را با اختلاف از شیخ در اقبال: ۶۷۷ نقل نموده است. ۳۴ - این دعا را ابن مشهدی در مزارش: ۱۹۰ بنقل از محمد بن علی بن ابی

---

[ ۳۷۸ ]

قره با سندش از کتاب محمد بن حسین بزوفری نقل نموده است. سید بن طاووس این دعا را در مصباح الزائر: ۲۳۰ از ابن مشهدی نقل کرده، ودر اقبال: ۳۹۰ نیز آنرا آورده است. علامه مجلسی در تحفة الزائر: ۳۴۲ وفیض در صحیفه مهدویه: ۷۵ این دعا را از ابن دو مصدر نقل کرده اند. می‌گوییم: ظاهر کلام ابن‌المشهدی در مزارش وسید در مصباح الزائر آنستکه دعا از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام بوده وقرائنش در اعیاد چهارگانه مستحب است، اما علامه مجلسی این دعا را در زاد المعاد نقل کرده وبه امام صادق علیه السلام منسوب نموده است. ۳۵ - فیض در صحیفه مهدویه: ۱۰۳ این دعا را نقل کرده وگوید: دعائی که امام زمان (علیه السلام) برای شیعیانش نوشته‌و آنان را امر فرمود که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخوانند. همچنین سید در اقبال: ۵۸ با سندش از محمد بن ابی‌قره از ابی‌الغنائم محمد بن محمد بن محمد بن عبد‌الله حسنی، از محمد بن محمد بن نصر سکونی، نقل کرده که گوید: از احمد بن عثمان بغدادی خواستم که ادعیه ماه رمضان که عمویش

محمد بن عثمان بن سعید عمری آنها را در این ماه می خواند را برایم بیاورد، او دفتری آورد که جلدش قرمز بود و من دعاها را زیاد را از آن نقل کردم و از جمله آنها این دعا بود که در آن دفتر چنین نگاشته شده بود: این دعا را در هر شب از ماه رمضان می خوانی، دعا در این ماه را فرشتگان شنیده و برای خواننده آن دعا می کنند. شیخ طوسی در مصباح ۵۷۷ این دعا را بدون سند نقل کرده است.

---

[ ۳۷۹ ]

۳۶ - این دعا را سید در اقبال ۲۷۵، باسندش از محمد بن ابی قرة در کتابش، از محمد بن محمد بن نصر سکونی، از احمد بن محمد بن عثمان بغدادی، از عمویش محمد بن عثمان بن سعید عمری نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۱ این دعا را از آن کتاب آورده است. همچنین شیخ در مصباحش: ۶۵۵، وکفعمی در بلد الامین: ۲۴۱، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۲۴ این دعا را ذکر کرده اند. ۲۷ - این دعا را سید در جمال الاسبوع: ۳۱۵ باسندش از شیخ طوسی از گروهی از اصحاب، از تلعبیری، از ابن همام، از عثمان بن سعید عمری نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۳۳۰، ۵۲: ۱۸۷ این دعا را از آن کتاب آورده است. همچنین شیخ صدوق در کمال الدین ۲: ۵۱۹، باسندش از ابی محمد حسن بن احمد مکتب از ابی علی بن همام نقل کرده است که شیخ عمری نائب اول امام زمان (علیه السلام) این دعا را برای او خواند تا در ایام غیبت آنحضرت بخواند. علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۳۲۷ و ۵۲: ۱۸۲ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. و نیز شیخ در مصباحش: ۴۱۱، وکفعمی در بلد الامین: ۳۰۶، و سید در مصباح الزائر: ۲۲۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۸۹ این دعا را ذکر کرده اند. علامه مجلسی در بحار ۱۰۲: ۸۹ این دعا را از سید آورده است. ۳۸ - این دعا را شیخ صدوق در کمال الدین ۲: ۴۲۸، باسندش از ابن ادریس، از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن ابراهیم کوفی، از محمد بن عبد الله مطهری، از حکیمه دختر امام هادی (علیه السلام)، نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۱۳ و ۵۲: ۳۰ آنرا از این کتاب نقل کرده است.

---

[ ۳۸۰ ]

فتال در روضة الواعظین: ۲۵۹ و حلی در عدد القویة: ۷۲ این دعا را آورده اند ۳۹ - میرزا عبد الله اصفهانی در جلد پنجم ریاض العلماء در شرح زندگانی شیخ ابی جواد نعمانی، این دعا را از زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حائری، شاگرد شهید اول، از پسر ابی جواد نعمانی نقل می کند. محدث نوری در جنة المأوی که در ضمن بحار ۵۳: ۲۷۰ چاپ شده این دعا را از آن کتاب نقل کرده است. ۴۰ - این دعا را شیخ در کتاب الغیبة: ۱۵۱، با سندش از گروهی از اصحاب، از محمد بن علی بن حسین، از پدرش و محمد بن حسن و محمد بن موسی بن متوکل، از حمیری، از محمد بن عثمان نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۵۱ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. همچنین شیخ صدوق در فقیه ۲: ۵۲۰، و در کمال الدین ۲: ۴۴۰ این دعا را آورده است. ۴۱ - این دعا را شیخ در الغیبة: ۱۵۲ با سندش از محمد بن عثمان نقل کرده است. و علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۵۱ این دعا را از این کتاب آورده است. همچنین شیخ صدوق در فقیه ۲: ۵۲۰ و کمال الدین ۲: ۴۴۰ آنرا آورده است. ۴۲ - این دعا را حلی در عدد القویة: ۷۵ نقل می کند، و علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶۵، ۵۲: ۳۹۱ آنرا از این کتاب آورده است. همچنین طبری در دلائل الامامة: ۲۴۴ با سندش از محمد بن

هارون بن موسی از پدرش از محمد بن همام، از جعفر بن محمد حمیری، از احمد بن جعفر، از علی بن محمد روایت کرده است.

[ ۳۸۱ ]

فیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۳ این دعا را آورده است. ۴۳ - این دعا را سید در جمال الاسبوع: ۲۷، از کسی که آنحضرت را در روز یکشنبه در بیداری مشاهده کرده که جدش حضرت علی (علیه السلام) را زیارت می کرده است، نقل می کند. علامه مجلسی در بحار ۱۰۲: ۲۱۲، ۵۳: ۲۷۱ این دعا را از این کتاب آورده است. ۴۴ - این دعا در مزار کبیر: ۱۶۵ از ناحیه مقدسه روایت شده، و علامه مجلسی در بحار ۱۰۱: ۳۲۸ و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۴۲ آنرا از این کتاب نقل نموده اند. و نیز در بحار ۱۰۱: ۲۱۷ این دعا از مزار شیخ مفید نقل شده است.

[ ۳۸۲ ]

۲ - فهرست منابع احادیث \* (فهرست منابع احادیث) \* (۱) بحار الانوار ۵۲: ۲، کمال الدین شیخ صدوق ۲: ۴۴۵. (۲) بحار الانوار ۵۲: ۲۴، (۳) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۳، الغیبة شیخ طوسی: ۱۷۵، احتجاج طبرسی: ۴۶۸. (۴) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۱، کمال الدین ۲: ۵۱۱. (۵) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۱، کمال الدین ۲: ۵۱۱. (۶) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۱، کمال الدین ۲: ۵۱۱. (۷) بحار الانوار ۵۳: ۵۱. (۸) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۱، کمال الدین ۲: ۵۱۰. (۹) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۱، کمال الدین ۲: ۵۱۰. (۱۰) کتاب دین و فطرت، بنقل از استاد میرزا مهدی اصفهانی. (۱۱) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۳، الغیبة: ۱۸۰. (۱۲) احتجاج ۲: ۴۷۴. (۱۳) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۰، کمال الدین ۲: ۴۸۴. (۱۴) احتجاج ۲: ۴۷۴. (۱۵) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۳، الغیبة: ۱۸۰. (۱۶) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۰، کمال الدین ۲: ۴۸۴. (۱۷) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۵، احتجاج ۲: ۴۷۱. (۱۸) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۵، احتجاج ۲: ۴۷۱.

[ ۳۸۳ ]

(۱۹) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۵، احتجاج ۲: ۴۷۱. (۲۰) بحار الانوار ۵۳: ۳۰، کمال الدین ۲: ۴۴۱. (۲۱) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، الغیبة: ۱۷۷، کمال الدین ۲: ۴۸۴، احتجاج ۲: ۴۷۰. (۲۲) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۴۶۸، الغیبة: ۱۷۵. (۲۳) بحار الانوار ۵۳: ۱۷۵، احتجاج ۲: ۴۹۷. (۲۴) بحار الانوار ۵۳: ۱۷۵، احتجاج ۲: ۴۹۷. (۲۵) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۴۶۸، الغیبة: ۱۷۵. (۲۶) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۴، الغیبة: ۱۷۷. (۲۷) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۴۶۸، الغیبة: ۱۷۵. (۲۸) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۵، احتجاج ۲: ۴۷۱. (۲۹) بحار الانوار ۵۳: ۳۰، کمال الدین ۲: ۴۴۱. (۳۰) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، الغیبة: ۱۷۷، کمال الدین ۲: ۴۸۴، احتجاج ۲: ۴۷۰. (۳۱) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۴۶۸، الغیبة: ۱۷۵. (۳۲) بحار الانوار ۵۳: ۱۷۵، احتجاج ۲: ۴۹۷. (۳۳) بحار الانوار ۵۳: ۱۷۵، احتجاج ۲: ۴۹۷. (۳۴) بحار الانوار ۵۳: ۱۷۵، احتجاج ۲: ۴۹۷. (۳۵) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۴۶۸، الغیبة: ۱۷۵. (۳۶) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۴، الغیبة: ۱۷۷. (۳۷) بحار الانوار ۵۳: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۴۶۸، الغیبة: ۱۷۵. (۳۸) بحار الانوار ۵۳: ۱۸۱، کمال الدین ۲: ۴۸۵، الغیبة: ۱۷۷. (۳۹) بحار الانوار ۵۳: ۱۷۶، احتجاج ۲:

٤٩٧. (٣٠) احتجاج ٢: ٤٩٩، بحار الانوار ٥٣: ١٧٧ (٣١) بحار الانوار  
٥٣: ١٧٧، احتجاج طبرسي ٢: ٤٩٩. (٣٢) بحار الانوار ٥٣: ١٧٧،  
احتجاج طبرسي ٢: ٤٩٩. (٣٣) بحار الانوار ٥٣: ١٨١، الغيبة: ١٧٧،  
احتجاج ٢: ٤٧٠، كمال الدين ٢: ٤٨٤. (٣٤) بحار الانوار ٥٣: ١٩١،  
كمال الدين ٢: ٥١١. (٣٥) بحار الانوار ٥٣: ١٩٣، الغيبة: ١٧٥،  
احتجاج ٢: ٤٦٨. (٣٦) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١.  
(٣٧) بحار الانوار ٥٣: ١٩١، كمال الدين ٢: ٥١١. (٣٨) بحار الانوار  
٥٣: ١٩٤، الغيبة: ١٧٥، احتجاج طبرسي: ٤٦٨. (٣٩) كمال الدين ٢:  
٥٠٢. (٤٠) بحار الانوار ٥٣: ١٨٢، كمال الدين ٢: ٥٢٠، الغيبة: ١٨٠.

مكتبة يعسوب الدين عليه السلام الإلكترونية

---